

به نام خدا



فصلنامه

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال هشتم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۷

این فصلنامه طبق نامه شماره ۳/۱۸۱۶۵۵ مورخ ۱۳۹۱/۸/۱۳ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

از شماره سوم با درجه علمی _ پژوهشی منتشر می‌شود.

صاحب امتیاز: دانشگاه الزهراء (س)

مدیر مسئول: سید علی حسینی

سر دبیر: علی رحمانی

عضو هیئت تحریریه	دانشگاه	درجه علمی	رشته
احمد احمدپور	دانشگاه مازندران	استاد	حسابداری
امید پورحیدری	دانشگاه شهید باهنر کرمان	استاد	حسابداری
رضوان حجازی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
سید احمد خلیفه سلطانی	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
علی رحمانی	دانشگاه الزهراء (س)	استاد	حسابداری
حسین سجادی	دانشگاه شهید بهشتی	استاد	حسابداری
غلامرضا سلیمانی امیری	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
شهناز مشایخ	دانشگاه الزهراء (س)	دانشیار	حسابداری
بیبا مشایخی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری
ساسان مهرانی	دانشگاه تهران	دانشیار	حسابداری

ویراستار علمی و ادبی: امیر محمدی

ویراستار انگلیسی: الهه ابراهیمی

صفحه آرا: خدیجه اسفندی

کارشناس نشریه: مهناز امیری خواه

چاپ و صحافی: کارگاه گرافیک رامتین

نشانی: تهران، میدان شیخ بهایی شمالی، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی

کد پستی: ۱۹۹۳۸۹۳۹۷۳

تلفن و نمابر: ۸۸۲۱۲۵۷۸

تارنما: <http://jera.alzahra.ac.ir>

رایانامه: jera@alzahra.ac.ir

خط مشی انتشار مجله

پژوهش‌های تجربی حسابداری فصلنامه‌ای است با رویکرد علمی- پژوهشی که با رسالت توسعه دانش و پژوهش حسابداری در کشور، به انتشار مقاله‌های پژوهشی* در حوزه حسابداری مبادرت می‌کند. مقالات با رویکرد تجربی/ آرشویی، آزمایش، بین رشته‌ای/ انتقادی، بازارپایه، پیمایش و مدل سازی که از ویژگی اصالت و نوآوری برخوردار باشند، در اولویت بررسی و انتشار خواهند بود. مهم ترین حوزه‌های مورد تأکید برای انتشار مقاله‌ها به شرح زیر می‌باشد:

۱. پژوهش‌های تجربی حسابداری در بازار سرمایه و بازار پول
۲. پژوهش‌های تجربی در حسابرسی و اطمینان بخشی
۳. پژوهش‌های تجربی در گزارشگری مالی و راهبری شرکتی

راهنمای تدوین و شرایط پذیرش مقاله‌ها

مقاله‌های ارسال شده پس از داوری تخصصی و در صورت تأیید هیئت تحریریه، به چاپ می‌رسد. از تمامی استادان و پژوهشگران گرامی که مقاله‌های خود را برای چاپ به این فصلنامه ارسال می‌کنند، تقاضا می‌شود، در تنظیم مقاله به موارد زیر توجه کنند.

۱. شکل مقاله

مقاله در محیط نرم‌افزاری Word 2007، در اندازه صفحه A4 (حاشیه‌ها از بالا ۴، پایین ۶/۵، چپ ۴/۵ و راست ۵ سانتی‌متر)، قلم فارسی متن Nazanin B با اندازه قلم: برای عنوان مقاله ۱۶ و برای نام نویسندگان ۱۲ به صورت پررنگ (Bold) و وسط چین؛ قلم فارسی متن Zar B با اندازه قلم: برای قسمت چکیده ۱۱، متن اصلی مقاله ۱۲، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، واژه‌های کلیدی ۱۰ و محتوای فارسی نگاره‌ها ۱۰؛ فاصله بین خطوط یک سانتی متر و تورفتگی ابتدای هر پاراگراف معادل ۰/۳ سانتی متر و ردیف شده (Justify)؛ قلم انگلیسی متن Times New Roman با اندازه قلم: برای عنوان انگلیسی (پررنگ) ۱۴، چکیده انگلیسی ۱۲، فرمول‌ها ۱۱ (چپ چین)، پی نوشت ۱۱، منابع ۱۱، محتوای انگلیسی نگاره‌ها ۹، طبقه‌بندی موضوعی ۸؛ عناوین نگاره‌ها و نمودارها ایتالیک و پررنگ (Bold)، دارای فاصله ۶ سانتی متر قبل و بعد از نگاره و نمودار و به صورت وسط چین؛ حداکثر در ۱۸ صفحه (شامل منابع و ماخذ) و بدون شماره گذاری صفحات، حروف چینی و فایل اصلی مقاله و فایل بدون نام نویسنده از طریق

سامانه‌ی دریافت مقاله‌ها www.jera.ir ارسال شود. تا جایی که ممکن است، در متن مقاله از عکس استفاده نشود و در صورت استفاده، عکس با کیفیت بالا و سیاه و سفید باشد.

۲. ساختار مقاله

۱-۲. **صفحه جلد مقاله:** این صفحه باید شامل موارد زیر باشد:

- عنوان کامل مقاله؛

- نام نویسنده یا نویسندگان (نام نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، با علامت ستاره مشخص شود)؛

- رتبه علمی و نام مؤسسه یا دانشگاه یا محل اشتغال (به صورت فارسی و انگلیسی)، نشانی کامل نویسنده‌ای که عهده‌دار مکاتبات است، شامل: نشانی پستی، شماره تلفن، نمابر و نشانی پست الکترونیک (برای تمام نویسندگان)؛

- در ذکر نام نویسنده‌ها از القاب و عناوین استفاده نشود و فقط رتبه علمی و محل خدمت درج شود.

۲-۲. **صفحه اول مقاله:** عنوان و چکیده مقاله به زبان فارسی. چکیده در چهار پاراگراف شامل موضوع و هدف مقاله، روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، و نتیجه‌گیری و اصالت و افزوده آن به دانش (در مجموع حداکثر ۱۶۵ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر پنج واژه) و کد طبقه‌بندی JEL باشد. این کدگذاری برای طبقه‌بندی موضوعی در ادبیات اقتصادی طراحی شده است و جزئیات نحوه استفاده از آن در پایگاه اینترنتی:

< <http://www.aeaweb.org/jel/guide/jel.php> > قابل دسترسی است.

۳-۲. **صفحه دوم تا انتهای مقاله:** این بخش باید در بردارنده موارد زیر باشد:

- مقدمه (چند پاراگراف شامل بیان مسئله، مبانی نظری، هدف، اهمیت و ضرورت آن)؛

- مروری بر پیشینه (صرفاً پژوهش‌های مرتبط و به ترتیب زمانی یا موضوعی بررسی شود و نتیجه آن در پایان این بخش استخراج ماتریس نظریه و یا مدل مفهومی یا تحلیلی باشد که متغیرهای پژوهش را مستند می‌سازد و تدوین فرضیه‌های پژوهش)؛

- روش پژوهش (شامل: روش پژوهش، ابزار گردآوری اطلاعات، فنون تجزیه و تحلیل و مدل آزمون فرضیه‌ها، تعریف متغیرهای مورد مطالعه و تعریف عملیاتی آن‌ها (می‌تواند در همان بخش مدل‌های آزمون فرضیه ارائه شود و در این صورت نیازی به تکرار ندارد)، جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری)؛

- یافته‌های پژوهش (شامل: ارائه یافته‌ها، مقایسه آن با یافته‌های پژوهش‌های مذکور در پیشینه و تفسیر انطباق یا ناسازگاری یافته‌ها با پژوهش‌ها و نظریه‌ها)؛
- نتیجه‌گیری (شامل: خلاصه مسئله، ارائه خلاصه نتایج و نتیجه‌گیری کلی و ارائه پیشنهادها بر مبنای نتایج (توصیه‌های سیاستی صرفاً در تحقیقات کاربردی ضرورت دارد)، و در صورت لزوم پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی با توجه به محدودیت‌های پژوهش یا چگونگی توسعه پژوهش حاضر)؛
- فهرست منابع.
- چکیده انگلیسی (که باید ترجمه مفهوم و روانی از چکیده فارسی باشد).

۳. ارجاع‌های درون‌متنی

- به منظور ارجاع‌ها در متن مقاله از روش APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که:
 - نام خانوادگی نویسنده همراه با سال انتشار آن در متن به صورت فارسی ارائه می‌شود و نیازی به ذکر معادل انگلیسی اسامی در پی‌نوشت نمی‌باشد. چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود از ویرگول (،) و چنانچه تعداد منابع مورد استناد بیش از یک عدد بود از نقطه و ویرگول (؛) به منظور جدا سازی استفاده شود.
 - هر منبعی که در متن مقاله به آن اشاره می‌شود، باید اطلاعات کامل آن در فهرست منابع درج شود و به غیر از این منابع، منبع دیگری در فهرست منابع و ماخذ درج نشود.
 - در صورت نیازه توضیحات لازم درباره اصطلاح‌ها و یا ذکر معادل‌های انگلیسی واژه‌های درون‌متنی (به غیر از اسامی نویسندگان)، از پی‌نوشت استفاده شود. در متن به هیچ عنوان نباید عبارات و اصطلاحات انگلیسی ارائه شود، مگر در مورد فرمول‌ها و معادله‌ها.

۴. فهرست منابع

- برای تنظیم فهرست منابع، از روش ارجاع APA (ای. پی. ای) استفاده می‌شود؛ به این ترتیب که ابتدا منابع فارسی و پس از آن منابع انگلیسی، به ترتیب حروف الفبا و بر اساس نام خانوادگی نویسنده، به شرح زیر ذکر و شماره گذاری می‌شود:
 - ۴-۱. **کتاب:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (سال انتشار). (نقطه و یک فاصله) نام کتاب با حروف ایتالیک، (ویرگول و یک فاصله) نام مترجم، (ویرگول و یک فاصله) محل انتشار (دو نقطه و یک فاصله) نام انتشارات. (نقطه)

۲-۴. **مقاله:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیك، دوره (شماره) با حروف ایتالیك، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه)

۳-۴. **مقالات بر خط:** نام خانوادگی، نام کامل نویسنده. (نقطه و یک فاصله) (تاریخ انتشار). (نقطه و یک فاصله) عنوان مقاله. (نقطه و یک فاصله) نام نشریه با حروف ایتالیك، دوره (شماره) با حروف ایتالیك، (ویرگول و یک فاصله) شماره صفحه شروع - (خط فاصله) پایان مقاله. (نقطه و یک فاصله) دریافت شده از (دو نقطه و یک فاصله) آدرس سایت

۳-۴. **گزارش‌ها و سایر منابع:** در این باره نیز اطلاعات کافی و کامل ارائه شود.

- در فهرست منابع چنانچه تعداد نویسندگان بیش از یک نفر بود، اسامی آنها با استفاده از نقطه ویرگول (؛) جدا شود.

- فهرست منابع نیازمند شماره گذاری نمی‌باشد. چنانچه بیش از یک عنوان از یک یا چند نویسنده مورد استناد قرار گرفته باشد، علاوه بر رعایت ترتیب حروف الفبا، ترتیب سال انتشار نیز رعایت شود؛ به این صورت که کتاب یا مقاله‌ای که زودتر (قدیمی تر) انتشار یافته است، در فهرست زودتر درج می‌شود. به منظور جلوگیری از بروز اشتباه بین منابع مختلف درج شده در فهرست، شروع هر منبع بدون تورفتگی یا بیرون زدگی خواهد بود و چنانچه عبارت طولانی شد، ادامه با تورفتگی (با استفاده از تکنیک Hanging) ۵/۵ سانتی متر می‌باشد.

۵. نمودارها، نگاره‌ها و فرمول‌ها

عنوان نمودارها در زیر و عنوان نگاره‌ها در بالای آنها درج شود. بهتر است نمودارها و نگاره‌ها، در داخل متن و پس از جایی که به آنها اشاره شده، درج شوند. برای شماره گذاری از شماره ۱ (عددی و داخل پرانتز، مانند نگاره (۱)) تا... استفاده شود. داخل نگاره‌ها باید به فارسی نوشته شود و در شرایط استفاده ممیز، از به کار بردن نقطه به جای ممیز خودداری گردد؛ در صورت ضرورت ضمن درج عنوان فارسی متغیرها، یک ستون می‌تواند به نمادهای مورد استفاده برای متغیر به زبان انگلیسی به گونه‌ای که در معادله‌ها و مدل‌ها استفاده شده اختصاص یابد. عناوین ستون‌ها در نگاره‌ها، به صورت وسط چین بوده و سطر اول هر نگاره که شامل عناوین ستون‌هاست با رنگ طوسی و درجه روشنی ۲ نمایش داده شود. برای اشاره به محتوای نگاره‌ها و نمودارها در متن، می‌بایست با استفاده از شماره آنها، ارجاع مناسب صورت گیرد. فرمول‌ها نیز در نگاره‌هایی دو ستونی به صورت خطوط نامرئی (No Border) ارائه و به صورت مدل (۱) (عددی و داخل پرانتز) تا... شماره گذاری شوند.

۶. پی نوشت‌ها

اصطلاحات انگلیسی و برخی توضیحات لازم در پی نوشت (نه زیر نویس) و به صورت نگاره چهار ستونی (شامل شماره پی نوشت و محتوای پی نوشت) با خطوط نامرئی (No Border) ارائه شود. شماره گذاری پی نوشت‌ها به صورت متنی و بدون استفاده از تکنیک EndNote در ورد درج شود.

فهرست مطالب

- بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با افشا اطلاعات پایداری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران..... ۱
محمد کاشانی پور، غلامرضا جندقی، محمد رحمانی
- بررسی اثر بازگشت مدیریت سود واقعی بر عملکرد عملیاتی بلند مدت شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران..... ۲۳
الناز تجویدی، حسین عامری
- بررسی رابطه بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران..... ۳۹
پری چالاکی، فرزاد غیور، کاوه باقری
- بررسی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود..... ۶۱
مهدی کاظمی علوم، مصطفی عبدی، محسن ختنلو، مژده جعفری
- ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» (در ایران «ارائه به نحو مطلوب») به نفع کیست؟..... ۸۳
یحیی حساس یگانه، مرضیه توحیدی نژاد
- میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری صاحب‌کاران در اجرای روش‌های تحلیلی توسط حسابرسان..... ۱۱۱
مهدی مرادی، محمدعلی باقرپور ولاشانی، عبدالله آزاد، مصطفی قناد
- بیش اعتمادی مدیریت صاحبکار و اظهارنظر غیرمقبول حسابرس..... ۱۳۵
مریم سمیاری، بهمن بنی مهد
- استراتژی‌های کسب‌وکار و رابطه آن با عملکرد مالی شرکت‌ها..... ۱۵۷
محمد مرفوع، رباب شاکری
- بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد مدل معادلات ساختاری..... ۱۸۵
رضا جامعی، حجت رمن
- شفافیت افشا در خصوص فعالیت در ارزش‌گذاری حساب‌های ذخیره‌ای و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی..... ۲۱۱
زهرا امیرحسینی، امید هادیان پور

بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی با افشا اطلاعات پایداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد کاشانی پور*، غلامرضا جندقی**، محمد رحمانی***

تاریخ ۱۸ / ۰۵ / ۹۵

تاریخ ۰۳ / ۰۴ / ۹۶

چکیده

از آنجا که احتمال دارد شرکت‌ها از گزارش‌های پایداری به عنوان ابزاری جهت مشروعیت بخشیدن به عملکرد خود استفاده کرده و کاستی‌های مربوط به کیفیت گزارش‌های مالی خود را از طریق این اطلاعات پوشش دهند، هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات پایداری است تا از این طریق شرکت‌هایی که واقعا از نظر اجتماعی مسئولیت‌پذیر می‌باشند، شناسایی شوند. پژوهش حاضر از بُعد هدف از نوع توصیفی و تحلیلی و از بُعد نتیجه، پژوهشی کاربردی است. در این پژوهش برای برآزش الگو از روش حداقل مربعات معمولی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است و داده‌ها از نوع ترکیبی است. هم‌چنین، برای انجام برآورد از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۹، برای ۹۲ شرکت فعال در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۹ استفاده شده است. نتایج حاصل از تخمین مدل نشان می‌دهد که بین مدیریت سود، محافظه‌کاری و کیفیت ارقام تعهدی با افشا اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. اما بین شاخص افشای الزامی و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری مشاهده نگردید. براساس یافته‌های پژوهش مشخص می‌گردد که شرکت‌هایی که مدیریت سود انجام می‌دهند از اطلاعات پایداری به عنوان جایگزینی برای کیفیت پایین گزارشگری استفاده می‌کنند. هم‌چنین شرکت‌های محافظه کارتر و شرکت‌هایی که کیفیت ارقام تعهدی بالاتری دارند، اطلاعات پایداری را به عنوان مکملی برای کیفیت گزارشگری خود در نظر می‌گیرند. اما با استفاده از شاخص افشای الزامی بورس نمی‌توان در مورد هدف افشا اطلاعات پایداری اظهار نظر کرد.

واژه‌های کلیدی: کیفیت گزارشگری مالی، اطلاعات پایداری، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها.

طبقه‌بندی موضوعی: M41, G32.

DOI: 10.22051/jera.2017.11186.1388

* دانشیار گروه حسابداری دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، (نویسنده مسئول)،
(kashanipour@ut.ac.ir).

** استاد گروه مدیریت دولتی دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران، (jandaghi@ut.ac.ir).

*** دانشجوی دکتری حسابداری دانشکده مدیریت و حسابداری پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران،
(mohamadrahmani1371@yahoo.com).

مقدمه

تأثیر شرکت‌ها بر جامعه یک موضوع جهانی در حال رشد بوده و انتظارات مشتریان، کارمندان، سرمایه‌گذاران و انجمن‌های محلی درباره نقش شرکت در جامعه در حال افزایش است. با توجه به این تحولات مدیرانی که صرفاً به حداکثر کردن سود توجه دارند مورد انتقاد قرار گرفته‌اند، از یک‌سو فعالیت اجتماعی شرکت در بلندمدت تأثیر مثبتی بر عملکرد مالی شرکت و همچنین تصمیم سرمایه‌گذاران دارد، از سوی دیگر مدیران شرکت‌ها ممکن است استانداردهای اخلاقی را نادیده بگیرند اما با استفاده از انجام فعالیت‌های اجتماعی عملکرد خود را پنهان نمایند (نوری زاده، ۱۳۹۳).

در سال‌های اخیر این نظریه مطرح شده است که کسب و کار نباید صرفاً منجر به کسب سود و افزایش ثروت سهامداران شود بلکه باید مسئولیت‌هایی را در قبال کارکنان، محیط‌زیست و جامعه بپذیرد. این نظریه تحت عنوان مسئولیت اجتماعی شرکت به یکی از ویژگی‌های اصلی شرکت‌ها تبدیل شده است. شرکت‌ها اطلاعات مربوط به فعالیت‌های خود در زمینه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را در قالب گزارش مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها یا گزارش پایداری ارائه می‌دهند. گزارشگری پایداری یک گزارش سازمانی است که اطلاعاتی پیرامون عملکرد اقتصادی، زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت در اختیار می‌گذارد (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس اغلب تئوری‌ها افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی ابزاری برای خوش‌نامی و مشروعیت بخشی به فعالیت‌های شرکت و در نتیجه پایداری آن است. بنابراین از اطلاعات مسئولیت‌های اجتماعی می‌توان به عنوان اطلاعات پایداری یاد کرد (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵).

جدا از مفهوم مسئولیت اجتماعی، بسیاری از منتقدان در انگیزه‌ی شرکت‌ها در برنامه‌ها و فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی آنان تردید دارند و بر این باورند که شرکت‌ها می‌توانند از فعالیت‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی در تنظیم محیط سیاسی و پیشبرد اهداف سیاسی خود استفاده کنند (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۲). برخی از منتقدین نیز شکایت می‌کنند که مفهوم عبارت مسئولیت اجتماعی دست مدیران اجرایی شرکت‌ها را باز گذاشته است تا تعهدات اجتماعی شرکت را با توجه به نظر و خواست خود تعیین نمایند. چون از این دیدگاه به موضوع توجه شود مسئولیت اجتماعی به صورت پوششی درمی‌آید که سازمان یا فرد می‌تواند بدان

و سیله ارزش‌های شخصی خویش را به نمایش بگذارد یا اینکه بتواند قصور خود در زمینه‌های گزارشگری را از این طریق پوشش دهد (حساس یگانه و برزگر، ۱۳۹۳).

یکی از راه‌هایی که ذینفعان می‌توانند شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی را شناسایی کرده و از اهداف شرکت مبنی بر اینکه افشای چنین اطلاعاتی به منظور مشروعیت بخشیدن به عملیات خود یا نشان دادن عملکرد واقعی شرکت صورت می‌گیرد، تعیین رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری است. شواهدی در خصوص رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری وجود دارد. برای مثال گرس گیل و همکاران (۲۰۱۶) به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت سود و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد. بدین معنی که شرکت‌هایی که مدیریت سود بیشتری انجام می‌دهند مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمتری دارند.

سؤالی که در چنین شرایطی مطرح می‌گردد این است که آیا بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری رابطه‌ای وجود دارد یا خیر. در پژوهش‌های گذشته از مدیریت سود، محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی به عنوان معیارهایی از کیفیت گزارشگری مالی استفاده گردیده است ولی تاکنون شاخص افشای الزامی بورس به عنوان معیار کیفیت گزارشگری و رابطه آن با افشا اطلاعات پایداری مدنظر قرار نگرفته است. بنابراین بررسی رابطه مذکور ضروری به نظر می‌رسد. بدین ترتیب هدف پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین افشای مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

مبانی نظری

اهداف گزارشگری مالی، از نیازها و خواسته‌های اطلاعاتی استفاده‌کنندگان برون سازمانی سرچشمه می‌گیرد. هدف اصلی، بیان آثار اقتصادی رویدادها و عملیات مالی بر وضعیت و عملکرد واحد تجاری برای کمک به اشخاص برون سازمانی برای تصمیم‌گیری است. این اطلاعات باید به گونه‌ای باشد که ذینفعان را در تشخیص نقاط قوت و ضعف مالی واحد انتفاعی یاری داده و مبنایی را فراهم کند که بتوان بر اساس آن، اطلاعات مربوط به عملکرد واحد انتفاعی را طی یک دوره مالی ارزیابی کرد (ثقفی و عرب مازار، ۱۳۸۹).

هدف اصلی گزارشگری مالی تهیه اطلاعات مفید برای تصمیم‌گیرندگان است. از طرف دیگر کیفیت گزارشگری مالی صرفاً یک خروجی نهایی نیست بلکه کیفیت این فرآیند شامل بخش‌هایی از قبیل افشای معاملات شرکت، اطلاعاتی در زمینه انتخاب و کاربرد رویه‌های حسابداری و ارائه اطلاعاتی جهت قضاوت و تصمیم‌گیری است. (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵). مدیریت سود انجام گرفته، میزان محافظه‌کاری در تهیه گزارش‌های مالی، میزان کیفیت اقلام تعهدی و همچنین میزان رعایت شاخص‌های افشای بورس توسط شرکت معیارهایی هستند که از طریق آن‌ها می‌توان کیفیت گزارشگری مالی را اندازه‌گیری کرد.

تئوری‌های متعددی نه تنها در زمینه منطق وجود شیوه‌های مسئولیت‌های اجتماعی بلکه در زمینه ضرورت افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی وجود دارد. نقطه آغازین این تئوری‌ها عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان است که به وسیله تئوری نمایندگی توضیح داده شده و گسترش یافته است. شرکت‌ها سعی در کاهش عدم تقارن با استفاده از افشای اطلاعات را دارند تا همه ذینفعان با استفاده از اطلاعات یکسان در بازار فعالیت کنند. با این حال محدودیت اصلی این تئوری تمرکز بر جنبه‌های مالی بوده و بسیاری از کاربران بالقوه اطلاعات زیست‌محیطی و اجتماعی را در نظر نمی‌گیرد (کورمیر و همکاران ۲۰۰۵). برای پاسخ به این محدودیت لازم است تئوری‌های دیگری را مدنظر قرار داد: ۱- تئوری مشروعیت ۲- تئوری اقتصاد سیاسی و ۳- تئوری ذینفعان، که می‌توانند پایداری کسب‌وکار و افشای اطلاعات مربوط به آن را توجیه کنند. (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵). لذا ذینفعان باید در شناخت اهداف شرکت‌ها در مورد افشای اطلاعات پایداری آگاه گردند. بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات مسئولیت اجتماعی از جمله منابع مهمی برای دستیابی به این قبیل اطلاعات است.

شرکت‌ها اطلاعات مرتبط با نتایج عملکرد و وضعیت مالی خود را در صورت‌های مالی افشا می‌کنند. کیفیت در گزارشگری مالی و افشاء یک ضرورت است. سودمندی صورت‌های مالی یا سایر گزارش‌های مالی تحت تأثیر کیفیت گزارشگری مالی است که در آن ثبات رویه و صحت اطلاعات جنبه‌های کلیدی کیفیت به شمار می‌آیند (کردستانی و رحیمی، ۱۳۹۰).

اگرچه برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی معیارهای پذیرفته شده جهانی وجود ندارد (دیچو، ۲۰۱۰) اما پژوهشگران مختلف مانند هوپ و همکاران (۲۰۱۲)، چوئی و پائی (۲۰۱۱) و گارت و همکاران (۲۰۱۲) از معیارهای مختلفی همچون کیفیت اقلام تعهدی، محافظه‌کاری

و دستمزد حسابرسی استفاده کرده‌اند. با توجه به مطالب ذکر شده، در پژوهش حاضر نیز برای اندازه‌گیری کیفیت گزارشگری مالی از ۴ معیار مدیریت سود، محافظه‌کاری، کیفیت اقلام تعهدی و شاخص افشای الزامی بورس استفاده شده است.

در گزارش‌های مالی، سود به‌عنوان یک شاخص مهم عملکرد در نظر گرفته شده و مدیران می‌توانند با استفاده از سطوح منعطف رویه‌های حسابداری به مدیریت سود پرداخته و به اهداف موردنظر خود برسند. در این زمینه شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی اطلاعات بیشتری در مورد شیوه‌های افشا ارائه می‌دهند و کمتر تمایل به مدیریت سود دارند. مدیریت سود باعث کاهش کیفیت افشا اطلاعات می‌شود. باین حال، می‌تواند یک رابطه منفی بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات پایدار وجود داشته باشد، به این معنا که ممکن است شرکت‌های با کیفیت گزارشگری پایین، افشای اطلاعات پایداری را به‌عنوان جایگزین یا مکانیسم مشروعیت بخشیدن به اطلاعات با کیفیت پایین خود به کار گیرند. از طرفی دیگر ممکن است شرکت‌ها از افشای اطلاعات پایداری به‌عنوان مکملی برای اطلاعات ارائه شده خود استفاده کنند که در این شرایط اطلاعات پایداری مکملی برای گزارش‌های شرکت محسوب می‌شود (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۵).

با توجه به اهمیت روزافزون گزارشگری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، هدف این پژوهش تبیین رابطه کیفیت گزارشگری مالی و گزارش پایداری است. برخی از مطالعات در گذشته به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها پرداخته‌اند. سالسکی و زولچ (۲۰۱۲) از معیارهای مدیریت سود، محافظه‌کاری و کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان معیارهای کیفیت گزارشگری مالی استفاده کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌طور مثبت با مدیریت سود و به‌طور منفی با محافظه‌کاری در ارتباط است. بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال کرد که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با سطح پایین کیفیت گزارشگری مالی در ارتباط است. چراکه احتمال این امر وجود دارد که عملکرد شرکت در زمینه مسئولیت اجتماعی و افشای اطلاعات مربوطه پوششی برای رفتارهای فرصت‌طلبانه باشد. پریور و همکاران (۲۰۰۸) شواهد تجربی بدست آوردند که نشان از تأثیر اقدامات شرکت‌ها در زمینه مسئولیت اجتماعی بر رفتار فرصت‌طلبانه داشت و این‌گونه استدلال کردند که اقدامات مذکور به‌عنوان ابزاری برای پنهان کردن مدیریت سود است. این استدلال با نتایج تحقیقات انجام‌شده توسط هوپ و همکاران (۲۰۱۲) همسو است.

با این وجود، شواهد بدست آمده از تحقیقات مذکور در فوق با سایر تحقیقات همخوانی ندارند. شرکت‌ها اطلاعات مالی را باهدف تأمین تقاضای اطلاعاتی ذینفعان ارائه می‌دهند. بنابراین مدیران انگیزه خواهند داشت تا کیفیت اطلاعات مالی را به منظور افزایش آگاهی دهندگی اطلاعات افشا کنند که این مسئله تأثیرات منفی مدیریت سود را به حداقل می‌رساند. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) شواهدی مبنی بر رابطه مکمل بین کیفیت سود و افشای داوطلبانه یافتند. بدین معنی که شرکت‌هایی که سطح افشای بالایی دارند از کیفیت گزارشگری بالایی نیز برخوردار می‌باشند.

چی و همکاران (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت سود به رویه شرکت در مورد مدیریت سود بستگی دارد و به این نکته اشاره کردند که اقدامات شرکت‌ها در زمینه مسئولیت اجتماعی شفافیت و تأثیر اطلاعاتی را افزایش می‌دهد و تمایل به کاهش هموارسازی سود از طریق کاهش احتمال مدیریت سود را دارد. چوئی و پائی (۲۰۱۱) رابطه بین اصول اخلاقی تجارت و کیفیت گزارشگری مالی را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های با تعهد اخلاقی بالاتر نسبت به مدیریت سود تمایل کمتری دارند. علاوه بر این آن‌ها شواهدی یافتند که نشان می‌داد شرکت‌های با تعهد بالاتر، محافظه کارتر بوده و پیش‌بینی جریان وجه نقد دقیق‌تری نسبت به سایر شرکت‌ها دارند.

با توجه به این استدلالات، توافقی در مورد رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشای اطلاعات پایداری وجود ندارد. طبق یافته‌های فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) این رابطه می‌تواند به عنوان یک رابطه منفی (جایگزینی) مدنظر قرار داده شود به این صورت که شرکت‌های با کیفیت گزارشگری پایین از افشای اطلاعات پایداری به عنوان ابزاری جهت پوشش ضعف خود در زمینه کیفیت اطلاعات استفاده نمایند. از طرفی دیگر این رابطه می‌تواند به عنوان یک رابطه مثبت (مکمل) در نظر گرفته شود به این ترتیب که شرکت‌های با کیفیت اطلاعاتی بالا انگیزه دارند تا انواع مختلف اطلاعات راجع به عملکرد خود چه در زمینه اقتصادی و چه در زمینه اجتماعی و زیست محیطی را افشا کنند تا از این طریق موجبات پیشرفت و ترقی خود را فراهم آورند. چراکه این شرکت‌ها نسبت به این موضوع اشراف لازم را دارند که پیش‌زمینه موفقیت در فضای رقابتی حال حاضر برخوردار مسئولانه با مسائل اجتماعی و زیست محیطی است (والکر و ترولنک، ۲۰۰۸).

پیشینه پژوهش

گرس گیل و همکاران (۲۰۱۶) به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت سود پرداختند. نتایج کار نشان‌دهنده رابطه منفی بین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و مدیریت سود بود. آن‌ها استدلال کردند که مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها باعث می‌شود تا شرکت‌ها به بهترین نحو از منابع خود استفاده کنند که این خود باعث کاهش انگیزه‌های مدیریت سود می‌شود.

مارتینز و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد شرکت‌های محافظه‌کار و همچنین شرکت‌هایی که کمتر به مدیریت سود می‌پردازند افشا اطلاعات بیشتری در زمینه فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت دارند.

موتاکین و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین گزارشگری مسئولیت اجتماعی و کیفیت سود پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد مدیران شرکت در اقتصادهای در حال رشد زمانی که گزارشگری بیشتری در مورد فعالیت‌های اجتماعی شرکت دارند بیشتر به مدیریت سود می‌پردازند.

فرانسیس و همکاران (۲۰۱۳) رابطه بین محافظه‌کاری و عملکرد اجتماعی شرکت را مورد بررسی قرار دادند. این پژوهش که بر روی ۲۹۳ شرکت انجام گردید رابطه مثبت و معنی‌داری را بین محافظه‌کاری و عملکرد اجتماعی شرکت نشان داد.

سالوسکی و زالچ (۲۰۱۲) نشان دادند که بین مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها با محافظه‌کاری رابطه منفی و بین مسئولیت‌های اجتماعی شرکت‌ها با مدیریت سود رابطه مثبت وجود دارد. در نهایت اعلام داشتند که کیفیت گزارشگری با مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها رابطه منفی دارد. چرا که فعالیت‌های اجتماعی می‌تواند رفتارهای فرصت‌طلبانه را پنهان کند.

در داخل کشور پژوهش‌های کمی در مورد رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری صورت گرفته است که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌گردد:

عظیمی و گنجی (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر مسئولیت‌پذیری اجتماعی بر کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. نتایج کار آن‌ها حاکی از آن بود که رابطه معناداری بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و محافظه‌کاری و کیفیت ارقام تعهدی وجود ندارد.

نوری زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین مسئولیت اجتماعی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط مثبت و معناداری بین مسئولیت اجتماعی شرکت و مدیریت سود و همچنین ارتباط منفی بین مسئولیت اجتماعی با محافظه‌کاری وجود دارد.

حاجیه‌ها و سرفراز (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت‌ها و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مسئولیت‌پذیری اجتماعی با هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معکوس و معناداری دارد.

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه رابطه بین کیفیت گزارشگری و افشا اطلاعات مسئولیت اجتماعی هدف این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری شرکت است.

فرضیه‌های پژوهش

همانطور که در بخش مبانی نظری بیان شد درباره افشای اطلاعات مربوط به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها تئوری‌هایی ارائه گردیده که حکایت از نیت شرکت‌ها از افشا اطلاعات مزبور دارد. تئوری مشروعیت یکی از تئوری‌های مذکور است که براساس آن شرکت به منظور مشروعیت بخشیدن به عملکرد ضعیف خود دست به افشا اطلاعات مسئولیت اجتماعی زده و کیفیت پایین گزارشگری خود را پشت این شیوه گزارشگری پنهان می‌نماید. در طرف مقابل شرکت‌هایی که عملکرد مناسبی از خود به جای گذاشته‌اند به منظور کاهش حداکثری عدم تقارن اطلاعاتی موجود بین شرکت و ذینفعان اطلاعات مربوط به فعالیت‌های مسئولیت اجتماعی را گزارش کرده و از این طریق حقوق ذینفعان خود را رعایت می‌کنند.

با توجه به مبانی نظری موجود، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین کیفیت گزارشگری مالی و افشا اطلاعات پایداری بوده و از معیارهای مدیریت سود، محافظه‌کاری،

کیفیت ارقام تعهدی و کیفیت افشا به عنوان نماد کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است. برای رسیدن به هدف پژوهش ۴ فرضیه زیر تبیین گردیدند:

فرضیه یک: بین مدیریت سود و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دو: بین محافظه کاری و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سه: بین کیفیت ارقام تعهدی و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهار: بین شاخص افشای الزامی و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

به منظور آزمون فرضیات از مدل‌ها و متغیرهای موردنیاز استفاده گردید که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

مدیریت سود: در پژوهش حاضر از ارقام تعهدی اختیاری به عنوان شاخصی برای هموارسازی سود استفاده شد که بر اساس مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) به صورت زیر است:

مدل شماره (۱)

$$TAA_{it} / A_{i,t-1} = \alpha_{1,t} (1 / A_{i,t-1}) + \alpha_{2,t} (\Delta Sales_{it} / A_{i,t-1}) + \alpha_{3,t} (PPE_{it} / A_{i,t-1}) + \varepsilon_t$$

کل ارقام تعهدی تعدیل شده

$A_{i,t-1}$ دارایی‌های اول دوره

$\Delta Sales$ فروش

PPE_{it} دارایی‌های غیر جاری

TAA_{it} جمع ارقام تعهدی است که از کسر کردن جریان‌های نقد عملیاتی از سود قبل از ارقام غیرمترقبه به دست می‌آید. ضرایب به دست آمده از مدل (۱) را در مدل (۲) به کار برده تا ارقام تعهدی غیر اختیاری به شرح زیر برآورد گردد:

مدل شماره (۲)

$$NDA_{it} = \alpha_{1,t} (1 / A_{i,t-1}) + \alpha_{2,t} (\Delta(Sales - A * R)_{i,t}) + \alpha_{3,t} (PPT_{i,t} / A_{i,t-1})$$

NDA_{it} ارقام تعهدی غیر اختیاری - $A * R$ حساب‌های دریافتنی
از تفاضل جمع ارقام تعهدی و ارقام تعهدی غیر اختیاری، ارقام تعهدی اختیاری
به دست می‌آید.

محافظه کاری: اندازه‌گیری محافظه کاری بر اساس مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) صورت
گرفته است که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

مدل شماره (۳)

$$Cons_{it} = (OA_{it} / A_{i,t-1}) * (-1)$$

Cons = محافظه کاری

OA = ارقام تعهدی عملیاتی

ارقام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص و جریان نقدی عملیاتی بعلاوه هزینه استهلاک
به دست می‌آید (زلقی و بیات ۱۳۹۴).

کیفیت ارقام تعهدی: کیفیت ارقام تعهدی بر مبنای مدل دیچو و دچو (۲۰۰۲) و بر اساس
الگوی زیر اندازه‌گیری شده است (آقایی و همکاران ۱۳۹۲):

مدل شماره (۴)

$$\Delta WC_{it} = B_0 + B_1 OCF_{i,t-1} + B_2 OCF_{i,t} + B_3 OCF_{i,t+1} + \varepsilon$$

ΔWC_{it} تغییرات ارقام تعهدی سرمایه در گردش - $OCF_{i,t-1}$ جریان وجه نقد عملیاتی دوره
قبل - $OCF_{i,t}$ جریان وجه نقد عملیاتی دوره جاری - $OCF_{i,t+1}$ جریان وجه نقد عملیاتی دوره
آتی

مدل شماره (۵)

$$\Delta WC = \Delta AC + \Delta I - \Delta AP - \Delta TP + \Delta OA$$

ΔAC تغییرات حساب‌های دریافتنی - ΔI تغییرات موجودی کالا - ΔAP تغییرات
حساب‌های پرداختنی - ΔTP تغییرات مالیات پرداختنی - ΔOA تغییرات سایر دارایی‌ها
در مدل‌های شماره ۴ و ۵ بالا متغیرها بر مبنای دارایی‌های اول دوره تعدیل شده و باقیمانده
مدل نشان‌دهنده کیفیت ارقام تعهدی است. بعد از انجام مراحل فوق، عامل خطای برآورد ε_t

از تفاوت سرمایه در گردش واقعی و برآوردی برای نمونه موردنظر محاسبه می‌شود. باقیمانده‌های حاصل از رگرسیون نشان‌گر اقلام تعهدی است که نامربوط به تحقق جریان‌های نقدی تلقی می‌شوند و قدر مطلق این باقیمانده‌ها عبارت است از معیار اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی که در آن خطای بیشتر، بیانگر کیفیت اقلام تعهدی پایین‌تر است.

شاخص افشای الزامی سازمان بورس اوراق بهادار: برای اندازه‌گیری این متغیر از چک‌لیست آیتم‌های افشا استفاده شده است. چک‌لیست بر اساس دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات مصوب ۱۳۸۶/۰۵/۰۳ بورس اوراق بهادار تهران تنظیم گردیده و مطابق با میزان افشای اطلاعات شرکت‌ها متغیر موردنظر اندازه‌گیری گردید. این شاخص بر اساس امتیاز نهایی تخصیص یافته به دو معیار به موقع بودن و قابلیت اتکا اندازه‌گیری می‌شود. لازم به ذکر است این متغیر از سایت کدال سازمان بورس و اوراق بهادار بدست آمده است.

افشاء مسئولیت اجتماعی شرکت: متغیر وابسته در این پژوهش، سطح افشای اطلاعات پایداری است که از افشای مسئولیت اجتماعی به عنوان نماد از این طیف گزارشگری استفاده شده است. برای اندازه‌گیری آن از شاخص‌های کمک‌های خیریه و عام‌المنفعه، اقداماتی جهت کاهش مصرف انرژی، نظام اطلاعاتی مدیریت محیط‌زیست، خرید و نصب تجهیزات برای جلوگیری از آلودگی محیط‌زیست، آموزش و رفاه و ایمنی و بهداشت کارکنان و کیفیت محصولات و میزان توجه به مسائل مربوط به مشتریان و خدمات پس از فروش استفاده شده است. در صورتی که شرکتی هرکدام از شاخص‌های فوق را افشاء نموده باشد امتیاز یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می‌شود و از میانگین امتیازات استفاده گردیده شده است.

مدل پژوهش (مارتینز و همکاران ۲۰۱۵):

با توجه به چارچوب نظری و پیشینه پژوهش، الگوی پژوهش از نوع رگرسیون چند متغیره است بوده و از روش حداقل مربعات معمولی برای برآورد مدل استفاده شده است. مدل شماره (۶)

$$CSR = B_0 + B_1EM + B_2Conservatism + B_3AQ + B_4DI +$$

$$B_5Size_{it} + B_6ROA_{it} + B_7MTB_{it} + B_8Leverage_{it} + B_9AT_{it} + u_{it}$$

Conservatism - مدیریت سود - *EM* - شرکت‌ها - *CSR* مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها - محافظه کاری - *AQ* اقلام تعهدی - *DI* شاخص افشا - *Size* اندازه شرکت - *ROA* بازده دارایی‌ها - *MTB* نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار - *Leverage* اهرم - *AT* گردش دارایی‌ها.

در این پژوهش بر اساس پژوهش مارتینز و همکاران (۲۰۱۵) متغیرهای زیر به عنوان متغیر کنترلی وارد مدل گردیدند:

تکانه (۱). اثرات پیش‌بینی شده متغیرهای کنترلی

متغیر	توجیه و اثر پیش‌بینی شده
اندازه شرکت	شرکت‌های بزرگتر تحت فشارهای بیشتری از سوی ذینفعان می‌باشند بنابراین انتظار می‌رود اطلاعات بیشتری در موضوعات اجتماعی و اقتصادی افشا نمایند.
بازده دارایی‌ها	شرکت‌های با سودآوری بالاتر تمایل بیشتری به افشا اخبار خوب دارند.
نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار	افشا داوطلبانه عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهد. بنابراین انتظار داریم شرکت‌های با فرصت‌های رشد بالاتر افشا مسئولیت‌های اجتماعی بیشتری داشته باشند.
اهرم	شرکت‌های با سطح اهرم بالا جهت قانع کردن تامین کنندگانی که تمایل به دانستن استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی را دارند، سطح افشای بیشتری در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی را در دستور کار قرار می‌دهند.
گردش دارایی‌ها	افزایش فروش با کیفیت بالای اقلام تعهدی و در نتیجه با کیفیت بالای گزارشگری در ارتباط می‌باشد.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای بازه زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ است. نمونه آماری پژوهش با توجه به اعمال محدودیت‌های زیر و غربالگری از بابت اطلاعات موجود در زمینه مسئولیت اجتماعی به تعداد ۹۲ شرکت انتخاب گردید.

- سال مالی شرکت موردبررسی منتهی به پایان اسفندماه باشد.
- شرکت سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی نباشد.
- طی دوره موردبررسی سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- اطلاعات موردنیاز شرکت موردبررسی در دسترس باشد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی پژوهش حاضر به شرح نگاره (۲) است.

نگاره (۲). آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار	تعداد
مسئولیت اجتماعی	۰/۷۰	۱/۰۰	۰/۲۸	۰/۱۷	۴۴۰
مدیریت سود	۰/۰۶	۴/۹۴	-۱/۶۱	۰/۴۴	۴۴۰
محافظه کاری	-۰/۰۶	۱/۶	-۴/۹۴	۰/۴۱	۴۴۰
کیفیت اقلام تعهدی	۰/۱۴	۲/۲۸	۰/۰۰۷	۰/۲۸	۴۴۰
شاخص افشا	۶۹/۹۶	۱۰۰	۶	۲۰/۱۸	۴۴۰
اندازه شرکت	۱۴/۴۴	۱۸/۵۴	۱۰/۰۹	۱/۵۹	۴۴۰
بازده دارایی‌ها	۰/۱۴	۱/۲۹	-۰/۴۷	۰/۱۷	۴۴۰
ارزش بازار به دفتری	۲/۸۸	۱۴/۴۹	-۵/۲۹	۲/۳۲	۴۴۰
اهرم	۲/۳۸	۲۱	-۴/۸۱	۳/۶۴	۴۴۰
گردش دارایی‌ها	۰/۹۱	۶/۸۳	۰/۰۶	۰/۸۱	۴۴۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

میانگین مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به عنوان متغیر وابسته نشان می‌دهد که متوسط امتیاز مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مورد مطالعه بررسی ۱۰/۷ است. میانگین اهرم نشان دهنده این است که به طور متوسط بدهی شرکت‌های مورد مطالعه ۲/۳۸ برابر حقوق صاحبان سهام آنها می‌باشد. همچنین میانه شاخص افشا نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد مطالعه نیمی از شرکت‌ها، امتیاز کمتر از ۷۳ و نیمی از آنها امتیاز بیشتر از ۷۳ کسب نموده‌اند. با مقایسه انحراف معیار، کمترین و بیشترین مقدار متغیرهای مورد بررسی به این نتیجه می‌رسیم که متغیر شاخص افشا دارای بیشترین پراکندگی و متغیرهای مسئولیت اجتماعی دارای کمترین پراکندگی می‌باشند. تمامی متغیرهای پژوهش دارای ضریب کشیدگی مثبت می‌باشند و این امر بیان می‌کند که توزیع متغیرها از توزیع نرمال بلندتر است و داده‌ها حول میانگین متمرکز شده‌اند. برای تعیین نوع داده‌های ترکیبی از آزمون اف لیمر (چاو) استفاده می‌شود که نتیجه آن به شرح زیر می‌باشد:

نگاره (۳). نتایج آزمون اف لیمر

آماره	درجه آزادی	احتمال
۰/۷۶	-۴/۴۲۶	۰/۵۵

ماخذ: یافته‌های پژوهش

برای تعیین برآورد صحیح مدل ابتدا آزمون چاو انجام گرفت. مقدار احتمال آماره چاو ۰.۵۵ است که بیشتر از سطح معناداری ۵٪ بوده و لذا، برای آزمون فرضیات از روش داده‌های تلفیقی استفاده گردیده است.

پس از تعیین الگوی مناسب برآورد مدل (اثرات ثابت، تصادفی یا الگوی اثرات مشترک) و برآورد مدل با استفاده از الگوهای ذکرشده، نوبت به آزمون فروض کلاسیک می‌رسد. در انجام این تحقیق به منظور تخمین پارامترهای مدل از روش حداقل مربعات معمولی استفاده می‌گردد، این روش بر فرض نرمال بودن توزیع جملات اخلال، عدم وجود همخطی بین متغیرهای مستقل، عدم وجود خودهمبستگی بین جملات باقی‌مانده و عدم وجود ناهمسانی واریانس بین باقی‌مانده‌ها استوار است (افلاطونی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر برای آزمون نرمال بودن خطاهای مدل از آزمون جارک برا استفاده می‌شود، به منظور انجام آزمون خودهمبستگی سریالی، از روش بروش گادفری و برای کشف ناهمسانی واریانس در داده‌های ترکیبی نیز، از آزمون ناهمسانی واریانس وایت استفاده می‌شود (افلاطونی، ۱۳۹۳).

تکانه (۴). نتایج آزمون وایت

فرض آماری	معیار سنجش	آماره	معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرض صفر: واریانس خطاهای مدل همسان است.	آماره F آماره خی‌دو	۱/۳۳ ۶۹/۲۴	۰/۰۶ ۰/۰۷	تایید فرضیه صفر

ماخذ: یافته‌های پژوهش

تکانه (۵). نتایج آزمون بروش گادفری

فرض آماری	معیار سنجش	آماره	معنی‌داری	نتیجه آزمون
فرض صفر: بین خطاهای مدل خودهمبستگی وجود ندارد.	آماره F آماره خی‌دو	۱۷/۰۰ ۱۹/۳۹	۰/۰۰ ۰/۰۰	رد فرضیه صفر

ماخذ: یافته‌های پژوهش

تکانه (۶). نتایج آزمون جارک برا

فرض آماری	آماره جارک برا	معنی داری	نتیجه آزمون
فرض صفر: خطاهای مدل، نرمال است.	۱۱/۶۶	۰/۰۰	رد فرضیه صفر

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نگاره (۷). نتایج آزمون عامل تورم واریانس

مدیریت سود	محافظة کاری	اقلام تعهدی	شاخص افشا	اندازه
۷/۱۸	۷/۰۹	۱/۰۷	۱/۲۱	۱/۱۰
بازده دارایی‌ها	ارزش دفتری به بازار	اهرم	گردش دارایی‌ها	
۱/۲۴	۱/۰۱	۱/۲۷	۱/۴۱	

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در نگاره شماره (۴) دیده می‌شود، سطح معناداری آماره F و χ^2 دو بیشتر از ۵ درصد می‌باشند، لذا فرضیه صفر مبنی بر نبود ناهمسانی واریانس بین خطاهای مدل تایید می‌شود. در نگاره شماره (۵) همان‌گونه که دیده می‌شود به دلیل پایین تر بودن سطح معناداری آماره F و χ^2 دو از سطح خطا دارای خودهمبستگی می‌باشد که برای رفع این مشکل از روش انحراف معیار سازگار شده با ناهمسانی استفاده می‌شود تا از اعتبار نتایج رگرسیون اطمینان حاصل شود. بر اساس یافته‌های نگاره شماره (۶) ملاحظه می‌شود که سطح معنی داری آماره جاک برا کمتر از ۵ درصد است، لذا فرض صفر تایید نمی‌شود. در نتیجه خطاهای مدل نرمال نیست که با توجه به قضیه حد مرکزی و بالا بودن تعداد نمونه این مورد مشکلی ایجاد نمی‌کند. بر مبنای محاسبات انجام شده در ارزیابی استقلال خطی متغیرهای مستقل طبق نگاره شماره (۷) ملاحظه می‌شود که کلیه ضرایب VIF محاسبه شده به ازای متغیرهای مستقل کمتر از ۱۰ است بنابراین فرض استقلال خطی متغیرهای مستقل را از یکدیگر پذیرفته می‌شود.

با توجه به نتایج قابل مشاهده در نگاره شماره (۸)، آماره F به دست آمده از مدل برابر با ۹/۸۰ و سطح خطای آن (۰/۰۰) است و می‌توان ادعا کرد که در مجموع مدل از معناداری بالایی برخوردار است. توجه به ضریب تعیین تعدیل شده به دست آمده برای مدل که برابر ۱۵ درصد است، نشان می‌دهد که در مجموع متغیرهای مستقل و کنترلی بیش از ۱۵ درصد تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. در صورتی که قدر مطلق آماره t بزرگتر از ۲ باشد و احتمال متناظر با آن کمتر از سطح خطای ۵ درصد باشد می‌توان دریافت که متغیر مورد نظر دارای رابطه معنی داری با متغیر وابسته است.

نگاره (۸). نتایج رگرسیون

سطح معناداری	آماره t	ضریب	نماد	
۰/۰۰۰۱	۳/۸۶۶۶	۰/۱۲۳۳	EM	مدیریت سود
۰/۰۰۰۱	۳/۹۴۰۳	۰/۱۳۴۷	Conservatism	محافظه کاری
۰/۰۱۴۴	۲/۴۵۷۶	۰/۰۶۹۳	AQ	کیفیت اقلام تعهدی
۰/۷۴۱۲	-۰/۳۳۰۴	۰/۰۰۰۱	DI	شاخص افشا
۰/۰۰۰۰	۴/۶۱۱۲	۰/۰۲۳۵	Size	اندازه شرکت
۰/۰۳۷۸	۲/۰۸۳۳	۰/۰۹۷۴	ROA	بازده دارایی‌ها
۰/۰۰۲۱	-۳/۰۹۴۰	-۰/۰۱۰۶	MTB	ارزش بازار به دفتری
۰/۰۰۰۴	۳/۶۰۲۸	۰/۰۰۷۸	Leverage	اهرم
۰/۲۳۴۹	-۱/۱۸۹۴	-۰/۰۱۲۰	AT	گردش دارایی‌ها
دوربین واتسون	سطح معناداری	آماره F	R ² تعدیل شده	R ²
۲/۲۲	۰/۰۰۰۰	۹/۸۰	۰/۱۵	۰/۱۷

ماخذ: یافته‌های پژوهش

همان‌گونه که در نگاره (۸) مشاهده می‌شود احتمال آماره t برای متغیر مدیریت سود ۰/۰۰۰۱ است که حاکی از معناداری رابطه مذکور است. بنابراین فرضیه اول پژوهش پذیرفته می‌شود. نگاره (۸) نشان می‌دهد که فرضیه دوم مبنی بر اینکه بین محافظه کاری و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد پذیرفته می‌شود چرا که احتمال آماره t برای متغیر محافظه کاری ۰/۰۰۰۱ است. احتمال آماره t برای متغیر کیفیت اقلام تعهدی برابر ۰/۰۱۴۴ بوده و شواهدی برای رد فرضیه مشاهده نمی‌شود. در ضمن ضرایب مربوط به سه متغیر اول پژوهش مثبت بوده و نشانگر رابطه مثبت بین آن‌ها با متغیر وابسته پژوهش است. اما فرضیه چهارم پژوهش تحت عنوان اینکه بین شاخص افشای الزامی بورس و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود دارد، در سطح معناداری ۵٪ تایید نگردید.

شواهد دیگری را نیز می‌توان از نگاره (۸) دریافت نمود. بدین ترتیب که هرچقدر اندازه شرکت بزرگ‌تر باشد اطلاعات پایداری بیشتری را افشا می‌نماید چرا که انتظارات از شرکت‌های بزرگ بیشتر بوده و تحت فشار بیشتری از سوی ذینفعان قرار دارند. همچنین بین

سودآوری و افشا اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد بدین مفهوم که شرکت‌های با سودآوری بالاتر تمایل بیشتری به افشا اطلاعات و اخبار خوب دارند. نگاره (۸) نشانگر رابطه مثبت و معنادار بین فرصت‌های رشد و افشا اطلاعات پایداری است. به عبارت دیگر افشا اطلاعات بیشتر عدم تقارن اطلاعاتی را از بین برده و فرصت‌های رشد و پیشرفت بهتری را برای شرکت به وجود می‌آورد. علاوه بر این نتایج نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار بین اهرم و افشا اطلاعات پایداری است. یعنی شرکت‌هایی که اهرم بالایی دارند جهت قانع کردن تأمین‌کنندگانی که تمایل به دانستن استراتژی‌های مسئولیت اجتماعی را دارند، سطح افشای بیشتری در زمینه مسئولیت‌های اجتماعی را در دستور کار قرار می‌دهند. البته این رابطه با توجه به ضریب متغیر مذکور ضعیف است. اما بین گردش دارایی‌ها و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری مشاهده نگردید.

نتیجه‌گیری

نتایج تخمین مدل برای متغیر مدیریت سود نشان می‌دهد که بین مدیریت سود و افشاء اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این بدان معناست که شرکت‌هایی که مدیریت سود بیشتری را انجام می‌دهند تمایل بیشتری به افشای اطلاعات پایداری دارند. بدین معنی شرکت‌هایی که بیشتر دست به مدیریت سود می‌زنند کیفیت گزارشگری پایینی داشته و از گزارشگری اجتماعی به عنوان پوششی برای عملکرد ضعیف خود استفاده کرده و طبق تئوری مشروعیت از این نحوه گزارشگری به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به اعمال خود بهره می‌برند. نتیجه این فرضیه با نتایج پژوهش نوری‌زاده (۱۳۹۳) و سالوسکی و زولچ (۲۰۱۲) مطابقت دارد.

نتایج مدل رگرسیون برای متغیر محافظه‌کاری نشان می‌دهد که بین محافظه‌کاری و افشاء اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. لذا شرکت‌های محافظه‌کارتر دست به افشای اطلاعات پایداری بیشتری زده و افشای چنین اطلاعاتی را به عنوان مکملی برای کیفیت گزارشگری مالی خود می‌دانند تا از این طریق عدم تقارن اطلاعاتی موجود را به حداقل برسانند. نوری‌زاده (۱۳۹۳) در این زمینه به رابطه منفی و معنی‌دار بین محافظه‌کاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی دست یافتند. نتیجه این فرضیه با نتیجه پژوهش مارتینز و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد.

نتایج مدل رگرسیون خطی پژوهش برای متغیر کیفیت افلام تعهدی نشان می‌دهد که بین کیفیت افلام تعهدی و افشاء اطلاعات پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بدین مفهوم که هرچقدر کیفیت افلام تعهدی بیشتر باشد شرکت اطلاعات پایداری بیشتری را افشا می‌کند. در چنین حالتی افشای اطلاعات پایداری و کیفیت گزار شگری مالی مکمل یکدیگر می‌باشند تا در مجموع اطلاعات با کیفیتی به دست ذینفعان رسیده و شکاف اطلاعاتی بین شرکت و استفاده کنندگان اطلاعات به کمترین میزان خود برسد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش سالوسکی و زولچ (۲۰۱۲) مطابقت دارد.

نتایج مدل رگرسیون خطی پژوهش برای متغیر شاخص افشای الزامی بورس نشان می‌دهد که بین شاخص افشای الزامی بورس و افشاء اطلاعات پایداری رابطه معناداری وجود ندارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که بر اساس شاخص افشا نمی‌توان در مورد سطح و هدف شرکت‌ها از افشای اطلاعات پایداری اظهار نظر کرد. می‌توان ادعا کرد عدم معناداری رابطه مذکور به دلیل فقدان معیارهای گزارشگری مسئولیت اجتماعی در امتیازات مربوط به شاخص افشا است. با توجه به فراگیر نبودن گزارشگری مسئولیت اجتماعی بین شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران و فقدان پایگاه اطلاعاتی منسجم به منظور گردآوری اطلاعات مسئولیت اجتماعی امکان انجام پژوهش برای نمونه‌های بزرگتر مقدور نبوده و محدودیت اصلی پژوهش حاضر به شمار می‌رود.

بر اساس یافته‌های پژوهش و با توجه به این موضوع که بین شاخص افشای الزامی بورس و افشا اطلاعات پایداری رابطه معناداری مشاهده نگردید، پیشنهاد می‌شود که شاخص‌های افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نیز جز شاخص‌های افشای الزامی بورس قرار گرفته تا زمینه رقابت و پیشرفت شرکت‌های مسئولیت‌پذیر در فضای رقابتی فراهم شده و چنین شرکت‌هایی به آسانی قابل شناسایی و تشخیص گردند. علاوه بر این پیشنهاد می‌گردد با توجه به تاثیرات محیطی متفاوت صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران پژوهش حاضر در بستر هر کدام از صنایع و با معیارهای متفاوت تری از مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- آقایی، محمدعلی. زلّقی. حسن. اعتمادی، حسین. انواری رستمی، علی اصغر. (۱۳۹۲). تاثیر تجدید ارائه صورت های مالی بر کیفیت اقلام تعهدی. پژوهش های تجربی حسابداری، سال دوم، شماره ۷، صص ۱۱۹-۱۴۷.
- ثقفی، علی. عرب مازار، مصطفی. (۱۳۸۹). کیفیت گزارشگری مالی و ناکارایی سرمایه گذاری. مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۴، صص ۱-۲۰.
- حاجیها، زهره. سرافراز، بهمن. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری شرکت ها با هزینه حقوق صاحبان سهام. پژوهش های تجربی حسابداری، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۱۲۳-۱۰۵.
- حساس یگانه، یحیی. برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۲). ارائه ی مؤلفه ها و شاخص های بُعد اجتماعی مسؤلیت شرکت ها و وضعیت موجود آن در ایران. فصلنامه مطالعات توسعه ی اجتماعی- فرهنگی، سال دوم، شماره ۱، صص ۲۳۴-۲۰۹.
- حساس یگانه، یحیی. برزگر، قدرت اله. (۱۳۹۳). مبانی نظری مسؤلیت اجتماعی شرکت ها و پارادایم تحقیقاتی آن در تحقیقات حسابداری. فصلنامه حسابداری مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۱۰۹-۱۳۳.
- زلّقی، حسن. بیات، مرتضی. (۱۳۹۴). نقش دیدگاه حسابداری محافظه کاری در مدیریت نقدینگی. پژوهش های تجربی حسابداری، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۲۸-۱۵.
- عظیمی، مجید. گنجی ارجنکی، سمیه. (۱۳۹۴). تاثیر مسؤلیت پذیری اجتماعی شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی. مطالعات حسابداری و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۱۷، صص ۲۲-۱.
- مهرانی، ساسان. کرمی، غلامرضا. سیدحسینی، سیدمصطفی. جهرومی، مهتاب. (۱۳۹۴). تئوری حسابداری، تهران: انتشارات نگاه دانش.
- نوری زاده، راضیه (۱۳۹۳). ارتباط بین افشای مسؤلیت پذیری اجتماعی شرکت و کیفیت گزارشگری مالی. (پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۷۴). چاپ نشده.
- Aghaei, Mohamad Ali. , Zalaghi, Hassan. , Etemadi, Hossein. , Anvari Rostami, Ali ASghar. (2013). Financial Statement Restatements Impacts on Accrual Quality. *Journal of emprical research in accounting*. 2 (3) , 119-147. (in persian).
- Azimi, Majid. , Ghanji, Somaye. (2016). Impact of Corporate Social Responsibility on Financial Reporting Quality. *Accounting & Audit Studies*, 17, 96-121. (in persian).
- Chih, Hsiang. , Shen, chung. , Kang, Feng. (2008). Corporate Social Responsibility, Investor Protection, and Earnings Management: Some International Evidence. *Journal of Business Ethics*. Vol 79, pp 179-198.

- Choi, Tae. , Pae Jinhan. (2011). Business ethics and financial reporting quality: Evidence from Korea. *Journal of Business Ethics*, Vol 103, pp 403–427.
- Cormier, Denis. , Magnan, Michel. , Van Velthoven, Barbara. (2005). Environmental disclosure quality in large German companies: Economic incentives, public pressures or institutional conditions. Available at: <http://ssrn.com/abstract=676407>
- Dechow P. M. , R. G. Sloan, A. P. Sweeney, 1995, Detecting of earnings management. *Journal of accounting review*, Vol. 70, no. 2, pp: 193-225.
- Dechow, P. and I. Dichev (2002). The quality of accruals and earnings: the role of accruals in estimation errors. *The Accounting Review*, 77, pp. 35-59.
- Dechow, Patricia. , Ge, Weili. , Schrand, Catherine. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 50, pp 344–401.
- Francis, Jenifer. , La Fond, Ryan. , Olsson, Per. , Schipper, Katherine. (2005). The market pricing of accrual quality. *Journal of Accounting and Economics*, Vol 39, pp 295–327.
- Francis, Jenifer. , Nanda, Dhananjay. , Olsson, Per. (2008). Voluntary disclosure, earnings quality, and cost of capital. *Journal of Accounting Research*, Vol 46, pp 53–99.
- Francis, Rick. , Harrast, Steven. , Mattingly, James. , Olsen, Lori. (2013). the Relation between Accounting Conservatism and Corporate Social Performance: An Empirical Investigation. *Business and Society Review*, Vol 118, pp 193-222.
- Garrett Jace. , Hoitash, Rani. , Prawitt, Douglas. (2012). Trust and Financial Reporting Quality. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2137957>.
- Givoly, D. , C. K. Hayn and A. Natarjan. (2007). Measuring Reporting Conservatism. *The Accounting Review* 82 (1): 65-106.
- Gras-Gil, Ester. , Manzano, Mercedes. , Fernandez, Joaquin. (2016). investigating the relationship between corporate social responsibility and earnings management: Evidence from Spain. *Business research quarterly*. Vol. 51, pp 1-11.
- Hajiha, Zohreh. , Sarfaraz, Bahman. (2015). The Relation between Corporate Social Responsibility and Cost of Equity Capital of Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of empirical research in accounting*. 4 (2) , 105-123. (in persian).
- Hasas Yeghane, Yahya. , Barzeghar, Ghodratoolah. (2013). Identifying the Components and Indicators of Corporate Social Responsibility in Iran. Quarterly. *Journal of Socio - Cultural Development Studies*, 2 (1) , 209-234. (in persian).

- Hasas Yeghane, Yahya. , Barzeghar, Ghodratolah. (2015). Theoretical Foundations of Corporate Social Responsibility and Research Paradigms in Professional Accounting. *Management Accounting*, 7 (3) , 109-133. (in persian).
- Hooghiemstra, Reggy. (2000). corporate communication and impression management: New perspectives why companies engage in corporate social reporting. *Journal of Business Ethics*. Vol. 27, pp 55–68.
- Hope, Kristain. , Thomas, Wayne. , Vyas, Dushyantkumar. (2012). Financial Reporting Quality of U. S. Private and Public Firms. Available at: <http://ssrn.com/abstract=2213831>.
- Martinez, Jennifer. , Sanchez, Isabel. , Ballesteros, Beatriz. (2015). Effect of financial reporting quality on sustainability information disclosure. *Corporate social responsibility and environmental management*, Vol. 22, pp 45-64.
- Mohammad Badrul Muttakin, Arifur Khan, Mohammad I Azim. (2015). Corporate social responsibility disclosures and earnings quality: Are they a reflection of managers' opportunistic behavior? *Managerial Auditing Journal*, Vol. 30, Issue: 3, pp. 277-298, doi: 10. 1108/MAJ-02-2014-0997.
- Noorizade, Razie. (2013). Relationship between corporate social responsibility disclosure and financial reporting quality. Master Thesis, Faculty of economic & accounting, Alzahra University. (in persian).
- Prior, Diego. , Surroca, Jordi. , Tribo, Josep. (2008). Are socially responsible managers really ethical? Exploring the relationship between earnings management and corporate social responsibility. *Corporate Governance: An International Review*, Vol 16, pp 160–177.
- Saghafi, Ali. , Arab Mazar Yazdi. (2011). Financial Reporting Quality and Investment Inefficiency. *Financial accounting research*, 2 (4) , 1-20. (in persian).
- Salewski, Marcus. , Zülch, Henning. (2012). The Impact of Corporate Social Responsibility (CSR) and Financial Reporting Quality: Evidence from European Blue Chips. Availabla at: <http://ssrn. 2141768>.
- Sasan, Mehrani. , Karami, Gholamreza. , Seyed Mostafa, Seyed Hosseini. , Mahtab, Jahrumi. (2015). *Accounting Theory*. Tehran: Nghah Danesh. (in persian).
- Zalaghi, Hassan. , Bayat, Morteza. (2015). Accounting Conservatism and Liquidity Management. *Journal of emprical research in accounting*, 5 (2) , 15-28. (in persian).

بررسی اثر بازگشت مدیریت سود واقعی بر عملکرد عملیاتی بلند مدت شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

الناز تجویدی*، حسین عامری**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۶/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۰۱

چکیده

هدف این پژوهش، پاسخ به این پرسش اساسی است که آیا بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری و کاهش عملکرد آتی رابطه معناداری وجود دارد. پرسش مذکور در قالب دو فرضیه مطرح شده است. مدیریت سود با استفاده از معیار کاهش مخارج فروش، عمومی و اداری اندازه گیری شد. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند. تعداد ۱۱۴ شرکت انتخاب شده اند که طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ مورد بررسی قرار گرفته اند. از روش تجزیه و تحلیل داده های ترکیبی و رگرسیون خطی چند متغیره از طریق نرم افزار Eviews9 جهت آزمون فرضیه و تخمین ضرایب استفاده گردید. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری با کاهش عملکرد آتی رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری و میزان محدودیت شرکت در مدیریت سود ارقام تعهدی رابطه معناداری وجود دارد.

واژه های کلیدی: مدیریت سود واقعی، بازگشت مدیریت سود واقعی، محدودیت ارقام تعهدی، هزینه های

فروش، عمومی و اداری.

طبقه بندی موضوعی: G10, G11.

DOI: 10.22051/jera.2017.11782.1435

* استادیار، گروه حسابداری، دانشکده حسابداری مدیریت و دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (elnaztaj@gmail.com)

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه مازندران، (نویسنده مسئول). (hosein.ameri67@yahoo.com)

مقدمه

عدم تقارن اطلاعات میان مدیریت و افراد برون سازمانی نظیر سرمایه‌گذاران یکی از مسائل بارز در حوزه‌های مختلف از جمله بازار سرمایه است. عدم تقارن اطلاعاتی به بیان ساده حاکی از آن است که همگان به طور یکسان به اطلاعات دسترسی ندارند و مدیریت بنا به موقعیت خود دارای اطلاعات بیشتری نسبت به دیگران است. از طرفی مالکان، ثروت خود را در اختیار مدیران قرارداده‌اند، و به منظور تصمیم‌گیری در مواردی همچون حفظ یا فروش سرمایه‌گذاری‌ها و ارزیابی وظیفه‌های مباشرت مدیران، به منظور انتخاب مجدد یا جایگزینی آنان، خواهان پاسخگویی مدیریت از طریق ارائه اطلاعات و پذیرش مسئولیت در قبال عملکرد خود می‌باشند. در این مسیر، اطلاعات حسابداری بخش عظیمی از نیازهای اطلاعاتی تصمیم‌گیرندگان را تأمین می‌کند. در واقع حسابداری، سامانه اطلاعاتی واحدهای تجاری است، که به تهیه و ارائه اطلاعات مالی می‌پردازد. یکی از صورت‌های مالی اساسی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، صورت سود و زیان می‌باشد. این صورت مالی منعکس‌کننده عملکرد واحد تجاری در یک دوره مالی است (پورحیدری و همتی، ۱۳۸۳).

مدیران واحدهای تجاری به دلایل مختلف می‌کوشند تا از طریق کاربرد روش‌های گوناگون حسابداری، سود دوره مالی را در راستای تأمین سیاست‌ها و اهداف خود، تغییر دهند (دستگیر، ۱۳۸۱). از آنجا که مسئولیت تهیه صورت‌های مالی به عهده مدیریت واحد تجاری می‌باشد، و با توجه به دسترسی مستقیم مدیران به اطلاعات و داشتن حق انتخاب روش‌های اختیاری حسابداری، امکان مدیریت سود وجود دارد. هلی و والن (۱۹۹۹) بیان می‌کنند که مدیریت سود هنگامی رخ می‌دهد که مدیران از قضاوت‌های شخصی خود در گزارشگری مالی استفاده کنند و ساختار معاملات را جهت تغییر گزارشگری مالی دستکاری نمایند. این هدف یا به قصد گمراه کردن برخی از صاحبان سود در خصوص عملکرد اقتصادی شرکت یا تأثیر بر نتایج قراردادهایی است که انعقاد آن‌ها منوط به دستیابی به سود شخصی است. این محققان دو شکل از مدیریت سود را مستند می‌کنند. شکل اول، شامل انتخاب روش‌های حسابداری مناسب برای دستیابی به سطوح مطلوب و مورد نظر سود می‌باشد که آن را مدیریت اقلام تعهدی اختیاری (AEM) می‌نامند و شکل دوم از زمان‌بندی یا میزان تصمیمات عملیاتی برای دستیابی به سود مطلوب و مورد نظر بهره می‌گیرد که به آن، دستکاری فعالیت‌های واقعی (REM) می‌گویند (هلی و والن، ۱۹۹۹).

مبانی نظری پژوهش

دستکاری فعالیت‌های واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که مدیران عهده‌دار فعالیت‌هایی می‌شوند که زمان‌بندی یا ساختار یک عملیات، سرمایه‌گذاری و یا معاملات مالی را به منظور اثرگذاری بر محصول (خروجی) سیستم حسابداری تغییر می‌دهد (گانی، ۲۰۱۰). دستکاری فعالیت‌های واقعی، انحراف از روش‌های عادی عملیاتی بوده و با هدف اولیه برآورده‌سازی آستانه‌های خاص سود انجام می‌گیرد (رویچوهری، ۲۰۰۶). از طرفی از آنجایی که دستکاری در فعالیت‌های واقعی از طریق تغییر فعالیت‌های اساسی یک شرکت صورت می‌پذیرد، به سادگی قابل شناسایی نمی‌باشد. دستکاری فعالیت‌های واقعی بر جریان‌های نقدی شرکت اثر مستقیم دارد (لی، ۲۰۱۰). روش‌های دستکاری فعالیت‌های واقعی مانند قیمت فروش محصولات به منظور افزایش فروش و یا کاهش مخارج اختیاری در بحران‌های اقتصادی، از جمله روش‌های بهینه‌ای هستند که به مدیران کمک می‌کند. ولی اگر مدیران به صورت گسترده و غیرعادی به استفاده از روش‌های مذکور علاقه نشان دهند، در واقع آن‌ها به مدیریت واقعی سود تمایل دارند؛ بنابراین اگر چه مدیران با انجام چنین فعالیت‌هایی می‌توانند به سودهای مورد نظرشان در کوتاه مدت دست یابند، لیکن آن‌ها در بلندمدت نخواهند توانست ارزش شرکت را افزایش دهند (ولی زاده لاریجانی، ۱۳۸۷). بدین منظور تمرکز را بر روی مدیریت سود واقعی از طریق تغییر سطح مخارج اختیاری همانند مخارج فروش، عمومی و اداری قراردادده ایم چرا که در مقابل اشکال دیگر مدیریت سود واقعی، تغییر در سطح مخارج اختیاری به احتمال زیاد اثر عملکردی فراتر از سال بازگشت مدیریت سود واقعی دارد. چرا که پژوهش‌های متعدد شواهدی را ارائه نموده‌اند که سرمایه‌گذاری‌های اختیاری برای ایجاد ارزش شرکت مفید هستند (هال و همکاران، ۲۰۰۸). بدین ترتیب زمانی که مدیریت سود واقعی به وسیله کاهش مخارج اختیاری انجام شود، ممکن است منجر به صدمه زدن به شرکت شود که در این صورت شرکت از طریق بازگشت این مخارج در سال بعد از کاهش، درصدد جبران آن می‌شود حال آنکه ممکن است دیگر در آینده فرصت جبران آن فراهم نشود، علاوه بر این، کاهش مخارج اختیاری می‌تواند منجر به قوی‌تر شدن رقبا در عرصه رقابت شود، به طور مثال زمانی که شرکت به عنوان بخشی از کاهش مخارج فروش، عمومی و اداری دست به کاهش فعالیت‌های تبلیغاتی خود بزند موجب از دست دادن قسمتی از سهم بازار خود می‌شود، که جبران آن خیلی سخت است. بنابراین می‌توان انتظار داشت کاهش در مخارج فروش،

عمومی و اداری به جهت مدیریت سود کمتر از حد مطلوب و پرهزینه باشد. زانگ (۲۰۰۳) ثابت کرد اگر شرکتی در گذشته از مدیریت اقلام تعهدی بیشتری نسبت به سایر شرکت‌های صنعت استفاده کرده باشد، طی سال جاری از انعطاف‌پذیری حسابداری پایین‌تری جهت اعمال مدیریت اقلام تعهدی برخوردار است. در نتیجه، میزان محدودیت در مدیریت اقلام تعهدی در هر یک از زمان‌های انجام مدیریت سود واقعی و یا زمان بازگشت آن می‌تواند موجبات منفی‌تر شدن عملکرد آتی را فراهم آورد، چرا که محدودیت در مدیریت اقلام تعهدی می‌تواند منجر به افزایش به کارگیری مدیریت سود واقعی شود و به تبع ممکن است عواقب ناشی از آن تأثیری منفی بر عملکرد آتی داشته باشد.

به هر حال در کنار دلیل فرصت‌طلبانه کاهش در مخارج فروش، عمومی و اداری شرکت‌ها، دلایل دیگری نیز برای این کاهش می‌توان متصور شد. برای مثال فشار رقابتی ممکن است به شرکت این فشار را وارد کند که باید کارا تر شود، بنابراین برای این امر ممکن است دست به حرکت به سمت کاهش در مخارج اختیاری خود بزند، که برای این منظور بازگشت مخارج در سال بعد را نمی‌توان متصور شد، چرا که این کاهش بهینه بوده، ولی آن دسته از کاهش‌هایی که به دلایل فرصت‌طلبانه و مدیریت سود واقعی صورت گرفته است به دلیل اینکه پرهزینه و کمتر از حد مطلوب است در سال بعد، بازگشت در این مخارج اتفاق می‌افتد (زانگ ۲۰۰۳).

به طور کلی این پژوهش به دنبال ارائه شاخصی برای شناسایی قصد مدیریت از بابت کاهش مخارج اختیاری می‌باشد، تا مشخص گردد آیا کاهش مخارج اختیاری فرصت‌طلبانه و مدیریت سود هست یا خیر؟ که فرض بر آن است در صورت فرصت‌طلبانه بودن مدیریت سود واقعی، در سال بعد این کاهش مخارج به جهت جبران، بازگشت پیدا می‌کند که باتوجه به مواردی همچون از دست دادن فرصت‌های سرمایه‌گذاری در زمان مناسب خود و قوی شدن رقیب در دوره کاهش به احتمال زیاد شرکت قادر به جبران نیست که در این صورت شرکت با کاهش عملکرد عملیاتی بلند مدت مواجه می‌شود و یا بالعکس ممکن است این کاهش مخارج اختیاری در جهت کارا تر شدن شرکت باشد که در نتیجه بازگشت و کاهش عملکرد عملیاتی بلند مدت را از این ناحیه نمی‌توان متصور شد.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری و کاهش عملکرد آتی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری و میزان محدودیت شرکت در مدیریت سود اقلام تعهدی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه پژوهش

شانگک ایکسیو و یان هونگ در سال ۲۰۱۵ به بررسی مدیریت سود، ساختار حاکمیت شرکتی و چسبندگی هزینه پرداخته‌اند. آن‌ها تأثیر مدیریت سود و حاکمیت شرکتی را بر چسبندگی هزینه آزمون نمودند. نتایج تجربی نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند چسبندگی هزینه را بیشتر کاهش دهد، اگرچه تأثیر آن نمی‌تواند به اندازه تأثیر مدیریت سود، قوی باشد.

الدن بورگ در سال ۲۰۱۱ در پژوهش خود که بر روی گروهی از بیمارستان‌های غیرانتفاعی انجام داد متوجه شد که مدیریت سود واقعی اثر منفی بر عملکرد عملیاتی آتی شرکت دارد.

میزیک و ژاکوسن در سال ۲۰۰۷ در پژوهش خود دریافتند که شرکت‌هایی که تمایل بیشتری به مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی دارند، بازده آتی سهام بسیار پایین‌تری در مقایسه با سایر شرکت‌ها بدست می‌آورند. همچنین به اعتقاد آنان، بازارهای مالی شرکت‌هایی را که سودهای خود را دستکاری می‌کنند به درستی ارزش‌گذاری نمی‌کنند. این ارزش‌گذاری اشتباه در حالت مدیریت سود مثبتی بر فعالیت‌های واقعی بیشتر از حالت مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی می‌باشد.

موسوی شیری و همکاران در سال ۱۳۹۵ در پژوهشی به ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه‌کاری و سرمایه‌گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که با افزایش سرمایه‌گذاران نهادی، مدیریت سود افزایش می‌یابد که ریشه این امر می‌تواند افق کوتاه مدت سرمایه‌گذاران نهادی، تئانی‌های سیاست مدارانه بین سرمایه‌گذاران نهادی و مدیریت و انگیزه زیاد در دستکاری سود توسط مدیران باشد. همچنین، نتایج پژوهش حاکی از آن است که سطوح مختلف میزان محافظه‌کاری، تأثیری در مدیریت سود ندارد.

زارع بهنمیری و همکاران در سال ۱۳۹۴ در پژوهشی به بررسی رابطه مدیریت سود اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی و هزینه سرمایه در شرکت‌ها پرداختند. نمونه‌ای مشتمل بر ۱۱۷ شرکت برای یک دوره زمانی ۷ ساله از میان شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد. در این پژوهش، متغیر هزینه سرمایه به عنوان متغیر وابسته و مدیریت سود اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی نیز به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شده است. نتایج حاکی از آن است که میان مدیریت سود اقلام تعهدی و فعالیت‌های واقعی با هزینه سرمایه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

سعیدی و همکاران در سال ۱۳۹۲ در پژوهشی با هدف بررسی تاثیر مدیریت سود از طریق دستکاری فعالیت‌های واقعی بر عملکرد آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به مطالعه بر روی ۱۲۳ شرکت طی یک دوره ۹ ساله پرداختند نتایج نشان می‌دهد که بین معیارهای مدیریت سود واقعی با عملکرد آتی رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر از این نتایج می‌توان استنباط کرد که دستکاری فعالیت‌های واقعی در دوره جاری، سبب کاهش عملکرد آتی شرکت می‌شود.

ولی‌زاده لاریجانی در سال ۱۳۸۷ در پژوهش خود به بررسی تاثیر مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی بر عملکرد عملیاتی آتی پرداخت. مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی با استفاده از معیارهای کاهش هزینه‌های اداری، عمومی و فروش، افزایش سود غیر عملیاتی حاصل از فروش دارایی‌های بلندمدت و تولید بیش از حد شناسایی گردید. عملکرد عملیاتی با استفاده از بازده دارایی‌ها و جریان‌های نقدی عملیاتی سنجیده شد. نتایج نشان داد که بین عملکرد عملیاتی آتی و مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی رابطه معناداری وجود ندارد.

عدیلی در سال ۱۳۸۸ در پژوهشی به بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و هزینه حقوق صاحبان سهام پرداخت. در واقع این تحقیق به دنبال بررسی این موضوع بود که آیا بین معیارهای مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی (جریان نقدی غیرعادی، تولید غیر عادی و هزینه‌های اختیاری غیر عادی) و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه وجود دارد؟ نتایج نشان داد که بین معیارهای مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و هزینه حقوق صاحبان سهام رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر، از نوع تحقیقات زمینه‌ای پس‌رویدادی محسوب می‌شود. هدف تحقیقات زمینه‌ای، مطالعه و بررسی کنش و واکنش‌های یک واحد از اجتماع یا یک فرد یا یک گروه خواهد بود. از سوی دیگر، تحقیقات پس‌رویدادی به دنبال بررسی روابط علت و معلولی از طریق مطالعه نتایج موجود و زمینه قبلی به امید یافتن علت عمل انجام شده می‌باشند. در نهایت، پژوهش حاضر در طبقه رویکردهای اثبات‌گرایی قرار می‌گیرد، زیرا با این پیش‌فرض اقدام به انجام پژوهش شده است که مفاهیم و واقعیات به صورت عینی در دنیای خارجی وجود دارد و با انواع روش‌های آماری، مشاهده و غیره، قابل اندازه‌گیری هستند.

مدل اصلی پژوهش

به منظور برآورد مخارج اختیاری فروش، عمومی و اداری از مدل اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) استفاده شده است و تفاوت بین ارقام واقعی و سطوح برآوردی به عنوان سطح غیرعادی تلقی می‌گردد.

$$\text{Log} (SG\&A_t/A_{t-1}) = \beta_0 + \beta_1 \log (\text{Sales}_t / \text{Sales}_{t-1}) + \beta_2 \log (\text{Sales}_t / \text{Sales}_{t-1}) * DD_t + \beta_3 \log (\text{Sales}_{t-1} / \text{Sales}_{t-2}) + \beta_4 \log (\text{Sales}_{t-1} / \text{Sales}_{t-2}) * DD_{t-1} + \varepsilon_t \quad (1)$$

متغیرها عبارتند از:

A = کل دارایی‌ها

$SG\&A$ = مخارج فروش، عمومی و اداری

$Sales$ = فروش خالص

DD_t = یک متغیر مجازی است و زمانی که درآمد فروش بین سال‌های t و $t-1$ کاهش می‌یابد برابر یک و در غیر این صورت برابر صفر است.

جامعه آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جمع‌آوری و مطالعه مجموعه جامعی از داده‌های مربوط به موضوع تحقیق، در عمل بسیار مشکل و گاهی غیرممکن است. بنابراین، به دلیل محدودیت در زمان یا منابع و امکانات، به ناچار از بخشی از داده‌های مزبور استفاده می‌شود که در مجموعه‌ای به نام نمونه گردآوری می‌شوند.

جامعه آماری این پژوهش به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محدود می‌گردد. انتخاب نمونه از این جامعه با در نظر گرفتن معیارهای زیر انجام می‌شود:

۱. به دلیل همسانی تاریخ گزارشگری و حذف اثرات فصلی و افزایش قابلیت مقایسه بین شرکتها و سالها، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند هر سال باشد و در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تغییر نکرده باشد.
 ۲. به دلیل تفاوت ماهیت فعالیت‌های مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری و تفاوت در صورت‌های مالی این گونه شرکت‌ها با شرکت‌های تولیدی و صنعتی شرکت‌ها جز بانک‌ها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری و هلدینگ‌ها نباشد.
 ۳. پس از مراحل فوق به دلیل معنادار بودن نتایج صناعی که سهم آنها در نمونه کمتر از دوشرکت بود حذف گردیدند تا اثرات آنها خنثی شود.
- با در نظر گرفتن این معیارها نمونه‌ای متشکل از ۱۱۴ شرکت بدست آمده است.

روش آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون دو فرضیه پژوهش، از روش حداقل مربعات معمولی و مدل‌های رگرسیونی زیر استفاده گردید و نتایج حاصل با استفاده از نرم افزار Eviews9 و Excel و داده‌های ترکیبی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. به منظور برآورد عملکرد عملیاتی آتی در رابطه با فرضیه اول از رگرسیون شماره ۲ استفاده گردید (ورثت، ۲۰۱۳):

$$ABN_CFO_{i,t+k}, \text{ where } k > 1 = \beta_0 + \beta_1 REM_SG\&A_t + \beta_2 REV_SG\&A_{t+1} + \beta_3 REM_S$$

$$G\&A_t * REV_SG\&A_{t+1} + \beta_4 ABN_ROA_t + \beta_5 SIZE_t + \beta_6 BTM_t + \beta_7 ZSCORE_t +$$

$$\beta_8 RETURN_t + \varepsilon_{i,t+k} \quad (2)$$

$ABN_CFO_{i,t+k}$ = جریان نقد عملیاتی منهای متوسط جریان نقد عملیاتی شرکت در سال t ، این جریان شامل جریان‌های نقدی ورودی و خروجی ناشی از فعالیت‌های عملیاتی (فعالیت‌های اصلی و مستمرمولد درآمد عملیاتی) است که براساس سایر بخش‌ها تعدیل شده و نیز آن دسته از جریان‌های نقدی است که ماهیتاً به طور مستقیم قابل ارتباط با سایر طبقات صورت جریان وجوه نقد نباشد.

$REM_SG\&A$ = یک متغیر مجازی است بطوریکه اگر مخارج غیرعادی فروش، عمومی و اداری (ABN_SGA) پایین پنجک (quintile) باشد مقدار آن یک و در غیر این صورت صفر می‌باشد. مخارج غیرعادی فروش، عمومی و اداری در واقع باقیمانده‌های برآورد مدل ۱ می‌باشند.

$REV_SG\&A$ = یک متغیر مجازی است که برابر یک می‌باشد، به شرط آن که مخارج غیرعادی فروش، عمومی و اداری در سال t مثبت و در سال $t+1$ منفی باشد و یا بالعکس در غیر این صورت صفر می‌باشد.

ABN_ROA_t = بازده دارایی‌ها، توانایی شرکت را در ایجاد سود با توجه به میزان سرمایه‌گذاری انجام شده در شرکت اندازه‌گیری می‌کند و از تقسیم سود خالص عملیاتی شرکت بر منابع بکار گرفته شده بدست می‌آید.

$SIZE$ = نشان دهنده اندازه شرکت می‌باشد و از لگاریتم طبیعی ارزش بازار بدست می‌آید.

BTM = کنترلی برای فرصت‌های سرمایه‌گذاری می‌باشد و عبارت است از ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

$RETURN$ = بازده سرمایه‌گذاری شرکت برای یکسال شامل سود نقدی سهام + تغییرات قیمت سهام طی سال.

$ZSCORE$ = معیاری برای ارزیابی آشفستگی مالی است که از طریق معادله شماره ۳ محاسبه می‌گردد: (ورث، ۲۰۱۳)

$$Zscore = (3.3) * \left(\frac{NI}{TA_{t-1}}\right) + (1.4) * \left(\frac{RE}{TA_{t-1}}\right) + (1.2) * \left(\frac{WC}{TA_{t-1}}\right) + \left(\frac{S}{TA_{t-1}}\right) \quad (3)$$

در رابطه فوق NI : خالص درآمد، RE : سود انباشته، WC : سرمایه در گردش، S : فروش و TA_{t-1} جمع دارایی‌های دوره قبل یا همان اول دوره است.

به منظور برآورد عملکرد عملیاتی آتی در رابطه با فرضیه دوم از رگرسیون شماره ۱۴ استفاده می‌گردد (ورث، ۲۰۱۳):

پیرو پژوهش بارتون و سیمکو (۲۰۰۲)، تراز خالص دارایی های عملیاتی (NOA) منعکس کننده میزان مدیریت سود (اقدام تعهدی) می باشد. به همین جهت از NOA به عنوان معیاری برای ارزیابی محدودیت اقدام تعهدی در فرضیه دوم استفاده نمودیم.

$$ABN_ROA_{i,t+k} \text{ or } ABN_CFO_{i,t+k}, \text{ where } k > 1 = \beta_0 + \beta_1 REM_SG \& A_{t+1} + \beta_2 REV_SG \& A_{t+1} + \beta_3 REM_SG \& A_t * REV_SG \& A_{t+1} + \beta_4 NOA_{t-1} + \beta_5 NOA_t - \beta_6 NOA_{t-1} * REV_SG \& A_{t+1} + \beta_7 NOA_t - \beta_8 NOA_{t-1} * REV_SG \& A_t + \beta_9 NOA_t + \varepsilon_{i,t+k} \quad (4)$$

دارایی های عملیاتی از طریق رابطه مقابل اندازه گیری خواهد شد:

$$NOA = \frac{(BV+D) - (C+MS)}{TA_{t-1}}$$

در رابطه فوق BV جمع ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام، D جمع بدهی، C وجه نقد، MS اوراق بهادار کوتاه مدت (تجاری) و TA_{t-1} نیز جمع کل دارائی ها در اول دوره است.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی

تکانه (۱). آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	بیشینه	کمینه	میانگین	انحراف استاندارد
هزینه های فروش و عمومی	۶/۷۸۲	۳/۹۸۷	۵/۸۷۶	۵/۲۳۵
خالص دارائی عملیاتی	۳/۹۸۸	-۲/۴۳۲	۰/۸۷۸	۱/۰۸۵
جمع دارائی ها	۹/۰۶۵	۵/۶۹۸	۷/۵۴۳	۸/۹۸۷
ارزش بازار	۸/۰۰۳	۵/۳۲۱	۷/۰۲۱	۷/۳۲۸
کیو تو بین	۳/۶۵۱	۲/۴۵۱	۰/۶۵۱	۲/۵۴۱
فروش	۹/۰۰۷	۵/۴۳۲	۷/۵۴۲	۸/۰۶۱
نسبت ارزش دفتری به بازار	۲/۵۴۳	۱/۱۲۳	۰/۲۳۴	۰/۵۶۴
معیار Z	۳/۰۳۴	-۰/۹۷۶	۰/۸۷۶	۱/۰۰۵
بازده سهام	۰/۸۷۶	۰/۳۴۵	-۰/۷۶۵	۰/۵۵۱
نرخ بازده دارائی ها	۰/۹۸۹	۰/۲۳۴	-۰/۹۸۵	۰/۴۳۲
جریان نقد عملیاتی	۸/۰۹۵	-۷/۴۱۲	۶/۴۳۵	۷/۳۲۷

مأخذ: نتایج پژوهش

بررسی پایایی متغیرهای پژوهش

پایایی متغیرهای پژوهش، به این معنی است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کوواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در صورتی که متغیرهای پژوهش پایا نباشند؛ چه در مورد داده‌های سری‌زمانی و چه در داده‌های ترکیبی باعث بروز مشکل رگرسیون کاذب خواهد شد. لذا قبل از این که به آزمون فرضیه‌ها پرداخته شود لازم است به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته شود. به همین دلیل قبل از انجام مقایسه بین مدل‌ها ابتدا پایایی متغیرهای پژوهش با دو آزمون لوین، لین و چو و آزمون ایم، پسران و شیم با استفاده از نرم افزار Eviews9 بررسی شده است. نتایج کلی این آزمون‌ها در نگاره ۲ ارائه شده است.

نگاره (۲). نتایج آزمون پایایی متغیرها

متغیر	آماره لوین، لین و چو	سطح معناداری	آماره ایم، پسران و شیم	سطح معناداری
هزینه‌های فروش و عمومی	-۵۹	۰/۰۰	-۱۴	۰/۰۰
خالص دارائی عملیاتی	-۴۸	۰/۰۰	-۱۷	۰/۰۰
جمع دارائی‌ها	-۱۶۷	۰/۰۰	-۲۳	۰/۰۰
ارزش بازار	-۱۰۹	۰/۰۰	-۲۸	۰/۰۰
کیو توبین	-۵۳	۰/۰۰	-۱۳	۰/۰۰
فروش	-۹۲	۰/۰۰	-۲۱	۰/۰۰
نسبت ارزش دفتری به بازار	-۴۷	۰/۰۰	-۱۲	۰/۰۰
معیار Z	-۶۱	۰/۰۰	-۱۵	۰/۰۰
بازده سهام	-۳۲	۰/۰۰	-۱۰	۰/۰۰
نرخ بازده دارایی‌ها	-۵۰	۰/۰۰	-۱۴	۰/۰۰
جریان نقد عملیاتی	-۱۳۲	۰/۰۰	-۲۴	۰/۰۰

مأخذ: نتایج پژوهش

نتایج آماری ارایه شده در نگاره ۲، نشان می‌دهد که متغیرها بر اساس همه آزمون‌های انجام شده، در سطح خطای ۵ درصد، همگی (0) هستند، یعنی در سطح (LEVEL) پایا هستند.

آزمون فرضیه اول

با توجه به نتایج برآورد مدل فرضیه اول در نگاره (۳)، متغیرها دارای ضرایب صفر در مدل هستند. البته متغیر عرض از مبدا دارای ضریب معنادار است و این بدان معنی است که متغیرهای دیگری که در مدل لحاظ نشده اند نیز دارای تأثیر بوده اند.

نتیجه کلی از آزمون فرضیه اول آن است که بین بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری با کاهش عملکرد آتی رابطه معناداری وجود ندارد.

نگاره (۳). نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	آماره T	سطح معناداری
REMSGA	۵/۳۲۳	۰/۱۷۱۰۵۰	۰/۸۸۰۸
REVSGA	۶/۴۳۲	۱/۶۵۷۳۲۹.۱	۰/۲۳۹۷
(NOA _{t-1} *REV_SG&A _{t+1})	-۶/۶۵۳	-۰/۶۴۳۳۱۸	۰/۶۰۱۹
ABNROA	-۰/۸۷۶	۰/۲۱۳۰۹۱	۰/۹۰۲۵
size	۶/۴۲۲	۶/۳۲۱۵۴۱	۰/۰۳۴۲
BTM	۵/۵۳۲	۵/۴۲۳۱۰۲	۰/۰۱۵۴
ZSCORE	۴/۸۷۶	۲/۱۴۵۸۷۱	۰/۲۹۵۸
RETURN	-۵/۴۳۱	-۰/۲۳۴۹۱	۰/۹۰۵۲.۰
C	-۷/۵۶۴	-۶/۴۳۰۱۳	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۱۲۰۳۲		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۰۴۶۵۱		
آماره F	۷/۸۲۵۶۱۲۳		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون	۲/۳۰۵۱۱۸		

مأخذ: نتایج پژوهش

آزمون فرضیه دوم

با توجه به نتایج برآورد مدل فرضیه دوم در نگاره شماره (۴)، فرضیه دوم تایید می شود. ضریب متغیر مستقل اصلی مدل یعنی NOA در مدل برابر ۵/۹۰۲ است. البته متغیر جزء خطا نیز به همراه متغیر تصنعی سوم (NOA_{t-1}*REV_SG&A_{t+1}) دارای ضرایب معناداری در مدل هستند ضریب سایر متغیرها در مدل صفر منظوری شود. فرضیه دوم که میزان اثرگذاری بازگشت کاهش اختیاری در مخارج فروش، عمومی و اداری بر عملکرد آتی را، با توجه به میزان محدودیت شرکت در مدیریت سود اقلام تعهدی بررسی نمود، مورد تایید قرار گرفت و

اثر گذاری متغیر مستقل اصلی مدل یعنی NOA تایید شد، که با توجه به مثبت بودن مقدار ضریب آن نتیجه می‌گیریم که این متغیر رابطه مستقیمی با کاهش عملکرد عملیاتی آتی دارد و همچنین متغیر تصنعی سوم تاثیرش بر کاهش عملکرد عملیاتی آتی مورد تایید قرار گرفت و با توجه به R^2 تعدیل شده مشخص است که حدود ۲۷ درصد از کاهش عملکرد عملیاتی آتی در نمونه مورد مطالعه توسط متغیر مستقل NOA و متغیر تصنعی سوم توضیح داده می‌شود.

تکرار (۴). نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	آماره T	سطح معناداری
REMSGA	-۵/۷۶۵	-۰/۱۶۳۲۷۲	۰/۸۷۹۵
REVSGA	-۶/۴۳۲	-۱/۶۳۲۷۶۲	۰/۱۵۷۱
REM_SG&A _t *REV_SG&A _{t+1}	۶/۲۳۱	۰/۲۷۴۳۹۸	۰/۱۲/۷۹
NOA	۵/۹۰۲	۶/۰۲۴۱۲	۰/۰۰۰
NOA _{t-1} *REM_SG&A _t	۵/۰۰۱	۱/۴۵۶۲۱۶	۰/۲۱۷۱
NOA _{t-1} *REV_SG&A _{t+1}	۵/۸۷۶	۶/۰۸۷۶۵۳	۰/۰۰۰
NOA _{t-1} *REM_SG&A _t *REV_SG&A _{t+1}	-۵/۹۹۷	-۱/۵۳۲۰۱۲	۰/۱۵۳۹
C	-۵/۲۰۱	-۲/۸۷۶۵۱۳	۰/۰۰۳۶
ضریب تعیین		۰/۲۸۴۵۱۰	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۷۳۲۴۱	
آماره F		۲۴/۱۲۳۷۶	
احتمال آماره F		۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون		۲/۱۵۲۴۱۲	

مأخذ: نتایج پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش را می‌توان یکی از اولین پژوهش‌های انجام شده در زمینه مدیریت سود واقعی دانست که متغیر بازگشت را در مدل پژوهش لحاظ نموده است، ولی صرفه نظر از این مقوله می‌توان این پژوهش را با پژوهش‌هایی که در زمینه مدیریت سود واقعی و اثر آن بر عملکرد عملیاتی آتی انجام گرفته تا حدودی مورد مطابقت قرار داد، از جمله می‌توان به پژوهشی که توسط ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۸۷) صورت گرفته است اشاره نمود، نتایج این پژوهش نشان داد، که بین عملکرد عملیاتی آتی و مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی رابطه معناداری وجود ندارد. در مقابل در این پژوهش بازگشت کاهش مخارج فروش، عمومی و اداری و تاثیر آن بر

عملکرد عملیاتی آتی مورد بررسی قرار گرفت، نتایج پژوهش نشان داد که متغیر مستقل بازگشت کاهش مخارج فروش، عمومی و اداری موثر نبوده است. علت این امر را می‌توان این‌گونه استدلال نمود که ممکن است انجام فعالیت‌هایی همچون کاهش هزینه‌های اداری، عمومی و فروش ناشی از مجموعه فرصت‌هایی باشد که در اختیار شرکت است و صرف کاهش مخارج اختیاری نمی‌توان آن را مدیریت سود دانست. ولی در ادامه از نتایج ارائه شده در این پژوهش این استدلال را می‌توان داشت، زمانی که کاهش مخارج اختیاری رخ می‌دهد و همزمان شرکت با محدودیت استفاده از مدیریت سود ارقام تعهدی همراه باشد به شرط آن که در سال بعد این کاهش مخارج با بازگشت همراه باشد، نشان از مدیریت واقعی سود دارد، به‌طوری که در پژوهشی که توسط ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۸۷) صورت گرفت کاهش مخارج اختیاری همراه با محدودیت بکارگیری مدیریت سود ارقام تعهدی را در مدل پژوهشی خود مورد بررسی قرار داد که نتیجه‌اش عدم معناداری کاهش مخارج فروش، عمومی و اداری بر جریان نقد عملیاتی و بازده آتی دارایی‌ها بود ولی در این پژوهش با مد نظر قرار دادن متغیر بازگشت کاهش مخارج اختیاری در کنار محدودیت مدیریت سود ارقام تعهدی نتیجه‌ای متفاوت از آن چه که در پژوهش ولی‌زاده لاریجانی (۱۳۸۷) صورت گرفته بود، حاصل شد. شاید با توجه به نتایج این پژوهش بتوان این‌گونه استدلال نمود که بازگشت کاهش مخارج اختیاری در کنار محدودیت ارقام تعهدی به احتمال زیاد منعکس‌کننده بهتری از رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت در جهت مدیریت سود باشد در نهایت پیشنهاد می‌شود، پژوهش‌های بیشتری در زمینه مدیریت سود با مد نظر قرار دادن متغیر بازگشت انجام شود.

منابع

- پور حیدری، امید. همتی، داود. (۱۳۸۳). بررسی اثر قرار دادهای بدهی، هزینه‌های سیاسی، طرح‌های پاداش و مالکیت بر مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال ۱۱، شماره ۳۶، صص ۶۳-۴۷.
- دستگیر، محسن؛ (۱۳۸۱). حسابداری ساختگی و رسوایی‌های مالی شرکت‌های آمریکایی. حسابداری، شماره ۱۵۰، صفحات ۱۶ تا ۲۰.
- زارع بهنمیری، محمد جواد. فاطری، علی. ملکیان کله بستی، مصطفی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه مدیریت سود واقعی و تعهدی و هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق و بهادار تهران. فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد مدیریت مالی، شماره ۱، سال سوم، صص ۱۴۱-۱۵۹.

- سعیدی، علی. حمیدیان، نرگس. ربیعی، حامد. (۱۳۹۲). رابطه بین فعالیت های مدیریت سود واقعی و عملکرد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت*، شماره هفدهم، سال ششم، صص ۴۵-۵۸.
- عدیلی، مجتبی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر فعالیت‌های واقعی و هزینه حقوق صاحبان سهام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علوم اقتصادی
- موسوی شیری، سید محمود. پیشوایی، فاطمه. خلعت‌بری، حسن. (۱۳۹۵). ارزیابی مدیریت سود در سطوح مختلف محافظه کاری و سرمایه گذاران نهادی با استفاده از قانون بنفورد. *بررسی های حسابداری و حسابرسی*، سال ۲۳، شماره ۲، صص ۲۳۴-۲۱۳.
- ولی زاده لاریجانی، اعظم. (۱۳۸۷). نتایج مدیریت واقعی سود. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه الزهراء (س).

- Adili, M. (2009). Investigating the relationship between earnings management based on real activities and equity costs, Master's Degree in Accounting, Economics University. (In Persian).
- Anderson, M. C. , Banker, R. , & Janakiraman, S. (2003). Are selling, general and administrative costs Sticky? *Journal of accounting Research*, 41 (1): 47- 63.
- Barton, J. and P. Simko. (2002). the balance sheet as an earnings management constraint. *The Accounting Review*, 77: 1-27.
- dastger, M. (2002). Fictitious Accountancy and Financial Scams of American Companies. *Accountant*, No. 150, pp. 16-20. (In Persian).
- Eldenburg, L. G. K. A. Gunny, K. W. Hee, and N. Soderstrom. 2011. Earnings management using real activities: Evidence from nonprofit hospitals. *The Accounting Review*, 86 (5): 1605-1630.
- Gunny, K. (2005). What are the consequences of real earnings management? Working paper, University of Colorado at Boulder.
- Gunny, K. (2010). The relation between earnings management using real activities manipulation and future performance: Evidence from meeting earnings benchmarks. *Contemporary Accounting Research*, Vol. 27, No. 3, Pp. 855- 888.
- Hall, B. H. A. Jaffe, and M. Trajtenberg. 2005. Market value and patent citations. *Journal of economics*: 16-38.
- Healy, P. M. and Wahlen, J. (1999). A review of the earnings management literature and its implication for standards setting. *Accounting Horizons*, Vol. 13 No. 4, pp. 365-83.
- Li, X. 2010. Real earnings management and subsequent stock returns. Available at SSRN 1679832
- Mizik, N. and R. Jacobson. (2007). Earnings Inflation through Accruals and Real Activity Manipulation: It's Prevalence at the Time of an SEO

- and the Financial Market Consequences. Working paper, Columbia University, University of Washington.
- Mousavi Shiri, S. M; Peshvaey, F; Khalat Barri, H. (2016). Evaluation of Earnings Management at Different Levels of Conservatism and Institutional Investors Using Benford Law, *Accounting and Auditing Reviews*, Vol. 23, No. 2, pp. 234-213. (In Persian).
- Pour Heidari, O. and Hemmati, D. (2004). Investigating the Effect of Debt Contracts, Political Expenses, Rewards and Ownership Plans on the Profit Management of Companies listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Audit Reviews*, Year 11, No. 36, pp. 63-47. (In Persian).
- Roychowdhury, S. (2006). Earnings Management through Real Activities Manipulation. *Journal of Accounting and Economics*, 42.
- Saeidi, A, Hamidian, N, Rabiei, H. (2013). The Relationship between Real Estate Management Activities and Future Performance of Companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management Accounting, Seventh Number, Sixth Year*, Pages 58-45. (In Persian).
- Valizadeh Larijani, A. (2008). The results of real management of profits, Thesis of MA in Accounting, Al-Zahra University. (In Persian).
- vorst,p. (2013). Real Earnings Management Reversal and Long-Term Operating Performance. Maastricht University. SSRN-id2304370
- Xue, Sh. and Hong,Y. (2016). Earnings management, corporate governance and expense stickiness China. *Journal of Accounting Research* 9, 41-58
- Zang, A. (2003). When do managers use real activities manipulation ? Working paper, Duke University.
- Zare Behnamiri, M. J, Fateri, A; Malekian Kale Basti, M. (2015). Investigating the Relationship Between Real and Actual Profit Management and Accruality and Capital Cost in the Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of the Study of Financial Management Strategy*, No. 1, Third Year, Pages 141-159. (In Persian).

بررسی رابطه بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس

اوراق بهادار تهران

پری چالاکي*، فرزاد غیور**، کاوه باقري***

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۲۷

چکیده

در زمینه حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های آن، پژوهش‌های زیادی در سال‌های اخیر صورت گرفته است، اما در این میان بررسی تاثیر افشای اختیاری اطلاعات در قالب گزارشات مالی و غیر مالی بر عملکرد مالی شرکت‌ها موضوعی جدید می‌باشد. هدف این پژوهش بررسی رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ می‌باشد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، رگرسیون چند متغیره با استفاده از نرم افزار ایویوز به کار گرفته شد و امتیاز افشای اختیاری حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر مستقل و نسبت‌های بازده کل دارایی‌ها و کیو-توبین به عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد مالی در نظر گرفته شده‌اند. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات ۱۰۸ شرکت به روش رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی با بازده کل دارایی‌ها و نسبت کیو-توبین به عنوان معیارهای ارزیابی عملکرد مالی رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، افشای اختیاری حاکمیت شرکتی، عملکرد مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M40، M41

DOI: 10.22051/jera.2018.11873.1447

* استادیار حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول). (p.chalaki@urmia.ac.ir)

** استادیار حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (f.ghayour@urmia.ac.ir)

*** کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (k.bagheri24@yahoo.com)

مقدمه

اصطلاح افشا در گسترده‌ترین مفهوم به معنای ارائه اطلاعات است، لیکن در حسابداری از این اصطلاح به نحو محدودتری استفاده می‌شود و صرفاً به معنای ارائه اطلاعات مالی مربوط به یک شرکت در گزارش‌های مالی و یا گزارش‌های سالانه می‌باشد. به طور کلی افشا در محدودترین معنای خود شامل مواردی نظیر بحث و تحلیل مدیریت، یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی و صورت‌های مکمل می‌باشد. بسیاری از صاحب نظران حسابداری بر این باورند که شرکت‌ها، داوطلبانه تمام اطلاعاتی را که برای عملکرد بهینه بازار سرمایه ضرورت دارد افشا می‌کنند و برخی دیگر از پژوهش‌گران حسابداری ادعا می‌کنند که شرکت‌های سهامی در صورتی که از طرف حرفه حسابداری یا نهادهای دولتی و یا قانونی ملزم نشوند، در مورد افشای اضافی تمایلی ندارند (شباهنگ، ۱۳۹۵).

دلیل اصلی تأکید بر افشای داوطلبانه این است که یکی از زیربناهای اصلی برای حفظ منافع سهامداران محسوب می‌شود. رویکردهای افشای کامل همراه شفافیت در گزار شگری مالی می‌تواند شرایط مطمئنی را پدید آورد و اطمینان از حمایت منافع سرمایه‌گذاران را افزایش دهد (مادهانی و پانکاج، ۲۰۰۹).

بازارهای نوظهور به دلیل درجه بالای رشد اقتصادی مورد توجه شرکت‌های بین‌المللی، سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی قرار می‌گیرند. با وجود این، آن‌ها رویه‌های حمایتی ضعیفی برای سرمایه‌گذاران به ویژه سهامداران اقلیت دارند. همچنین عدم تقارن بالایی بین مدیران و سرمایه‌گذاران آنها وجود دارد و سطح افشای ضعیف‌تری نسبت به بازارهای اقتصادهای توسعه یافته دارند (الفکی، ۲۰۱۷).

عدم تقارن اطلاعاتی یکی از مشکلات کلیدی است که رابطه نماینده و مالک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرض بر این است که مدیریت به خاطر نقشی که در اداره امور شرکت دارد در مورد شرکت بسیار آگاه است. اصل یا مالک برای اطلاع از این که شرکت بر اساس هدف اولیه حداکثر سازی ثروت عمل می‌کند یا نه، به اطلاعات افشا شده اتکا می‌کند. هدف اصلی افشا، آگاه کردن سرمایه‌گذاران/مالکان و تحلیل‌گران در خصوص کیفیت و ارزش شرکت است. اطلاعات نه تنها باید صحیح باشد بلکه باید به موقع هم باشد تا تصمیم‌گیرنده را به شکل مناسبی منتفع سازد. بنابراین افشا می‌تواند به صورت فراهم کردن اطلاعات به موقع و مربوط

که هدف آن رسیدن به شفافیت کامل و ارائه تصویر درستی از اقدامات شرکت مانند حاکمیت و عملکرد مالی است، تعریف شود. اساساً، در گزارشات دوره‌ای ارائه شده دو نوع افشا وجود دارد: افشای اجباری (الزامی) و افشای اختیاری (داوطلبانه). افشای اجباری اطلاعاتی است که باید بر اساس انتظارات یک نهاد قانونی خاص کشوری که شرکت در آن واقع شده؛ مانند بورس اوراق بهادار افشا شود (موسیو کا، ۲۰۱۷).

افشای اختیاری، افشای اطلاعاتی فراتر از تعهدات قانونی است که به وسیله نهادهای قانون‌گذار تدوین شده است. شرکت‌هایی که به طور داوطلبانه اطلاعاتی افشا می‌کنند که به وسیله مراجع قانون‌گذار اجباری برای آنها وجود ندارد، برای شکل دادن توقعات مشارکت‌کنندگان بازار تلاش می‌کنند و از این رو به واسطه افشای اطلاعات اضافی از شرایط معامله با این اشخاص منفعت می‌برند (مادهانی و پانکاج، ۲۰۰۹).

عدم افشای کامل فعالیت‌های شرکت، سهامداران را با ریسک دستکاری سود مواجه می‌کند که گواه آن رسوایی‌ها، تقلب‌ها، توقف نماد و حتی از لیست شرکت‌های پذیرفته شده خارج شدن‌های اخیر می‌باشد (موسیو کا، ۲۰۱۷).

مطالعات انجام شده در خصوص افشای اطلاعات شرکت‌ها، تفاوت‌های چشمگیری در ماهیت و میزان افشای اختیاری شرکت در بین شرکت‌های یک صنعت و یک کشور نشان می‌دهد. نتایج مطالعات مذکور بیانگر این است که برخی شرکت‌ها بخش زیادی از اطلاعات را به صورت اختیاری افشا می‌کنند در حالی که شرکت‌های دیگر آن را افشا نمی‌کنند (الفکی، ۲۰۱۷).

در صورت وجود مشکلات نمایندگی، امکان اتخاذ تصمیمات عملیاتی از سوی مدیران که در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران و شرکت باشد، وجود ندارد. بنابراین، بر اساس نظریه نمایندگی باید در خصوص محافظت سهامداران از تضاد منافع، ساز و کار کنترلی یا نظارتی کافی ایجاد شود (مادهانی و پانکاج، ۲۰۰۹).

از آنجائی که مدیران ممکن است به جای افزایش ثروت سهامداران، بر اساس منافع شخصی خود عمل کنند، ضروری است که سهامداران از طریق ایجاد سازوکارهای مناسب مشکلات ناشی از تضاد منافع را خنثی کنند. یکی از این سازوکارها، حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی مستحکم در شرکت‌ها، رفتار فرصت‌طلبانه و سودجویانه مدیران را محدودتر کرده و

در نتیجه، کیفیت و توان اتکای گزارشگری مالی را بهبود می‌بخشد (مهرانی و صفرزاده، ۱۳۹۰).

حاکمیت شرکتی مجموعه مکانیزم‌های کنترل داخلی و خارجی شرکت است که تعیین می‌کند شرکتها چگونه و توسط چه کسانی اداره شده و روند مناسب پاسخگویی و انتشار مناسب اطلاعات شرکت به ذی‌نفعان چگونه باید باشد. لذا حاکمیت شرکتی فرآیندی است که موجب می‌شود شفافیت اطلاعاتی شرکت که از سوی مدیران آن تهیه می‌شود از کیفیت بالاتری برخوردار گردد.

وجود حاکمیت شرکتی مناسب باعث کاهش اثرات مسئله نمایندگی می‌شود. از طرفی دیگر یکی از اهداف حاکمیت شرکتی، افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت در راستای منافع سهامداران به طور مشخص و به طور کلی تمامی ذی‌نفعان است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که بین حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود داشته باشد (رجبی و گنجی، ۱۳۸۹). زیرا حاکمیت شرکتی شامل فرآیندهایی برای راهبری تلاش‌های شرکت در راستای ایجاد ارزش برای سهامداران است و به عنوان ساز و کاری در جهت حمایت از منافع گروهی و فردی تمام مدعیان و ذینفعان شرکت محسوب می‌شود (حسن و بات، ۲۰۰۹). ولی در صورتی سهامداران از اجرای صحیح آن در شرکت اطلاع می‌یابند که این عوامل در صورت‌های مالی که تنها راه دستیابی افراد بیرون از سازمان به اطلاعات شرکت است، افشا شوند تا هم عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داده و بر هزینه‌های نمایندگی فائق آیند و هم شرکت را در رساندن به هدفش که حداکثر کردن ثروت سهامداران است، یاری رساند.

درک بهتر سرمایه‌گذاران از مدیر در خصوص پیشبینی تغییرات اقتصادی، باعث بالاتر رفتن ارزش شرکت می‌شود. بنابراین، مدیران می‌توانند با ارائه داوطلبانه اطلاعات پیش‌بینی خود را در رابطه با محیط اقتصادی آتی شرکت و نیز ارائه پیش‌بینی‌های سود مدیریت، باعث افزایش ارزش سهام و در نتیجه بالا رفتن موقعیت رقابتی شرکت در صنعت مربوط به خود در بازار سرمایه شوند. با این حال افشای داوطلبانه علاوه بر داشتن مزایای تجاری، باعث تحمیل هزینه‌هایی نیز بر شرکت می‌شود. در همین راستا، نظریه افشای داوطلبانه بیان می‌کند که مدیران در صورت فزونی منافع افشا بر هزینه‌های آن، اطلاعاتی را افشا خواهند نمود. بنابراین با

توجه به مطالب بیان شده، افشای داوطلبانه اطلاعات به وسیله مدیران شرکت‌ها می‌تواند بر عملکرد و سودآوری آنها موثر باشد (ستایش و همکاران، ۱۳۹۳).

علاوه بر ستایش و همکاران (۱۳۹۳)، نتایج پژوهش‌های مسیو کا (۲۰۱۷)، موتیوا و همکاران (۲۰۱۵)، فویکه و همکاران (۲۰۱۵)، آچوکی و همکاران (۲۰۱۶) نیز حاکی از این است که بین افشای اختیاری و عملکرد شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. از طرف دیگر، در پژوهش‌های انجام شده توسط نقدی و ابراهیمی کردلر (۱۳۹۵)، البسام (۲۰۱۴)، انواری رستمی و همکاران (۱۳۹۳) حاکمیت شرکتی در فهرست اقلام افشای اختیاری قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی تاثیر دارد. البته تعداد شاخص‌های افشای اختیاری حاکمیت شرکتی در پژوهش‌های مذکور محدود بوده - به عنوان مثال در پژوهش‌های نقدی و ابراهیمی کردلر (۱۳۹۵) فقط ۸ مورد می‌باشد - ولی در این پژوهش ۳۰ شاخص با توجه به شاخص‌های ارائه شده در پژوهش البسام (۲۰۱۴) و محیط گزارشگری ایران انتخاب شده است. پژوهش‌های انجام شده در ایران بیشتر بر تاثیر ویژگی‌ها و کیفیت حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی تمرکز کرده اند (به عنوان مثال: قنبری (۱۳۸۶)، حساس یگانه و همکاران (۱۳۸۸)) و نه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی. همچنین برخی از پژوهش‌های داخلی در مورد تاثیر حاکمیت شرکتی بر سطح افشای اختیاری می‌باشد مانند مهدوی و عزیزاده طلائی (۱۳۹۴)، باغومیان و نقدی (۱۳۹۳)، مصطفوی و اشرفی (۱۳۹۴)، کاشانی پور و همکاران (۱۳۹۲) و دیدار و همکاران (۱۳۹۶).

هدف اصلی این پژوهش، پی بردن به رابطه بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت‌ها می‌باشد. لذا، اصلی‌ترین سوالی که می‌توان در رابطه با این پژوهش بیان کرد این می‌باشد که آیا بین افشای اختیاری مجموعه‌ای از شاخص‌های حاکمیت شرکتی با عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

پورحیدری و حسین پور (۱۳۹۱) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین افشای اجباری و افشای اختیاری با ارزش بازار سهام شرکت‌ها پرداختند که در نهایت یافته‌های پژوهش نشان داد که بین افشای اجباری و ارزش بازار سهام شرکت‌ها، رابطه معنی داری وجود دارد و با افزایش شاخص کیفیت افشا، ارزش بازار سهام شرکت‌ها نیز افزایش می‌یابد. یافته‌های پژوهش

همچنین نشان داد که رابطه معنا داری بین افشای اختیاری و ارزش بازار سهام شرکت‌ها وجود ندارد.

انواری رستمی و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی ۶۳ مطالعه انجام شده طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۲ که بر روی شفافیت اطلاعاتی مجموعاً ۸۰۷۵ سال-شرکت در ۳۱ کشور جهان صورت گرفته است به این نتیجه رسیدند که گرچه شاخص‌های شفافیت در کشورهای در حال توسعه گسترده تر است اما عملاً میزان افشا در کشورهای توسعه یافته بیشتر بوده است. همچنین یافته‌های پژوهش مذکور نشان داد شرکت‌ها در کشورهای توسعه یافته در زمینه افشای برخی اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به اهداف و استراتژی‌ها، طرح‌های توسعه، محیط و صنعت فعالیت، و در مقابل کشورهای در حال توسعه در مورد اطلاعات مربوط به انواع ریسک و مدیریت آن، راهبری شرکتی و مسائل اخلاقی، اجتماعی و محیطی تمرکز بیشتری دارند.

ایسوکول و چیزه آ (۲۰۱۷) افشای حاکمیت شرکتی در بانک‌های نیجریه و غنا را ارزیابی کردند و به این نتیجه رسیدند که بانک‌های غنا سطح ضعیف‌تری از افشا نسبت به بانک‌های نیجریه دارند و بانک‌های هر دو کشور نمرات ضعیفی در افشای اختیاری حاکمیت شرکتی دارند.

موتیوا و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تاثیر افشای اختیاری بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نایروبی پرداختند و به رابطه قوی بین افشای اختیاری و عملکرد مالی یافتند.

آچوکی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود تاثیر افشای اختیاری و عملکرد مالی بانک‌های تجاری روآندا را طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ بررسی کردند و نتیجه پژوهش آنها حاکی از این بود که رابطه مثبت و معناداری بین آنها وجود دارد.

المناسیر و شیواراج (۲۰۱۷) نشان دادند شاخص حاکمیت شرکتی اردن افشای اختیاری حاکمیت شرکتی شرکت‌های پذیرفته شده اردنی را طی سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۱۰ افزایش داده است. آنها همچنین سطوح متفاوتی از افشای حاکمیت شرکتی را در سناریوهای مختلف نشان دادند: ۱) افشای حاکمیت شرکتی در شرکت‌هایی که مالکیت مدیریتی بالایی دارند، کمتر است. ۲) افشای حاکمیت شرکتی در شرکت‌هایی که اعضای هیات مدیره مستقل، اندازه شرکت حسابرسی بزرگتری دارند و کمیته حسابرسی در آنها وجود دارد، بالاتر است.

ستایش و همکاران (۱۳۹۳) براساس بررسی ۸۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ نشان دادند که رابطه معناداری بین افشای داوطلبانه با بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام وجود ندارد؛ اما رابطه مثبت معناداری بین افشای داوطلبانه و نمرات کارایی محاسبه شده به وسیله تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به عنوان معیار جامع عملکرد است.

چنگ و همکاران (۲۰۱۰) با توجه به اصول سازمان همکاری و توسعه اقتصادی از ۲۹ معیار برای کارت امتیازدهی استفاده کرده اند؛ تا کیفیت افشاء این شرکت‌ها را اندازه گیری کنند. سپس با بدست آوردن امتیاز افشاء شرکت‌ها، رابطه بین افشاء و ارزیابی قیمت سهام را بررسی کردند. نتیجه بررسی ایشان نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری بین سطح افشاء کل و ارزش گذاری سهام در بازار وجود دارد.

البسام (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی، افشای اختیاری و عملکرد مالی به بررسی تاثیرات افشای ۶۴ شاخص از عوامل حاکمیت شرکتی در بازار بورس عربستان سعودی پرداخت که نشان داد مقدمات امتیاز افشاء داوطلبانه حاکمیت شرکتی موجب بهبود سطح افشای داوطلبانه حاکمیت شرکتی در شرکت‌های مورد بررسی شده است. همچنین نشان داد که اندازه هیئت‌مدیره، اندازه شرکت حسابرسی، مالکیت نهادی و مالکیت مدیر بر سطح افشای اختیاری حاکمیت شرکتی تاثیر معنا داری داشت، در عین حال نسبت مدیران مستقل و مالکیت بلوک با سطح افشای اختیاری حاکمیت شرکتی رابطه منفی داشتند.

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه حسابداری و مالی در کشور، مشخص می‌گردد که نسبت به موضوع شفافیت اطلاعاتی به خصوص در زمینه افشای داوطلبانه اطلاعات که یکی از ابزارهای کلیدی در بررسی شفافیت است، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به موارد فوق، فرضیه پژوهش به صورت زیر شکل می‌گیرد:

- فرضیه اصلی: بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد

- فرضیه فرعی اول: بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و نرخ بازده دارائی‌ها (ROA) رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.
- فرضیه فرعی دوم: بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و نسبت کیو-تو بین رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش جزو پژوهش‌های توصیفی و همبستگی است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای، اطلاعات مورد نیاز برای مبانی نظری و پیشینه پژوهش گردآوری شده و با استفاده از روش میدانی، اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر بانک‌های اطلاعاتی از جمله صورت‌های مالی و گزارشات هیأت مدیره به همراه یادداشت‌های توضیحی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزارهای موجود در این زمینه نظیر نرم افزار ره آورد نوین و سایت رسمی شرکت‌ها جمع‌آوری گردید.

از آنجایی که منبع اصلی افشای اختیاری اطلاعات، گزارش‌های منتشر شده در رابطه با فعالیت‌های هیأت مدیره شرکت‌ها است، این امکان برای استفاده کنندگان اطلاعات فراهم می‌شود تا به اطلاعات غیر مالی و آماری شرکت‌ها دسترسی یابند. لذا در این پژوهش شاخص‌های مربوط به افشای داوطلبانه بخش راهبری شرکت‌ها، از طریق گزارشات و صورت‌های مالی فعالیت هر یک از شرکت‌های مورد بررسی، استخراج و مورد آزمون قرار گرفت.

جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش، کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۸۷ الی ۱۳۹۲ می‌باشد

نمونه آماری در این پژوهش دارای شرایط زیر می‌باشد:

- تا پایان سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - شرکت‌ها نباید سال مالی خود را در طی دوره‌های مورد نظر تغییر داده باشند.
 - شرکت‌های مورد نظر طی دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته و سهام آن مورد معامله قرار گرفته باشد.
 - اطلاعات مالی مورد نیاز برای انجام این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۲ به طور کامل ارائه کرده باشد.
 - جزو بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ‌ها و لیزینگ‌ها نباشند؛ زیرا افشای اطلاعات مالی و ساختارهای حاکمیت شرکتی در آن‌ها متفاوت است.
 - شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به افشای حاکمیت شرکتی آنها بر اساس متغیر وابسته این پژوهش، یعنی شاخص‌های افشا شده که در ۵ طبقه گنجانده شده، افشا نشده باشد از نمونه مورد نظر حذف می‌گردد.
- با در نظر گرفتن شرایط فوق، نمونه آماری پژوهش شامل ۱۰۸ شرکت می‌باشد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با توجه به بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، همبستگی است لذا از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. همچنین جهت تحلیل آماری نیز از نرم افزار Eviews استفاده شد. در این پژوهش رابطه بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی با استفاده از تحلیل‌های رگرسیونی ترکیبی به صورت زیر بررسی شد:

مدل رگرسیونی فرضیه اول (فرضیه اصلی):

$$FP_{it} = \beta_0 + \beta_1 VDCGS_{it-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i CONTROLS_{it-1} + \varepsilon_{it-1}$$

مدل (۱)

که در آن:

FP_{it} = عملکرد مالی شرکت i در سال t که در این مدل متغیر وابسته می باشد.

$VDCGS_{it-1}$ = امتیاز افشای اختیاری حاکمیت شرکتی، شرکت i در سال $t-1$ که در این مدل متغیر مستقل می باشد.

$CONTROLS_{it-1}$ = متغیر کنترلی که شامل: اندازه شرکت، رشد شرکت، اهرم مالی و سود سهام پرداختی شرکت i در سال $t-1$ می باشد.

ε_{it-1} = خطای باقی مانده (پسماند) شرکت i در سال $t-1$

مدل رگرسیونی فرضیه دوم (فرضیه فرعی اول):

لازم به توضیح است که برای بررسی تاثیر افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی از دو عامل (متغیر نرخ بازده دارایی ها ROA ، و نسبت Q توین استفاده می شود)

$$ROA = \beta_0 + \beta_1 VDCGS_{it-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i CONTROLS_{it-1} + \varepsilon_{it-1}$$

مدل (۲)

در این مدل هم از متغیر های مدل اصلی استفاده شده با این تفاوت که متغیر نرخ بازده دارایی ها ROA در این مدل متغیر وابسته می باشد.

مدل رگرسیونی فرضیه سوم (فرضیه فرعی دوم):

$$Q_s = \beta_0 + \beta_1 VDCGS_{it-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i CONTROLS_{it-1} + \varepsilon_{it-1}$$

مدل (۳)

در این مدل هم نسبت کیو- توین متغیر وابسته و سایر متغیرها همانند مدل اصلی می باشند.

متغیر مستقل

با توجه به پرسش اصلی پژوهش، متغیر مستقل پژوهش حاضر امتیاز افشای اختیاری حاکمیت شرکتی می باشد که تاثیر و رابطه آن بر عملکرد مالی (متغیر وابسته پژوهش) سنجیده می شود. بدین منظور برای اندازه گیری این متغیر از اطلاعات افشا شده در صورت های مالی و

یادداشت‌های توضیحی استفاده می‌شود. با توجه به پژوهش البسام (۲۰۱۴) شاخص‌های امتیازی افشای اختیاری حاکمیت شرکتی در این پژوهش بر اساس ۳۰ آیت‌م و در (۵ گروه) اندازه‌گیری می‌شود. از طریق این اطلاعات رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد.

اصول کلی حاکمیت شرکتی در همه کشورهای دنیا بر اساس چهار قسمت حقوق سهامداران و ذینفعان، هیئت‌مدیره، کنترل‌های داخلی و کمیته حسابرسی و افشای عمومی و شفاف‌سازی طراحی شده است، در ایران هم تلاش‌های در جهت اجرایی کردن این کار صورت گرفته است. در این پژوهش شاخص‌هایی که می‌توان از صورت‌های مالی شرکت‌های بورسی ایران جمع‌آوری کرد ارائه شده است. این اطلاعات و شاخص‌ها در یادداشت‌های توضیحی و گزارشات کامل شرکت‌های بورسی (مانند گزارشات هیأت‌مدیره و سایر گزارشات شفاف‌سازی) قابل رهگیری می‌باشد و در صورتی که شرکت هر مورد را افشا کرده باشد عدد ۱ و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می‌گیرد و نتایج جمع می‌شوند و به هر شرکت امتیاز داده می‌شود که در این پژوهش با نماد VDCGS (امتیاز افشای اختیاری حاکمیت شرکتی) نشان داده می‌شود. در این پژوهش تاثیر اطلاعات افشا شده هر سال مالی بر عملکرد مالی شرکت‌ها در سال مالی بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد تا به این نتیجه برسیم که افشای اختیاری اطلاعات بر عملکرد مالی شرکت در سال بعد اثر گذار است یا نه؟ از طریق این اطلاعات رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر عملکرد مالی شرکت‌ها مورد آزمون قرار می‌گیرد. آن دسته از شاخص‌های افشای حاکمیت شرکتی که در این پژوهش از آنها استفاده شده است در نگاره (۱) آورده شده است.

نگاره (۱). شاخص‌های افشای اختیاری

۱- آیا نقش رئیس و مدیر عامل شرکت از هم تفکیک شده است؟	طبقه اول:
۲- آیا هیأت‌مدیره کمیته‌های تخصصی (مانند کمیته بازرگانی) را افشا کرده است؟	هیئت‌مدیره
۳- آیا رئیس هیأت‌مدیره مستقل است؟	
۴- آیا اکثریت مدیران غیر اجرایی هستند؟	
۵- آیا مدیران به وضوح به اجرایی، غیر اجرایی و مستقل طبقه بندی شده است؟	
۶- آیا بیوگرافی و سمت‌های اعضای هیأت‌مدیره افشا شده است؟	
۷- آیا جزئیات مربوط به پاداش هیأت‌مدیره افشا شده است؟	
۸- آیا عضویت هیأت‌مدیره در مدیریت دیگر شرکت‌ها افشا شده است؟	

<p>۹- آیا تمام جلسات هیأت مدیره در سال افشا شده است؟</p> <p>۱۰- آیا سوابق جلسات شخصی هیأت مدیره افشا شده است؟</p> <p>۱۱- آیا اعضای هیأت مدیره برای دوره ۲ساله انتخاب شده اند؟</p>	
<p>۱۲- آیا ساختار مالکیت شرکت افشا شده است؟</p> <p>۱۳- آیا تعهدات و بدهی های احتمالی شرکت افشا شده است؟</p> <p>۱۴- آیا عملکرد مالی و عملیاتی شامل (فروش، تولیدات و...) شرکت افشا شده است؟</p> <p>۱۵- آیا وام های شرکت افشا شده اند؟</p> <p>۱۶- آیا اهداف و استراتژیهای شرکت افشا شده اند؟</p> <p>۱۷- آیا فعالیت های اصلی شرکت افشا شده اند؟</p> <p>۱۸- آیا سیاست های تقسیم سود شرکت افشا شده اند؟</p> <p>۱۹- آیا معاملات با اشخاص وابسته افشا شده است؟</p>	<p>طبقه دوم: افشای عمومی و شفافیت سازی</p>
<p>۲۰- آیا اثر بخش بودن کنترل های داخلی افشا شده است؟</p> <p>۲۱- آیا مشخصات حسابرس و بازرس قانونی به همراه حق الزحمه پرداختی به آنها، افشا شده است؟</p> <p>۲۲- آیا اطلاعات مربوط به دوره های آموزشی کارکنان (افزایش کیفیت منابع انسانی) افشا شده است؟</p>	<p>طبقه سوم: کنترل های داخلی</p>
<p>۲۳- آیا سهامداران می توانند شخص دیگری را به جای خود در جلسات مجمع عمومی بفرستند؟</p> <p>۲۴- آیا مجمع عمومی حداقل سالی یک بار تشکیل می شود؟</p> <p>۲۵- آیا شرکت مشارکت های اجتماعی اش (مثل فعالیت های مرتبط با محیط زیست) را افشا می کند؟</p> <p>۲۶- آیا گواهینامه های کیفیت (مانند ایزو و...) شرکت افشا شده اند؟</p>	<p>طبقه چهارم: حقوق سهامداران و ذینفعان</p>
<p>۲۷- آیا شرکت بیانیه ای در مورد خروج از استاندارد های حسابداری تهیه کرده است؟</p> <p>۲۸- آیا ریسک ها و خطرات پیش روی شرکت افشا شده است؟</p> <p>۲۹- آیا چشم انداز و برنامه های آتی شرکت افشا شده است؟</p> <p>۳۰- آیا اقدامات انجام شده در خصوص تکالیف ارائه شده مجمع شرکت افشا شده است؟</p>	<p>طبقه پنجم: سایر موارد افشا</p>

متغیر وابسته

در این پژوهش با توجه به ادبیات موضوع، عملکرد مالی شرکت‌ها که با دو شاخص نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) و نسبت کیو-توین، اندازه‌گیری می‌شود متغیر وابسته پژوهش می‌باشد. متغیر ROA بازده کل دارایی‌ها می‌باشد که از سود خالص بر کل دارایی‌ها بدست می‌آید. در این پژوهش، شاخص نسبت کیو-توین نیز از تقسیم مجموع ارزش بازار سهام عادی و ارزش دفتری بدهی‌های شرکت بر ارزش دفتری دارایی‌های آن به دست می‌آید.

متغیرهای کنترلی

با توجه به پژوهش البسام (۲۰۱۴) که مشابه این پژوهش می‌باشد، از متغیرهای کنترلی اندازه شرکت، رشد شرکت، اهرم مالی و سود سهام پرداختی استفاده شده است:

اندازه شرکت:

کینگ و همکاران (۱۹۹۲) بیان کردند که ارتباط مثبتی بین اندازه بنگاه و اطلاعات افشا شده وجود دارد (یعنی شرکت‌های بزرگتر اطلاعات افشا شده بیشتری نسبت به شرکت‌های کوچکتر دارند). اندازه شرکت از لگاریتم جمع دارایی‌های شرکت در پایان دوره بدست می‌آید که به صورت زیر می‌باشد.

رشد شرکت:

بحث مربوط به افشای اطلاعات احتمالاً برای شرکت‌های در حال رشد، جدی‌تر باشد و اثر گذار. این متغیر از رابطه زیر بدست می‌آید:

$$FGR = \frac{\text{فروش سال گذشته} - \text{فروش سال جاری}}{\text{فروش سال گذشته}}$$

اهرم مالی (نسبت بدهی):

اهرم مالی نشان دهنده این موضوع است که چه بخش از دارایی‌ها از محل بدهی‌ها یا حقوق صاحبان سهام تأمین شده است. در این پژوهش از نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها به منزله یک متغیر کنترلی برای محاسبه اهرم مالی استفاده شده است.

$$LVG = \frac{\text{کل بدهی}}{\text{کل دارایی‌ها}}$$

سود سهام پرداختی:

اگر شرکت سود سهام پرداخت نماید ۱ و در غیر اینصورت صفر خواهد بود.

یافته های پژوهش

آمار توصیفی متغیرهای وابسته و مستقل که با استفاده از داده های ۱۰۸ شرکت طی دوره آزمون سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ اندازه گیری شده اند که شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه و بیشینه است و در نگاره (۲) ارائه گردیده است.

نگاره (۲). آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش

تعداد مشاهدات	احتمال	مقدار جارک برا	انحراف معیار	مینیمم	ماکسیمم	میانه	میانگین	معیارها متغیرها
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۷۲/۹۱	۰/۱۲۹	-۰/۲۶	۰/۶۲	۰/۱۱	۰/۱۳۲	بازده کل دارایی ها
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۳۷۶۳۰/۵	۰/۹۱۹	۰/۴۹	۵/۰۶	۱/۳۴	۱/۵۸	نسبت کیو-توبین
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۳۳/۷۳	۴/۲۲	۶	۲۵	۱۹	۱۷/۸۷	افشای اختیاری
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۵۱۵۷۶۲/۴	۰/۵۴	۰	۱	۱	۰/۸۵۳	سود نقدی
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۲۴۳۶/۴۸	۰/۳۵۸	-۰/۸۹	۳/۲۱	۰/۸۱۷	۰/۲۱۶	رشد شرکت
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۶۰/۷۸	۰/۶۳۵	۴/۳۲	۸/۰۱	۵/۹۱	۵/۹۸	اندازه شرکت
۵۴۰	۰/۰۰۰۱	۲۲/۷۱	۰/۲۰۲	۰/۰۲	۱/۵۷	۰/۶۱	۰/۵۹۳	نسبت بدهی

آماره جارک بر نشان می دهد که متغیرهای پژوهش دارای توزیع نرمال نمی باشند. در بین متغیرهای پژوهش، بازده دارایی ها با مقدار ۰/۱۲۹ انحراف معیار کمترین میزان پراکندگی را داشته، لذا متمرکز بوده و از دقت بیشتری برخوردار است و امتیاز افشای اختیاری با مقدار ۴/۲۲ انحراف معیار بیشترین میزان پراکندگی را داشته، لذا نسبت به بقیه متغیرها پراکنده تر و از دقت کمتری برخوردار است. میانگین و میانه متغیر کنترلی اهرم مالی با ۰/۵۹۳ و ۰/۶۱ در صد نشان دهنده این است که شرکت های نمونه به شدت به بدهی وابسته اند و ریسک عدم پرداخت آنها

بالاست. میانگین افشای اختیاری هم ۱۷/۸۷ بوده است که بیانگر این موضوع است که شرکت‌های نمونه از ۳۰ شاخص مورد بررسی حائز این مقدار میانگین شده اند، لذا مشخص می‌شود که هنوز افشای اطلاعات اضافی در شرکت‌های نمونه به حد مطلوب خود نرسیده است. همچنین شرکت‌های نمونه اکثراً پرداخت سود نقدی در دوره مالی داشته اند.

آزمون‌های تعیین مدل، بررسی ناهمسانی واریانس‌ها و خود همبستگی

به منظور تشخیص روش و نحوه برآورد داده‌ها، از آزمون F لیمر استفاده شده است. اگر نتیجه آزمون حاکی از به کارگیری داده‌های تابلویی باشد، آنگاه برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی الگو، از آزمون هاسمن استفاده می‌شود. بر اساس نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، برای آزمون فرضیه ۱، مدل بکار رفته داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و برای آزمون فرضیه ۲، مدل بکار رفته داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی است (نگاره ۳ و ۴).

نگاره (۳). نتایج آزمون F

فرضیه‌ها	آزمون F لیمر		
	مقدار آماره	احتمال آماره	روش
فرضیه اول	۶/۹۵	۰/۰۰۰۱	panel
فرضیه دوم	۲/۳۵	۰/۰۰۰۱	panel

نگاره (۴). آزمون هاسمن

فرضیه‌ها	آزمون هاسمن		
	مقدار آماره	احتمال آماره	
فرضیه اول	۱۴/۱۸	۰/۰۱	Fixed
فرضیه دوم	۸/۱۵	۰/۱۴	Random

همچنین در این پژوهش، به منظور بررسی اینکه برای تخمین مدل از روش رگرسیونی OLS یا GLS استفاده کنیم، آزمون LR TEST با بهره‌گیری از برنامه STATA انجام شده است. چون احتمال آماره در تمام موارد کمتر از ۵ درصد است، فرض صفر آزمون ناهمسانی واریانس‌ها، مبنی بر عدم وجود ناهمسانی واریانس‌ها برای کلیه فرضیه‌های پژوهش رد شده و برای رفع ناهمسانی واریانس‌ها از روش EGLS استفاده شده است.

همچنین جهت تشخیص خود همبستگی، از آزمون وولدریج با استفاده از برنامه STATA استفاده شده است. چون احتمال آماره در فرضیه ۱ کمتر از ۵ درصد است، فرض صفر آزمون، مبنی بر عدم وجود خود همبستگی برای فرضیه ۱ پژوهش رد شده و برای رفع آن از پارامتر AR (1) یا AR (2) استفاده شده است.

آزمون نهایی فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول پژوهش: بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و نرخ بازده دارایی‌ها (ROA) رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.

$$ROA = \beta_0 + \beta_1 VDCGS_{it-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i CONTROLS_{it-1} + \varepsilon_{it-1}$$

نگاره (۵). نتایج آزمون فرضیه اول

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
افشای اختیاری حاکمیت شرکتی	۰/۰۰۳	۳/۷۶	۰/۰۰۰۲
اهرم مالی	-۰/۵۳	-۱۸/۹۴	۰/۰۰۰۱
اندازه شرکت	۰/۰۷۲	۵/۶۰	۰/۰۰۰۱
رشد شرکت	۰/۰۵۹	۱۱/۳۲	۰/۰۰۰۱
سود نقدی هر سهم	۰/۰۱۴	۲/۲۹	۰/۰۲۲
متغیر ثابت	۰/۰۶۲	۰/۸۴	۰/۳۹
ضریب تعیین	۰/۹۴۴		
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۹۲۴		
آماره دورین واتسون	۲/۳۰		
آماره F	۴۷/۵۹		
احتمال آماره F	۰/۰۰۰۱		

با توجه به نگاره (۵)، نتایج بیانگر این می‌باشند که افشای اختیاری حاکمیت شرکتی رابطه مثبت و معنا داری با بازده کل دارایی‌های شرکت یعنی (ROA) می‌باشد که رابطه مذکور بر اساس ضریب رگرسیونی ۰/۰۰۳ و احتمال آماره ۰/۰۰۰۱ مثبت و معنادار بوده است.

نتایج مربوط به آماره $F(0/0001)$ نیز نشان می‌دهد که مدل در حالت کلی معنا دار بوده و با توجه به آماره دوربین واتسون ($2/30$) فاقد خود همبستگی است. علاوه بر این نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در دوره پژوهش $0/92$ از تغییرات در بازده دارایی‌ها (ROA) توسط افشای اختیاری اطلاعات و متغیرهای کنترلی توضیح داده شده است. لذا با توجه به معنادار بودن رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی با بازده دارایی‌ها (ROA) فرضیه اول این پژوهش مورد تایید واقع می‌گردد.

فرضیه دوم پژوهش: بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و نسبت Q توپین رابطه مثبت و معنا داری وجود دارد.

$$Q_s = \beta_0 + \beta_1 VDCGS_{it-1} + \sum_{i=1}^n \beta_i CONTROLS_{it-1} + \varepsilon_{it-1}$$

نگاره (۶). نتایج آزمون فرضیه دوم

متغیرها	ضرایب	آماره t	احتمال آماره
افشای اختیاری حاکمیت شرکتی	$0/041$	$4/50$	$0/0001$
اهرم مالی	$-0/63$	$-2/72$	$0/0001$
اندازه شرکت	$-0/18$	$-2/27$	$0/02$
رشد شرکت	$0/37$	$3/66$	$0/0001$
سود نقدی هر سهم	$0/002$	$0/042$	$0/965$
متغیر ثابت	$2/22$	$4/51$	$0/0001$
ضریب تعیین		$0/08$	
ضریب تعیین تعدیل شده		$0/07$	
آماره دوربین واتسون		$1/88$	
آماره F		$10/24$	
احتمال آماره F		$0/0001$	

نتایج نگاره (۶) نشان می‌دهد که افشای اختیاری حاکمیت شرکتی با شاخص Q توپین که متغیر عملکرد مالی است دارای رابطه مثبت و معناداری می‌باشد. ضریب رگرسیون $0/041$ و احتمال آماره $0/0001$ بیانگر این رابطه مثبت و معنادار است. نتایج مربوط به آماره $F(0/0001)$ نیز نشان می‌دهد مدل در حالت کلی معنادار بوده و با توجه به آمار دوربین واتسون ($1/88$) فاقد

مشکل خود همبستگی است. همچنین نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که در دوره پژوهش ۰/۰۷ از تغییرات مبلغ Q توپین تحت تاثیر افشای اختیاری و متغیرهای کنترلی می‌باشد. لذا با توجه به معنادار بودن رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی با نسبت Q توپین فرضیه دوم نیز مورد تایید واقع می‌گردد

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش بررسی رابطه افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی بوده که افشای اختیاری حاکمیت شرکتی با استفاده از ۳۰ شاخص و عملکرد مالی با دو معیار بازده کل دارایی‌ها و نسبت Q توپین اندازه‌گیری شد و بر اساس مبانی نظری رابطه بین این دو متغیر مثبت می‌باشد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد بین افشای اختیاری حاکمیت شرکتی و معیارهای بازده کل دارایی‌ها و نسبت Q توپین رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های البسام (۲۰۱۴)، پورحیدری و حسین پور (۱۳۹۱)، موتیوا و همکاران (۲۰۱۵)، آچوکی و همکاران (۲۰۱۶)، ستایش و همکاران (۱۳۹۳)، مسیو کا (۲۰۱۷) و فویکه و همکاران (۲۰۱۵) مطابقت دارد. رابطه مثبت بین افشای اختیاری اطلاعات یک سال و عملکرد مالی آن در سال بعد نشانگر این می‌باشد که شرکت‌های دارای سطح افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بالا، دارای عملکرد بهتری نسبت به شرکت‌های دارای سطح افشای اختیاری حاکمیت شرکتی پایین هستند. این نتیجه نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان از گزارشهای مالی در استفاده از اطلاعات حسابداری افشا شده توانا هستند و شرکت‌هایی که سطح افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بالاتری دارند از دارایی‌های خود بازده بالایی بدست آورده و استفاده بهتری از منابع داشته‌اند.

پیشنهادات مبتنی بر نتایج پژوهش

با مورد تایید قرار گرفتن فرضیه‌های این پژوهش، نقش پررنگ اطلاعات در بازار مالی آشکار شده و مشخص می‌گردد که در واقع این اطلاعات است که چرخ حرکت بازارهای مالی را به حرکت در می‌آورند، چرا که سرمایه‌گذار این ریسک را تقبل نمی‌کند تا بدون داشتن آگاهی و اطلاعات لازم دست به معامله و سرمایه‌گذاری بزند. حال آنکه افشای اختیاری، افشای اطلاعاتی فراتر از قوانین است لذا با توجه به نتایج بدست آمده از داده‌های

شرکت‌های مورد بررسی این موضوع را برجسته می‌کند که اطلاعات (اجباری و در کنار آن اختیاری) چراغ راه سرمایه‌گذار در بازار می‌باشد و نتیجه آن در عملکرد شرکت خود را نمایان می‌سازد. به منظور انجام پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌گردد تاثیر افشای اختیاری حاکمیت شرکتی بر ارزش سهام و سایر معیارهای ارزیابی عملکرد مالی مانند بازده حقوق صاحبان سهام و نمرات کارایی بررسی گردد.

منابع

- انواری رستمی، علی اصغر، حاجیان، نجمه، آذر، عادل. مقایسه تطبیقی جامعیت شاخص‌های اندازه‌گیری شفافیت اطلاعاتی و سطح افشای اطلاعات در کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۱۴)، ۱۶۵-۱۴۳.
- باغومیان، رافیک، نقدی، سجاد. (۱۳۹۳). تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارش‌گری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۵ (۱۶)، ۱۱۹-۱۳۶.
- حساس یگانه، یحیی، رئیسی، زهره، حسینی، سید مجتبی. (۱۳۸۸). رابطه بین کیفیت حاکمیت شرکتی و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۴ (۱۳)، ۷۵-۱۰۰.
- دیدار، حمزه، منصورفر، غلامرضا، زارع، الهام. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر کیفیت افشا با تأکید بر نقش تعدیل‌کننده رقابت بازار محصول در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۹ (۳۱)، ۹۶-۱۱۷.
- رجبی، روح‌الله؛ گنجی، عزیز الله. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نظام راهبری و عملکرد مالی شرکتها. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۲ (۲)، ۲۳-۳۴.
- ستایش، محمد حسین، روستا، منوچهر، علیزاده، وحید. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین افشای داوطلبانه و عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴ (۱۳)، ۱۵۳-۱۶۰.
- شباهنگ، رضا. (۱۳۹۵). تئوری حسابداری. تهران، سازمان حسابداری، جلد دوم، نشریه شماره ۱۶۷.
- قنبری، فرحناز. (۱۳۸۶). بررسی تاثیر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- کاشانی پور، محمد، زنجیردار، مجید، پاچینی پارچین، سید مهدی، بابازاده، سید جواد. (۱۳۹۲). رابطه بین افشای اختیاری و مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵ (۱۹)، ۴۳-۶۸.

مصطفوی، سید مریم، اشرفی، مجید. (۱۳۹۴). اثر حاکمیت شرکتی و ساختار مالکیت بر افشای اختیاری در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری، آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر.

مهدوی، غلامحسین، علیزاده طلائی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و سطح افشای داوطلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پیشرفت های حسابداری، ۷(۱)، ۲۲۸-۲۰۱.

مهرانی، کاوه؛ صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین حاکمیت شرکتی و کیفیت سود با رویکرد بومی. دانش حسابداری، شماره ۲ (۷)، ۹۸-۶۹.

نقدی، سجاد، ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۹۵). تاثیر ویژگی های شرکت بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی، ۸(۲)، ۳۸-۲۵.

Achoki, I. N, Kule, J. W, Shukla. J. (2016). Effect of voluntary disclosure on the Financial performance of commercial banks in Rwanda. A study of selected banks in Rwanda. *Europian Journal of Busines and Social sciences*, 5 (6) , 167-184.

Albassam, W. M. (2014). Corporate governance, voluntary disclosure and financial performance empirical analysis of Saudi listed firms. PhD thesis .

Anvary Rostamy A. A, Hajian, N, Azar, A. (2015). Comparative Study of Transparency and Disclosure Indices in Developing and Developed Countries. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (14) , 143-165. (In Persian).

Baghumian, R, Naghdi, S. (2014). The effect of corporate Governance Mechanisms on Voluntary Disclosure in the Annual Reporting of Tehran Stock Exchange listed companies. *Journal of Accounting Knowledge*, 5 (16) , 119-136. (In Persian).

Didar, H, Mansourfar, G. M, Zare, E. (2017). The impact of corporate governance quality on disclosure quality with emphasis on moderating role of product market competition in firms listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Research*, 9 (31) , 96-117. (In Persian).

Elfeky, M. I. (2017). The extent of voluntary disclosure and its determinants in emerging markets: Evidence from Egypt. *The Journal of Finance and Data Science*, Vol. 3, 45-59.

Foyeke, O. I, Odianonsen, I. F, Aanu, O. S. (2015). Firm size and financial performance: A determinant of Corporate Governance disclosure practices of Nigerian companies. *Journal of Accounting and Auditing: Research&practice*. 1-8.

- Ghanbari, F. (2007). Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Performance of Companies listed in Tehran Stock Exchange. Master Thesis in Accounting, Al-Zahra University. (In Persian).
- Hasan, A. , & Butt, S. A. (2009). Impact of ownership structure and corporate governance on capital structure of Pakistani listed companies. *International Journal of Business and Management*, 4 (2) , 50-57 .
- Hassas Yeganeh, Y, Raesi, Z, Hoseini, S. M. (2009). Relationship between Quality of Corporate Governance and Corporate Performance in Tehran Stock Exchange. *Iranian journal of management sciences*, 4 (13) , 75-100. (In Persian).
- Kashanipour, M, Zanjirdar, M, Parchini Parchin, S. M, Babazadeh, S. J. (2013). Relationship between Voluntary Disclosure and Corporate Governance Mechanism. *The Financial Accounting and Auditing Research*, 5 (19) , 43-68. (In Persian).
- Madhani M. Pankaj. (2009) , Role of Voluntary Disclosure and Transparency in Financial Reporting. *The Accounting World*, 63-66 .
- Mahdavi, G. H, Alizadeh Talatape, V. (2015). Investigating the Relationship between Corporate Governance and Voluntary Disclosure Level in Companies listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Advances*, 7 (1) , 201-228. (In Persian).
- Mehrani, K, Safarzadeh, M. H. (2012). Explaining the relationship between Corporate Governance and the Quality of Profit with a native approach. *Journal of Accounting Knowledge*, 2 (7) , 69-98. (In Persian).
- Mostafavi, S. M, Ashrafi, M. (2015). The Effect of Corporate Governance and Ownership Structure on Voluntary Disclosures in the Companies listed in Tehran Stock Exchange. Fourth National Conference on Accounting, Financial Management and Investment, Azad Shahr, Islamic Azad University, Azadshahr Branch. (In Persian).
- Musyoka, M. N. (2017). Effect of voluntary disclosure on financial performance of firms listed at Nairobi Securities Exchange. Master of Science thesis, KCA University.
- Mutiva, J. M. (2015). The relationship between Volantury disclosure and financial performance of companies quoted at the Nairobi securities Exchange. *International journal of Managerial Studies and Research*, 3 (6) , 171-195.
- Naghdi, S, Ebrahimi Kordlar A. (2016). The Association between the Firm-Specific Characteristics and Corporate Voluntary Disclosure: (Evidence from Iran). *Financial Accounting Research*, 8 (2) , pp. 25-38. (In Persian).

- Rajabi, R, Ganji, A. (2010). Relationship between Corporate Governance and Financial Performance. *Financial Accounting Research*, 2 (2) , pp. 23-34. (In Persian).
- Setayesh, M. H, Roosta, M, Alizadeh, V. (2014). The Relation Between Voluntary Disclosure and Performance of Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (13) , pp. 153-160. (In Persian).
- Shabahang, R. (2003). *Accounting Theory*. Tehran, 2) 167 (. (In Persian).

بررسی همگرایی مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود

مهدی کاظمی علوم*، مصطفی عبدی**، محسن ختن‌لو***، مزده جعفری****

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۲۰

چکیده

با توجه به اهمیت روزافزون مفهوم کیفیت سود، مدل‌ها و معیارهای مختلف و متعددی برای سنجش آن ارائه شده است. بررسی ادبیات موضوع پژوهش نشان داد که اولاً تعاریف مختلفی برای مفهوم کیفیت سود ارائه شده و ثانياً مدل‌های مختلف کیفیت سود دارای قدرت تبیین و توضیح متفاوتی می‌باشند. به عبارتی دیگر، موضوعی که منتهی به این پژوهش شد، این سوال است که آیا در بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی وجود دارد. در واقع در این پژوهش این مساله بررسی شد که آیا عدم اتحاد در تعاریف کیفیت سود، در مدل‌های اندازه‌گیری آن نیز مشهود است یا خیر؟ به منظور پاسخ به این سوال، متغیر کیفیت سود بر اساس پنج مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)، مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)، مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)، مدل کازنیک (۱۹۹۹) و مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) برای ۱۵۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴ برآورد شد. سپس میزان همگرایی این متغیرها با استفاده از آزمون همبستگی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی کاملی وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: اقلام تعهدی، کیفیت سود، کیفیت گزارشگری مالی، همگرایی.

طبقه‌بندی موضوعی: M40, M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12125.1465

* دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران، (نویسنده مسئول)،
(mkolum1361@gmail.com)

** دانشجوی دکتری، حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قزوین، ایران،
(Abdi.accounting@yahoo.com)

*** مربی حسابداری، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران، (mkhotanlu@basu.ac.ir)
**** کارشناسی ارشد حسابداری، (jafari.mozhdeh@yahoo.com)

مقدمه

از آن جا که ممکن است سود حسابداری توسط مدیریت دستکاری شده و متفاوت از سود واقعی باشد، بنابراین همیشه نمی‌تواند معیار خوبی برای تصمیم‌های سرمایه‌گذاران باشد. از این رو برای بهبود تصمیم‌گیری مفهوم کیفیت سود مطرح شد (نمازی و رضایی، ۱۳۹۱).

به دنبال بحران‌های مالی پی‌درپی و ورشکستگی شرکت‌های بزرگ دنیا در سال‌های اخیر و نیز پیامدهای ناشی از عدم توجه به کیفیت سود، سمت و سوی پژوهش‌های تجربی از توجه صرف بر رابطه میان سود و بازده و یا رفتار قیمت سهام، به کیفیت سود و گزارش‌گری مالی و تاثیر آن بر بازار سرمایه سوق داده شده است (بال، ۲۰۱۳، گایو و راپوسو، ۲۰۱۱، ثقفی و همکاران، ۱۳۹۴ و عباس‌زاده و عارفی‌اصل، ۱۳۹۴). کیفیت سود یک مشخصه مهم از سیستم حسابداری است. اطلاعات مالی باکیفیت سبب افزایش کارایی بازار سرمایه می‌شود و بنابراین می‌توان گفت سرمایه‌گذاران و دیگر استفاده‌کنندگان به چنین اطلاعاتی علاقه‌مند هستند. تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نیز تلاش می‌کنند استانداردها را در جهت افزایش کیفیت سود توسعه دهند. در ضمن برای ارزیابی تأثیر تغییر در استانداردهای حسابداری، حسابرسی و حاکمیت شرکتی و همچنین بررسی ارتباط با هزینه سرمایه، کیفیت سود به موضوعی برای مطالعات متعدد در کشورهای گوناگون تبدیل شده است (اورت و ویگن‌هوفر، ۲۰۱۱). همچنین ارزیابی کیفیت سود به استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی درباره قطعیت سود جاری و پیش‌بینی سودهای آتی کمک می‌کند (دیلویت و تاج، ۲۰۰۴).

مطالعات نشان داده‌اند که شرکت‌ها می‌توانند از طریق افزایش کیفیت سود و گزارش‌گری مالی، عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند (باشمن و اسمیت، ۲۰۰۱). کیفیت سود و به صورت عام کیفیت گزارش‌گری مالی مورد علاقه کسانی است که از گزارش‌های مالی برای تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری و انعقاد قراردادهای مختلف استفاده می‌کنند. علاوه بر این از دیدگاه تدوین‌کنندگان استاندارد، کیفیت گزارش‌های مالی به صورت غیرمستقیم نشان‌دهنده کیفیت استانداردهای گزارش‌گری مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. در این راستا نیکومرام و همکاران (۱۳۹۴) نشان دادند با کاهش قابلیت اعتماد اقلام تعهدی از کیفیت سود کاسته می‌شود.

معیارهای متفاوتی برای کیفیت سود وجود دارد که هر کدام از پژوهش‌گران به بررسی تعداد کمی از آنها اکتفا نموده و از مدل‌های مختلفی برای اندازه‌گیری آنها استفاده کرده‌اند، اما به اتفاق نظری درباره روش‌های اندازه‌گیری کیفیت سود دست نیافته‌اند. اگرچه مفهوم کیفیت سود واضح به نظر می‌آید، اما اندازه‌گیری آن در عمل مشکل است. از طرفی امکان ارائه تعریف واحد و جامعی برای کیفیت سود وجود ندارد، زیرا افراد از رقم سود گزارش شده در تصمیمات متفاوتی استفاده می‌کنند (عباس‌زاده و عارفی‌اصل، ۱۳۹۴).

بر این اساس هدف این پژوهش، بررسی این موضوع است که آیا بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی وجود دارد یا خیر؟ اهمیت این پژوهش از آن جهت می‌باشد که طی دهه‌های اخیر، مدل‌هایی برای اندازه‌گیری کیفیت سود ارائه شده است که کاربردهای متعددی در پژوهش‌های داخلی نیز داشته و به نتایج مختلفی نیز نائل آمده‌اند. نتایج این پژوهش می‌تواند گامی در راستای گسترش ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش و نیز در راستای ارزیابی همگرایی مدل‌های گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. در ادامه این نوشتار، نخست به مفهوم کیفیت سود اشاره شده، سپس درباره مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود بحث و ادبیات مرتبط با آن معرفی و در نهایت روش پژوهش، یافته‌های پژوهش، نتیجه‌گیری و پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی بیان شده است.

تعاریف مفهوم کیفیت سود

تعاریف متعدد و متفاوتی برای کیفیت سود مطرح شده است. در این راستا برنارد و استوبر (۱۹۸۹) بر این باورند که کیفیت سود بستگی به بخشی از بازده دارد که حاصل از منابع تکرارپذیر، باثبات و بادوام باشد. بنیش و وارگس (۲۰۰۲) کیفیت سود را احتمال پایداری عایدات جاری در آینده می‌دانند. دیچو و دیچاو (۲۰۰۲) سود را بر اساس ارتباط ارقام تعهدی با جریان‌ات نقدی عملیاتی دوره گذشته، حال و آینده تعریف می‌کنند، که در این صورت کیفیت سود ناشی از ارقام تعهدی خواهد بود. شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) کیفیت سود را با مفهوم سودمندی برای تصمیم و سود اقتصادی مرتبط می‌دانند. میخاییل و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند که قابلیت پیش‌بینی سود، نشان‌دهنده کیفیت بالای سود است. بال و شیواکومار (۲۰۰۵) مفهوم کیفیت سود را سودمندی صورت‌های مالی برای سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران و تمامی بخش‌های مرتبط با شرکت تعریف می‌کنند. به گفته کوتاری و همکاران (۲۰۰۵)

مدیریت سود به‌طور مستقیم قابل اندازه‌گیری نیست و ادبیات مدیریت سود چند روش برای برآورد مدیریت سود بالقوه را پیشنهاد می‌کند. ویسواناتان (۲۰۰۶) از مفهوم نزدیکی به نقد به عنوان ویژگی و مشخصه مطلوب بودن سود استفاده می‌کند. بارث و همکاران (۲۰۰۸) نیز کیفیت بالای سود را به صورت کمتر بودن مدیریت سود تعریف می‌کنند. تامی (۲۰۱۲) بیان می‌نماید سودی که پایداری بیشتری دارد، سود باکیفیت تعریف می‌شود؛ زیرا در مدل‌های ارزشیابی و مدل‌های پیش‌بینی از سود پایدارتر بهتر می‌توان استفاده کرد. با توجه به تعاریف صورت گرفته مشخص می‌شود که درباره مفهوم کیفیت سود، تعاریف مختلفی وجود دارد و به باور صفرزاده (۱۳۹۲) کیفیت سود یکی از مفاهیم حسابداری بوده که هیچ‌گونه اتفاق نظری در خصوص تعریف آن وجود ندارد.

رویکردهای اندازه‌گیری کیفیت سود

کیفیت سود یک مفهوم چند بعدی است که تاکنون محققین با آزمون معیارهای مختلف در جهت سنجش آن، به روش واحدی برای اندازه‌گیری آن دست نیافته‌اند. با این حال، اگر در ارزیابی کیفیت سود تنها یک بعد یا مجموعه محدودی از ابعاد در نظر گرفته شده و مورد بررسی قرار گیرد، ممکن است نتیجه حاصله در رابطه با کیفیت سود یک شرکت اشتباه باشد (ولوری و جنکینز، ۲۰۰۶).

بررسی مبانی نظری مبتنی بر کیفیت سود، بیانگر وجود رویکردهایی متفاوت در ارزیابی کیفیت سود است. به گفته عباس‌زاده و عارفی‌اصل (۱۳۹۴) اگرچه معیارهای متفاوتی برای سنجش کیفیت سود وجود دارد، اما با این حال امکان تعیین یک معیار واحد و کلی برای مفهوم کیفیت سود وجود ندارد، زیرا کیفیت سود گزارش شده و معیار سنجش آن، به نوع کاربرد آن از سوی افراد و نوع عملکرد شرکت بستگی دارد.

شیپر و وینسنت (۲۰۰۳) کیفیت سود را به عنوان نزدیکی سود گزارش شده حسابداری به سود اقتصادی تعریف می‌کنند. به عبارت دیگر، نزدیکی بیشتر سود حسابداری به سود اقتصادی، بیانگر کیفیت بیشتر سود است. اندازه‌گیری کیفیت سود بر مبنای تعریف فوق، سبب ایجاد مشکلاتی در عمل می‌گردد. علت آن است که بر اساس قواعد شناخت و اندازه‌گیری حسابداری نمی‌توان سود اقتصادی را مورد سنجش قرار داد. از آنجا که سود اقتصادی قابل مشاهده نیست، بنابراین امکان کمی‌سازی آن وجود ندارد. با توجه به دشواری موجود در

تعریف عملیاتی کیفیت سود، از معیارهای مختلفی برای اندازه‌گیری این سازه استفاده می‌شود (عباس‌زاده و عارفی‌اصل، ۱۳۹۴).

معیارهای چندگانه‌ای برای کیفیت سود مطرح شده است. شیر و وینسنت (۲۰۰۳) کیفیت سود را بر اساس چهار معیار اندازه‌گیری کردند. این معیارها شامل سری‌های زمانی ویژگی‌های سود، رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد، خصوصیات کیفی چارچوب مفهومی و تاثیرگذاری در تصمیمات می‌باشد. فرانسیس و همکاران (۲۰۰۴) معیارهای کیفیت سود را در گروه معیار مبتنی بر حسابداری و معیار مبتنی بر بازار طبقه‌بندی می‌نمایند. گروه اول شامل معیارهای پایداری، هموارسازی، مدیریت سود و قابلیت پیش‌بینی سود بوده، در حالی که گروه دوم شامل معیارهای به‌هنگام بودن، محافظه‌کاری شرطی و ارتباط ارزشی می‌باشد.

به گفته عباس‌زاده و عارفی‌اصل (۱۳۹۴) در بین پژوهش‌های انجام گرفته پیرامون کیفیت سود دو معیار پایداری و اقلام تعهدی کاربرد بیشتری داشته است. نیکومرام و همکاران (۱۳۹۴) پایداری سود را به معنای تکرارپذیری و استمرار سود تعریف نموده و بیان می‌نمایند هرچه پایداری سود بیشتر باشد، شرکت توان بیشتری برای حفظ سودهای دوره جاری دارد و کیفیت سود بالاتر است. بولو و طالبی (۱۳۸۹) مدل‌های اندازه‌گیری سود را بر اساس چهارده معیار تشریح نمودند. این معیارها شامل مدل اسلوان (۱۹۹۶)، مدل دی‌آنجلو (۱۹۸۶)، مدل هیلی (۱۹۸۵)، مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۱)، مدل صنعت، مدل استفان وزهانگک، شاخص‌های وین شیولین و چین بیانگک، شاخص حساب‌های دریافتی، شاخص سودناخالص، شاخص هزینه مدیریت فروش، شاخص‌های دیوید هاپکین، شاخص تحقق نقدینگی و شاخص سرمایه‌گذاری مجدد دارایی‌ها است.

همگرایی یا واگرایی مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود

کوتاری و همکاران (۲۰۰۵) به آزمون توانایی و قدرت اقلام تعهدی مطابق با عملکرد و مقایسه آنها با معیارهای سنتی اقلام تعهدی (مدل جونز و مدل تعدیل شده جونز) پرداختند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که اقلام تعهدی مطابق با عملکرد توانایی بیشتر و بهتری در توضیح و تبیین مدیریت سود دارند. جونز و همکاران (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای قدرت مدل‌های مختلف اقلام تعهدی در کشف شرکت‌های متقلب را با استفاده از نه مدل مختلف مورد بررسی قرار

دادند. آنها نشان دادند کل ارقام تعهدی با رویداد تقلب رابطه دارد، ولی مدل‌های جونز، جونز تعدیل شده و مدل عملکرد رابطه‌ای با تقلب ندارد.

به گفته رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۲) اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در سال‌های اخیر بر اساس مدل تعدیل شده جونز می‌باشد. پژوهش گران علت بکارگیری این روش را نتایج حاصل از پژوهش دچو و همکاران (۱۹۹۵) بیان می‌کنند. دچو و همکاران (۱۹۹۵) با بررسی پنج معیار به این نتیجه رسیدند که مدل تعدیل شده جونز آزمون قوی تری برای بررسی مدیریت سود می‌باشد. با این حال جکسن (۲۰۱۷) به محدودیت‌های معیارهای مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری اشاره کرده و بیان می‌کند اگرچه ارقام تعهدی اختیاری دارای مشکلاتی می‌باشند، اما همچنان به عنوان جانشینی پرکاربرد در ادبیات مدیریت سود مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی نشان داد، تصمیم‌ها در شرکت‌های مشابه، ضرایب رگرسیون را تحت تاثیر قرار داده و در نتیجه مقادیر باقی مانده در مدل‌های مبتنی بر ارقام تعهدی، منتهی به نتایج و تفاسیر نادرست درباره مدیریت سود درباره سایر شرکت‌ها می‌گردد. کولین و همکاران (۲۰۱۷) بیان می‌کنند که مدل ارقام تعهدی جونز در مورد سودهای فصلی به صورت مناسبی توانایی کافی برای کنترل ارقام تعهدی غیراختیاری را که معمولاً به علت رشد شرکت اتفاق می‌افتد را ندارد. آنها با تعدیل جزئی در مدل جونز، آن مدل را به صورت غیر خطی ارائه دادند.

در محیط ایران نیز در راستای موضوع پژوهش حاضر، رحمانی و بشیری‌منش (۱۳۹۲) با بررسی پنج مدل مدیریت سود نشان دادند، مدل تعدیل شده جونز در کشف مدیریت سود کارآمدی باشد و مدل دیچو و مک‌نیکولز (۲۰۰۲) در شناسایی و کشف مدیریت سود از اعتبار و دقت بیشتری برخوردار است. همچنین نیکومرام و همکاران (۱۳۸۸) به ارزیابی ۹ مدل کشف مدیریت سود پرداختند. آنها نشان دادند در کل مدل‌های مبتنی بر روش‌های برآورد از توان بیشتری نسبت به سه مدل هیلی، دی‌آنجلو و تعدیل شده جونز برخوردارند. از میان روش‌های رگرسیونی، روش اصلی جونز (۱۹۹۱) از توان کمتری برای تبیین مدیریت سود برخوردار است. مهرانی و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی تاثیر سه شاخص کیفیت سود شامل کیفیت ارقام تعهدی، قدرمطلق ارقام تعهدی غیر عادی و نوسانات سود بر قدرت مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی پرداختند. آنها نشان دادند با افزایش دو شاخص کیفیت سود (کیفیت ارقام تعهدی و نوسانات سود) احتمال ابتلا به درماندگی مالی کاهش می‌یابد، اما قدرمطلق ارقام تعهدی غیر عادی، قدرت اثرگذاری بر پیش‌بینی درماندگی را ندارد. کردستانی و مدافعی

(۱۳۹۱) برای بررسی توانمندی مدل‌های ارزیابی مدیریت سود، از مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی (مدل جونز، مدل جونز تعدیل‌شده و مدل ترکیبی دیچاو و دیچو) و مدل درآمدهای اختیاری (فصلی و شرطی) استفاده کردند. نتایج آنها نشان داد که مدل درآمدهای اختیاری فصلی در مقایسه با مدل‌های جونز و تعدیل‌شده جونز از توانمندی بیشتری برای ارزیابی مدیریت سود برخوردارند.

فرضیه پژوهش

ادبیات کیفیت سود مملو از معیارهای مختلف برای اندازه‌گیری این مفهوم است. تعدد معیارها به گونه‌ای است که محققین مختلف، این معیارها را در چندین طبقه جای داده‌اند (صفرزاده، ۱۳۹۲). نکته‌ای که باید بدان توجه نمود این می‌باشد که این معیارها ممکن است با یکدیگر هم‌پوشانی داشته باشند. وجود سنج‌های مختلف برای کیفیت سود و نیز عدم اجماع درباره روش‌های اندازه‌گیری کیفیت سود موجب شده است که در اکثر پژوهش‌ها از برخی از این معیارها استفاده گردد.

نقطه تمایز این مطالعه از آن جهت می‌باشد که بیشتر پژوهش‌های گذشته (دجو و همکاران، ۱۹۹۵، کوتاری و همکاران، ۲۰۰۵، جونز و همکاران، ۲۰۰۷، جکسون، ۲۰۱۷، کولین و همکاران، ۲۰۱۷، نیکومرام و همکاران، ۱۳۸۸، کرد ستانی و مدافعی، ۱۳۹۱، رحمانی و بشیری منش، ۱۳۹۲ و مهرانی و همکاران، ۱۳۹۶) به دنبال شناسایی مدل‌هایی بوده‌اند که بتواند قدرت کشف بیشتری در مدیریت سود و تبیین کیفیت سود داشته باشد، اما در این مطالعه تلاش شده تا به طور مشخص این سوال مورد آزمون قرار گیرد که آیا مدل‌های مختلف اندازه‌گیری کیفیت سود همگرایی دارند یا خیر؟ به منظور پاسخ به سوال پژوهش، فرضیه‌ای به شرح زیر تدوین گردید:

فرضیه پژوهش: بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی کاملی وجود ندارد.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای هدف از نوع کاربردی، از لحاظ طبقه‌بندی بر حسب روش، از نوع همبستگی، از لحاظ ماهیت داده‌ها، کمی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها آرشویی (پس رویدادی) است و از روش رگرسیون چندمتغیره برای برآورد ضرایب

مدل‌های گوناگون اندازه‌گیری کیفیت سود استفاده شده است. جهت بررسی معناداری مدل رگرسیون از آماره F ، بررسی معنادار بودن ضریب متغیرهای مستقل از آماره t ، بررسی نرمال بودن خطاها از آزمون جارک-برا و استقلال باقی مانده‌ها با استفاده از آماره دوربین واتسون و برای بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از آماره VIF استفاده می‌شود. روش رگرسیون بکار گرفته شده مقطعی می‌باشد و نوع برآورد با توجه به مدل‌های گوناگون متفاوت می‌باشد که توضیحات بیشتر در جداول مربوط به هر مدل با استفاده از آزمون‌های لیمر و هاسمن مشخص شده است. در نهایت پس از برآورد ضرایب مدل‌های گوناگون، برای آزمون فرضیه پژوهش از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و نمونه آماری به روش حذفی بر اساس شرایط زیر برگزیده شده است:

۱. اطلاعات مالی شرکت برای دوره زمانی پژوهش موجود باشد.

۲. در دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشند.

۳. سال مالی آن منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

۴. از شرکت‌های بیمه، سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و لیزینگ نباشد.

با اعمال محدودیت‌های فوق تعداد ۱۵۵ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شدند و داده‌های مربوط به ۸ سال آن‌ها (۱۳۸۸ تا ۱۳۹۴) از سایت کدآل و نرم افزار تدبیرپرداز استخراج و به نرم افزار Excel منتقل گشت. پس از انجام محاسبات لازم برای متغیرهای مستقل و وابسته، اطلاعات لازم برای آزمون آماری مورد نیاز، در پرونده‌های مناسب ذخیره و در نرم‌افزار Eviews نسخه ۱۰ پردازش شد.

مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود

مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲):

نخستین معیار مورد استفاده، معیار ارائه شده توسط دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) می‌باشد.

مدل (۱)

$$\frac{WCA_{it}}{AvgAssets_{it}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{CFO_{i,t-1}}{AvgAssets_{it}} + \beta_2 \frac{CFO_{i,t}}{AvgAssets_{it}} + \beta_3 \frac{CFO_{i,t+1}}{AvgAssets_{it}} + \varepsilon_{it}$$

که در آن WCA اقلام تعهدی سرمایه در گردش که عبارتست از تغییر در دارایی‌های جاری، منهای تغییر در وجه نقد، منهای تغییر در بدهی‌های جاری، به علاوه تغییر در بدهی بانکی کوتاه مدت، CFO جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، مستخرج از صورت جریان وجه نقد و AvgAssets میانگین دارایی‌های شرکت در هر سال. حاصل ضرب قدرمطلق مقدار باقیمانده مدل فوق در منفی یک، معیاری برای کیفیت سود است.

مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲):

دومین معیار مورد استفاده برگرفته از پژوهش فرانسیس، لافوند و اولسان و اسپچیر (۲۰۰۵) است که مدل ارائه شده توسط دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) را با توجه به مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)، تعدیل نموده است. در این مدل، تغییر در درآمد فروش و حساب اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات نیز به مدل اضافه شده‌اند.

$$\begin{aligned} \frac{WCA_{it}}{AvgAssets_{it}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{CFO_{i,t-1}}{AvgAssets_{it}} + \beta_2 \frac{CFO_{i,t}}{AvgAssets_{it}} + \beta_3 \frac{CFO_{i,t+1}}{AvgAssets_{it}} + \beta_4 \frac{\Delta REV_{it}}{AvgAssets_{it}} + \beta_5 \frac{PPE_{it}}{AvgAssets_{it}} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۲)}$$

که در آن ΔREV تغییر در درآمد فروش و PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، که حاصل ضرب قدرمطلق مقدار باقی مانده مدل فوق در منفی یک، معیاری برای کیفیت سود است.

مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶):

سومین معیار برگرفته از مطالعه بال و شیواکومار (۲۰۰۶) است که سه متغیر به مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) افزوده‌اند.

$$\begin{aligned} \frac{WCA_{it}}{AvgAssets_{it}} = \beta_0 + \beta_1 \frac{CFO_{i,t-1}}{AvgAssets_{it}} + \beta_2 \frac{CFO_{i,t}}{AvgAssets_{it}} + \beta_3 \frac{CFO_{i,t+1}}{AvgAssets_{it}} + \beta_4 \frac{\Delta REV_{it}}{AvgAssets_{it}} + \beta_5 D + \beta_6 D \frac{\Delta CFO_{it}}{AvgAssets_{it}} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad \text{مدل (۳)}$$

که در آن D متغیری مصنوعی است که اگر تغییر در جریان نقد عملیاتی منفی باشد، مساوی یک است و در غیر این صورت صفر خواهد بود. حاصل ضرب قدر مطلق مقدار باقیمانده مدل فوق در منفی یک، معیاری برای کیفیت سود است.

مدل کازنیک (۱۹۹۹):

معیار چهارم مدل کازنیک (۱۹۹۹) می‌باشد که این مدل نیز مبتنی بر مدل جونز (۱۹۹۱) است.

$$TA_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta Sales_{i,t} + \beta_3 \Delta CFO_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

که در آن TA مجموع اقلام تعهدی که برابر است با تفاضل سود عملیاتی و جریان نقد عملیاتی، $\Delta Sales$ تغییر در درآمد فروش، PPE اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات و ΔCFO تغییر در جریان نقد عملیاتی. تمامی این متغیرها بر میانگین کل دارایی‌ها تقسیم می‌شوند. متغیر دوم نیز برابر قدر مطلق مقدار باقیمانده ضرب در منفی یک است و بنابراین مقدار بالاتر، نشانگر کیفیت سود بیشتر است.

مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸):

برای محاسبه کیفیت گزار شگری مالی از مدل محاسبه مدیریت سود مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) نیز استفاده می‌شود که به این شرح است:

$$\Delta AR_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \Delta Sales_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۵)}$$

که در آن ΔAR تغییر سالانه در حساب‌های دریافتی شرکت و $\Delta Sales$ تغییر سالانه در درآمد فروش است. تمامی این متغیرها بر میانگین کل دارایی‌ها تقسیم می‌شوند. باقیمانده و یا به عبارتی پسماند این معادله، نشانگر تغییر در حساب‌های دریافتی است که توسط تغییر در فروش، قابل توضیح نمی‌باشد. بنابراین متغیر نخست، قدر مطلق این مقدار ضرب در منفی یک، می‌باشد. بدین ترتیب، هرچه مقدار بالاتر باشد، کیفیت سود بیشتر است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای استفاده شده در این پژوهش در نگاره (۱) ارائه شده است.

نگاره (۱). آمار توصیفی

متغیر	علامت اختصاری	حداقل	حداکثر	میان	میانگین	انحراف معیار	تعداد مشاهده
اقدام تعهدی سرمایه در گردش	WCA	-۰/۴۸۳۳	۰/۴۹۴۷	۰/۰۸۰۷	۰/۰۶۴۳	۰/۲۰۰۷	۱۲۴۰
جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در یک سال قبل	CFOT-1	-۰/۱۶۶۵	۰/۴۹۳۴	۰/۹۴۲۷	۰/۱۰۶۱	۰/۱۰۹۱	۱۲۴۰
جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در همان سال	CFOT	-۰/۱۹۲۶	۰/۴۸۶۹	۰/۱۰۳۰	۰/۱۱۶۱	۰/۱۲۰۵	۱۲۴۰
جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی در یک سال بعد	CFOT+1	-۰/۱۹۹۳	۰/۷۷۰۸	۰/۰۹۸۲	۰/۱۲۹۵	۰/۱۵۲۸	۱۲۴۰
تغییر در درآمد عملیاتی	DREV	-۰/۶۶۵۲	۰/۷۹۲۸	۰/۰۸۴۳	۰/۰۸۶۳	۰/۲۰۹۸	۱۲۴۰
اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات	PPE	۰/۰۰۲۵	۰/۸۷۰۷	۰/۲۰۴۳	۰/۲۴۵۴	۰/۱۷۳۸	۱۲۴۰
تغییر در حساب‌های دریافتی	DAR	-۰/۳۳۹۵	۰/۳۸۳۷	۰/۰۱۷۳	۰/۲۴۳۷	۰/۹۴۹۰	۱۲۴۰
تغییر در درآمد فروش	DSALES	-۰/۵۶۹۶	۰/۸۷۸۱	۰/۰۹۷۳	۰/۱۱۴۸	۰/۲۲۴۸	۱۲۴۰
کیفیت سود مبتنی بر مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)	مقادیر باقی مانده مدل (۱)	-۰/۴۹۶	-۰/۰۰۰۴	-۰/۱۴۶	-۰/۱۶۸	۰/۱۲۴	۱۲۴۰
کیفیت سود مبتنی بر مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)	مقادیر باقی مانده مدل (۲)	-۰/۵۲۶	-۰/۰۰۰۲	-۰/۱۴۱	-۰/۱۶۹	۰/۱۲۲	۱۲۴۰
کیفیت سود مبتنی بر مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)	مقادیر باقی مانده مدل (۳)	-۰/۷۹۳	-۰/۰۰۰۲	-۰/۳۱	-۰/۳۲۲	۰/۱۸۴	۱۲۴۰
کیفیت سود مبتنی بر مدل کازنیک (۱۹۹۹)	مقادیر باقی مانده مدل (۴)	-۰/۵۶۶	-۰/۰۰۰۰۳	-۱/۰۷	-۰/۱۲۷	۰/۱۰۵	۱۲۴۰
کیفیت سود مبتنی بر مدل مک‌نیکولز و استون (۲۰۰۸)	مقادیر باقی مانده مدل (۵)	-۰/۳۷	-۰/۰۰۰۱	-۰/۰۴۴	-۰/۰۶۵	۰/۰۶۷	۱۲۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش

در نگاره (۱) شاخص‌های مرکزی و انحرافات آن از تمام مشاهدات نشان داده شده است. اصلی‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که مرکزیت تمام متغیرها را نشان می‌دهد. این شاخص برای متغیر WCA (اقدام تعهدی سرمایه در گردش) مقدار ۰/۰۶۴۳ که نشان دهنده تمرکز داده‌ها حول این عدد می‌باشد. حداقل متغیر جریان نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی برابر با ۰/۱۹۲۶- می‌باشد. این عدد نشان می‌دهد که در بین شرکت‌های نمونه، شرکتی وجود داشته است که جریان خروج وجه نقد عملیاتی آن بیش از جریان ورود وجه نقد عملیاتی آن شرکت بوده است. حداکثر متغیر اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات برابر با ۰/۸۷۰۷ است. حداقل متغیر تغییر در درآمد عملیاتی و تغییر در حساب‌های دریافتی به ترتیب برابر با ۰/۶۶۵۲- و ۰/۳۳۹۵- است. به عبارت دیگر، این اعداد نشان می‌دهد که در برخی از مشاهدات، درآمد عملیاتی و حساب‌های دریافتی در دوره جاری نسبت به دوره قبل کاهش یافته است.

همچنین در نگاره (۱)، مقادیر باقی مانده مدل‌های (۱) تا (۵) که به ترتیب نماینده متغیر کیفیت سود برای مدل (۱) تا (۵) می‌باشند، ارائه شده است. با توجه به اعداد ارائه شده، کمترین مقدار متغیر کیفیت سود، مبتنی بر مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶) که مدل (۳) می‌باشد که برابر با ۰/۷۹۳- است و بیشترین مقدار آن متعلق به مدل مک‌نیکولز و استوبین (۲۰۰۸) که برابر با ۰/۰۰۰۱- است.

آزمون پایایی

قبل از تخمین مدل، پایایی متغیرهای مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد. پایایی متغیرهای پژوهش به این معنا است که میانگین و واریانس متغیرها در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سال‌های مختلف ثابت بوده است. در نتیجه استفاده از این متغیرها در مدل، باعث به وجود آمدن رگرسیون کاذب نمی‌شود. برای سنجش پایایی متغیرهای پژوهش از آزمون ایم، پسران و شین استفاده می‌گردد که نتایج آن در نگاره (۲) نشان داده شده است. مقدار سطح معناداری آزمون ایم، پسران و شین تمام متغیرهای پژوهش کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین، همه متغیرهای پژوهش در دوره مورد بررسی در سطح پایا هستند.

نگاره (۲). آزمون مانایی متغیر کیفیت سود

شماره مدل	نام مدل	آماره ایم، پسران‌وشین	
		آماره t	معناداری
مدل (۱)	کیفیت سود مبتنی بر مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)	-۱۸/۴۵	۰/۰۰۰
مدل (۲)	کیفیت سود مبتنی بر مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)	-۱۳/۸۷۲	۰/۰۰۰
مدل (۳)	کیفیت سود مبتنی بر مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)	-۱۴/۹۶۵	۰/۰۰۰
مدل (۴)	کیفیت سود مبتنی بر مدل کازنیک (۱۹۹۹)	-۲۶/۸۲۷	۰/۰۰۰
مدل (۵)	کیفیت سود مبتنی بر مدل مک‌نیکولز و استون (۲۰۰۸)	-۱۱/۹۰۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین ضرایب مدل‌های محاسبه کیفیت سود

در ابتدا به تخمین مدل‌های کیفیت سود پرداخته می‌شود. نتیجه تخمین مدل‌های مذکور در جداول مربوطه ارائه شده است. با استفاده از ضرایب به دست آمده در این مدل‌ها، اقدام به محاسبه مقادیر کیفیت سود شده است.

همان‌گونه که در بخش روش پژوهش بیان شد، در تمامی مدل‌های پژوهش، برای بررسی نرمال بودن خطاها از آزمون جارک-برا و استقلال باقی مانده‌ها با استفاده از آماره دورین‌واتسون و برای بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل از آماره VIF استفاده شده است. نتایج هر کدام از این آزمون‌ها به صورت جداگانه در نگاره مربوط به هر مدل گزارش شده است، ولی به صورت کلی مقدار احتمال آماره جارک-برا در تمامی مدل‌ها بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، یعنی با اطمینان ۹۵٪ فرض نرمال بودن باقیمانده‌ها پذیرفته می‌شود. با توجه به قرار گرفتن مقدار آماره دورین‌واتسون در تمامی مدل‌ها در بازه (۵/۵-۲/۱) می‌توان فرض استقلال باقیمانده‌ها را پذیرفت. همچنین با توجه به این که مقادیر آماره VIF برای تمامی متغیرها در تمامی مدل‌ها کوچکتر از ۵ می‌باشد، بنابراین مشکل هم‌خطی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد. در ادامه به تخمین مدل‌های محاسبه هر یک از مدل‌های کیفیت سود پرداخته و در نهایت فرضیه پژوهش آزمون می‌گردد.

تخمین مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)

در نگاره (۳) به تخمین مدل (۱) پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در تخمین مدل مذکور، بنابر نتیجه آزمون چاو و آزمون هاسمن از مدل اثرات تصادفی استفاده شده است.

نگاره (۳). تخمین مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)

آماره VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر متغیر وابسته: اقلام تعهدی سرمایه در گردش
	۰/۰۱۵	۲/۴۲۶	۰/۰۱۲	۰/۰۲۹	ضریب ثابت
۳/۸۲۱	۰/۰۰۸	۱/۱۵۴	۰/۰۸۲	۰/۰۹۵	$CFO_{i,t-1}$
۱/۸۸۹	۰/۰۰۹	۰/۶۵۹	۰/۰۷۷	۰/۰۵	$CFO_{i,t}$
۱/۰۸۳	۰/۰۰۷	۲/۰۹	۰/۰۵۶	۰/۱۱۷	$CFO_{i,t+1}$
ضریب تعیین = ۰/۰۱۶				آماره $F = ۳/۷۵۵$	
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۰۱۱				سطح معناداری = ۰/۰۱	
آماره دوربین واتسون = ۱/۵۴۲				احتمال جاک-برا = ۰/۲۵۱	
سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۲۴۳				سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰	
مدل اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی					

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)

در نگاره (۴) به تخمین مدل (۲) پرداخته شده است. لازم به ذکر است که در تخمین مدل مذکور، بنابر نتیجه آزمون چاو و آزمون هاسمن از مدل اثرات تصادفی استفاده شده است.

نگاره (۴). تخمین مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)

آماره VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر متغیر وابسته: اقلام تعهدی سرمایه در گردش
	۰/۰۰۰	۸/۱۱۱	۰/۰۱۹	۰/۱۶	ضریب ثابت
۳/۷۸۱	۰/۰۰۹	۱/۷	۰/۰۵۵	۰/۰۹۳	$CFO_{i,t-1}$
۱/۷۲۰	۰/۰۰۵	۰/۷۳	۰/۰۴۸	۰/۰۳۵	$CFO_{i,t}$
۱/۱۲۳	۰/۰۱۳	۲/۴۸۳	۰/۰۳۶	۰/۰۹	$CFO_{i,t+1}$
۳/۹۸۰	۰/۰۰۰	۴/۷۲	۰/۰۲۳	۰/۱۱۱	$\Delta REV_{i,t}$
۱/۲۱۲	۰/۰۰۰	-۱۰/۶۵۸	۰/۰۴۹	-۰/۵۲۶	$PPE_{i,t}$
ضریب تعیین = ۰/۱۹۱				آماره $F = ۳۰/۰۹۲$	
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۱۸۵				سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
آماره دوربین واتسون = ۱/۶۷۳				احتمال جاک-برا = ۰/۳۰۱	
سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۷۸				سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰	
مدل اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی					

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)

در نگاره (۵) به تخمین مدل (۳) پرداخته شده است. در تخمین این مدل، بنابر نتیجه آزمون چاو و آزمون هاسمن از مدل اثرات تصادفی استفاده شده است.

نگاره (۵). تخمین مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)

آماره VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر متغیر وابسته: اقلام تعهدی سرمایه در گردش
	۰/۲۲۶	-۱/۲۱	۰/۰۱۷	-۰/۰۲	ضریب ثابت
۳/۷۸۱	۰/۰۰۴	-۰/۹۵۳	۰/۰۵۵	-۰/۰۵۲	$CFO_{i,t-1}$
۱/۷۲۰	۰/۰۰۰	۷/۹۲۶	۰/۰۶۹	۰/۵۵۱	$CFO_{i,t}$
۱/۱۲۳	۰/۰۰۰	۱/۳۴۸	۰/۰۳۵	۰/۰۴۸	$CFO_{i,t+1}$
۱/۴۵۰	۰/۰۰۰	-۰/۱۴۹	۰/۰۵۲	-۰/۰۰۷	$\Delta CFO_{i,t}$
۲/۱۸۲	۰/۰۰۰	۱۱/۲۴۱	۰/۰۶۳	۰/۷۱۹	$D_{i,t}$
۱/۴۱۷	۰/۱۵	۱/۴۴۱	۰/۰۲۵	۰/۰۳۶	$D*\Delta CFO_{i,t}$
ضریب تعیین = ۰/۲۱۳				آماره F = ۲۷/۹۳۴	
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۰۵				سطح معناداری = ۰/۰۰۰	
آماره دوربین و آتسون = ۱/۹۴				احتمال جاک-برا = ۰/۱۸۹	
سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۱۵۷				سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰	
مدل اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی					

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین مدل کازنیک (۱۹۹۹)

در نگاره (۶) به تخمین مدل (۴) پرداخته و در تخمین مدل مذکور، بنابر نتیجه آزمون چاو و هاسمن از مدل اثرات تصادفی استفاده شده است.

نگاره (۶). تخمین مدل کازنیک (۱۹۹۹)

آماره VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر وابسته: کل اقلام تعهدی متغیر وابسته
	۰/۰۰۰	۶/۰۴۸	۰/۰۰۹	۰/۰۵۴	ضریب ثابت
۴/۱۵۲	۰/۰۰۰	۹/۱۳۷	۰/۰۱۶	۰/۱۴۷	$\Delta Sales_{i,t}$
۱/۳۳۷	۰/۰۰۰	-۵/۹۵۳	۰/۰۲۷	-۰/۱۶۳	$PPE_{i,t}$
۱/۳۷۴	۰/۰۰۰	-۱۸/۱۹۱	۰/۰۲۵	-۰/۴۵۸	$\Delta CFO_{i,t}$
ضریب تعیین = ۰/۳۷۲			آماره F = ۱۳۵/۲۶۵		
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۶۹			سطح معناداری = ۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون = ۱/۶۱۹			احتمال جاک-برا = ۰/۳۱۴		
سطح معناداری آزمون هاسمن = ۰/۰۵۶			سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۰۰۰		
مدل اثرات تصادفی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی					

منبع: یافته‌های پژوهش

تخمین مدل مک نیکولز و استوبن (۲۰۰۸)

در نگاره (۷) به تخمین مدل (۵) پرداخته و در تخمین مدل مذکور، بنابر نتیجه آزمون چاو از مدل داده‌های تلفیقی استفاده شده است.

نگاره (۷). تخمین مدل مک نیکولز و استوبن (۲۰۰۸)

آماره VIF	معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب	متغیر وابسته: حساب‌های دریافتی
	۰/۰۰۰	۶/۸۶۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱۱	ضریب ثابت
۴/۰۲۰	۰/۰۰۰	۷/۹۱۶	۰/۰۰۹	۰/۰۷۱	$\Delta Sales_{i,t}$
ضریب تعیین = ۰/۸۱			آماره F = ۶۲/۶۷۴		
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۸۰			سطح معناداری = ۰/۰۰۰		
آماره دوربین واتسون = ۱/۹۳۱			احتمال جاک-برا = ۰/۱۷۲		
سطح معناداری آزمون هاسمن = -			سطح معناداری آزمون چاو = ۰/۳۹۱		
مدل داده‌های تلفیقی و روش حداقل مربعات تعمیم یافته برآوردی					

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون فرضیه پژوهش

در ادامه، پس از تخمین مدل‌ها و محاسبه مقادیر کیفیت سود هریک از سال-شرکت‌ها به آزمون فرضیه پژوهش پرداخته و به این منظور از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. نتیجه این آزمون در نگاره (۸) ارائه شده است.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان داد که مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) تنها با مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲) همبستگی بسیار ضعیفی دارد. ضریب همبستگی بین متغیر کیفیت سود که با استفاده از این مدل‌ها برآورد شده بود برابر با ۰/۳۹۹ و معناداری آن برابر با ۰/۴۱۰ می‌باشد.

متغیر کیفیت سود که با استفاده از مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲) تخمین زده شده بود با متغیر کیفیت سود حاصل از برآورد مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) همبستگی معکوسی دارد، ولی این همبستگی معکوس نیز معنادار نمی‌باشد. مقدار ضریب همبستگی و معناداری آن به ترتیب برابر با ۰/۴۶- و ۰/۲۰۸ می‌باشد.

همچنین مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶) هیچ‌گونه همبستگی معناداری با مدل‌های دیچاو و دیچو (۲۰۰۲) و مک‌نیکولز (۲۰۰۲) ندارد. اما مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶) همبستگی معکوس و غیر معناداری با مدل‌های کازنیک (۱۹۹۹) و مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) دارد.

به‌طور خلاصه با توجه به نتایج پژوهش، مشخص شد که مدل‌های محاسبه کیفیت سود که مبانی متفاوتی را استفاده می‌کنند، نتایج متفاوتی نیز ارائه می‌کنند. به این ترتیب فرضیه تدوین شده در این پژوهش تأیید می‌گردد، یعنی بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی کاملی وجود ندارد.

تکراه (۸). آزمون همگرایی مدل‌های کیفیت سود

متغیر	مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)	مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)	مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)	مدل کازنیک (۱۹۹۹)	مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸)
مدل دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)	۱	۰/۳۹۹ ۰/۴۱	۰/۳۷۳ ۰/۵۶	۰/۰۰۷ ۰/۸۳۱	-۰/۰۴ ۰/۲۶۸
مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)		۱	۰/۱۷۶ ۰/۰۸۴	۰/۰۰۶ ۰/۸۶۱	-۰/۰۴۶ ۰/۲۰۸
مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)			۱	-۰/۰۰۰۲ ۰/۹۹۴	-۰/۰۸ ۰/۰۶۸
مدل کازنیک (۱۹۹۹)				۱	۰/۱۰۶ ۰/۰۵۸
مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸)					۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

سود و به‌ویژه کیفیت سود سازه‌ای ارزشمند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان است. در سال‌های اخیر مدل‌های متنوعی برای اندازه‌گیری کیفیت سود ارائه شده است که کاربردهای متعددی در تحقیقات داخلی نیز داشته و به نتایج مختلفی نیز نائل آمده‌اند. با توجه به رویکردهای متعدد در تعریف کیفیت سود و متعاقباً برداشت‌های مختلف از آن، در این مطالعه تلاش شد تا پس از ارائه مدل‌های مختلف کیفیت سود، میزان همگرایی آنها بررسی گردد. در واقع در این پژوهش این موضوع بررسی شد که آیا عدم اتحاد در تعاریف کیفیت سود در مدل‌های اندازه‌گیری آن نیز مشهود است یا خیر؟

نتایج پژوهش نشان داد بین معیارهای مختلف کیفیت سود همگرایی کاملی وجود ندارد. این یافته در راستای نتایج جونز و همکاران (۲۰۰۷)، دجو و همکاران (۱۹۹۵) و رحمانی و بشیری (۱۳۹۲) است. نتایج پژوهش‌های آنها نیز بیانگر عدم همگرایی کامل بین مدل‌های متنوع کیفیت سود است. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان استدلال کرد که تعیین معیاری کلی و واحد برای کیفیت سود همچنان امکان‌پذیر نیست، در واقع معیارهای مختلف تعریف شده، دارای نتایج یکسانی نیستند و همبستگی معناداری بین آنها وجود ندارد. این استدلال در راستای نتایج ولوری و جنکینز (۲۰۰۶)، عباس‌زاده و عارفی‌اصل (۱۳۹۴) و صفرزاده (۱۳۹۲) است.

در این پژوهش از بین معیارهای مختلف کیفیت سود، پنج معیار دیچاو و دیچو (۲۰۰۲)، مدل مک‌نیکولز (۲۰۰۲)، مدل بال و شیواکومار (۲۰۰۶)، مدل کازنیک (۱۹۹۹) و مدل مک‌نیکولز و استوبن (۲۰۰۸) مورد بررسی قرار گرفت. دلیل انتخاب این مدل‌ها از آن جهت می‌باشد که با بررسی پژوهش‌های داخلی منتشر شده در سال‌های اخیر، فراوانی استفاده از این ۵ مدل برای سنجش متغیر کیفیت سود، بیش از سایر مدل‌ها بوده است. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که همگرایی سایر مدل‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهند.

منابع

- بولو، قاسم و طالبی، میثم. (۱۳۸۹). معیارها و مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود. بورس، ۹۲، ۱۰-۱۸.
- ثقفی، علی، بولو، قاسم و مهدی‌دانا، محمد. (۱۳۹۴). رابطه کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۱۶)، ۱-۱۶.

- رحمانی، علی و بشیری‌منش، نازنین. (۱۳۹۲). بررسی قدرت کشف مدل‌های مدیریت سود. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۴ (۱۹)، ۵۴-۷۳.
- صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۹۲). کیفیت سود و معیارهای اندازه‌گیری آن. *پژوهش حسابداری*، ۳ (۹)، ۱۴۵-۱۲۵.
- عباس‌زاده، محمدرضا و عارفی‌اصل، سولماز. (۱۳۹۴). مروری بر مفهوم کیفیت سود و طبقه‌بندی معیارهای سنجش آن. *پژوهش حسابداری*، ۴ (۱۷)، ۹۳-۱۱۰.
- کردستانی، غلامرضا و مدافعی، پویا. (۱۳۹۱). بررسی توانایی مدل مبتنی بر درآمد اختیاری در مقایسه با مدل مبتنی بر اقلام تعهدی برای ارزیابی مدیریت سود. *همایش ملی حسابداری، سیستان و بلوچستان*.
- مهرانی، ساسان، کامیابی، یحیی و غیور، فرزاد. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر شاخص‌های کیفیت سود بر قدرت مدل‌های پیش‌بینی درماندگی مالی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۴ (۱)، ۱۰۳-۱۲۶.
- نمازی، محمد و رضایی، حمیدرضا. (۱۳۹۱). تاثیر نرخ تورم بر کیفیت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۲ (۵)، ۶۷-۹۱.
- نیکومرام، هاشم، بادآورنهدی، یونس و همتی، محمد. (۱۳۹۴). بررسی روند رابطه بین کیفیت سود و قابلیت اعتماد در دوره بعد از الزام استانداردهای حسابداری. *پژوهش‌های تجربی حسابداری*، ۵ (۱۸)، ۷۳-۸۸.
- نیکومرام، هاشم، نوروش، ایرج و مهرآذین، علیرضا. (۱۳۸۸). ارزیابی مدل‌های مبتنی بر اقلام تعهدی برای کشف مدیریت سود. *پژوهش‌های مدیریت*، ۸۲، ۱-۲۰.
- Abbaszadeh, MR. , Arefiasl, S. (2015). A Review of the Concept of Earnings Quality and Classification Criteria for Measuring it. *Journal of Accounting Research*, 5 (1) , 93-110. (In Persian)
- Ball, R. (2013). Accounting Informs Investors and Earnings Management is Rife: Two Questionable Beliefs. *Accounting Horizons*, 27 (4) , 847-853.
- Ball, R. , Shivakumar, L. (2005). Earning quality in UK private firms: comparative loss recognition timeliness. *Journal of Accounting and Economics*, 39 (1) , 83-128.
- Ball, R. Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of Accounting Research*, 44 (2) , 207-242.
- Barth, M. Wayne, L. & Lang, M. (2008). International Accounting Standards and Accounting Quality. *Journal of Accounting Research*, 46 (3) , 467-498.
- Beneish, M. & Vargus, M. (2002). Insider trading, earnings quality, and accrual mispricing. *The Accounting Review*, 77 (4) , 755-791.

- Bernard, V. L. & Stober, T. L. (1989). The nature and amount of information in cash flows and accruals. *The Accounting Review*, 64 (4) , 624-652.
- Bolo, GH. Talebi, M. (2010). Criteria and models of earning measurements. *Bourse Economic*. 92, 2-10. (In Persian)
- Bushman, R. M. and Smith, A. J. (2001). Financial accounting information and corporate governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32, 237-333.
- Chen, T. K, Liao, H. H. and Tsai, P. L. (2011). Internal liquidity risk in corporate bond yield spreads. *Journal of Banking and Finance*, 35, 978-987.
- Collins, D. W. , Pungaliya, R. S. , Vijh, A. M. (2017). The Effects of Firm Growth and Model Specification Choices on Tests of Earnings Management in Quarterly. *The Accounting Review*, 92 (2) , 69-100.
- De Angelo, L, 1986, accounting numbers as market valuation substitutes: A study of management buyouts of public stockholders. *The Accounting Review* 61 (3) , 400-420.
- Dechow, P. and Dichev, I. (2002). The Quality of Accruals and Earnings, the Role of Accruals in Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- Dechow, P. M. , R. G. Sloan, A. P. Sweeney, (1995) , Detecting of earnings management. *Journal of accounting review*, 70 (2) , 193-225.
- Deloitte & Touche. (2004). *Quality of Earning*. Integrity & Quality: Quality of Earnings.
- Evert, R. and Wagenhofer, A. (2011). Earning Quality Metrics and What They Measure. Working paper, Graz University.
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. and Schipper, K. (2004). Cost of Equity and Earnings Attributes. *The Accounting Review*, 79 (4) , 967-1010.
- Francis, J. , LaFond, R. , Olsson, P. M. and Schipper, K. (2005). The market pricing of accruals quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 295-327 .
- Gaio, C. & Raposo, C. (2011). Earnings Quality and Firm Valuation: International Evidence. *Accounting and Finance*, 51, 467-499.
- García-Teruel, P. J. , Martínez-Solano, P. , and Sánchez-Ballesta, J. P. (2014) , the role of accruals quality in the access to bank debt. *Journal of Banking and Finance*, 38 (1) , 186-193.
- Gomariz, M. F. C. , Ballesta, J. P. C. (2013) , Financial Reporting Quality, Debt Maturity and Investment Efficiency. *Journal of Banking and Finance*, 40, 494-506
- Healy, P. M. , (1985) , Evidence on the effect of bonus schemes on accounting procedure and accrual decisions. *Journal of Accounting and Economics*, 7, 85-107.

- Jackson, A. B. , B. R. Rountree, and K. Sivaramakrishnan (2017) , Earnings Co-movement and Earnings Manipulation. *Review of Accounting Studies*, 22 (3) , 1340–65.
- Jones, J. (1991). Earnings management during import relief investigations. *Journal of Accounting Research*, 29, 193–228.
- Jones, K. , V. Krishnan & K. Melendrez. (2007). Do Models of discretionary accrual detect actual cases of fraudulent and restated earnings? An empirical evaluation. seminar participants at the Louisiana State University, Nanyang Technological University, University of Arizona, and Virginia Commonwealth University.
- Kaszniak, R. (1999). On the association between voluntary disclosure and earnings management. *Journal of Accounting Research*, 37, 57–81.
- Kordestani, GH. R. , Modafeei, P. (2012). Investigating the ability of an optional model based on the model based on accruals for evaluation earning management. National Accounting Conference, Sistan University. (In Persian)
- Kothari, S. P. , A. J. Leone, C. E. Wasley, (2005). Performance matched discretionary accruals measures. *Journal of accounting and economics*, 39, 163-197
- Lobo, G. J. Song, M. & Stanford, M. (2012). Accruals quality and analysis coverage. *Journal of Banking and Finance*, 36, 497-508.
- Lu, C. W, Chen, T. K. and Liao, H. H. (2010). Information uncertainty, information asymmetry and corporate bond yield spreads. *Journal of Banking and Finance*, 34, 2265–2279.
- McNichols, M. (2002). Discussion of the Quality of Accruals and Earnings: the Role of Accrual Estimation Errors. *The Accounting Review*, 77, 61-69.
- McNichols, M. and Stubben, S. (2008). Does earnings management affect firms' investment decisions. *The Accounting Review*, 83, 1571–1603?
- Mehrani, s. , Kamyabi, y. , Ghayour, F. (2017). Reviewing the Effectiveness of Earnings Quality Indices on the Power of Financial Distress Prediction Models. *Quarterly Journal of the Iranian Accounting and Auditing Review*. 24 (1) , 103-126. (In Persian)
- Mikhail, M. B. , Walther, B. R. & Willis, R. H. (2003). Reactions to Dividend Changes Conditional on Earnings Quality. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, 18 (1) , 121-151.
- Namazi, M. , Rezaei, H. R. (2012). The Effect of Inflation Rates on the Earnings Quality of the Companies Listed on Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Empirical Research in Accounting*, 2 (5) , 67-91. (In Persian)
- Nikoomaram, H. , Badavar Nahandi, Y. , Hemmati, M. (2016). The Relation between Reliability and Earnings Quality after Committing

- Accounting Standards. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 5 (18), 73-88. (In Persian)
- Nikoomaram, H. , Noravesh, I. , Mehrazin, A. (2010). Assessment of accruals-based models to explore earnings management. *Management Research*, 82, 1-20. (In Persian)
- Rahmani, A. , Bashirimanesh, N. (2013). Investigating of discovery power of earnings management models. *Auditing & Accounting Research, Iranian Accounting Association*, 4 (19) , 54-73. (In Persian)
- Safarzadeh, MH. (2013). Earnings quality and its Measurments. *Journal of Accounting Research*, 3 (1) , 125-145. (In Persian)
- Saghafi, A. , Bolo, GH. Mehdidana, M. (2015). The Relation between Earnings Quality and Information Asymmetry in the Firms. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (16) , 1-16. (In Persian)
- Schipper, K. And Vincent, L. (2003). Earnings quality. *Accounting Horizons*, 17, 97-110.
- Sloan, R. G. (1996). Do stock prices fully reflect information in accruals and cash flows about future earnings? *The Accounting Review*, 71, 289-315.
- Tomy R. E. (2012). Earnings Persistence over the Business Cycle. Working paper. Stanford University.
- Velury, U. , Jenkins, D. S. (2006). Institutional ownership and the quality of earning. *Journal of Business Research*, 59 (9): 1043- 1051.
- Visvanathan, G. (2006). An empirical investigation of closeness to cash as a determinant of earnings response coefficients. *Accounting and Business Research*, 36 (2) , 109-120.

ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» (در ایران «ارائه به نحو مطلوب») به نفع کیست؟

یحیی حساس یگانه*، مرضیه توحیدی نژاد**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۰

چکیده

مفهوم مبهم و فاقد تعریف «تصویر درست و منصفانه» بریتانیایی با عبور از مرزهای ملی، تبدیل به مفهومی بین‌المللی در حوزه گزارشگری مالی شده است. این مفهوم با گذر از زبان انگلیسی، در قالب عبارت «ارائه به نحو مطلوب» به زبان فارسی و گزارشگری مالی ایران راه یافته است. با وجود تغییر واژه‌های این عبارت بر اثر سفر جغرافیایی و فرهنگی دور و دراز، ابهام آن دستخوش نوسان نشده و همچنان پابرجاست. سؤالی که پژوهش حاضر در صدد پاسخ به آن است را می‌توان چنین تقریر کرد: ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به‌عنوان منشأ عبارت «ارائه به نحو مطلوب» به نفع کیست؟ با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل محتوا سعی در فراهم ساختن پاسخی درخور برای این سؤال داشته‌ایم. با وجود این که یافته‌های حاصل از اجرای پژوهش حاضر بر مزیت ابهام این مفهوم برای حسابداران، حسابرسان و تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری تأکید دارد، باید اعتراف کرد که تنها تقویت عنصر اخلاق حرفه‌ای در تهیه‌کنندگان صورت‌های مالی است که این ابهام را برای تمام گروه‌های درگیر فرآیند گزارشگری مالی حاوی مزیت و منفعت خواهد کرد.

واژه‌های کلیدی: ابهام، ارائه به نحو مطلوب، تصویر درست و منصفانه، گزارشگری مالی.

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/jera.2017.12147.1468

* استاد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (Yahya_yeganeh@yahoo.com).

** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، تهران، ایران، (MTohidinejad@yahoo.com).

مقدمه

بررسی عبارت‌ها، واژه‌ها و قواعدی که به‌طور مکرر مورد استفاده حسابداران و حسابرسان قرار می‌گیرد، حکایت از حلول ابهام در کالبد بسیاری از مسائل حسابداری و حسابرسی دارد که بزرگانی همچون واتر (۱۹۶۳) و نورنبرگ (۱۹۷۷) به روایت آن پرداخته‌اند. اصطلاحاتی نظیر کنترل‌های داخلی ضعیف یا قوی، انحرافات هزینه عمده و مبنای عادلانه تخصیص سربار، نمونه‌هایی برجسته از نشانه‌های ابهام در زبان حسابداری به‌شمار می‌روند. با این حال، به تعبیر والتون (۱۹۹۳)، شاید نام‌آنوس‌ترین عبارت در تئوری و عمل حسابداری مالی، مفهوم اسرارآمیز و مبهم «تصویر درست و منصفانه» است.

این عبارت از نظرگاه معنا، کاربرد و اهمیت سال‌هاست که با چالش روبه‌روست (کیرک، ۲۰۰۶) و بسیاری بر پیچیدگی و ابهام آن صحنه گذاشته‌اند (کوان، ۱۹۶۵؛ گیل، ۱۹۸۳؛ والتون، ۱۹۹۳). بررسی اجمالی دیدگاه پژوهش‌گران مختلف در رابطه با این مفهوم، آنچنان که در ادامه تقریر یافته، به درک ژرفای ابهام آن یاری می‌رساند: به‌عنوان هواخواهان تداوم حضور مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در زبان حسابداری، فلینت (۱۹۸۲)، گربوث (۱۹۸۸) و تویدی (۱۹۹۴) این مفهوم را شبکه‌ی امنیتی، بنیان پاسخگویی و مربوط بودن گزارشگری مالی در محیط متغیر کسب و کار و استاندارد برای اعمال قضاوت حرفه‌ای، اخلاق و فضیلت می‌دانند. در مقابل، تعدادی از صاحب‌نظران نیز در جبهه مخالف فعالیت دارند. در این میان، مک‌گریگور (۱۹۹۲) مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را نوعی «نابهنگامی» در چارچوب استانداردها و مفاهیم حسابرسی دانسته و باکست (۱۹۶۷) آن را دستاویزی برای عدم انطباق با استانداردهای حسابداری و یارای اعمال حسابداری خلّاق معرفی می‌کند. در انتهای طیف مخالفت، تعدادی از افراد خواستار جایگزینی این مفهوم با واژه‌های دیگری هستند (ریان، ۱۹۶۷؛ کاران، ۲۰۰۲؛ اسمیلیانووسکاس و همکاران، ۲۰۰۸). با این حال، دیدگاه‌ها پیرامون مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را نمی‌توان صرفاً در دو گروه موافق و مخالف جای داد. برای نمونه، چمبرز (۱۹۷۳) با دو دیدگاه قبلی (موافق و مخالف) به مقابله پرداخته و عرصه تازه‌ای در نقادی این مفهوم گشوده است. گویی این اختلافات بی‌پایان در ادبیات پژوهشی مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، بی‌پایان است.

به واسطه اجرای این پژوهش در ایران، یافتن همزاد عبارت «تصویر درست و منصفانه» در کشور پیش‌نیاز اصلی پژوهش حاضر محسوب شده، که از طریق مطالعه منشأ این عبارت در تئوری‌های نمایندگی و فلسفه وجودی حسابرسی به شرح زیر میسر است: تردید ذینفعان نسبت به درستی پاسخگویی کارگزار از طریق گزارشگری مالی، استفاده از خدمات حسابرسی را به منظور تأیید و گواهی کیفیت صورت‌های مالی از جنبه حسابداری اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. برای بیان این کیفیت، کشورهای مختلف از عبارت‌های تعریف‌نشده و کلی متفاوتی استفاده می‌نمایند (حساس یگانه، ۱۳۸۸)، که تمامی این عبارت‌ها در خاک الزام قانونی «تصویر درست و منصفانه» بریتانیا ریشه دارد. سایرین نیز با گذراندن این عبارت از مرز ترجمه، اقدام به وارد کردن آن به کشور خود کرده‌اند. مطابق استاندارد حسابداری شماره یک و استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰، در ایران از مفهوم «ارائه به نحو مطلوب» برای این منظور استفاده می‌شود.

این مفهوم چه در لباس «تصویر درست و منصفانه» ظاهر شود، چه در پوشش عبارت «ارائه به نحو مطلوب»، باطنی مبهم و فاقد تعریف دارد. علاقه پژوهش حاضر بر ارتباط این ابهام زبانی با مفهوم «قدرت» متمرکز است. «قدرت» را می‌توان توانایی کنترل کامل یا اثرگذاری بر رفتار افراد تعریف کرد که به تعبیر فرنچ و راون (۱۹۵۹) دارای پنج منبع اصلی است: مشروعیت، مرجعیت، خبرگی، پاداش و الزام. در میان این پنج مورد، خبرگی را می‌توان منبع اصلی قدرت مرتبط با ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به حساب آورد.

«قدرت خیره» برآیند دانسته‌ها، تجارب، مهارت‌ها یا استعدادها و ویژه افراد است (پترس، ۲۰۰۳). تملک‌داری‌های با ارزشی نظیر دانش و مهارت، امتیازهای گرانقدر «اعتماد» و «قدرت» را برای خبرگان به همراه دارد (فورسیث، ۲۰۱۰). اما رابطه دانش و قدرت یکطرفه نیست و از دیدگاه فوکو قدرت مبتنی بر دانش است و دانش مبتنی بر قدرت (گوردون، ۱۹۸۰). به هر روی، می‌توان استدلال کرد که قدرت هر حرفه، معلول دانش و مهارت آن حرفه است. گاهی نمودهای این قدرت را می‌توان در زبان مورد استفاده اعضای حرفه مشاهده کرد. ارزیابی آثار قدرت در زبان گزارشگری مالی و حرفه‌های حسابداری و حسابرسی مورد نظر این پژوهش بوده و مفهوم «تصویر درست و منصفانه» برای این منظور برگزیده شده است. این مفهوم به واسطه ابهام بالا و فقدان تعریف، نیازمند تعبیر و تفسیر است. توانایی تفسیر این مفهوم، به مفسر قدرت شکل‌دهی به قضاوت‌های حرفه‌ای حسابداران و حسابرسان اعطا

می‌کند. آیا شایسته است که یک حرفه محروم از اعمال قضاوت‌های حرفه‌ای را همچنان «حرفه» بنامیم؟ بنابراین پژوهش حاضر از این بُعد حائز اهمیت است که وضعیت زبان گزار شگری مالی را از دیدگاه قدرت تفسیر بررسی کرده و بر مبنای آن، جایگاه و شخصیت فعلی و آتی حرفه‌های حسابداری و حسابرسی را تجزیه و تحلیل می‌کند. معبر رسیدن به این مهم در قالب سؤال پژوهش به شرح زیر تقریر شده است:

ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به نفع کیست؟

مدیران، حسابداران، حسابرسان، ذینفعان، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، حقوق‌دانان یا گروه‌های دیگر؟ پیشینه و دیدگاه‌های صاحب‌نظران در نویسه‌هایشان و روش تحلیل محتوا به ترتیب منبع و رویکرد پاسخ به سؤال این پژوهش است. نتایج حکایت از ریشه اخلاقی پاسخ این پرسش دارد.

آرایش مقاله حاضر پس از مقدمه، به قرار زیر است: مرور پیشینه نظری و پیشینه تجربی در بخش‌های دوم و سوم، تشریح روش پژوهش در بخش چهارم و گزارش و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش در بخش‌های پنجم و ششم ارائه خواهد شد.

پیشینه پژوهش

با مرور پیشینه پژوهش پیرامون مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، سخنان پراکنده و متنوع نویسندگان در رابطه با سودمندی این مفهوم برای گروه‌های مختلف افراد به گوش می‌رسد. از جایی که ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» بی‌شک معلولی است که علتی دارد، در قسمت پیشینه پژوهش کافی است وجود معلول، یعنی وجود ابهام در بطن این مفهوم، را مستند نماییم.

پیشینه نظری

در حالی که تعدادی از مطالعات به‌طور مستقیم به ابهام و غیرقابل تعریف بودن عبارت «تصویر درست و منصفانه» اشاره کرده‌اند، نویسندگان دیگری از منظر حقوقی و پویایی این مفهوم به وجود ابهام در آن پی برده‌اند.

جانستون (۱۹۶۷) مستقیماً مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را گمراه کننده و دست نیافتنی معرفی کرده و دلیل آن را ابهام بالای این مفهوم ابراز می‌کند. چستی (۱۹۷۵) نیز بر این باور است که توافقی پیرامون معنای این مفهوم وجود ندارد و به همین دلیل است گستره متنوعی از معانی به این عبارت نسبت داده شده است. در ادامه تعدادی از بزرگان حسابداری، عدم امکان تعریف را بنیادی‌ترین و بارزترین ویژگی این مفهوم برمی‌شمارند (فلینت، ۱۹۸۲؛ رادرفورد، ۱۹۸۵). اهمیت این ویژگی به قدری است که استوارت (۱۹۸۸) آن را «امکان غیرممکن» می‌خواند. نابز و پارکر (۱۹۹۱) وجود این ویژگی را از جهت برتری و اولویت این مفهوم نسبت به سایر استانداردها و قواعد حسابداری استدلال می‌کند. ابهام و گنگی این مفهوم اوردلهد (۱۹۹۶) را بجای رساننده که از آن به عنوان یک «جعبه سیاه» یاد کرده و کایننگام (۲۰۰۳) آن را یک معیار گریزان می‌داند. به طور خلاصه، پیشینه پژوهش در رابطه با فقدان تعریف مفهوم «تصویر درست و منصفانه» اجماع و اتفاق آرا دارد (چمبرز و ولنازیر، ۱۹۹۱؛ جونز، ۱۹۹۴؛ فورکر و گرینوود، ۱۹۹۵؛ ایخولم و تروبرگ، ۱۹۹۸؛ لیبلر، ۲۰۰۳؛ دومیترو و فلورین، ۲۰۰۸؛ والدو، ماتیاس و سالاس، ۲۰۱۲).

تعدادی از پژوهشگران با تأکید بر پویایی و نوسان مفهوم «تصویر درست و منصفانه» بر ابهام آن صحنه گذاشته و بر این مبنا آن را مفهومی هوشمند و ویژگی ابهامش را سودمند برشمرده‌اند (ریان، ۱۹۸۸؛ فلینت، ۱۹۸۲؛ آردن، ۱۹۹۳؛ سوشر، سیل و زلنکا، ۱۹۹۶؛ ایخولم و تروبرگ، ۱۹۹۸). شماری از حقوق دانان و قضات نیز ابهام این مفهوم را دلیلی بر غیرقابل پیگیری قانونی بودن آن می‌دانند (ریان، ۱۹۶۷؛ مک گریگور، ۱۹۹۲؛ ویلیامز، ۱۹۸۵).

در نهایت آیریش (۱۹۶۶) با کلامی متفاوت چنین بیان می‌دارد که: «مفهوم «تصویر درست و منصفانه» دارای معنایی دقیق و کامل و با تنها یک پاسخ صحیح نیست، بر عکس یک حاصل جمع که در علم حساب همواره به یک پاسخ مشخص می‌رسد». پس از مطالعه موارد فوق، به راستی درمیابیم که بی شک ابهام اساسی‌ترین ویژگی مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در گزارشگری مالی است.

پیشینه تجربی

در گروه مطالعات تجربی حول مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، پژوهشگران صرفاً با به کارگیری رویکردهای زبان‌شناختی-ساختاری (مبتنی بر پژوهش‌های لوی-استراوس (۱۹۶۳) و بارتز (۱۹۷۳))، درصدد یافتن پاسخ این پرسش بر آمده‌اند:

«آیا گروه‌های مختلف ذینفع گزارش‌های مالی، معنای مشترکی از ارائه منصفانه در ذهن دارند؟»

مطالعات تجربی حول معنای ارائه منصفانه همگی به نکته ارائه شده توسط پیرس توجه نموده‌اند: «معنا رابطه‌ای است سه‌طرفه». به بیانی دیگر، X (یک عبارت) به معنای Y (یک مفهوم یا چند مفهوم) برای Z (یک شخص یا گروهی از اشخاص) است. این مطالعات در بررسی معنای ارائه منصفانه از دیدگاه گروه‌ها یا افراد خاصی به دقت اجرا شده‌اند و نتایج درهم ریخته و ناسازگار آنها سند دیگری مبنی بر ابهام مفهوم ارائه منصفانه فراهم ساخته است. در ادامه ابعاد کلی این مطالعات مرور شده است.

در استرالیا هوتون (۱۹۸۷)، برای نخستین بار درصدد اندازه‌گیری معنا یا معانی مفهوم «تصویر درست و منصفانه» و مطالعه فاصله ادراکی دو گروه از افراد در رابطه با این مفهوم برآمد. وی مطالعه خود را در سه بُعد اجرا کرده است: معنای «تصویر درست و منصفانه» برای حسابداران، معنای «تصویر درست و منصفانه» برای سهامداران و درک حسابداران از معنای این مفهوم در ذهن سهامداران. وی با استفاده از فن افتراق معنایی، تفاوت‌های معناداری میان معنای ضمنی مفهوم تصویر درست و منصفانه حسابداران و سهامداران غیرنهادی یافت. بعلاوه مشخص شد که حسابداران در دریافت دقیق درک سهامداران از این مفهوم ناتوان هستند.

نابز و پارکر (۱۹۹۱) دیدگاه‌های ادراکی «تصویر درست و منصفانه» مدیران مالی شرکت‌های بریتانیایی بزرگ را بررسی کرده است. نتایج حاکی از این است که اغلب مدیران برای عملیاتی کردن «تصویر درست و منصفانه» دست به هیچ اقدامی نزده و به‌منظور انطباق با قوانین به حساب‌برسان تکیه می‌کنند. مدیران مورد مطالعه این پژوهش واژه «درست» را برابر با «انصاف» می‌دانند. در آخر، اغلب مدیران ابراز نموده‌اند که حساب‌برسان آنها را ملزم به تهیه صورت‌های مالی با «تصویری درست و منصفانه» کرده‌اند.

با انجام مصاحبه‌های ساختاریافته از شرکای فنی حسابرسی بریتانیایی، پارکر و نابز (۱۹۹۱) به این نتیجه دست یافتند که اکثر پاسخ‌دهندگان بین دو واژه «درست» و «منصفانه» تمایز قائل می‌شوند. بعضی از این حساب‌رسان بر این باورند که واژه «انصاف» از «درست» مهم‌تر است. پارکر و نابز جذاب‌ترین تفاوت تفسیری بین دو پژوهش خود را نسبت افرادی می‌دانند که بین دو واژه «درست» و «انصاف» تمایز قائل می‌شوند. در پژوهش نخست تنها ۱۷ درصد مدیران مالی به تفاوت این دو واژه تأکید کرده‌اند، در حالی که در پژوهش دوم حدود ۸۰ درصد حساب‌رسان به باور بر این تفاوت اشاره کرده‌اند.

مصاحبه‌های ساختاریافته با شرکای حسابرسی بریتانیایی، هیگسون و بلیک (۱۹۹۳) را در رسیدن به این نتیجه یاری داد که بیش از ۵۰ درصد از نمونه دارای ذخایری راجع به «تصویر درست و منصفانه» هستند. این دو پژوهشگر بر این باورند که این بیزاری عمدتاً در نتیجه دقت ساختگی واژه «درست» و ابهام این مفهوم ایجاد شده است.

دیگان، کنت و لین (۱۹۹۴) پرسشنامه‌ای مشابه مطالعه پارکر و نابز (۱۹۹۱) برای نمونه‌ای از مؤسسات حسابرسی در استرالیا در سال ۱۹۹۴ انجام دادند و به این نتیجه دست یافتند که بسیاری از این مؤسسات هیچ رویکرد حسابرسی ویژه‌ای را برای آزمون درستی و انصاف گزارش‌های مالی، و رای رویکردهای موجود برای انطباق با الزامات قانونی و استانداردهای حسابداری استرالیا، بکار نمی‌گیرند. علاوه بر این، حدود ۹۳ درصد از پاسخ‌دهندگان تفاوتی بین درستی و انصاف قائل نیستند.

لاسواد (۱۹۹۸) در نیوزلند به مطالعه پنج گروه حرفه‌ای که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تولید صورت‌های مالی درگیر هستند پرداخته است: حساب‌رسان، کنترلرهای مالی، حقوق‌دانان شرکت، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و دانشگاهیان. وی دریافت که درک مشابهی از این عبارت «تصویر درست و منصفانه» بین این گروه‌ها به اشتراک گذاشته شده است. نتایج به‌طور کلی نشان می‌دهد که «تصویر درست و منصفانه» به معانی فنی («نبود اشتباه‌های با اهمیت» و در سطحی محدودتری، «انطباق با استانداردهای حسابداری») در ارتباط است، در مقایسه با هر معنای مفهومی. با این حال، تفاوت‌های معناداری بین درک حقوق‌دانان و سایر گروه‌ها وجود دارد.

لو و کوچ (۱۹۹۷) به یافته‌ای متفاوت در سنگاپور دست یافت. با بررسی مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در ذهن مأموران بانک، حسابداران و مدیران، این نتیجه حاصل شد که هر سه گروه بین «تصویر درست و منصفانه» و «انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی» به روشنی تمایز قائل می‌شوند. در این مطالعه «تصویر درست و منصفانه» در کنار عبارت‌های «غیر گمراه‌کننده»، «عینی و بدون سوگیری»، «دقیق و درست»، «اجرای قضاوت مناسب» و «نبود اشتباه با اهمیت» خوشه‌بندی شده است.

کیرک (۲۰۰۶) در نیوزلند به بررسی فاصله ادراکی بالقوه بین مدیران مالی، حساب‌رسان و سهامداران در رابطه با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» پرداخته است. وی برای این منظور از فن «کارت مرتب سازی» استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد که اکثریت افراد حاضر در هر سه گروه، دارای ادراکی مشابه از «تصویر درست و منصفانه» هستند؛ اما «تصویر درست و منصفانه» را کاملاً متمایز از «ارائه منصفانه» و «بازنمایی منصفانه» به حساب می‌آورند، این در حالی است که جامعه حسابداران خبره نیوزلند در سال ۲۰۰۵ این عبارت‌ها را مترادف با یکدیگر معرفی کرده است. بنابراین فاصله‌ای ادراکی بین کلیه افراد مورد مطالعه و جامعه حسابداران خبره نیوزلند وجود دارد. یافته‌ها از تفسیر ادبی در مقایسه با تفسیر فنی «تصویر درست و منصفانه» حمایت می‌کند، چراکه از دیدگاه مشارکت‌کنندگان «تصویر درست و منصفانه» به مفهوم «انطباق با اصول حسابداری پذیرفته عمومی» نیست و «درست»، واژه منفک شده از عبارت «تصویر درست و منصفانه»، به عنوان عامل لازم برای کیفیت گزار شگری مالی اصلی مدنظر است.

روش پژوهش

گردآوری داده‌ها

از جایی که منبع داده‌های موردنیاز این پژوهش اطلاعات و نتایجی است که نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث ارائه کرده‌اند (منابع داده ثانویه)، تلاش نویسنده در این پژوهش به تحلیل محتوای تمام مقالات منتشر شده در نشریات دنیا پیرامون مفهوم «تصویر درست و منصفانه» اختصاص یافته است. اطلاعات مربوط به پایگاه‌های جستجوی مقالات، زمان جستجو و کلید واژه‌های جستجو شده در نگاره (۱) گزارش شده است. پس از مطالعه

بخش چکیده ۷۸ مقاله جستجو شده، ۵۸ مقاله مرتبط با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» شناسایی و برای اجرای رویکرد تحلیل محتوا مطالعه و بررسی شده است.

نگاره (۱). جستجوی مقالات برای تحلیل محتوا

پایگاه‌های جستجوی مقالات	کلیدواژه‌ها	زمان جستجو
Scholar. google. com	True and Fair View	۱۳۹۵/۰۳/۰۵
Sciencedirect. com	True and Fair	
Taylorandfrancis. com	TFV	
Emeraldinsight. com	Present Fairly	الی ۱۳۹۵/۰۳/۱۰
Wiley. com	Fairly Presented	
SSRN. com	Fair Presentation	

تحلیل محتوا

تحلیل محتوا به‌عنوان یک فن منظم و قابل تکرار برای فشرده‌سازی حجم زیادی از واژه‌های یک متن به طبقات محتوایی کم‌تر بر مبنای قواعد مشخصی از کدگذاری است (برلسون، ۱۹۵۲؛ کریپندورف، ۱۹۸۰؛ وبر، ۱۹۹۰). هالستی (۱۹۶۹) تعریفی گسترده‌ای از تحلیل محتوا را این‌گونه ارائه می‌دهد: «فنی است برای استنتاج ویژگی‌های معینی از داده با ابزارهای منظم و عینی». داده‌های موردنظر ممکن است پاسخ‌های نظری گروه خاصی از افراد، مصاحبه، نتایج مکتوب حاصل از جلسه‌های گروه تمرکز^۲، مشاهدات و یا منابع معتبر نظیر مقالات، کتب و کتابچه‌های راهنما باشد (کوندراکی و ولمن، ۲۰۰۲). در این پژوهش صرفاً بر مقالات علمی و کتب معتبر به‌عنوان داده ورودی به فرآیند تحلیل محتوا تمرکز شده است.

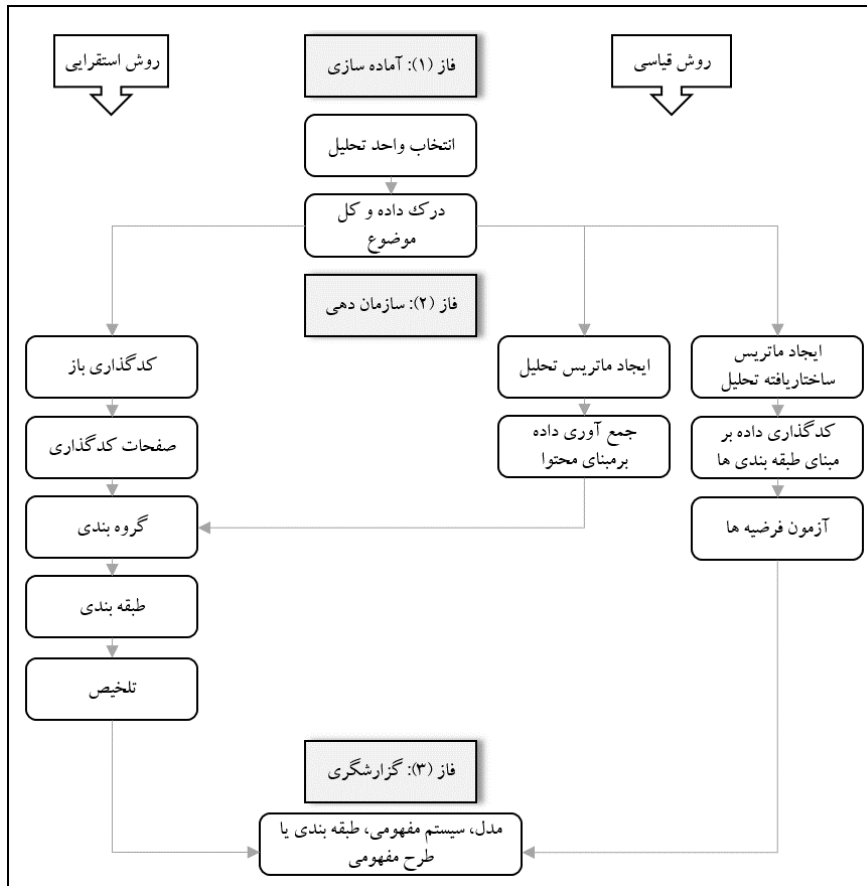
فن تحلیل محتوا محدود به تحلیل متن و شمارش صرف واژه‌ها نیست (ویلاک و همکاران، ۲۰۰۰)؛ بلکه اتکا بر «طبقه‌بندی» و «کدگذاری» است که این تحلیل را غنی می‌سازد. فرآیند تحلیل محتوا از سه فاز اصلی «آماده‌سازی ۳»، «سازمان‌دهی ۴» و «گزارش دهی ۵» تشکیل می‌شود. با نظاره بر نگاره (۱) دو روش اصلی اجرای تحلیل محتوا هویدا می‌شود: قیاسی و استقرایی. در روش قیاسی پژوهشگر با نظریه‌های متقن و فرضیه‌ها تجهیز شده، در حالی که رویکرد استقرایی از این امکانات بی‌بهره است. به دلیل محدودیت پژوهش حاضر از نظر تدوین فرضیه و نظریه‌های پشتیبان، استفاده از رویکرد استقرایی بهترین گزینه خواهد بود. بنابراین سه فاز اصلی تحلیل محتوا در پژوهش حاضر به شرح زیر دنبال می‌شود:

۱. **فاز آماده سازی:** با مطالعه مروری منابع داده‌ها، «جمله» بهترین واحد تحلیل متناسب با سؤال پژوهش تشخیص داده شده است. در ادامه این مرحله، پژوهشگر با عنایت به واحد تحلیل منتخب، تمام منابع را مطالعه و درک مناسبی از آنها ایجاد می‌نماید.

۲. **فاز سازمان‌دهی:** پس از حصول درک مناسب از موضوع، جملاتی که به نوعی به سؤال پژوهش حاضر پاسخ می‌دهند، برگزیده و کدگذاری می‌شوند (مقوله‌های فرعی). برای اینکار از صفحات کدگذاری استفاده می‌شود. با پیشرفت کار، شباهت‌های این جملات آشکار شده و گروه‌هایی از مفاهیم شکل می‌گیرند (مقوله‌های اصلی). در ادامه، این گروه‌ها در قالب عبارات کلی‌تر و به منظور پاسخ به سؤال پژوهش تجمیع شده و طبقات را شکل می‌دهند. این طبقات در پژوهش حاضر به گروه‌های افراد اشاره خواهد داشت.

۳. **فاز گزارشگری:** با اتمام سازمان‌دهی منابع داده‌ها، تنها مرحله باقیمانده از روش تحلیل محتوا، گزارش یافته‌ها در قالب یک طبقه‌بندی مفهومی خواهد بود. در این مرحله می‌توان از روش «شمارش آراء» نیز بهره گرفت.

یکی از موضوعات بسیار بااهمیت در پژوهش‌های کیفی، سنجش اعتبار است. بنابراین به‌منظور کاهش ذهنیت در تحلیل‌ها، از سه فرد مجرب برای اجرای مستقل فازهای روش تحلیل محتوا استفاده شده است. این سه فرد درک بالایی از حوزه حسابداری و پیشینه پژوهش حاضر داشته، به‌نحوی که ظرفیت درک معانی نهفته و مشترک کدگذاری‌ها ارتقاء یابد. پس از ایجاد مجموعه‌ای روشن از دستورالعمل‌های کدگذاری، فرآیند اجرای تحلیل محتوا بر روی ۵۸ مقاله موردنظر توسط هریک از افراد به‌طور مستقل انجام شده و در نهایت طی دو جلسه با حضور هر سه نفر، نتایج مستقل تحلیل محتوای هریک از افراد تجزیه و تحلیل و توافق نهایی حاصل شده است.

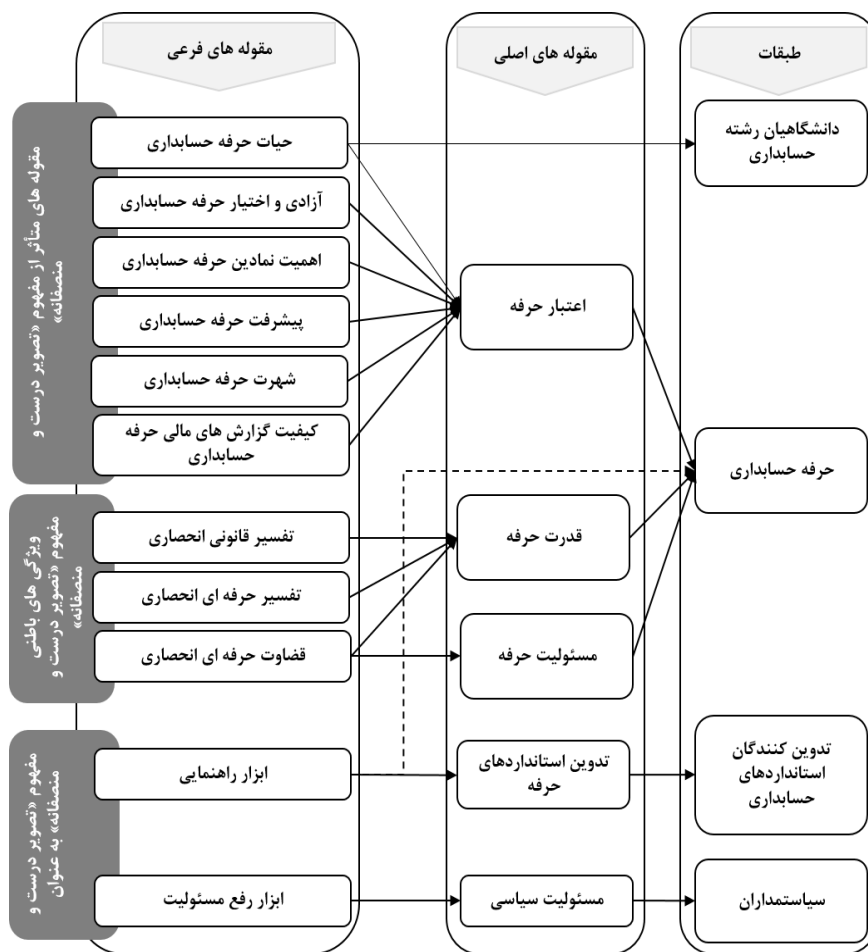


منبع: الو و کینگاس (۲۰۰۸)

شکل (۱): مراحل آماده‌سازی، سازمان‌دهی و گزارشگری در فرآیند تحلیل محتوا

یافته‌های پژوهش

اجماع سه مشارکت‌کننده در اجرای تحلیل محتوا، نهایتاً ۴۰ مقاله از ۵۸ مقاله مورد بررسی را با سؤال پژوهش مرتبط تشخیص داده و پاسخ این سؤال را در آنها یافته‌اند: «ابهام مفهوم» تصویر درست و منصفانه» به نفع کیست؟». شکل (۲) به یافته‌های پژوهش در قالب ۱۱ مقوله فرعی، ۵ مقوله اصلی و ۴ طبقه اشاره دارد که تحلیل آنها در کنار یکدیگر پاسخ مناسبی به سؤال بالا می‌دهد. در ادامه این بخش، یافته‌های تحلیل محتوا در قالب چهار طبقه دانش‌گامیان، حرفه حسابداری، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سیاستمداران تشریح شده است.



شکل (۲): مقوله های فرعی، اصلی و طبقات حاصل از اجرای تحلیل محتوا

دانشگاهیان رشته حسابداری

به راستی نفع دانشگاهیان رشته حسابداری در استفاده از مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در چیست؟ ساندر (۲۰۱۵) این سؤال را با سؤالی دیگر پاسخ گفته: «پس از حذف تمام قضاوت های حرفه ای حسابداران، از طریق تدوین روزافزون استانداردهای حسابداری با جزئیات فراوان و کاهش اهمیت مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، تا چه زمانی حسابداری به عنوان یک رشته درسی در دانشگاه ها حضور خواهد داشت؟». وی بر این باور است که وابستگی کلی به استانداردهای حسابداری مکتوب طی ۷۵ سال اخیر، حسابداران را در مسیر

اشتباه قرار داده است. به راستی اگر خروجی‌های حسابداری «تصویر درست و منصفانه» ارائه ندهد، هزاران صفحه از قواعد و استانداردهای حسابداری مکتوب ما را از خشم دادگاه‌های قانونی و جامعه محفوظ نگاه می‌دارد؟ شواهد نشان می‌دهد که تدوین بیشتر و بیشتر استانداردهای حسابداری، بجای تأکید بر اهمیت قضاوت حرفه‌ای که از طریق عبارت «تصویر درست و منصفانه» به عنوان یک «دورنمای اخلاقی»، بعید است که ما را در ارائه تصویری درست و منصفانه یاری رساند. پس کم‌رنگ شدن مفهوم «تصویر درست و منصفانه» بی‌شک زنگ خطر است برای ادامه حیات رشته دانشگاهی حسابداری.

حرفه حسابداری

اعتبار حرفه حسابداری:

به باور بخشی از پیشینه پژوهش کاربرد مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به طرق مختلف ارتقاءدهنده اعتبار حرفه حسابداری است. ویلموت (۱۹۸۶) مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را یک عبارت باقیمانده قانونی در خدمت ایجاد پوششی برای شهرت معنوی حرفه‌ای حسابداران معرفی کرده است. استوارت (۱۹۸۸) نیز بر این باور است که این مفهوم آزادی و شجاعت گران‌بهایی را به حسابداران می‌بخشد. منزلت این آزادی به قدری است که اگر آن را از حسابداران بگیرند، حرفه‌ای به نام حسابداری وجود نخواهد داشت. فورکر و گرینوود (۱۹۹۵) نیز به اهمیت نمادین مفهوم «تصویر درست و منصفانه» برای حرفه حسابداری اشاره کرده و اهمیت عملیاتی آن را به دلیل فقدان ویژگی قابلیت تعریف، محدود می‌دانند. مک‌انرو و مارتینز (۲۰۰۴) با ابراز مخالفت با رویکرد مبتنی بر قانون کشور آمریکا و اذعان می‌دارند که حذف الزام «تصویر درست و منصفانه» راه را برای «حسابداری خلاق» و «معاملات متهاجم» در محدوده اصول حسابداری پذیرفته همگانی باز می‌نماید و از اعتبار حرفه حسابداری می‌کاهد. همیلتون و اوهورتای (۲۰۰۹) مفهومی‌سازی «تصویر درست و منصفانه» را به دلیل ارتقای اعتبار عادت‌واره حسابداری برای حرفه حسابداری یک مزیت به حساب می‌آورند. به اعتقاد آنها با چیرگی این مفهوم، حسابرس به نحو مؤثری وضعیت موجود، قوانین سلسله مراتبی و نابرابری موجود در حسابداری را تحمیل می‌کند. بیتریس و دومیترو (۲۰۱۲) فراتر رفته و این مفهوم را از عوامل مؤثر بر پیشرفت حرفه حسابداری برشمرده و ساندر (۲۰۱۵) آن را «دورنمای اخلاقی» خوانده و عنصری ضروری در حفظ حیات حرفه حسابداری می‌داند.

در مقابل موضع بالا، بخش دیگری از پیشینه پژوهش مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را بازدارنده و مانعی برای توسعه اعتبار حرفه حسابداری به شمار آورده‌اند. به‌طور نمونه، رودزیونین و کریستاوسکاس (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که ابهام در مفهوم «تصویر درست و منصفانه» ممکن است منجر به ارائه صورت‌های مالی متفاوت شود، تنها به این دلیل که افراد دارای ادراکات متفاوتی از این مفهوم هستند. این پژوهشگران این بخش با انتقاد از سیستم اطلاع‌رسانی حساب‌رسان و عبارت «تصویر درست و منصفانه»، آن را برای خوانندگان گزارش حسابرسی زیان‌بار توصیف کرده و خواستار اخراج یا تعویض آن شده‌اند:

«عبارت «تصویر درست و منصفانه» همواره گمراه‌کننده خواهد بود، مگر اینکه به کارگیری روش بهای تاریخی در حسابداری ممنوع شود» (هوراکس، ۱۹۶۷).

«الزام «تصویر درست و منصفانه» همواره گمراه‌کننده، دست‌نیافتنی و منتهی به ادراکات نادرست خوانندگان است» (جانستون، ۱۹۶۷).

«مفهوم «تصویر درست و منصفانه» یک «نابهنگامی قانونی» و نشانه ضعف استاندارد گذاران است که باید منع شود» (باکست، ۱۹۶۸).

«عبارت «تصویر درست و منصفانه» گمراه‌کنندگی و زیان‌بار است» (میلر، ۱۹۶۹).

در میان این گروه از صاحب‌نظران، کاران (۲۰۰۲) و اسمیلیاوسکاس، کریگ و امرنیک (۲۰۰۸) با قدرت جنگندگی بیشتری با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» وارد مبارزه شده‌اند. کاران (۲۰۰۲) به ریسک ایجاد اطمینان کاذب در ذینفعان پس از مشاهده عبارت «تصویر درست و منصفانه» در گزارش حساب‌رسان و امکان تفسیر اشتباه این مفهوم به‌عنوان یک «ردای اخلاقی» برای پوشش فعالیت‌های غیراخلاقی جاه‌طلبانه شرکت اشاره می‌کند. بنابراین این عبارت منجر به کاهش مستمر اعتبار گزارشگری مالی می‌شود. کاران به قصد کاهش این برداشت‌های اشتباه، با بهره‌گیری از رویکرد منفی، عبارت «غیر گمراه‌کننده» را جایگزین «تصویر درست و منصفانه» گزارش حسابرسی کرده است.

اسمیلیاوسکاس، کریگ و امرنیک (۲۰۰۸) تیر انتقاد خود را به سوی مفهوم «تصویر درست و منصفانه» هدف گرفته و بر این باورند که اگر درصدد ارتقای سطح پذیرش و مقبولیت

اجتماعی گزارش حسابرسی هستیم، نیاز است که نقش بحرانی و کلیدی «عدم اطمینان» موجود در صورت‌های مالی را در این گزارش تشریح سازیم. با کاربرد عبارت «تصویر درست و منصفانه» در گزارشگری مالی، یک سؤال اساسی بی‌پاسخ می‌ماند: چگونه باید با عدم اطمینان برآوردهای حسابداری تعهدی برخورد کنیم؟ از دیدگاه این نویسندگان برای پاسخ به این سؤال، باید عبارت «تصویر درست و منصفانه» را با عبارت «ریسک قابل پذیرش ارائه‌های نادرست بااهمیت» جایگزین کرد. این جایگزینی منجر به برقراری ارتباط بهتر میان پیام حسابرس و ویژگی‌های اطلاعات حسابداری می‌شود. با ارائه اطلاعات بهتر و بیشتر با استفاده از واژه‌های جدید پیشنهادی، استفاده‌کنندگان خود تصمیم می‌گیرند که «تصویر درست و منصفانه» برای آنها چه معنایی می‌دهد. ارائه و افشای اعداد و ارقام با ریسک بالا، بدون افشای سطح ریسک آنها، به احتمال قوی همراه‌کننده خواهند بود، حتی اگر در انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی باشد. این مفهوم جدید در تلاش است تا ماهیت اساسی ساختار اجتماعی «واقعیت» ارائه شده به وسیله معیارهای حسابداری و پیچیدگی محیط گزارشگری جاری را منعکس نماید.

در نهایت پژوهشگران بخش دیگری از پژوهش‌های پیشین با هر دو دیدگاه بالا موافق بوده و نه تأثیر منفی مفهوم «تصویر درست و منصفانه» بر اعتبار حرفه را نفی کرده و نه تأثیر مثبت آن را. استدلال این پژوهشگران به زمان اعطای نعمت آزادی به حسابداران و حسابرسان در به‌کارگیری قضاوت حرفه‌ای و فرار از زندان رعایت استانداردهای حسابداری صرف و مطرح شدن «حسابداری خلاق» به‌عنوان یک مسئله مرتبط با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» بازمی‌گردد. این انعطاف از یک سو به حسابداران و حسابرسان قدرت اعمال قضاوت و قدرت حرفه‌ای داده و از سوی دیگر منجر به کاهش یکنواختی و قابلیت مقایسه بین صورت‌های مالی واحدهای تجاری مختلف و تضعیف بالقوه و بالفعل اعتبار خروجی‌های فرآیند حسابداری و حسابرسی شده است.

از دیدگاه تویدی و کلاس (۱۹۸۷)، مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به‌طور بالقوه هم پیش‌برنده است و هم بازدارنده. پیش‌برنده از این جهت که می‌توان از آن به‌عنوان ابزاری برای جایگزین کردن قوانین و استانداردهای حسابداری منسوخ شده استفاده کرد و بازدارنده از این جهت که انعطاف بالای حاصل از به‌کارگیری آن می‌تواند منجر به اعمال حسابداری ضعیف و حسابداری خلاقانه شود. با دیدگاهی مشابه، لیونی و مک‌نیکولز (۲۰۰۹) معتقدند با ورود مفهوم

«تصویر درست و منصفانه» به قوانین حسابداری، مجموعه انتخاب‌های حسابداری افزایش یافته و ممکن است منجر به کاهش قابلیت مقایسه و کیفیت گزارش‌های مالی شود. از سوی دیگر، در شرایطی که کاربرد استانداردهای حسابداری موجود گمراه‌کننده باشد، این مفهوم می‌تواند منجر به بهبود گزارشگری مالی شود. بنابراین کاهش یا افزایش اعتبار حرفه حسابداری در نتیجه کاربرد مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به اهمیت ارزش‌های اخلاقی تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی بستگی دارد.

قدرت حرفه حسابداری:

از دید جامعه‌شناسان، پیوستگی و اتصال قدرت و زبان مطلبی بدیهی است. نیچه (۱۹۰۱) مدعی است که زبان نمی‌تواند حقیقتی را نشان دهد، در واقع حقیقت تحت اختیار خواست قدرت است. فوکو (۱۹۸۰) زبان را ابزاری برای حفظ قدرت صاحبان امتیاز می‌داند و بوردیو (۱۹۸۲) بر این باور است که زبان را نباید تنها به عنوان ابزار برقراری ارتباط مورد بررسی قرار داد، بلکه زبان عرصه‌ای سیاسی است که افراد در چارچوب آن به دنبال تحقق منافع خود هستند. دیرگاهی است که این مناظر در حیطه دید تعدادی از پژوهش‌گران حوزه مفهوم «تصویر درست و منصفانه» قرار گرفته است. به عقیده این افراد، مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به عنوان بخشی از زبان گزارشگری مالی، برچسب قدرت حرفه حسابداری است.

بخشی از این قدرت، حاصل از «انحصار موجود در تفسیر قانونی» مفهوم «تصویر درست و منصفانه» است. بسیاری از حقوق‌دانان دانشگاهی و قضات دادگاه‌های قانونی به ابهام بیش از حد مفهوم «تصویر درست و منصفانه» اشاره کرده و بر ناتوانی دادگاه‌ها در پیگیری قانونی این مفهوم تأکید کرده‌اند. آنها مدعی‌اند سطح بالای ابهام، قدرت تفسیر و اجرای اقدامات قانونی علیه حرفه حسابداری در رابطه با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را از دست حقوق‌دانان خارج ساخته است. این انتقال قدرت از حقوق‌دانان به حسابداران و حسابرسان نیز خود حکایت از کاهش مسئولیت قانونی گروه اخیر دارد، که از منظر حقوق‌دانان برای حسابداران و حسابرسان بسیار خوشایند است.

ابهام بالای مفهوم «تصویر درست و منصفانه» ریان (۱۹۶۷) و آردن (۱۹۹۳) را بر آن داشته تا اذعان دارند که انجام قضاوت در رابطه با درستی و انصاف حساب‌های مالی یک واحد تجاری برای حقوق‌دانان غیرعملی است و این کار در عمل به عهده مدیران و حسابرسان است و نه

دادگاه‌های قانونی. وی در گفتاری مشهور می‌نویسد: «حتی برای یک لحظه هم به یک پیگیری قانونی بر مبنای چنین مفهوم بی‌ثباتی نمی‌اندیشم». ویلیامز (۱۹۸۵) نیز برای استدلال در رابطه با غیرقابل پیگیری قانونی بودن این الزام، بر ابهام بالای آن تأکید می‌کند.

مک‌گی (۱۹۹۱) معتقد است که قواعد حرفه حسابداری دو مسئله اساسی برای حقوق‌دانان ایجاد کرده است:

۱. حقوق‌دانان محدودی درک بالایی از این قواعد دارند؛

۲. حسابداران در تدوین یک چارچوب مفهومی رضایت‌بخش در رابطه با مفهوم «تصویر درست و منصفانه» پیشرفت خاصی نداشته‌اند.

بنابراین تعریف استانداردها و اهداف حرفه‌ای، از جمله مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، به منظور سنجش صلاحیت حرفه‌ای حسابداران، برای حقوق‌دانان بسیار دشوار است. این دشواری برای حسابداران و حسابرسان بسیار جذاب بنظر می‌رسد، چراکه یکی از اثرات آن کاهش مسئولیت قانونی آنهاست. بنابراین حقوق‌دانان کاری بیش از پذیرفتن مدارک و شواهد حسابداران خبره در رابطه با تفسیر «تصویر درست و منصفانه» در دادگاه‌های قانونی نخواهند داشت. به دلیل اینکه این مفهوم بیشتر مفهومی حقوقی به شمار می‌رود تا اینکه صرفاً متعلق به تئوری‌های حسابداری باشد، مک‌گی پیشنهاد می‌دهد که حقوق‌دانان و حسابداران باید در تلاش برای ایجاد درک بهتر رویکردها و دیدگاه‌های یکدیگر باشند.

مک‌گریگور (۱۹۹۲) و دیگان، کنت و لین (۱۹۹۴) نیز بر دشواری در تعریف مفهوم «تصویر درست و منصفانه» تأکید کرده و آن را دلیل بی‌رغبتی قانون‌گذاران نسبت به پیگیری قانونی بر مبنای این الزام و در نتیجه کاهش مسئولیت قانونی حسابداران و حسابرسان معرفی می‌کنند. دیگان، کنت و لین (۱۹۹۴) به این نکته اشاره می‌کنند که در نبود هیچ تعریف واضحی از مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، بعید بنظر می‌رسد که اقدام دادگاهی علیه شرکت، مدیران یا حسابرسان در رابطه با ناتوانی در ارائه یک «تصویر درست و منصفانه» صورت گیرد. پشتمانه این ادعا نبود هیچ‌گونه پیگرد قانونی مرتبط با این مفهوم است. این در حالی است که در رابطه با عدم توانایی در نگهداری مناسب دفاتر و حساب‌ها اقدامات دادگاهی متنوعی تاکنون صورت گرفته است.

بخش دیگر این قدرت وابسته به زبان حسابداری در «تفسیر حرفه‌ای انحصاری» مفهوم «تصویر درست و منصفانه» ریشه دارد. رادرفورد (۱۹۸۵) ناکام مانده در ارائه تعریف و معنای دقیق مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، تشریح این مفهوم را منحصر به عمل و حرفه حسابداری می‌داند. والتون (۱۹۹۳) معتقد است که مفهوم «تصویر درست و منصفانه» به وسیله عمل جاری حسابداری تعریف می‌شود. ایخولم و تروبرگ (۱۹۹۸) بر این باورند که تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری با سکوت اختیار کردن در رابطه با تعریف این مفهوم، عملاً تفسیر آن را به حسابداران حرفه‌ای واگذار کرده‌اند. در نهایت همیلتون و اوهورگارتای (۲۰۰۹) معماران مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را افراد حرفه‌ای حسابداری معرفی می‌کند. از منظر این نویسندگان زبان حسابداری ساختارهای اجتماعی را حفظ و تحمیل می‌کند و خود ساخته روزمرگی‌های حرفه حسابداری است. به‌طور خلاصه «تصویر درست و منصفانه» از زبان بوردیو «چیزی است که حسابداران هستند»^۷.

در آخر، «قضاوت حرفه‌ای انحصاری» که در ذات و بطن مفهوم «تصویر درست و منصفانه» نهفته است، منشأ قدرت دیگری برای حرفه حسابداری به حساب می‌آید. در واقع با تزریق چاشنی ابهام به گزارشگری مالی از طریق عنصر «تصویر درست و منصفانه»، قضاوت حرفه‌ای حسابداران وارد عمل شده تا بلکه بتواند روح قوانین حسابداری را احضار کند. این توانایی احضار روح قوانین توسط حسابداران و حسابرسان همان آیت قدرت حرفه‌ای حسابداران است.

راه‌حل مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در رابطه با مسئله پوشش مواردی که استانداردهای حسابداری شناسایی نکرده، شامل یک «قضاوت ارزشی» مبنی بر در نظر گرفتن تمام شرایط موجود است. به‌نحوی که تهیه‌کنندگان صورتهای مالی علاوه بر افشای اطلاعات اضافی، در «شرایط ویژه» ملزم به انفکاک از الزامات حسابداری هستند تا بتوانند محتوای واقعی حساب‌ها را ارائه دهند. به باور آردن (۱۹۹۳)، قضاوت حرفه‌ای و ابتکار عمل شناسایی این «شرایط ویژه» هم در دست حرفه حسابداری است و هم در دست تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری است. پارکر و نابز (۱۹۹۱) نیز مفهوم «تصویر درست و منصفانه» در زمینه‌هایی که هنوز استانداردی تدوین نشده، با تأکید بر کاربرد قضاوت حرفه‌ای، حامی حسابرسان است. این حسابرسان هستند که بر تداوم کاربرد مفهوم «تصویر درست و منصفانه» تأکید کرده و از آن حمایت و بیشترین استفاده را در عمل از آن می‌کنند. به باور والتون (۱۹۹۷) و ون‌هال (۱۹۹۷)

عبارت «تصویر درست و منصفانه» راه را برای ورود قضاوت حرفه‌ای بیشتر حسابداران گشوده است و آنها را ملزم به استفاده از قضاوت حرفه‌ای می‌سازد. به اعتقاد لیبلر (۲۰۰۳) نیز بجای تأکید صرف بر انطباق با استانداردهای حسابداری، باید بر ارزیابی و قضاوت در رابطه با ارائه یا عدم ارائه یک «تصویر درست و منصفانه» توسط مدیران و حساب‌سازان تأکید شود. دو میتر و فلورین (۲۰۰۸) بر اهمیت نقش حساب‌سازان در تعیین حدود درستی و انصاف صورت‌های مالی، با اعمال قضاوت حرفه‌ای تأکید کرده و مزیت این مفهوم برای حساب‌سازان را در امتیاز اعمال قضاوت حرفه‌ای می‌دانند. زف، بویجینک و کامفرمن (۱۹۹۹) وظیفه تفسیر این مفهوم مبهم را به عهده حرفه حسابداری گذارده و موقعیت آنها را چنین توصیف می‌کند: «این مفهوم همان معنایی را می‌رساند که من (حسابدار) می‌خواهم، نه بیشتر و نه کمتر». کلارک (۲۰۰۶) نیز می‌نویسد فرا-قانون «تصویر درست و منصفانه» اجرای «قضاوت حرفه‌ای» را تسهیل می‌نماید.

استاندارد گذاران:

از جایی که نمی‌توان هیچ‌گاه مجموعه قوانین و قواعدی تدوین کرد که تمام مسائل مرتبط در یک زمینه ویژه را پوشش دهد، ورود فرا-قانون‌هایی نظیر «تصویر درست و منصفانه» به متون قانونی اجتناب‌ناپذیر است. استانداردهای حسابداری نیز از این قاعده مستثنی نیستند. یکی از مزایای پذیرش چنین فرا-قانونی، خرید زمان و فرصت توسط تدوین‌کنندگان استاندارد برای اصلاح و به‌روزرسانی مستمر استانداردهای موجود و تدوین استانداردهای جدید است.

استوارت (۱۹۸۸) عبارت «تصویر درست و منصفانه» را الهام‌بخش تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری در جهت برداشتن گام‌های مبهم و قهری دانسته و آما، بلیک و اولیویراس (۱۹۹۱) از این عبارت به عنوان ابزار بهنگام سازی استانداردهای حسابداری یاد کرده و آن را برای تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری سودمند می‌دانند. در دیدگاهی مشابه، نابز (۱۹۹۳) و برلاد (۱۹۹۵) نیز معتقدند که درحالی که الزام «تصویر درست و منصفانه» به عنوان یک اصل راهنما برای تهیه‌کنندگان و حساب‌سازان صورت‌های مالی به حساب می‌آید، در عمل تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری بیشترین استفاده را از این الزام می‌نمایند. بنظر فورکر و گرینوود (۱۹۹۵) نیز به کارگیری محدود «تصویر درست و منصفانه» در شرایط استثنایی فعلی به قصد تسهیل تدوین استانداردهای حسابداری مناسب است.

در مقابل، ون‌هال (۱۹۹۷) بر ناخشنودی و ناراحتی تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری نسبت به الزام «تصویر درست و منصفانه» تأکید می‌کند؛ چراکه این افراد بر این باورند که استانداردهای طراحی شده از سوی آنها از نظر تعریفی کامل است. در واقع تدوین‌کنندگان استاندارد با پذیرش چنین مفهوم مبهمی به‌عنوان یک فرا-قانون، تواضع خود را نشان می‌دهند. باید پذیرفت که هیچ‌گاه نمی‌توان تمام مسائل حسابداری را با تدوین استانداردهای جزئی به‌طور کامل پوشش داد.

سیاستمداران:

والتون (۱۹۹۷) با نگاه به سؤال پژوهش حاضر از زاویه‌ای متفاوت، ابهام مفهوم «تصویر درست و منصفانه» را به نفع سیاستمداران می‌داند. وی معتقد است که برای سیاستمداران بهتر است که از حضور عبارت «تصویر درست و منصفانه» در گزارش حسابرسی، استانداردها و قوانین حسابداری حمایت نمایند. در واقع این عبارت نوعی ابزار رفع مسئولیت و تعهد رایگان برای آنها به شمار رفته و در پیشامد رخدادهای ناگوار نظیر ورشکستگی‌ها و فروپاشی‌های عظیم، به سادگی برای گریز از مرکز اتهامات و توجهات از آن بهره می‌گیرند.

«تصویر درست و منصفانه» ایرانی:

در ایران برای ابراز اظهارنظر تعدیل نشده نسبت به صورت‌های مالی، حسابرس باید از عبارت زیر استفاده نماید:

«... صورت‌های مالی... از تمام جنبه‌های بااهمیت، طبق استانداردهای حسابداری، به نحو مطلوب نشان می‌دهد» (بند ۲۸، استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰ سازمان حسابرسی، ۱۳۸۹).

بنظر می‌رسد که سازمان حسابرسی ضمیمه کردن عبارت «طبق استانداردهای حسابداری» به عبارت مبهم «به نحو مطلوب»، متمایل به رویکرد مبتنی بر قواعد است تا رویکرد مبتنی بر اصول (مشابه رویکرد ایالات متحده آمریکا). در اغلب مطالعات انجام شده در رابطه با مقایسه بین دو عبارت «مفهوم درست و منصفانه» بریتانیایی و «ارائه منصفانه در انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی»^۸ آمریکایی، این دو عبارت مشابه شناخته شده‌اند (مک‌انرو و مارتینز، ۱۹۹۸؛ زاهد، ۲۰۰۸). فلینت (۱۹۸۲) و رادرفورد (۱۹۸۵) با اشاره به اینکه ترکیب دو

واژه «درست» و «منصفانه» برای نخستین بار در حسابداری، بیشتر تصادفی بوده تا اینکه از روی قصد و نیت خاصی باشد، تغییر و ترجمه واژه‌های عبارت «تصویر درست و منصفانه» (دال^۱) را دارای اثر عملی اندک و محدودی بر درک و فهم بازیگران حوزه گزارشگری مالی از این عبارت (مدلول^۱) می‌دانند.

پارکر (۱۹۹۴) نیز با تأکید بر اینکه «تصویر درست و منصفانه» یک «عطف دو کلمه‌ای^۱» است، استدلال می‌کند که دو عبارت بریتانیایی و آمریکایی باهم برابرند، تنها تفاوت در وجود «انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی» در عبارت آمریکایی است. در همین رابطه مک‌انرو و مارتینز (۲۰۰۴)، با تأکید بر اهمیت عنصر قضاوت حرفه‌ای موجود در عبارت «تصویر درست و منصفانه»، بر این باورند که گنجاندن «در انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی» در عبارت اخیر مایه تأسف است، چراکه حضور آن به حساب‌رسان این اجازه را می‌دهد که از «ارائه منصفانه» اجتناب کرده (به کارگیری قضاوت حرفه‌ای) و صرفاً بر «انطباق با اصول حسابداری پذیرفته همگانی» در این عبارت تمرکز نمایند.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که عبارت «... طبق استانداردهای حسابداری، به نحو مطلوب» تفاوتی با عبارت بریتانیایی «تصویر درست و منصفانه» ندارد، تنها تفاوت در اضافه عبارتی «طبق استانداردهای حسابداری» است. بنابراین در ایران تمایل به محدودسازی حجمه قضاوت‌های حرفه‌ای حسابداران و محدود ساختن آنها به استفاده صرف از استانداردهای حسابداری است. اما این مرزبندی چه اثراتی دارد؟ کاهش مسئولیت حرفه حسابداری؟ کاهش قدرت حرفه‌ای آنها؟ کاهش اعتبار حرفه‌ای این گروه از بازیگران عرصه گزارشگری مالی؟ یا بالعکس؟ واقعیت این است که پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها نیازمند مطالعات جامعه‌شناختی عمیق و ژرف است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در شمارش آراء بزرگان حسابداری و حقوق‌دانان صاحب‌نظر در زمینه مفهوم «تصویر درست و منصفانه»، آنچنان در بخش یافته‌های پژوهش تشریح و در نگاره (۲) تلخیص شده، می‌توان اکثریت را صاحب این باور دانست:

«عبارت، الزام، مفهوم، دکترین، اصطلاح فنی یا استاندارد کیفی» تصویر درست و منصفانه «بیشترین مزیت را برای حرفه حسابداری و حسابرسی و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری دارد».

تکراه (۲): شمارش آراء پژوهشگران در رابطه با سؤال پژوهش

رای دهندگان	تعداد آراء در رابطه با منفعت مفهوم برای هر طبقه			طبقه
	مخالف	ممتنع	موافق	
موافق: ساندر (۲۰۱۵)	-	-	۱	دانشگاهیان
موافق: ویلموت (۱۹۸۶)، استوارت (۱۹۸۸)، فورکر و گرینوود (۱۹۹۵)، مک انزو و مارتینز (۲۰۰۴)، همیلتون و او هوگارتای (۲۰۰۹) و ساندر (۲۰۱۵). ممتنع: توییدی و کلاس (۱۹۸۷) و لیونی و مک نیکولز (۲۰۰۹) مخالف: هورا کس (۱۹۶۷)، جانستون (۱۹۶۷)، باکست (۱۹۶۹)، کاران (۲۰۰۲)، اسمیلیاوسکاس و همکاران (۲۰۰۸) و رودزیونین و کریستائوسکاس (۲۰۱۰).	۶	۲	۲۴	حرفه حسابداری
موافق: استوارت (۱۹۸۸)، آمات و همکاران (۱۹۹۱)، نابز (۱۹۹۳)، برلاد (۱۹۹۵)، فورکر و گرینوود (۱۹۹۵) و ون هال (۱۹۹۷).	-	-	۶	تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری
موافق: والتون (۱۹۹۷)	-	-	۱	سیاستمداران

در کنار این اکثریت، اقلیتی نیز بر خسران این مفهوم و گمراه کنندگی آن تأکید کرده‌اند. گویی این گروه در تیم استفاده کنندگان ایفای نقش کرده یا به شدت از حامیان آنها به شمار می‌روند. افراد معدودی نیز بر نقش محافظتی این مفهوم برای سیاستمداران تأکید کرده‌اند. اما باید اعتراف کرد که جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پیرامون سؤال این پژوهش، کاری بس دشوار است. آیا واگذاری قدرت و قضاوت حرفه‌ای به حسابداران و حسابرسان به سود ذینفعان برون‌سازمانی نظیر سرمایه‌گذاران خرد خواهد بود؟ این سؤال در رابطه با سرمایه‌گذاران نهادی یا اعتباردهندگان چه پاسخی خواهد یافت؟ این واگذاری چه مزیتی را برای جامعه دربردارد؟ و سؤالات دیگری از این دست. اگر چنین تحلیل کنیم که حسابداران و حسابرسان افرادی صاحب

مهارت و دانش، همواره پایبند به اخلاقیات هستند و خواهند بود، تردیدی نیست که واگذاری قضاوت و قدرت حرفه‌ای به آنها به نفع همه (استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، حسابداران، حسابرسان، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری، سیاستمداران و به‌طور کلی جامعه) خواهد بود و نه تنها شهرت و اعتبار حرفه حسابداری مورد پرسش قرار نگرفته، بلکه بر اعتبار آن افزوده می‌شود. بنابراین پاسخ نهایی به این پرسش که «ابهام مفهوم تصویر درست و منصفانه به نفع کیست؟»، ریشه در ارزش‌های اخلاقی حسابداران و حسابرسان دارد.

مسلم این است که حذف عبارت «تصویر درست و منصفانه» و قضاوت حرفه‌ای موجود در آن، یا تأکید بیشتر بر رعایت استانداردهای حسابداری (رویکرد ایالات متحده آمریکا)، هرگز تمام مشکلات را برای همیشه برطرف نمی‌کند. آنچنان که فروپاشی‌های بزرگ مالی در آمریکا تأییدی بر این مطلب بود. پس باید پذیرفت که اغلب این مشکلات پیرامون این مفهوم ریشه در اخلاق دارد. بنابراین تنها راه مقابله و مبارزه، پرورش و ترویج اخلاق حرفه‌ای هرچه بیشتر است، هم در دانشگاه‌ها و هم در محیط و حرفه عملی.

لازم به ذکر است که پژوهش حاضر از اتکای صرف بر داده‌های ثانویه رنج می‌برد و بنابراین برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود که داده‌های اولیه در کشور جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شود.

پی‌نوشت

- | | |
|---------------------------------------|---|
| ^۱ True and Fair View (TFV) | ^۷ Becomes What They Are |
| ^۲ Focus Group | ^۸ Present Fairly in Conformity with GAAP |
| ^۳ Preparation | ^۹ Signifier |
| ^۴ Organization | ^{۱۰} Signified |
| ^۵ Result Reporting | ^{۱۱} Hendiadys |
| ^۶ Vote Counting Method | |

منابع

- استاندارد حسابداری شماره ۱ (۱۳۸۰). نحوه ارائه صورت‌های مالی، سازمان حسابرسی.
- استاندارد حسابرسی شماره ۷۰۰ (۱۳۸۹). گزارشگری نسبت به صورت‌های مالی، سازمان حسابرسی.
- حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۸). فلسفه حسابرسی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- Amat, O. , Blake, J. and Oliveras, E. (1999). The Struggle against Creative Accounting: Is “True and Fair View” Part of the Problem or Part of the Solution? UPF Economics Working Paper 363: 1-22.
- Arden, H. (1993). The Up-Dated Opinion of English Counsel on the True and Fair. 1993/ 1994, reprinted as ‘Appendix IV’ in R. H. Parker, and C. W. Nobes (Eds) , An International View of True and Fair Accounting, Routledge, 1994.
- Audit Organization of Iran. (2001). Accounting Standard No. 1: presentation of financial statements. (In Persian)
- Audit Organization of Iran. (2010). Auditing Standard No. 700: Reporting upon Financial Statements. (In Persian)
- Barthes R. (1973). Mythologies. London: Granada.
- Baxt, R. (1968). True and Fair View—a Legal Analysis, Paper Presented at the The Australasian Association of University Teachers of Accounting 1967 Convention, University of Auckland, Auckland, 14-16 August.
- Beatrice, V. A. and Dumitru, M. (2012). Importance and Vulnerability of True and Fair View in the Romanian Accounting Environment- Case Study. The Journal of the Faculty of Economics - Economic, 1 (1) , 972-977.
- Berelson, B. (1952). Content Analysis in Communication Research. Glencoe, Ill: Free Press.
- Bourdieu, P. (1982). Language and Symbolic Power. Cornwall: Polity Press.
- Burlaud, A. (1993). Commentary on the Article by David Alexander 'A European True and Fair View'. European Accounting Review, 2 (1) , 95-98.
- Chambers, R. J. (1973). Accounting Principles and the Law. Australian Business Law Review, June, 112-129.
- Chambers, R. J. and Wolnizer, P. W. (1990). A True and Fair View of Financial Position. Company and Securities Law Journal, 8 (1) , 354-368.
- Chastney, J. G. (1975). True and Fair View: A Study of the History and Meaning of True and Fair and a Consideration of the Impact of The Fourth Directive: A report prepared for the Research Committee of the Institute of Chartered Accountants in England and Wales, Sheffield Polytechnic.

- Clarke, F. L. (2006). Forum: Analysis and Evidence on the Principles VS Rules Debate. *Abacus*, 42 (2) , 129-131.
- Cowan, T. K. (1965). Are Truth and Fairness Generally Acceptable? *Accounting Review*, Vol. 40, No. 4, Pp. 788-794.
- Cunningham, L. A. (2003). Semiotics, Hermeneutics and Cash: An Essay on the True and Fair View. Boston College Law School, Research Paper No. 6.
- Deegan, C. , Kent, P. and Lin, C. J. (1994). The True and Fair View: A Study of Australian Auditors: Application of the Concept. *Australian Accounting Review*, 4 (1) , 2-12.
- Dumitru, M. and Florin, B. A. (2008). Study Regarding the Quality of the True and Fair View Supplied by the Financial Statements from Financial Auditors Point of View. *The Journal of the Faculty of Economics - Economic*, 3 (1) , 1298- 1309.
- Ekhholm, B. G. and Troberg, P. (1998). Quo Vadis True and Fair View? *International Accounting, Auditing and Taxation*, 7 (1): 113-129.
- Elo, S. and Kyngas, H. (2008). The Qualitative Content Analysis Process. *Journal of Advanced Nursing*, 62 (1) , 107-115.
- Flint, D. (1982). *A True and Fair View of Company Accounts*, London: Gee and Co.
- Forker, J. and Greenwood, M. (1995). European harmonization and the true and fair view. *European Accounting Review*, 4 (1) , 1-31.
- Foucault, M. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977*. New York: Pantheon Books.
- French, J. and Raven, B. (1959). The Bases of Social Power. In *Studies in Social Power*, D. Cartwright, Ed. , 150-167. Ann Arbor, MI: Institute for Social Research.
- Gerboth, D. L. (1988). Commentary: Dale L. Gerboth on the Profession. *Accounting Horizons*, 2 (1) , 104-109.
- Gill, G. S. (1983). True and Fair View. *The Australian Accountant*, November Issue, 701-703.
- Gordon, C. (1980). *Power/Knowledge: Selected Interviews and Other Writings 1972-1977*, New York: Pantheon Books.
- Hamilton, G. and Hogartaigh, C. (2009). The Third Policeman: 'The True and Fair View', *Language and the Habitus of Accounting. Critical Perspectives on Accounting*, 20 (10) , 910-920.
- Hassass Yeghaneh, Y. (2009). *Auditing Pilosophy*, Tehran: Iranian Scientific and cultural Publications. (In Persian)
- Higson, A. and Blake, J. (1993). The True and Fair View Concept—a Formula for International Disharmony: Some Empirical Evidence. *International Journal of Accounting*, 28 (2) , 104-115.
- Holsti, O. R. (1969). *Content Analysis for the Social Sciences and Humanities*, Reading, MA: Addison-Wesley.

- Horrocks, J. 1967. Are Published Balance Sheets Untrue and Unfair? Australian Accountant, (October).
- Houghton, K. A. (1987). True and Fair View: An Empirical Study of Connotative Meaning. Accounting, Organizations and Society, 12 (2) , 143-152.
- Irish, R. A. (1966). Trial by Fire. Chartered Accountant in Australia, (September).
- Johnston, T. R. (1967). Is the Standard 'True and Fair View of the State of Affairs' Attainable in a Balance Sheet? Accountant's Journal (NZ) , 443-452.
- Jones M. (1994). Readability of Accounting Narratives. Management Accounting, 72 (1) , 1-28.
- Karan, R. (2002). Irreconcilable Legal and Accounting Views of 'a True and Fair View': An Emerging Alternative from Australian Reforms. Journal of Law and Financial Management, 1 (1) , 44-52.
- Kirk, N. (2006). Perceptions of the True and Fair View Concept: An Empirical Investigation. Abacus, 42 (2) , 205- 235.
- Kondracki, N. L. and Wellman, N. S. (2002). Content analysis: Review of Methods and Their Applications in Nutrition Education. Journal of Nutrition Education and Behavior, 34 (1) , 224-230.
- Krippendorff, K. (1980). Content Analysis: An Introduction to Its Methodology, Newbury Park, CA: SAGE.
- Laswad, F. (1998). Perceptions of True and Fair View: A New Zealand Study. Accounting Research Journal, 11 (1) , 205-235.
- Leibler, M. (2003). True and Fair – An Imagination View. Australian Accounting Review, 13 (3) , 61-66.
- Levi-Strauss, C. (1963). Structural Anthropology, New York: Basic Books.
- Livne, G. and McNichols, M. (2009). An Empirical Investigation of the True and Fair Override in the United Kingdom. Journal of Business, Finance and Accounting, 36 (1) , 1-30.
- Low, C. K. and Koh, H. C. (1997). Concepts Associated with the "True and Fair View": Evidence from Singapore. Accounting and Business Research, 27 (3) , 195-202.
- McEnroe, J. E. and Martens, S. C. (1998). Individual Investors' Perceptions Regarding the Meaning of US and UK Audit Report Terminology: 'Present Fairly in Conformity With GAAP' and 'Give a True and Fair View. Journal of Business, Finance and Accounting, 25 (3) , 289- 307.
- McGee, A. (1992). The "True and Fair" Debate: A Study in the Legal Regulation of Accounting. The Modern Law Review, 54 (60) , 874-888.
- McGregor, W. (1992). True and Fair View—an Accounting Anachronism. Australian Accountant, 62 (1) , 68-69.

- Miller, M. C. (1969). True and Fair' and Auditors' Reports. Australian Accountant, (April).
- Nietzsche, F. (1901). The will to Power. New York: Random House.
- Nobes, C. W. (1993). The True and Fair View Requirement: Impact on and of the Fourth Directive. Accounting and Business Research, 24 (4) , 35–48.
- Nobes, C. W. and Parker, R. H. (1991). “True and Fair”: A Survey of UK Financial Directors. Journal of Business Finance and Accounting, 18 (3) , 359-375.
- Nurnberg, H. (1977). An Unrecognized Ambiguity of the High-Low Method. Journal of Business, Finance and Accounting, 4 (1) , 427-442.
- Ordelheide, D. (1993). True and Fair View: A European and a German Perspective. European Accounting Review, 1 (1) , 81-90.
- Parker, R. H. (1994). Debating True and Fair in Australia: An Exercise in Deharmonization? Journal of International Accounting Auditing and Taxation, 3 (1) , 41-69.
- Parker, R. H. and Nobes, C. W. (1991). True and Fair': UK Auditors' View. Accounting and Business Research, 21 (84) , 349-361.
- Rudzioniene, K. and Christauskas, C. (2010). The 'True and Fair View' Concept in Lithuanian Accounting Regulation. Social Sciences/ Socialiniai Mokslai, 1 (67) , 42-48.
- Rutherford, B. A. (1985). The True and Fair View Doctrine: A Search for Explication. Journal of Business, Finance and Accounting, 12 (4) , 483-494.
- Ryan, J. B. (1988). A True and Fair View: A Revised "Accounting Interpretation. University of Wollongong, Occasional Paper No. 1.
- Ryan, S. J. O. (1967). A True and Fair View. Abacus, 3 (4) , 95-108.
- Smieliauskas, W. , Craig, R. and Amernic, J. (2008). A Proposal to Replace 'True and Fair View' With 'Acceptable Risk of Material Misstatement'. Abacus, 44 (3) , 225-250.
- Stewart, I. C. (1988). The Explication of the True and Fair View Doctrine: A Comment. Journal of Business, Finance and Accounting, 15 (1) , 115-123.
- Sucher, P. , Seal, W. and Zelenka, I. (2006). True and Fair in the Czech Republic: A Note on Local Perceptions. European Accounting Review, 5 (3) , 545-557.
- Sunder, Sh. (2015). “True and Fair” as the Moral Compass of Financial Reporting. In Research on Professional Responsibility and Ethics in Accounting, 14 (1) , 3–11.
- Tweedie, D. P. (1994). Preface in R. H. Parker and C. W. Nobes, An International View of True and Fair Accounting, New York: Routledge.
- Tweedie, D. P. and Kellas, J. (1987). Off-Balance Sheet Financing. Accountancy, 91-95.

- Valdu, A. B. , Matis, D. and Salas, O. A. (2012). True and Fair View and Creative Accounting Conceptual Delimitations Based on Paoineus Tree Methodology. *Annales Universitatis Apulensis Series Oeconomica*, 14 (1) , 104-115.
- Van Hulle, K. (1997). The True and Fair View Override in the European Accounting Directives, *European Accounting Review*, 6 (4) , 711-720.
- Vatter, W. J. (1963). Postulates and Principles. *Journal of Accounting Research*, 2 (2) , 179-197.
- Walton, P. (1993). Introduction: The True and Fair View in British Accounting. *European Accounting Review*, 1 (1) , 49-58.
- Walton, P. (1997). The True and Fair View and the Drafting of the Fourth Directive. *European Accounting Review*, 6 (4) , 721-730.
- Weber, R. P. (1990). *Basic Content Analysis*. Newbury Park: CA.
- Wheelock, A. , Haney, W. and Bebell, D. (2000). What Can Student Drawings tell us About High-Stakes Testing in Massachusetts? *TCRecord. org*. Online Available at: <http://www.tcrecord.org/Content.asp?Content1064>.
- Williams, D. W. (1985). *Legal Perspectives on Auditing*. London: Harper and Row.
- Willmott, H. (1986). Organizing the Profession: A Theoretical and Historical Examination of the Development of the Major Accountancy Bodies in the UK. *Accounting, Organizations and Society*, 11 (6) , 55-81.
- Zahid, A. (2008). "True and Fair View" Versus "Fair Presentation" Accountings: Are They Legally Similar or Different? *European Business Law Review*, 19 (4) , 677-690.
- Zeff, S. A. , Buijink, W. and Camfferman, K. (1999). 'True and fair' in the Netherlands: inzicht or getrouw beeld? *European Accounting Review*, 8 (3) , 523-548.

میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری صاحب‌کاران در اجرای روش‌های تحلیلی توسط حسابرسان

مهدی مرادی*، محمدعلی باقرپور و لاشانی**، عبدالله آزاد***، مصطفی قناد****

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۳/۲۶

چکیده

روش‌های تحلیلی یعنی تجزیه و تحلیل نسبت‌ها و روندهای عمده، شامل پی‌جویی نوسان‌ها و روابط مالی و غیرمالی به دست آمده که با سایر اطلاعات مربوط، مغایرت دارد یا از مبالغ پیش‌بینی شده، انحراف دارد. حسابرسان، ملزم‌اند که دست‌کم در مراحل برنامه‌ریزی و بررسی نهایی کار، از روش‌های تحلیلی استفاده کنند. هدف اصلی این پژوهش، بررسی میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری صاحب‌کار در اجرای روش‌های تحلیلی توسط حسابرسان است. بخشی از اطلاعات لازم برای اجرای روش‌های تحلیلی، از سیستم رایانه‌ای حسابداری صاحب‌کار به دست می‌آید. افزون بر این، با توجه به قابلیت بیشتر حساب‌های صورت سود و زیان برای اجرای روش‌های تحلیلی، میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم در حسابرسی آنها بیش از اقلام ترازنامه خواهد بود. برای اجرای پژوهش، پرسشنامه‌ای برای حسابداران رسمی شاغل ارسال شد و در نهایت ۹۲ پاسخ دریافت گردید. یافته‌ها، نشان‌دهنده بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی حسابداری رایانه‌ای صاحب‌کار در اجرای روش‌های تحلیلی است. همچنین میزان بکارگیری آن در اجرای روش‌های تحلیلی برای اقلام صورت سود و زیان بیش از ترازنامه است. افزون بر این، در بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی، بین مرد و زن تفاوت معناداری نیست. اما، کسانی که سابقه کاری کمتری دارند؛ تحصیلات بیش از کارشناسی دارند و آشنایی آنها با سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای زیادتر است؛ به میزان بیشتری از قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی استفاده می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: استانداردهای حسابرسی، روش‌های تحلیلی، سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری.

طبقه‌بندی موضوعی: H42, L86, C88.

DOI: 10.22051/jera.2017.12185.1471

* استاد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (mhd_moradi@um.ac.ir)

** دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران. (bagherpour@um.ac.ir)

*** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد و حسابدار رسمی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول).

(azad.abdollah@stu.um.ac.ir)

**** دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران. (M_Ghanad@sbu.ac.ir)

مقدمه

فشار رقابتی بازار کار حساب‌برسان، اعضای حرفه حساب‌برسی را به جستجوی روش‌های کسب اطمینان حساب‌برسی با هزینه کمتر ترغیب کرده است. در محیط رقابتی حساب‌برسی امروز، تقاضای زیادی برای روش‌های حساب‌برسی کارا و اثربخش وجود دارد و این موضوع توجه برای بکارگیری روش‌های تحلیلی را افزایش داده است (رحیمیان، ۱۳۸۷). روش‌های تحلیلی یعنی تجزیه و تحلیل نسبت‌ها و روندهای عمده، شامل پی‌جویی نوسان‌ها و روابط مالی و غیرمالی به دست آمده که با سایر اطلاعات مربوط، مغایرت دارد یا از مبالغ پیش‌بینی شده، انحراف دارد (استانداردهای حساب‌برسی، بخش ۵۲۰). طبق استانداردهای حساب‌برسی، حساب‌برسان باید روش‌های تحلیلی را در مرحله برنامه‌ریزی و همچنین، در مرحله بررسی کلی در پایان کار حساب‌برسی به کار گیرند. روش‌های تحلیلی می‌تواند در آزمون محتوا نیز به کار رود. نتایج پژوهش‌های پیشین (سماواتی، ۱۳۷۹؛ سجادی و اوستا، ۱۳۸۴ و رحیمیان، ۱۳۸۷) نشان داده است که حساب‌برسان، روش‌های تحلیلی را، در مراحل برنامه‌ریزی، آزمون محتوا و بررسی نهایی صورت‌های مالی بکار می‌برند. افزون بر این، استفاده از روش‌های تحلیلی در رابطه با حساب‌برسی اقلام صورت سود و زیان، نسبتاً مهم‌تر است (گلوور همکاران، ۲۰۱۵).

حساب‌برسان برای انجام بررسی تحلیلی، به اطلاعات مناسب و کافی نیاز دارند که بخشی از آن با استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری تأمین می‌شود. سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری عهده‌دار وظیفه تبدیل داده‌های اطلاعاتی به گزارش‌های مالی سودمند و ارائه‌ی آن به استفاده‌کنندگان درون و برون سازمانی، برای تصمیم‌گیری است (مرادی و بیات، ۱۳۹۳). سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری کارا و اثربخش، اجرای حساب‌برسی را بهبود می‌بخشد. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، برگردآوری شواهد، چه با اجرای روش‌های تحلیلی و چه با اجرای سایر روش‌های حساب‌برسی مؤثر است. حساب‌برسان می‌توانند با بکارگیری قابلیت‌های سیستم رایانه‌ای حسابداری، اجرای روش‌های تحلیلی را بهبود بخشند و حساب‌برسی با کیفیت‌تری انجام دهند. اهمیت پژوهش در ایجاد بینشی درباره میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم رایانه‌ای حسابداری صاحبکار توسط حساب‌برسان و ارائه اطلاعاتی درباره این موضوع است. هدف این پژوهش، یافتن پاسخی برای این پرسش‌ها است که:

۱. آیا میزان بکارگیری سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکاران، برای انجام بررسی تحلیلی توسط حسابرسان، از نظر آماری معنادار است؟

۲. آیا بکارگیری سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکاران برای انجام بررسی تحلیلی اقلام صورت سود و زیان، به طور معناداری بیش از اقلام ترازنامه است؟

مبانی نظری و پیشینه

روش‌های تحلیلی، بخشی از تئوری و عمل حسابرسی و یکی از روش‌های مدرن آزمون در حسابرسی صورت‌های مالی است. توانایی روش‌های تحلیلی در فراهم‌سازی شواهد حسابرسی مؤثر و کارا موجب توجه به آنها در استانداردهای حسابرسی و پژوهش‌های پیشین شده است (گلور و همکاران، ۲۰۱۵). در ادامه، مبانی نظری و پیشینه پژوهش در سه بخش زیر آمده است:

- تعریف و موارد کاربرد روش‌های تحلیلی
- شیوه‌های بکارگیری روش‌های تحلیلی
- بکارگیری قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای توسط حسابرسان

تعریف و موارد کاربرد روش‌های تحلیلی

روش‌های تحلیلی یعنی ارزیابی اطلاعات مالی با استفاده از بررسی روابط منطقی بین اطلاعات مالی، اطلاعات غیرمالی یا هر دو و نیز پی‌جویی نوسانات شناسایی شده و روابطی که با دیگر اطلاعات مربوط، ناسازگار است یا از مبالغ پیش‌بینی شده، انحراف عمده‌ای دارد. به سخن دیگر، روش‌های تحلیلی عبارتست از تجزیه و تحلیل نسبت‌ها و روندهای عمده، شامل پی‌جویی نوسان‌ها و روابط مالی و غیرمالی به‌دست آمده که با سایر اطلاعات مربوط، مغایرت دارد یا از مبالغ پیش‌بینی شده، انحراف دارد. حسابرس باید روش‌های تحلیلی را در مرحله برنامه‌ریزی و همچنین، در مرحله بررسی کلی در پایان کار حسابرسی بکار گیرد. روش‌های تحلیلی می‌تواند در سایر مراحل نیز بکار رود. روش‌های تحلیلی برای هر یک از مقاصد زیر استفاده می‌شود:

الف. کمک به حسابرس در برنامه‌ریزی برای تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود سایر روش‌های حسابرسی: حسابرس باید به‌منظور کسب شناخت از فعالیت واحد مورد

رسیدگی و تعیین زمینه‌های بالقوه مخاطره‌آمیز، روش‌های تحلیلی را در مرحله برنامه‌ریزی بکار گیرد. بکارگیری روش‌های تحلیلی می‌تواند توجه حسابرس را به جنبه‌هایی از فعالیت واحد مورد رسیدگی جلب کند که قبلاً از آنها آگاه نبوده است و همچنین، او را در تعیین نوع و ماهیت، زمان‌بندی اجرا و حدود سایر روش‌های حسابرسی یاری رساند.

ب. به‌عنوان آزمون‌های محتوا، در مواردی که استفاده از آنها در کاهش خطر عدم کشف مربوط به برخی مندرجات خاص صورت‌های مالی، مؤثرتر یا کارآمدتر از آزمون جزئیات است: حسابرس برای کاهش خطر عدم کشف مربوط به هر یک از مندرجات خاص صورت‌های مالی می‌تواند بر نتایج حاصل از اجرای آزمون جزئیات، روش‌های تحلیلی یا ترکیبی از هر دو، اتکا کند. تصمیم‌گیری درباره استفاده از هر یک از روش‌های مزبور برای دستیابی به یک هدف خاص حسابرسی، به قضاوت حرفه‌ای حسابرس درباره تأثیر و کارایی مورد انتظار از روش‌های در دسترس در کاهش خطر عدم کشف مربوط به هر یک از مندرجات خاص صورت‌های مالی، بستگی دارد.

پ. بررسی کلی صورت‌های مالی در مرحله بررسی نهایی کار حسابرسی: حسابرس در پایان کار حسابرسی یا تاریخی نزدیک به آن و هنگام نتیجه‌گیری کلی درباره انطباق کلیت صورت‌های مالی با شناخت وی از واحد مورد رسیدگی باید روش‌های تحلیلی را بکار گیرد. جمع‌بندی نتایج حاصل از روش‌های تحلیلی به‌قصد اثبات نتیجه‌گیری‌های به‌دست‌آمده در جریان حسابرسی هر یک از عناصر یا عوامل صورت‌های مالی، انجام می‌شود. اگرچه این امر حسابرس را در رسیدن به نتیجه‌گیری کلی درباره منطقی بودن صورت‌های مالی یاری می‌رساند؛ اما روش‌های تحلیلی می‌تواند زمینه‌هایی را نیز مشخص کند که اجرای روش‌های حسابرسی اضافی درباره آنها ضروری است (استانداردهای حسابرسی، بخش ۵۲۰).

از سال ۱۹۸۸، بکارگیری روش‌های تحلیلی در مراحل برنامه‌ریزی و بررسی نهایی در تمام حسابرسی‌ها الزامی شده و اختیار بکارگیری آن در آزمون‌های محتوا برای کسب شواهد، به حسابرس واگذار شده است (انجمن حسابداران رسمی آمریکا، ۲۰۰۸). بکارگیری روش‌های تحلیلی در هر یک از این مراحل (برنامه‌ریزی، محتوا یا بررسی نهایی)، با توجه به زمان استفاده و میزان دقت انتظارات حسابرس، متفاوت است. در هر یک از این مراحل، شیوه انجام بررسی تحلیلی بسیار مشابه است. حسابرسان نخست انتظارات مستقلی را از آنچه که به‌عنوان مانده

حساب‌های سال مورد رسیدگی انتظار دارند؛ تعیین می‌کنند. سپس، این انتظارات را با مانده‌های حسابرسی نشده بنگاه مورد رسیدگی مقایسه می‌کنند. اگر بین انتظارات حساب‌های مانده حساب‌های بنگاه مورد رسیدگی تفاوت بااهمیتی نباشد؛ مانده مناسب تلقی شده و روش‌های انجام شده مستند سازی می‌شود. اگر، تفاوت بااهمیت وجود داشته باشد؛ نیازمند بررسی بیشتر است (پایکو همکاران، ۲۰۱۳، صص ۱۶-۱۴۱۵).

استفاده از روش‌های تحلیلی در مورد حساب‌های درآمد و هزینه مفیدتر است و بهتر نتیجه می‌دهد. دلیل آن‌هم این است که حساب‌های درآمد و هزینه، گردش^۴ و جریان^۵ دارند یعنی متضمن دریافت، پرداخت، خرید و فروش هستند؛ در صورتی که حساب‌های ترازنامه‌ای از نوعی سکون و رکود برخوردارند و به اصطلاح موجودی‌نما می‌باشند؛ یعنی نتیجه‌ی نهایی گردش حساب‌ها را می‌نمایانند. بنابراین حساب‌های ترازنامه، پیچیده‌تر از حساب‌های درآمد و هزینه هستند و کاربرد روش‌های تحلیلی در مورد آنها مشکل‌تر نتیجه می‌دهد. مدل‌سازی و پیش‌بینی حساب‌های ترازنامه‌ای بسیار مشکل‌تر از حساب‌های درآمد و هزینه می‌باشد؛ تازه آن‌هم فقط در مورد بعضی حساب‌های ترازنامه که تا حدودی گردش و تحرک دارند؛ امکان‌پذیر می‌شود. با این استدلال، حساب‌سرس نباید انتظار داشته باشد که از کاربرد روش‌های تحلیلی در مورد حساب‌های ترازنامه، نتیجه مؤثر و دقیق به دست آورد (اکبری و علی‌مدد، ۱۳۷۹). در عمل نیز، حساب‌های روش‌های تحلیلی را در حساب‌های صورت سود و زیان، بیشتر از حساب‌های ارقام ترازنامه بکار می‌برند.

روش‌های نوین حساب‌رسی از جمله روش‌های تحلیلی می‌تواند پایه قوی‌تری برای انجام حساب‌های بهینه و بهبود عملکرد حساب‌های سان فراهم آورد. اگر حرفه حساب‌رسی نسبت به بهبود کیفیت جدی‌ست؛ باید روش‌های تحلیلی بیشتر و بهتری را اجرا کند. یکی از مهم‌ترین دلایل نومیادی عمومی از حرفه حساب‌رسی، کوتاهی حساب‌سرسان در استفاده از این ابزارهای فوق‌العاده مؤثر است (هوک، ۱۳۸۶، صص ۷۶).

روش‌های تحلیلی بخشی جدایی‌ناپذیر از فرآیند ارزیابی ریسک حساب‌رسی است و به‌عنوان یکی از روش‌های بااهمیت برای برآورد مانده حساب‌ها و نیز معیاری برای کنترل کیفیت نهایی صورت‌های مالی حساب‌رسی شده است (مسیرو همکاران، ۲۰۱۲). روش‌های تحلیلی نسبت به سایر آزمون‌های محتوا، نیازمند زمان و هزینه کمتری است و از این رو، دستیابی به روش‌های

تحلیلی اثربخش، به حسابرسی‌های کارا تر منتج خواهد شد (چن و لیت، ۱۹۹۸). حسابرسان، برای ارزیابی ریسک و اجرای آزمون‌های محتوا، به روش‌های تحلیلی اتکا می‌کنند. این اتکا، نشان‌دهنده اهمیت حیاتی روش‌های تحلیلی برای کشف اشتباه و تقلب است (پلوملیو همکاران، ۲۰۱۵، ص ۱). ترومپتر و رایت (۲۰۱۰) نشان دادند که پس از تصویب قانون ساربنز اکسلی^۲، حسابرسان روش‌های تحلیلی را به‌طور گسترده تری بکار برده‌اند.

یافته‌های پژوهش‌های پیشین در ایران، نشان داده است که آزمون‌های تحلیلی در تمامی مراحل حسابرسی توسط حسابرسان ایرانی بکار گرفته می‌شود؛ اما ضریب اهمیت این روش‌ها برای حسابرسان ایرانی از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیست. افزون بر این، از روش‌های پیشرفته آزمون تحلیلی مثل رگرسیونی استفاده نمی‌شود. این وضعیت می‌تواند کیفیت حسابرسی در ایران را مخدوش سازد (سماواتی، ۱۳۷۹). اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران به‌استثنای حسابداران رسمی شاغل انفرادی، کاربرد روش‌های تحلیلی را، در مراحل برنامه‌ریزی، آزمون محتوا و بررسی نهایی صورت‌های مالی تأیید می‌کنند؛ ولی حسابداران رسمی شاغل انفرادی، ضمن تأیید کاربرد روش‌های تحلیلی در مراحل برنامه‌ریزی و آزمون محتوا، کاربرد روش‌های تحلیلی را در بررسی نهایی صورت‌های مالی تأیید نکرده‌اند (سجادی و اوستا، ۱۳۸۴). افزون بر این، حسابرسان روش‌های تحلیلی را برای برنامه‌ریزی تقریباً نیمی از قراردادهای حسابرسی به کار می‌برند. آنها همچنین از روش‌های تحلیلی در تقریباً بیش از نصف قراردادهای به‌عنوان آزمون محتوا استفاده می‌کنند و میزان بکارگیری روش‌های تحلیلی در مرحله بررسی کلی تقریباً در مورد تمام قراردادهای حسابرسی صورت می‌گیرد (رحیمیان، ۱۳۸۷). فرقاندوست حقیقی و پرواری (۱۳۸۸) در بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی، به این نتیجه رسیده‌اند که روش‌های تحلیلی قادر به پیش‌بینی خطر تحریف عمدی صورت‌های مالی می‌باشند. خدامی‌پور و سعیدی گراخانی (۱۳۹۰) تأثیر نتایج روش‌های تحلیلی بر میزان تلاش حسابرسان در حسابرسی برآوردهای حسابداری را بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که نتایج روش‌های تحلیلی، تأثیری قابل ملاحظه بر میزان تلاش حسابرسان در حسابرسی برآوردهای حسابداری دارد. افزون بر این، حسابرسانی که در بررسی‌های تحلیلی و نسبت‌های مالی نوسان‌های عمده‌ای مشاهده می‌کنند در مقایسه با حسابرسانی که چنین نوسان‌هایی را مشاهده نمی‌کنند؛ زمان بیشتری صرف حسابرسی برآوردهای حسابداری می‌نمایند. فخاری و همکاران (۱۳۹۲)، نشان دادند که قضاوت

حسابرسان در اعمال آزمون‌های تحلیلی، تحت تأثیر صورت‌های مالی حسابرسی نشده سال مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. همچنین، هرگاه روند تهیه و افشای اطلاعات صورت‌های مالی حسابرسی نشده سال مورد رسیدگی، متفاوت با اطلاعات سال‌های قبل باشد؛ نحوه قضاوت حسابرسان در اعمال آزمون‌های تحلیلی دارای سوگیری قضاوتی بیشتری است.

لین و فراسر (۲۰۰۳) نحوه کاربرد روش‌های تحلیلی توسط حسابرسان مستقل کانادایی و همچنین تأثیرگذاری استانداردهای حسابرسی در استفاده از این روش‌ها را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که روش‌های تحلیلی در عمل به‌طور گسترده‌ای، به‌ویژه توسط شرکت‌های بزرگ‌تر استفاده می‌شود. همچنین صرف‌نظر از اندازه شرکت، این روش‌ها در مرحله بررسی نهایی بیش از سایر مراحل مورد استفاده قرار می‌گیرند. از نتایج دیگر این پژوهش این بود که در کاربرد روش‌های تحلیلی، موسسه‌های حسابرسی بزرگ‌تر در مقایسه با موسسه‌های حسابرسی کوچک‌تر، بیشتر بر استانداردها تکیه می‌کنند. پایک (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر اقلام حسابرسی نشده بر اجرای آزمون‌های تحلیلی پرداخت. یافته‌های او نشان داد که سوگیری انتظاراتی حسابرس نسبت به مانده‌ها می‌تواند بر کیفیت قضاوت وی در زمانی که از آزمون‌های تحلیلی استفاده می‌کند؛ تأثیر منفی بگذارد. پایک و همکاران (۲۰۱۳) تأثیر سوگیری انتظارات اولیه حسابرس را بر استفاده از روش‌های تحلیلی بررسی کرده و به این نتیجه رسیدند که حسابرسان دارای آگاهی و شناخت نسبت به مانده‌های حسابرسی نشده سال جاری، گرایش به این مطلب دارند که مانده حساب‌ها به گونه‌ای منطقی ارائه شده است. اما، حسابرسانی که انتظارات خود را بدون توجه به اطلاعات سال جاری شکل می‌دهند؛ تمایل بیشتری به ارزیابی گزینه‌های مختلف دارند و احتمال بیشتری دارد که با استفاده از روش‌های تحلیلی، تحریف کشف کنند. روش‌های تحلیلی در حسابرسی تمام اقلام صورت‌های مالی کاربرد دارد؛ اما، استفاده از روش‌های تحلیلی در حسابرسی اقلام صورت سود و زیان، نسبتاً مهم‌تر است. زیرا حساب‌های اسمی^۳ (موقت)، نسبت به حساب‌های ترازنامه‌ای قابلیت کمتری برای آزمون جزئیات دارند. گرچه گرایش فزاینده‌ای به سوی حذف استفاده از روش‌های تحلیلی در آزمون اقلام بزرگ صورت سود و زیان (مانند درآمد) وجود دارد؛ استفاده از روش‌های تحلیلی می‌تواند در ترکیب با سایر روش‌های حسابرسی، شواهد مفیدی را فراهم سازد (گلور و همکاران، ۲۰۱۵).

شیوه‌های بکارگیری روش‌های تحلیلی

روش‌های تحلیلی می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی اجرا شود. دامنه این شیوه‌ها از مقایسه‌های ساده تا تجزیه و تحلیل‌های پیچیده متکی بر روش‌های آماری پیشرفته، گسترده است. روش‌های تحلیلی می‌تواند درباره صورت‌های مالی تلفیقی، صورت‌های مالی هریک از اجزای واحد اقتصادی (مانند شرکت‌های فرعی، شعب و قسمت‌ها) و هریک از عناصر گزارش‌های مالی بکار گرفته شود. انتخاب روش‌های تحلیلی، شیوه‌های اجرا و میزان استفاده حسابرس از آنها، به قضاوت حرفه‌ای حسابرس بستگی دارد (استانداردهای حسابرسی، بخش ۵۲۰).

انواع زیادی از روش‌های تحلیلی وجود دارد. برخی از این روش‌ها، بسیار ساده‌اند؛ درحالی‌که بعضی دیگر پیچیده‌اند و به داده‌های زیادی نیاز دارند. بعضی از روش‌ها نیز برای کشف تحریف در برخی حساب‌ها از سایر روش‌ها مفیدتر هستند (کلبرت، ۱۹۹۱). در پژوهش‌های پیشین، طبقه‌بندی یکسانی از شیوه‌های بررسی تحلیلی ارائه نشده است. برای نمونه، بلوچر و پاترسون (۱۹۹۶) فنون بررسی تحلیلی را در سه گروه تحلیل روند، تحلیل نسبتی مبتنی بر مدلطبقه‌بندی کرده‌اند. فراسر و همکاران (۱۹۹۷) طبقه‌بندی گسترده‌تری ارائه کرده‌اند؛ شامل فنون غیر کمی یا قضاوتی^۶ (مانند مذاقه^۷)، کمی ساده^۸ (مانند روند، آزمون نسبت و منطقی بودن) و کمی پیشرفته^۹ (مانند رگرسیون و استفاده از شبکه‌های عصبی مصنوعی^{۱۰}). حسابرسان می‌توانند با بکارگیری برنامه‌های رایانه‌ای، روش‌های تحلیلی، به‌ویژه روش‌های پیشرفته را با سهولت بیشتر اجرا کنند.

درباره روش‌های تحلیلی آماری و غیر آماری نیز در ایران و کشورهای دیگر پژوهش‌هایی انجام شده است. پژوهش انجام شده توسط اسلامی بیدگلی و زارعی (۱۳۸۲) که تنها پژوهش منتشر شده در ایران در این زمینه است، به این نتیجه رسیدند که روش‌های رگرسیونی برای پیش‌بینی مانده حساب‌ها در انجام روش‌های تحلیلی حسابرسی، عملکرد بهتری از سایر مدل‌ها دارند و رگرسیون لگاریتمی برترین روش تحلیلی آماری ارزیابی گردید. افزون بر این، در روش‌های تحلیلی آماری، مدل‌های ماهانه عملکرد بهتری از مدل‌های فصلی دارند. همچنین مدل‌های ترکیبی توانایی پیش‌بینی مناسب‌تری از مدل‌های تک شرکتی داشته و نتایج حاکی از وجود منافع افزاینده استفاده از متغیرهای غیر مالی در انجام روش‌های تحلیلی آماری در حسابرسی است. استرینگر (۱۹۷۵) در پژوهشی توصیفی درباره‌ی روش‌های تحلیلی حسابرسی،

به این نتیجه رسید که روش رگرسیون، روش مطلوبی است. کینی (۱۹۷۸) با مقایسه بین مدل‌های رگرسیون و مدل‌های ساده یا غیرآماري، نشان داد که مدل‌های رگرسیون (مدل آماري) پیش‌بینی دقیق‌تری دارند. داروکاوهلد (۱۹۸۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روش‌های ساده، در عمل بیشتر بکار می‌روند. لویک و استینبارت (۱۹۸۷)، روش‌های تحلیلی غیرآماري در حسابرسی را بررسی نموده و به این نتیجه رسیدند که روش‌های غیرآماري ساده به قدر لازم مؤثر نیستند تا بتوان بر مبنای آنها کاهش سایر آزمون‌های محتوا را توجیه کرد. نکل (۱۹۸۸)، نشان داد که روش‌های آماري در مقایسه با روش‌های غیرآماري، در علامت‌دهی اشتباه عملکرد بهتری دارند. رایت و اشتون (۱۹۸۹) نشان دادند که اگر کنترل‌های داخلی قوی باشند؛ روش‌های تحلیلی غیرآماري به احتمال زیاد توان علامت‌دهی اشتباه مندرج در صورت‌های مالی را دارند. فراسر و همکاران (۱۹۹۷) نشان دادند که حساب‌سان انگلیسی در عمل از آزمون‌های تحلیلی ساده‌تر نسبت به روش‌های پیچیده آزمون‌های تحلیلی همچون روش‌های رگرسیونی استفاده می‌کنند. گرچه دانشگاهیان استفاده از فنون کمی پیشرفته را توصیه می‌کنند؛ نتایج پژوهش‌ها نشان داده است که حساب‌سان بکارگیری فنون کمی ساده را ترجیح می‌دهند (نگای و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش صمد و همکاران (۲۰۱۴) نیز نشان داده است که حساب‌سان ترجیح می‌دهند بیشتر از فنون قضاوتی و فنون کمی ساده استفاده کنند تا از فنون کمی پیشرفته (مانند رگرسیون).

بکارگیری قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای توسط حساب‌سان

روش‌های تحلیلی، یکی از روش‌های گردآوری شواهد حسابرسی است. شواهد حسابرسی، یعنی همه اطلاعات مورد استفاده حساب‌سان برای رسیدن به نتایجی که نظر و بی‌اساس آن اظهار می‌شود. شواهد حسابرسی شامل اطلاعاتی است که از سوابق حسابداری زیربنای صورت‌های مالی و از منابع دیگر کسب می‌شود. سوابق حسابداری می‌تواند به صورت الکترونیکی شروع، ثبت، پردازش و گزارش شود. افزون بر این، سوابق حسابداری می‌تواند بخشی از سیستم‌های یکپارچه‌ای باشد که ضمن فراهم کردن امکان استفاده مشترک از داده‌ها، از همه اهداف واحد مورد رسیدگی در زمینه‌های گزارشگری مالی، عملیاتی و رعایتی پشتیبانی کند (استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۳، بخش ۵۰۰). بنابراین، سیستم اطلاعاتی حسابداری، یکی از منابع مهم اطلاعاتی است. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری و رشد فناوری اطلاعات، منجر به افزایش

ظرفیت نگهداری و پردازش اطلاعات شده و از این رو، موجب افزایش دقت و سرعت حسابرسی می‌شود (یاسین، ۲۰۰۶).

سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، عهده‌دار وظیفه تبدیل داده‌های اطلاعاتی به گزارش‌های سودمند مالی و ارائه آن به مدیریت درون‌سازمانی و مراجع بیرون از سازمان جهت تصمیم‌گیری است. تبدیل داده‌های اطلاعاتی به گزارش‌های مالی در یک سیستم اطلاعاتی در قالب فرآیند جمع‌آوری، طبقه‌بندی، پردازش، تجزیه و تحلیل و انتقال (ارائه) اطلاعات صورت می‌گیرد. سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری به عنوان ابزاری قدرتمند که موجب بهبود بهره‌وری، اثربخشی و ایجاد مزایای رقابتی می‌شود؛ مورد توجه قرار می‌گیرد. امروزه مدیران ارزش رقابتی و استراتژیکی سیستم‌های اطلاعاتی را به خوبی تشخیص می‌دهند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که سرمایه‌گذاری در سیستم‌های اطلاعاتی، با ارزش‌ترین سرمایه‌گذاری برای شرکت‌هاست (مرادی و بیات، ۱۳۹۳). یک سیستم اطلاعاتی از سخت‌افزار، نرم‌افزار، کارکنان، روش‌ها و داده‌ها تشکیل می‌شود. بیشتر سیستم‌های اطلاعاتی به طور گسترده‌ای از فناوری اطلاعات استفاده می‌کنند (استانداردهای حسابرسی، بخش ۳۱۵). سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری رایانه‌ای، کار حساب‌برسان را متحول کرده است. گرچه تا دیروز حساب‌برسان با دریافت گزارش‌های چاپی و رسیدگی به آنها و بدون توجه به سیستم‌های اطلاعاتی و روند کار آنها، وظایف خود را انجام می‌دادند؛ اما امروزه این روش‌ها، دیگر نمی‌تواند حساب‌برسان را متقاعد سازد. ابعاد سازمان‌ها، حجم فعالیت‌ها و اطلاعات و تکیه بیش از حد سازمان‌ها به سیستم‌های رایانه‌ای به حدی افزایش یافته است که انجام حسابرسی صرفاً با استفاده از گزارش‌های چاپی که خود نیز حجم زیادی دارد؛ غیرممکن شده است (مرادی و بیات، ص ۱۷).

فرضیه‌های پژوهش

باتوجه به مطالب مبانی نظری و پیشینه، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تبیین می‌گردد:

فرضیه نخست: میزان بکارگیری سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکاران حساب‌برسان، برای انجام بررسی تحلیلی توسط حساب‌برسان، معنادار است.

فرضیه دوم: حساب‌برسان، سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکاران را برای انجام بررسی تحلیلی اقلام صورت سود و زیان، بیش از اقلام ترازنامه بکار می‌گیرند.

جامعه آماری، نمونه و زمان انجام پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شامل حسابداران رسمی شاغل (شاغل شریک موسسه، شاغل در استخدام و شاغل انفرادی) است. طبق اطلاعات موجود در سایت جامعه حسابداران رسمی ایران (تاریخ ۲۱ تیر ۱۳۹۴) تعداد اعضای شاغل ۱۴۵۲ نفر، با ترکیب نگاره شماره ۱ است.

نگاره (۱). اعضای شاغل جامعه حسابداران رسمی ایران

درصد	حجم طبقه	طبقه
۱۲.۶۲	۹۰۲	اعضای شاغل شریک
۹۸.۱۷	۲۶۱	اعضای شاغل در موسسات حسابرسی
۶۸.۴	۶۸	اعضای شاغل انفرادی
۲۲.۱۵	۲۲۱	اعضای شاغل در سازمان حسابرسی
۱۰۰	۱۴۵۲	جمع

نمونه آماری این پژوهش با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران به شرح زیر، تعداد ۹۰ نفر و بیشتر تعیین شده است.

$$n = \frac{NZ_a^2 p(1-p)}{\varepsilon^2(N-1) + Z_a^2 p(1-p)} = \frac{1452 * 1.96^2 * 0.5(1-0.5)}{0.1^2(1452-1) + 1.96^2 * 0.5(1-0.5)} = 90$$

در این فرمول Z آماره توزیع نرمال است که در سطح اطمینان ۵٪ برابر با ۱/۹۶ می‌باشد. P احتمال موفقیت است که معادل ۰/۵ در نظر گرفته شد.

باتوجه به احتمال عدم پاسخ توسط برخی از افراد، پرسشنامه پژوهش با استفاده از رایانامه برای تمام حسابداران رسمی شاغل (۱۴۵۲ نفر) ارسال شد. افزون بر این، برای برخی از افراد پرسش‌نامه به صورت حضوری ارائه شده است. در نهایت، ۹۲ پاسخ دریافت شده و اطلاعات کلی پاسخ‌دهندگان به شرح نگاره شماره ۲ می‌باشد.

پژوهش در تابستان ۱۳۹۴ آغاز شده و باتوجه به طولانی شدن زمان دریافت پاسخ پرسش‌نامه‌ها، در تابستان ۱۳۹۵ پایان یافته است.

روش پژوهش

روش این پژوهش از نظر هدف کاربردی بوده و برحسب روش تحقیق، از نوع پیمایشی است که برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم جهت انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. پرسشنامه طراحی شده، شامل دو بخش است. در بخش نخست، پرسش‌هایی درباره ویژگی‌های شخصی پاسخ‌دهندگان آمده است؛ شامل: جنسیت، سن، میزان سابقه حسابرسی (سال)، میزان آشنایی با قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری، وضعیت کاری کنونی (شریک موسسه، شاغل در استخدام یا شاغل انفرادی)، رشته تحصیلی و میزان تحصیلات. پرسش‌های بخش دوم، درباره‌ی میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری جهت انجام بررسی تحلیلی است که براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت و با گزینه‌های سنجش اهمیت هر عامل به صورت: ۱. بسیار کم، ۲. کم، ۳. متوسط، ۴. زیاد و ۵. بسیار زیاد، تعیین گردید. برای آزمون فرضیه نخست، تمام گزاره‌های پرسش‌نامه (۴۴ پرسش) بکار رفته و برای آزمون فرضیه دوم، ۳۱ پرسش مربوط به بررسی میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری جهت انجام بررسی تحلیلی در مورد اقلام ترازنامه با ۱۳ پرسش مربوط به بررسی میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری جهت انجام بررسی تحلیلی در مورد اقلام صورت سود و زیان، مقایسه شده است.

نگاره (۲). اطلاعات عمومی پاسخ‌دهندگان

ردیف	متغیرها	فراوانی	درصد
۱	جنسیت	مرد	۷۸.۸۴
		زن	۲۲.۱۵
		جمع	۱۰۰
۲	سن (سال)	زیر ۳۰	۳۵.۴
		بین ۳۰-۴۰	۶۱.۵۷
		بین ۴۰-۵۰	۱۷.۲۷
		بیش از ۵۰	۸۷.۱۰
۳	میزان سابقه حسابداری (سال)	جمع	۱۰۰
		زیر ۱۰	۷۴.۲۱
		بین ۱۰-۲۰	۳۵.۵۴
		بین ۲۰-۳۰	۶۵.۲۰
		بیش از ۳۰	۲۶.۳
۴	میزان آشنایی با قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری	جمع	۱۰۰
		کم	۷۸.۹
		متوسط	۴۴.۵۵
		زیاد	۷۸.۳۴
۵	وضعیت کاری کنونی	جمع	۱۰۰
		شریک موسسه	۳۱.۴۱
		شاغل در استخدام	۱۷.۵۲
۶	رشته تحصیلی	شاغل انفرادی	۵۲.۶
		حسابداری و حسابداری	۷۴.۹۶
		اقتصاد، مدیریت و سایر	۲۶.۳
		جمع	۱۰۰
۷	میزان تحصیلات	کارشناسی	۳۵.۲۹
		کارشناسی ارشد	۳۹.۶۷
		دکتری	۲۶.۳
		جمع	۱۰۰

برای اطمینان از اعتبار پرسش‌نامه، گزاره‌های پرسش‌نامه با نظر صاحب‌نظران دانشگاهی و حرفه‌ای، در چند مرحله اصلاح و نهایی شد. بنابراین، می‌توان گفت که گزاره‌های پرسش‌نامه از اعتبار لازم برخوردار است. برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه، از روش‌های ضریب آلفای کرونباخ و ضریب دونیمه کردن استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها، نخست و ضعیف نرمال بودن یا نبودن داده‌های گردآوری شده از پرسش‌نامه بررسی و براساس نتایج آن، آزمون‌های آماری مناسب اجرا شده که توضیحات بیشتر در بخش نتایج آزمون‌های آماری ارائه می‌شود.

نتایج آزمون‌های آماری

در این بخش، نخست نتایج آزمون‌های مربوط به پایایی پرسش‌نامه ارائه می‌شود. پس از آن آمار توصیفی و نتایج بررسی نرمال بودن یا نبودن داده‌ها و سپس نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌گردد.

برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه، از روش‌های ضریب آلفای کرونباخ و ضریب دونیمه کردن استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ، $0/963$ و ضریب بدست آمده از روش دونیمه کردن $0/978$ است. از این رو ابزار اندازه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش از پایایی کافی برخوردار است و نیاز به حذف هیچ پرسشی نیست.

آمار توصیفی (نگاره شماره ۳)، نشان می‌دهد به طور کلی میانگین پاسخ‌ها بیش از عدد سه است (البته در مورد پرسش‌های مربوط به اقلام صورت سود و زیان بیش از چهار است). بنابراین، بیشتر پاسخ‌دهندگان، گزینه‌های بسیار زیاد و زیاد را انتخاب کرده‌اند. با توجه به اینکه عدد مربوط به میانه بیشتر از میانگین است؛ چولگی توزیع داده‌ها منفی (چوله به چپ) شده که نشان می‌دهد اکثر پاسخ‌ها بیش از میانگین است.

برای اطمینان از نرمال بودن داده‌ها، ضمن توجه به آمار توصیفی، از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف (k-s)، لی‌لی فورس و شاپیرو-ویلک استفاده شد. نتایج این آزمون‌ها در نگاره شماره ۳ آمده و نشان می‌دهد که توزیع داده‌های مربوط به تمام پرسش‌ها و همچنین پرسش‌های مربوط به بررسی میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری جهت انجام بررسی تحلیلی در مورد اقلام صورت سود و زیان، نرمال نیست. اما،

توزیع داده‌های مربوط به بررسی میزان به کارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری جهت انجام بررسی تحلیلی در مورد اقلام ترازنامه، نرمال است.

تکراه (۳). آمار توصیفی و نتایج بررسی نرمال بودن داده‌ها

شرح	تمام پرسش‌ها	پرسش‌های مربوط به اقلام ترازنامه	پرسش‌های مربوط به اقلام صورت سود و زیان
تعداد نمونه (درجه آزادی)	۹۲	۹۲	۹۲
میانگین	۳/۸۶۳	۳/۶۹۸	۴/۲۵۶
میانه	۳/۹۸۹	۳/۷۰۱	۴/۵۳۸
انحراف معیار	۰/۵۸۷	۰/۶۳۵	۰/۶۵۳
چولگی	-۰/۳۶۹	-۰/۳۰۲	-۱/۲۷۸
کشیدگی	-۰/۶۵۱	-۰/۳۷۵	۱/۳۵۰
آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	۰/۴۰۲	۰/۶۳۸	۰/۰۰۳
آزمون لی لی فورس	۰/۰۴۷	۰/۲۰۰	۰/۰۰۰
آزمون شاپیرو-ویلک	۰/۰۲۴	۰/۳۵۲	۰/۰۰۰

باتوجه به نرمال نبودن داده‌های پرسش‌نامه، برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است. آزمون‌های ناپارامتریک عموماً برای بررسی فرضیه‌هایی با متغیرهای کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرند. این آزمون‌ها مستلزم فرض خاصی درباره شکل توزیع جامعه (مانند نرمال بودن) نیستند؛ برای آزمون فرضیه‌های مطرح شده در ارتباط با نمونه‌هایی بسیار کوچک، بسیار مفیدند؛ فهم و استفاده از آن‌ها نیز معمولاً ساده‌تر از آزمون‌های پارامتری است. (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۱). بنابراین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون دو جمله‌ای استفاده شد. برای بیان آماری فرضیه، عدد ۳ (معادل گزینه «متوسط» در طیف لیکرت) در مقایسه با میانگین داده‌ها، به شرح زیر بکار رفته است:

$$H_0: \text{میانگین} \geq 3$$

$$H_1: \text{میانگین} < 3$$

رد نشدن فرض صفر به این معناست که میانگین سوالات مربوط به هر فرضیه کمتر از ۳، یا مساوی آن است. یعنی بیشتر افراد نمونه گزینه‌های بسیار کم، کم و متوسط را انتخاب نموده‌اند

و رد فرض صفر یعنی بیشتر افراد نمونه، گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند. نتایج آزمون که در نگاره شماره ۴ ارائه شده، نشان می‌دهد فرض صفر در سطح ۹۹٪ رد شده است. یعنی، بیشتر افراد، هم در رابطه با بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی اقلام ترازنامه، هم اقلام سود و زیان و در کل گزینه‌های زیاد و بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت که حساب‌رسان به گونه‌ای معنادار، قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی حسابداری را برای انجام بررسی تحلیلی بکار می‌برند.

نگاره (۴). نتایج آزمون فرضیه نخست

سطح معناداری (دو طرفه)	درصد مشاهدات	تعداد	طبقه‌بندی	شرح	
۰/۰۰۰	۶/۵۲۲	۶	کوچکتر یا مساوی ۳	گروه ۱	تمام پرسش‌ها
	۹۳/۴۷۸	۸۶	بزرگتر از ۳	گروه ۲	
	۱۰۰	۹۲	-	کل	
۰/۰۰۰	۱۳/۰۴۳	۱۲	کوچکتر یا مساوی ۳	گروه ۱	پرسش‌های مربوط به اقلام ترازنامه
	۸۶/۹۵۷	۸۰	بزرگتر از ۳	گروه ۲	
	۱۰۰	۹۲	-	کل	
۰/۰۰۰	۶/۵۲۲	۶	کوچکتر یا مساوی ۳	گروه ۱	پرسش‌های مربوط به اقلام صورت سود و زیان
	۹۳/۴۷۸	۸۶	بزرگتر از ۳	گروه ۲	
	۱۰۰	۹۲	-	کل	

میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی، از طریق آزمون مقایسه میانگین، از جنبه‌های جنسیت پاسخ‌دهنده‌ها (مرد و زن)، سابقه کاری مربوط (بیش از ۱۵ سال و کمتر از آن)، سطح تحصیلات (کارشناسی و تحصیلات تکمیلی) و میزان آشنایی با سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری (کم و متوسط و زیاد) نیز سنجیده شده و نتایج آن در نگاره شماره ۵ آمده است. نتایج نشان می‌دهد که در بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی، بین مرد و زن تفاوت معناداری نیست. اما، کسانی که سابقه کاری کمتری دارند؛ تحصیلات بیش از کارشناسی دارند و آشنایی آنها با سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای زیادتر است؛ به گونه‌ای معنادار قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در بررسی تحلیلی را بیشتر بکار می‌برند.

نگاره (۵). مقایسه نتایج آزمون فرضیه نخست، براساس جنسیت، سابقه کاری، سطح تحصیلات و میزان آشنایی با سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری

نوع متغیر	آماره Uمن ویتنی	آماره Z	سطح معناداری	نوع	تعداد	میانگین رتبه
جنسیت	۳۹۸	-۱/۶۰۹۲۱۲	۰/۱۰۷۵۷۰	مرد	۷۸	۴۴/۶۰۲۵۶۴
				زن	۱۴	۵۷/۰۷۱۴۲۹
سابقه کاری مربوط	۵۹۴/۵	-۳/۵۰۹۷۷۳	۰/۰۰۰۴۴۸	بیشتر از ۱۵ سال	۴۰	۳۵/۳۶۲۵۰۰
				کمتر از ۱۵ سال	۵۲	۵۵/۰۶۷۳۰۸
سطح تحصیلات	۴۸۳/۵	-۳/۳۷۹۲۵۲	۰/۰۰۰۷۲۷	تحصیلات	۶۵	۵۲/۵۶۱۵۳۸
				کارشناسی	۲۷	۳۱/۹۰۷۴۰۷
میزان آشنایی	۶۸۹/۵	-۲/۲۱۸۰۷۵	۰/۰۲۶۵۵۰	کم و متوسط	۶۰	۴۱/۹۹۱۶۶۷
				زیاد	۳۲	۵۴/۹۵۳۱۲۵

برای آزمون اینکه آیا حسابرسان، سیستم اطلاعاتی حسابداری را برای انجام بررسی تحلیلی اقلام صورت سود و زیان، بیش از اقلام ترازنامه به کار می‌گیرند یا خیر، از آزمون علامت^{۱۱} زوج-نمونه‌ای استفاده شد. نتایج آزمون که در نگاره ۶ آمده نشان می‌دهد که استفاده از روش‌های تحلیلی در حسابرسی اقلام صورت سود و زیان، بیش از اقلام ترازنامه است.

نگاره (۶). نتایج آزمون فرضیه دوم

تعداد	شرح	سطح معناداری	آماره Z
۸۲	بیشتر بودن اقلام صورت سود و زیان از اقلام ترازنامه	۰/۰۰۰	-۷/۵۴۷۶۵۱
۹	بیشتر بودن اقلام ترازنامه از اقلام صورت سود و زیان		
۱	مساوی بودن اقلام صورت سود و زیان و ترازنامه		
۹۲	جمع		

بحث و نتیجه‌گیری

اجرای روش‌های تحلیلی، یکی از شیوه‌های حسابرسی صورت‌های مالی است که در استانداردهای حسابرسی مطرح شده و حسابرسان ملزمند که آن را دست‌کم در مراحل برنامه‌ریزی و بررسی کلی در پایان کار حسابرسی، بکار برند. اجرای کارا و اثربخش روش‌های تحلیلی، نیازمند اطلاعات مناسب و کافی و همچنین توان پردازش و امکانات پردازش اطلاعات

است. بخشی از اطلاعات مورد نیاز اجرای روش‌های تحلیلی را سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری صاحبکار تأمین می‌کند و قابلیت‌های سیستم یادشده، بر توان پردازش اطلاعات مؤثر است. از این رو، انتظار می‌رود که حساب‌رسان، در اجرای روش‌های تحلیلی، از قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای استفاده کنند. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش نیز سنجش میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در اجرای روش‌های تحلیلی توسط حساب‌رسان بوده است. برای سنجش موضوع یادشده، پرسش‌نامه‌ای برای حسابداران رسمی شاغل ارسال شد و براساس پاسخ‌های بدست آمده، آزمون‌های آماری مربوط نیز اجرا گردید. نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد که فرضیه‌های این پژوهش مبنی بر اینکه:

- میزان بکارگیری سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکار، برای انجام بررسی تحلیلی توسط حساب‌رسان، معنادار است؛ و
- حساب‌رسان، سیستم اطلاعاتی حسابداری صاحبکاران را برای انجام بررسی تحلیلی اقلام صورت سود و زیان، بیش از اقلام ترازنامه بکار می‌گیرند.

از نظر آماری رد نشده است. با توجه به اینکه سطح معناداری در فرضیه نخست در هر سه گروه پرسش‌ها (پرسش‌های مربوط به اقلام ترازنامه و پرسش‌های مربوط به اقلام صورت سود و زیان)، کوچکتر از ۵ درصد است؛ فرضیه اول رد نمی‌شود. به گونه‌ای مشابه، سطح معناداری فرضیه دوم کوچکتر از ۵ درصد است؛ بنابراین فرضیه دوم نیز رد نمی‌شود.

نتایج این پژوهش در رابطه با بکارگیری روش‌های تحلیلی در حسابرسی، با نتایج پژوهش‌های پیشین سازگار است و نشان می‌دهد که حسابداران رسمی شاغل، روش‌های تحلیلی را در حسابرسی صورت‌های مالی به کار برده و قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی حسابداری رایانه‌ای را در اجرای روش‌های تحلیلی بکار می‌برند. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های سماواتی (۱۳۷۹)، سجادی و اوستا (۱۳۸۴) و رحیمیان (۱۳۸۷) مطابقت دارد. بنابراین، شاید بتوان گفت که حساب‌رسان، اجرای روش‌های تحلیلی را به محاسبه نسبت‌های مالی از روی تراز مانده حساب‌ها یا صورت‌های مالی خلاصه نمی‌کنند و روش‌های بیشتر و نیازمند اطلاعات بیشتر و جزئیات بیشتر را نیز اجرامی‌کنند. یکی دیگر از نتایج این پژوهش، این است که میزان بکارگیری قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در حسابرسی اقلام صورت سود و زیان، بیش از اقلام ترازنامه است. حساب‌های سود و زیانی، زمینه بیشتری برای اجرای

روش‌های تحلیلی دارند. در عمل، روش‌های تحلیلی مربوط به اقلام ترازنامه، بیشتر شامل محاسبه و تحلیل نسبت‌های مالی است ولی درباره اقلام صورت سود و زیان، افزون بر تحلیل نسبت‌ها، به روابط با حساب‌های دیگر و اثبات کلی و سایر روش‌های بررسی تحلیلی نیز توجه می‌شود که نیازمند اطلاعات و جزئیات بیشتری است. افزون بر این، معمولاً اجرای روش‌های تحلیلی درباره اقلام صورت سود و زیان، شواهدی را نیز درباره اقلام ترازنامه فراهم می‌سازد. بنابراین، بکارگیری قابلیت‌های سیستم در اجرای روش‌های تحلیلی برای اقلام صورت سود و زیان، بیش از ترازنامه است. این نتیجه با نظر گلور و همکاران (۲۰۱۵) تطابق دارد.

نتایج این پژوهش می‌تواند توسط حساب‌برسان، تدوین‌کنندگان مقررات و دستورالعمل‌های حسابرسی، دانشگاهیان و آموزش‌دهندگان استفاده شود. حساب‌برسان، برای افزایش اثر بخشی و کارایی حسابرسی، نیازمند بکارگیری روزافزون قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در اجرای روش‌های تحلیلی هستند. در تدوین مقررات و دستورالعمل‌های حسابرسی، لازم است به این نکته توجه شود که افزایش قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری، امکان بکارگیری روش‌های تحلیلی را بیش از پیش کرده و بنابراین بر بکارگیری این روش‌ها بیشتر تأکید شود. دانشگاهیان و آموزش‌دهندگان نیز لازم است موارد بالا را در آموزش روش‌های تحلیلی حسابرسی، در نظر بگیرند.

بکارگیری قابلیت‌های سیستم در اجرای روش‌های تحلیلی، نیازمند آشنایی حساب‌برسان با این قابلیت‌ها است و هرچه آشنایی بیشتر باشد؛ بکارگیری قابلیت‌ها بیشتر خواهد بود. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر پاسخ‌دهندگان، با قابلیت‌های سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری آشنایی کافی دارند. با این وجود، آموزش بیشتر، چه در باره روش‌های تحلیلی و چه درباره سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری، می‌تواند موجب بهبود اجرای روش‌های تحلیلی و در نتیجه کارایی و اثربخشی حسابرسی شود. افزون بر این، حساب‌برسان باید از سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای صاحبکار، شناخت کافی و مناسب بدست آورند. از این رو، موضوعات زیر برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌گردد:

- بررسی تأثیر آموزش حساب‌برسان بر بکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری در اجرای روش‌های تحلیلی
- بررسی اثربکارگیری قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری بر کیفیت حسابرسی

- بررسی تأثیر قابلیت‌های سیستم اطلاعاتی رایانه‌ای حسابداری بر بهای تمام شده حسابرسی
- افزون بر این، با توجه به نقش روش‌های تحلیلی در حسابرسی صورتهای مالی و همچنین نقش روزافزون سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای در فرآیندهای حسابداری و حسابرسی، پیشنهاد کاربردی این پژوهش به حساب‌رسان آشنایی بیشتر با سیستم‌های اطلاعاتی رایانه‌ای و قابلیت‌های آنها و به کارگیری بیشتر این قابلیت‌ها در اجرای حسابرسی، به ویژه روش‌های تحلیلی است.

محدودیت اصلی این پژوهش به شیوه گردآوری داده‌ها، یعنی پرسش‌نامه مربوط است. گرچه پرسش‌نامه برای حسابداران رسمی تهیه شده بود و تلاش شد که به تعداد کافی پاسخ دریافت شود؛ پس از چندبار ارسال، پی‌گیری و گذشت زمان زیاد پاسخ‌های لازم (تعداد لازم از نظر آماری) دریافت شد. این موضوع، موجب تأخیر در انجام پژوهش گردید و چنانچه پاسخ‌نامه بیشتری دریافت می‌شد؛ تعمیم نتایج بهتر می‌شد.

پی‌نوشت

۱ American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)	۲ Sarbanes Oxley
۳ Nominal Accounts	۴ Circulation
۵ Flow	۶ Non-Quantitative (NQT) or Judgmental
۷ Scanning	۸ Simple Quantitative (SQT)
۹ Advanced Quantitative (AQT)	۱۰ Artificial Neural Networks (ANNs)
۱۱ Sign Test	

منابع

- اسلامی بیدگلی، غلامرضا. زارعی، حسین. (۱۳۸۲). پژوهش تجربی پیرامون روش‌های تحلیلی آماری در حسابرسی. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۰، شماره سوم، صفحات ۱۰۷-۱۳۰.
- اکبری، فضل‌الله. (۱۳۷۹). بررسی تحلیلی در حسابرسی. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.
- خدای‌پور، احمد؛ سعیدی گراغانی، مسلم. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نتایج روش‌های تحلیلی بر میزان تلاش حساب‌رسان در حسابرسی برآوردهای حسابداری. مجله تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره دهم، صفحات ۱۱۸-۱۳۱.
- رحیمیان، نظام‌الدین. (۱۳۸۷). کاربرد روش‌های تحلیلی در حسابرسی صورتهای مالی. مجله بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره پانزدهم، شماره ۵۳، صفحات ۵۳-۶۶.

سجادی، سیدحسین؛ اوستا، سهراب. (۱۳۸۴). کاربرد روش‌های تحلیلی در حسابداری. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره بیست و دوم، شماره دوم، صفحات ۹۰-۱۰۲*.
 فخاری، حسین؛ کاشانی‌پور، محمد؛ افشار، مهدی؛ پورموسی، علی‌اکبر. (۱۳۹۲). تحقیق تجربی از نحوه قضاوت حسابرس در اعمال آزمون‌های تحلیلی، *دانش حسابداری، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صفحات ۷۳-۹۳*.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ برواری، فرید. (۱۳۸۸). بررسی کاربرد روش‌های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورت‌های مالی (تقلب مدیریت). *دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، صفحات ۱۸-۲۳*.

مرادی، مهدی، بیات، نعیمه. (۱۳۹۳). *سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری*. مشهد: انتشارات مرندیز. مؤمنی، منصور، فعال‌قیومی، علی. (۱۳۹۱). *تحلیل‌های آماری با استفاده از SPSS*. تهران: انتشارات گنج شایگان.

هوک، توماس. (۱۳۸۶). *ضرورت دگرگون‌سازی حسابداری، ترجمه بهروز خدارحمی و عبدالله آزاد، تهران: انتشارات ترمه*.

- Akbari, F. (2000). *Analytical Review in Audit*. Tehran, audit organization. (In Persian)
- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). (2008). *Codification of auditing standards (Including AICPA and PCAOB auditing and attestation standards)*. New York, NY: AICPA.
- Blocher, E. , & Patterson, Jr, G. F. (1996). The use of analytical procedures. *Journal of Accountancy, 181 (2) , 53*.
- Chen, Y. , & Leitch, R. A. (1998). The error detection of structural analytical procedures: A simulation study”. *Auditing, 17 (2) , 36*.
- Colbert, J. (1991). A guide to analytical procedure. *The Woman CPA, fall, 109 – 110*.
- Daroca, F. P. , & Holder, W. W. (1985). The use of analytical procedures in review and audit engagements. *Auditing-A Journal of Practice & Theory, 4 (2) , 80-92*.
- EslamiBidgoli, Gh. R & Zarei, H. (2003). Experimental research on statistical analytical procedures in audit. *The Iranian Accounting and Auditing Review, 10 (3)*. pp 107-130. (in Persian)
- Fakhari, H. , KashaniPoor. M. , Afshar, M. & PourMousa, A. A. (2013). An Emprical study about auditor's judgment in applying of analytical procedures. *Journal of audit science. 13 (52)*. 73-93. (in Persian)
- ForghanDoostHaghighi, K &Barvari, F (2009). Application of analytical procedures in assessing the risk of falsification of financial statements (Fraud Management). *Accounting Knowledge and Research. 16*. pp 18-23. (in Persian)

- Fraser, I. A. , Hatherly, D. J. , & Lin, K. Z. (1997). An empirical investigation of analytical review by external auditors. *The British Accounting Review*, 29 (1) , 35-47.
- Glover, S. M. , Prawitt, D. F. , & Drake, M. S. (2015). Between a rock and a hard place: A path forward for using substantive analytical procedures in auditing large P&L accounts commentary and analysis. *Auditing: A Journal of Practice and Theory*. 34 (3) , 161-179.
- Houck, Thomas. P. (2003). *Why and How Audits Must Change*, John Wiley & Sons, Inc. (in Persian)
- KhodammiPour, A. , SaeidiGaraghani, Moslem. (2011). The Effect of the Results of Analytical Procedures on the Efforts of Auditors in Auditing Accounting Estimates. *Journal of Accounting and Auditing Research*. 10 (3) , pp 118-131. (in Persian)
- Kinney Jr, W. R. (1978). ARIMA and regression in analytical review: An empirical test. *The Accounting Review*. 53 (1) , 48-60.
- Knechel, W. R. (1988). The effectiveness of statistical analytical review as a substantive auditing procedure: A simulation analysis. *The Accounting Review*. 63 (1) , 74-95.
- Lin, K. Z. , & Fraser, I. A. (2003). The use of Analytical Procedures by External Auditors in Canada. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 12 (2) , 153-168.
- Loebbecke, J. K. , & Steinbart, P. J. (1987). An investigation of the use of preliminary analytical review to provide substantive audit evidence. *Auditing-A journal of Practice & Theory*, 6 (2) , 74-89.
- Messier Jr, W. F. , Simon, C. A. , & Smith, J. L. (2012). Two decades of behavioral research on analytical procedures: What have we learned?. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 32 (1) , 139-181.
- Momeni, M. & FaalGhayoumi, A. (2012). *Statistical Data Analysis Using SPSS*. Tehran, GanjShaygan Publishers. (in Persian)
- Moradi, M. & Bayat, N. (2014). *Accounting Information Systems*. Mashhad, Marandiz Publishers. (in Persian)
- Ngai, E. W. T. , Hu, Y. , Wong, Y. H. , Chen, Y. , & Sun, X. (2011). The application of data mining techniques in financial fraud detection: A classification framework and an academic review of literature. *Decision Support Systems*, 50 (3) , 559-569.
- Pike, B. J. , Curtis, M. B. , & Chui, L. (2013). How does an initial expectation bias influence auditors application and performance of analytical procedures?. *The Accounting Review*, 88 (4) , 1413-1431.
- Pike, J. (2009). *Does the Knowledge of Unaudited Account Balances Adversely Affect the Performance of Substantive Analytical Procedures?*. Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy University of North Texas.

- Plumlee, R. D. , Rixom, B. A. , & Rosman, A. J. (2015). Training auditors to perform analytical procedures using metacognitive skills. *The Accounting Review*, 90 (1) , 351-369.
- Rahimian, N. (2009). Usage of Analytical Procedures in Financial Statements Auditing. *The Iranian Accounting and Auditing Review*. 15 (4) , 53-66. (in Persian)
- Sajjadi, S. H. , Avesta, S. (2005). Application of Analytical Procedures in Audit. *Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University*. 22 (2) , 90-102. (in Persian)
- Samad, R. N. A. , Baharuddin, I. , Jusoff, K. , Hassan, A. C. , & Zain, S. R. M. (2014). Analytical Review Techniques Practices by Accounting Firms in Malaysia. *Journal of Applied Environmental and Biological Sciences*. 4 (6S). 14-18.
- Stringer, K. W. (1975). A statistical technique for analytical review. *Journal of Accounting Research*, 1-9.
- Trompeter, G. , & Wright, A. (2010). The world has changed—have analytical procedure practices?. *Contemporary Accounting Research*, 27 (2) , 669-700.
- Wright, A. , & Ashton, R. H. (1989). Identifying audit adjustments with attention-directing procedures. *The Accounting Review*. 64 (4) , 710-728.
- Yassin, R. M. (2006). The role of audit act in preserving public funds in the hashemite. Kingdom of Jordan. *Jordanian Magazine Contemporary Changes in Business Management*, 2 (2) , 283-315.

بیش اعتمادی مدیریت صاحبکار و اظهار نظر غیرمقبول حسابرس

مریم سمیاری*، بهمن بنی مهد**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۲۸

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۷/۱۵

چکیده

بیش اعتمادی یکی از مهمترین ویژگی‌های شخصیتی مدیران است. از دیدگاه نظری، این ویژگی با ریسک پذیری مدیر رابطه مستقیم دارد. چنانچه حسابرس این ویژگی شخصیتی مدیران را تشخیص دهد و ریسک گزارشگری مالی را به دلیل بیش اعتمادی مدیران، بیش از حد برآورد کند، احتمال اظهار نظر غیرمقبول افزایش می‌یابد. هدف این پژوهش تعیین رابطه میان بیش اعتمادی مدیر و اظهار نظر غیرمقبول حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. روش تحقیق در این پژوهش برای جمع آوری مبانی نظری و داده‌های تحقیق، از نوع کتابخانه‌ای و برای آزمون فرضیه، روش همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که پس از اعمال شرایط نمونه‌گیری، تعداد ۶۶ شرکت به عنوان حجم نمونه مورد بررسی در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۳ تعیین شد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، بیش اعتمادی مدیر با اظهار نظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش بیش اعتمادی، احتمال اظهار نظر غیرمقبول حسابرس کاهش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: بیش اعتمادی مدیر، اظهار نظر غیرمقبول حسابرس، گزارشگری مالی، رگرسیون لجستیک

طبقه‌بندی موضوعی: M42

DOI: 10.22051/jera.2017.12244.1477

*کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران، (maryamsemaryi1988@yahoo.com).

**دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران، (نویسنده مسئول)، (Dr.banimahd@gmail.com).

مقدمه

بیش اعتمادی یا اعتماد به نفس بیش از حد، یکی از مفاهیم مالی رفتاری مدرن است. بیش اعتمادی سبب می‌شود انسان دانش و مهارت خود را بیش از حد و ریسک‌ها را کمتر از حد تخمین زند و احساس کند بر مسائل و رویدادها کنترل دارد؛ در حالی که ممکن است در واقعیت این گونه نباشد (فروغی و نخبه فلاح، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر موضوع بیش اعتمادی مدیریت در پژوهش‌های مالی و حسابداری نشان می‌دهند که بین بیش اعتمادی مدیریت و انواع سیاست‌های شرکت نظیر سرمایه‌گذاری شرکت، ادغام و ترکیب، تأمین مالی، سیاست تقسیم سود، مدیریت سود، پیش‌بینی مدیریت، اجتناب از مالیات، گزارش‌دهی نادرست مالی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد (حساس یگانه و همکاران ۱۳۹۴). نتایج تحقیقات گذشته نیز نشان می‌دهد مدیران بیش اعتماد، سود را بیش‌نمایی می‌کنند (بنی مهد و نصیری، ۱۳۹۵). همچنین، بیش اعتمادی مدیر منجر به افزایش هموارسازی سود می‌گردد. به طوری که در شرکت‌های با ریسک سیستماتیک بالاتر، احتمال هموارسازی سود بیشتر است (بولو و حسنی القار، ۱۳۹۴). در پژوهشی دیگر، رامشه و ملانظری (۱۳۹۳) نشان دادند که مدیران بیش اعتماد، محافظه‌کاری کمتری نسبت به سایر مدیران دارند. نتایج پژوهش‌های مزبور، این دیدگاه را تقویت می‌کند که بیش اعتمادی به عنوان یک متغیر رفتاری، منجر به سوگیری مدیران در به‌کارگیری رویه‌های حسابداری می‌شود و بر نحوه‌شناسایی سود و زیان و مبلغ دفتری دارایی‌ها و بدهی‌ها تأثیر می‌گذارد. مدیران بیش اعتماد، بازده آتی پروژه‌های سرمایه‌گذاری شرکت را بیشتر برآورد می‌کنند. بنابراین ممکن است شناسایی زیان را به تأخیر بیندازند و برآوردهای خوشبینانه‌تری در تعیین ارزش دارایی‌های جاری یا بلند مدت داشته باشند. این موضوع خود منجر می‌شود تا حسابرس درباره سوگیری مدیر، قضاوتی غیر محافظه‌کارانه داشته باشد و اظهارنظر غیر مقبول ارائه نماید. از این رو، پرسش اصلی این تحقیق آن است که تا چه اندازه بیش اعتمادی مدیریت شرکت مورد رسیدگی، بر قضاوت حسابرس تأثیر گذار است. هدف پژوهش حاضر نیز در درجه اول بسط مبانی نظری مباحث مربوط به بیش اعتمادی مدیر در حسابرسی و در درجه دوم، درک ارتباط میان رفتار تهیه‌کننده اطلاعات (مدیر)، بر ریسک حسابرسی و قضاوت حسابرس است. انتظار نویسندگان این مقاله بر آن است تا نتایج این پژوهش بتواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با حسابداری و مالیه رفتاری گردد. همچنین این مقاله درک بهتری در باره تأثیر رفتار تهیه‌کننده اطلاعات بر ریسک

حسابرسی به خواننده ارائه می‌نماید. این موضوع می‌تواند به قانون‌گذاران در حوزه حسابرسی، از جمله سازمان حسابرسی و موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی، آگاهی سودمندی را درباره تخمین ریسک حسابرسی ارائه نمایند و در آخر، این مقاله می‌تواند پیشنهادهایی را برای تحقیقات آتی ارائه نماید.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

بیش اعتمادی مدیریت

بر اساس تئوری پله‌های ترقی، تجربیات، ارزش‌ها و شخصیت مدیران بر تصمیم‌گیری آن‌ها تاثیر گذار است. از این رو، تصمیم‌گیری مدیران در شرایط مختلف، متفاوت است (هامبریک و همکاران ۱۹۸۴). یکی از ویژگی‌های شخصیتی مدیران، ویژگی بیش اعتمادی است. بیش اعتمادی از دهه ۱۹۶۰ وارد متون روانشناسی شده است. اما این مفهوم در تحقیقات رشته‌های اقتصاد و امور مالی در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ گسترش یافته است. انواع بیش اعتمادی را می‌توان به شرح زیر دسته بندی نمود:

الف) درجه بندی غلط: رایج‌ترین نوع بیش اعتمادی در متون و مباحث مالی است که گاهی از آن به بیش اعتمادی در پیش‌بینی نام برده می‌شود و در آن معمولاً افراد دقت دانش خود را بیشتر و ریسک و واریانس متغیرهای تصادفی را کمتر از آنچه هست تخمین می‌زنند. مثلاً هنگام برآورد ارزش یک سهم انحراف بسیار پایینی را برای طیف بازده‌های مورد انتظار در نظر می‌گیرند.

ب) خود ارزیابی مثبت غیر واقع بینانه یا اثر بالاتر از میانگین: در این نوع از بیش اعتمادی افراد مهارت خود را بیش از آنچه هست تخمین می‌زنند. تحقیقات صورت گرفته نشان می‌دهد که معمولاً افراد تمایل دارند که دید مثبت غیر واقع بینانه‌ای از خود و مهارت‌هایشان داشته باشند. بسیاری از انسان‌ها هنگامی که خود را با گروهی مقایسه می‌کنند، سطح توانایی‌ها و مهارت‌هایشان را بالاتر از میانگین سطح توانایی‌ها و مهارت‌های سایر اعضای گروه می‌دانند.

ج) توهم کنترل یا خوش‌بینی غیر واقع بینانه: باعث می‌شود انسان احساس کند روی مسائل کنترل داشته یا حداقل می‌تواند بر آنها تأثیر بگذارد در حالی که ممکن است در واقع این گونه

نبوده و احتمال موفقیت خود را بیش از آنچه هست تخمین بزنند. مثلاً در بازی تاس افراد هنگام تلاش برای دستیابی به یک شماره بالاتر خیلی قاطعانه تاس را پرتاب می‌کنند (اسکالا، ۲۰۰۸).

بیش اعتمادی مدیر یعنی این که مدیر بازده آتی یا جریان‌های نقدی آتی حاصل از پروژه‌های شرکت را بیش از حد مورد انتظار پیش‌بینی نماید. از دیدگاه تئوری، بیش اعتمادی در مدیرانی وجود دارد که ریسک‌پذیر هستند و ریسک‌های سرمایه‌گذاری را کمتر از حد تخمین می‌زنند. این دسته از مدیران در پروژه‌های ریسک‌پذیر سرمایه‌گذاری می‌کنند تا بازده بیشتری از سرمایه‌گذاری کسب کنند. یعنی آن‌چه که مدیران را به کسب سود بیشتر و در نتیجه پاداش بیشتر بر می‌انگیزاند، بیش اعتمادی مدیریت است. در تعریفی دیگر، بیش اعتمادی می‌تواند اعتقاد بی‌اساس درباره توانایی‌های شناختی، قضاوت‌ها و استدلال شهودی فرد تعریف شود (حساس یگانه، ۱۳۹۴). بیش اعتمادی را تمایلی رفتاری یا روان‌شناختی توصیف می‌کنند که باعث می‌شود درباره پیامدهای غیرقطعی رویداد های جاری در آینده مبالغه شود. این اعتماد بیش از حد عمدتاً در نتیجه تأثیر بهتر از متوسط شکل می‌گیرد. انسان‌ها در نتیجه این تأثیر خود را بالاتر از حد متوسط تصور می‌کنند. مدیران اجرایی شرکت‌هایی که نسبت به خود اعتماد بیش از حد دارند، با مبالغه (برآورد بیش از حد) درباره پیامدهای آتی ممکن است دستخوش خوش‌بینی مفرط شوند، که می‌تواند بر سیاست‌های شرکتی یا تصمیم‌گیری‌های مربوط به گزارشگری مالی تأثیر نامطلوبی برجا گذارد (مالمن‌دیر و تانه، ۲۰۰۵). مدیران بیش اعتماد در نتیجه این باور که آنها اطلاعات ویژه‌ای در اختیار دارند و دیگران از آن بی‌بهره‌اند، دقت اطلاعات و به تبع آن، سودها و جریان‌های نقدی آتی واحد تجاری خود را بیش از حد تخمین می‌زنند و چشم‌انداز مثبتی از ریسک و بازده آتی شرکت دارند. (پمپین، ۲۰۰۶).

پیشینه تحقیق

استدلال در این تحقیق آن است که بیش اعتمادی مدیران، باید به عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده تأثیرگذار بر نوع اظهارنظر حساب‌رسان مورد ارزیابی قرار گیرد؛ چراکه این مدیران در برنامه‌هایی که شرکت‌ها برای فرار از گرفتاری مالی اجرا می‌کنند، نقش مهمی دارند. اگر حساب‌رسان دیدگاه خوش‌بینانه مدیران اجرایی درباره عملکرد سرمایه‌گذاری‌های فعلی در آینده را قبول داشته باشند و معتقد باشند که مدیران بیش اعتماد، قادر هستند برای رهایی از گرفتاری مالی برنامه‌های مدیریتی را اجرا کنند، می‌توان برآوردی مثبت از این مدیران ارائه

کرد. در صورتی که دیدگاه حسابرسان مطابق با پیش بینی های مدیران نباشد، در آن صورت حسابرس، گزارش غیر مقبول درباره عملکرد مدیر می تواند ارائه نماید (جیانگ و لی ۲۰۱۵). تحقیق روانشناختی اخیر اندرسون و همکاران (۲۰۱۲) نشان می دهد مدیران بیش اعتماد، می توانند به موقعیت های اجتماعی عالی دست پیدا کنند. چراکه دیگران آن ها را به اشتباه خیلی شایسته تر از آنچه واقعاً هستند، تلقی می کنند. اما، سایر پژوهش ها جنبه های منفی بیش اعتمادی مدیران اجرایی را آشکار می کند، از جمله ادغام ها و تملک های غیر ضروری، سرمایه گذاری بیش از حد و سرمایه گذاری با ارزش فعلی خالص منفی. بنابراین، حسابرسان ممکن است بر آوردی منفی نسبت به مدیرانی داشته باشند که اعتماد بیش از حد به خود دارند؛ زیرا احتمال این که بتوانند برای بقای شرکت خود در آینده اقدام منطقی مناسبی ترتیب دهند، کم است. در نتیجه، حسابرسانی که به جنبه های منفی (مثبت) بیش اعتمادی مدیران اجرایی اهمیت بیشتری می دهند، احتمال بیشتر (کمتری) وجود دارد که درباره تداوم فعالیت شرکت های گرفتار مشکل مالی اظهار نظر حسابرسی تعدیل یافته صادر کنند (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۵، ۲۰۰۸ و بن و دیوید و همکاران ۲۰۱۰).

بنابراین بیش اعتمادی مدیران می تواند بر ارزیابی ریسک گزارشگری مالی توسط حسابرسان اثر گذار باشد. چرا که مدیران بیش اعتماد، احتمال و تأثیر رویدادهای مطلوب بر جریان های نقدی شرکت را بیش از حد بر آورد می کنند و احتمال و اثر رویداد های نامطلوب بر جریان های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می زنند (هیتن، ۲۰۰۲). بنابراین انتظار می رود مدیرانی که اعتماد بیش از حد دارند، مخارج سرمایه ای بیشتری داشته باشند (بن، گراهام و همکاران، ۲۰۱۰) و جریان های نقدی آتی پیش بینی شده شرکت را بیش از واقع بر آورد نمایند و سرمایه گذاری بیش از حد در پروژه های سرمایه گذاری انجام دهند. به سبب این افزایش سرمایه گذاری در مخارج سرمایه ای (دارایی های ثابت)، هزینه استهلاک افزایش می یابد. همچنین افزایش سرمایه گذاری به هزینه عملیاتی بیشتر منجر می شود. این موضوع در ارزیابی ریسک حسابرسی تأثیر گذار است و اظهار نظر حسابرس درباره عملکرد مدیر را تحت تأثیر خود قرار می دهد (مالمندیر و تاته، ۲۰۰۵). علاوه بر این نتایج، پژوهش های قبلی ارتباط مستقیم بین افزایش ابهام در باره تداوم فعالیت و بیش اعتمادی مدیران را تأیید کرده اند (چایز و همکاران، ۲۰۱۴). اگر حسابرسان از ویژگی شخصیتی مدیران آگاه شوند، می توان انتظار

داشت که آن را عاملی برای تعیین ریسک در برنامه‌ریزی حسابرسی بدانند (حساس یگانگی و همکاران، ۱۳۹۴).

جیانگ و لی (۲۰۱۵) به بررسی بیش اعتمادی مدیریت و اظهارنظر حسابرس با تأکید بر تداوم فعالیت پرداختند. مطالعات آن‌ها نشان داد که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول با بیش اعتمادی مدیریتی رابطه مثبتی دارد و نشان‌دهنده آن است که حسابرسان از مدیرانی که در شرکت‌های دارای مشکل مالی، اعتماد بیش از حد به خود دارند، برآورد نامطلوبی دارند و لذا درباره تداوم فعالیت آن‌ها اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته صادر می‌کنند. همچنین آنها تأکید کردند که عدم قطعیت بازار سرمایه ارتباط مثبت فوق‌الذکر را تقویت می‌کند. همچنین شراند و زچمان (۲۰۱۱) بیش اعتمادی مدیریتی را در هر شرکت و متناسب با زمان ارزیابی کردند و تأثیر آن بر نوع اظهارنظر حسابرسان را با استفاده از نمونه‌ای متشکل از شرکت‌هایی که گرفتار مشکلات مالی هستند و در فاصله زمانی سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول دریافت کرده‌اند، مورد بررسی قرار دادند. بعد از کنترل عوامل تأثیرگذار بر نوع اظهارنظر حسابرسان، متوجه شدند که تمایل صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته با بیش اعتمادی مدیران اجرایی ارتباط مثبتی دارد، که نشان می‌دهد اگر حسابرسان از بیش اعتمادی مدیران در شرکت‌های گرفتار مشکل مالی برآورد نامطلوبی داشته باشند، احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول بیشتر است. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که ارتباط مثبت بین بیش اعتمادی مدیریتی و احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول با افزایش عدم قطعیت بازار سرمایه، قطعی‌تر است. به لحاظ استقلال حسابرس باید گفت که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته غیر مقبول به شرکت‌هایی که وابستگی اقتصادی قابل توجهی دارند، کمتر است. درحالی‌که رینولد و فرانسیس (۲۰۰۰) و دی‌فوند و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که بین وابستگی اقتصادی و تمایل به صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته رابطه‌ای وجود ندارد. علاوه بر این، پژوهش اخیر فارگر و همکاران (۲۰۱۴) تأیید می‌کند که احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی تعدیل یافته به شرکت‌های درگیر مشکل مالی، که دارای ساختاری اجرایی برای جبران خسارت با انگیزه‌های خطرپذیری هستند، بیشتر است. این بدان معنا است که حسابرسان برآورد نامطلوبی نسبت به مدیران اجرایی دارند که دارای انگیزه‌های خطرپذیری هستند. به طور کلی، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که حسابرسان تلاش می‌کنند رویدادها یا شرایط تأثیرگذار بر عدم قطعیت شرکت‌های دچار مشکل مالی بر اساس رابطه آن

با بیش اعتمادی مدیریت را عمدتاً بر اساس اطلاعات گزارش های مالی شناسایی کنند. سیه و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند احتمال افزایش سود گزارش شده از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری مدیران بیش اعتماد، بیشتر از سایر مدیران است. تحقیقات هیلاری و سو (۲۰۱۱) نشان داد که بیش اعتمادی مدیران با پیش بینی سود رابطه منفی و معنی دار دارد. هر چه بیش اعتمادی مدیر بیشتر باشد، پیش بینی سود صحت کمتری دارد و احتمال دستکاری سود افزایش می یابد. چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کنترل های داخلی پرداختند. آن ها نتیجه گرفتند احتمال حفظ کنترل های داخلی بی اثر در شرکت هایی با مدیران بیش اعتماد، بیشتر است. همچنین در شرکت هایی با مدیران بیش اعتماد و ساختارهای حاکمیت شرکتی قوی، احتمال حفظ کنترل های داخلی مؤثر بیشتر است. مالمندیر و همکاران (۲۰۱۱) به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر تصمیمات سرمایه گذاری و تامین مالی پرداختند. آنان در بررسی رفتار مدیریت دریافتند که بیش اعتمادی مدیریتی، ممکن است به انحرافات در تصمیمات سرمایه گذاری شرکت منجر شود. آنان همچنین بیش اعتمادی مدیریت را عامل مهمی در تشریح تصمیمات تأمین مالی شرکت تلقی می کنند.

همچنین مطالعات در رابطه با بیش اعتمادی مدیریت و استفاده از حسابرس متخصص صنعت نشان می دهد حسابرسان متخصص در یک صنعت، به دلیل شناختی که از پیچیدگی صنعت دارند، نقش نظارتی و اطلاعاتی بارزتری نسبت به مؤسسه های دیگر دارند و می توانند اطلاعات قابل اتکاتری را برای عملکرد مالی مطلوب تر ارائه کنند. حسابرسان متخصص صنعت، حسابرسی با کیفیت تری ارائه می دهند. همچنین توانایی بهتری در کشف اشتباه و تحریف صاحبکاران خود دارند. بنابراین، احتمال استفاده مدیران بیش اعتماد از حسابرسان متخصص صنعت کمتر است؛ زیرا احتمال اینکه حسابرسان متخصص صنعت، رویه های حسابداری متهورانه صاحبکاران خود را کشف کنند، بیشتر است (دوئلن و همکاران، ۲۰۱۵). همچنین در تحقیقات آنان نشان داده شد که بیش اعتمادی مدیران شرکت ها باعث می شود تا گزارشگری غیر محافظه کارانه افزایش یابد. این موضوع باعث افزایش ریسک حسابرسی و در نتیجه افزایش حق الزحمه حسابرسی گردیده و حسابرس نیز با گزارش محافظه کارانه ای در خصوص عملکرد مدیر اظهار نظر می نماید. شواهد این پژوهش تأکید دارد که مدیران بیش اعتماد، به دنبال حسابرسی هستند که اظهار نظر مطلوب تری درباره پیش بینی ها و عملکرد آن ها داشته باشند. در تحقیقاتی دیگر، مدیران بیش اعتماد ممکن است به دلیل پرداخت

حق الزحمه کمتر، از حساب‌رسان غیر متخصص استفاده کنند. چراکه حساب‌رسان غیر متخصص حق الزحمه کمتری مطالبه می‌کنند (لنوکس و همکاران، ۲۰۱۴). در داخل کشور نیز در سال‌های اخیر مطالعاتی در زمینه بیش اعتمادی مدیریت انجام شده است، از جمله بنی مهد و نصیری (۱۳۹۵) به بررسی ارتباط میان بیش اعتمادی مدیران و بیش‌نمایی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد میان بیش اعتمادی مدیر و بیش‌نمایی سود رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار وجود دارد. به بیان دیگر هر چه سطح بیش اعتمادی در مدیران افزایش یابد، مدیریت سود از نوع حداکثرسازی آن نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه این موضوع باعث می‌شود تا حساب‌رسان گزارش غیر مقبول صادر نماید. عرب صالحی و کاظمی نوری (۱۳۹۳) در مطالعات خود به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیران بر حساسیت سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آنان نشان داد، بیش اعتمادی مدیران ارشد، باعث افزایش حساسیت سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی شده است. همچنین تأثیر مثبت بیش اعتمادی مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه‌گذاری جریان‌های نقدی در شرکت‌ها با هزینه‌های نمایندگی بالا، شدیدتر است. علی نژاد ساروکلایی و پیرمرادی (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت ارقام تعهدی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در این مطالعه تأثیر بیش اعتمادی مدیران با سه معیار بر کیفیت ارقام تعهدی سنجیده شد. نتایج بیانگر عدم تأثیر معنادار بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت ارقام تعهدی بود. از آنجائی که کیفیت ارقام تعهدی، شاخصی برای اندازه‌گیری کیفیت حساب‌رسانی باشد، از این رو می‌توان گفت کیفیت حساب‌رسانی با بیش اعتمادی مدیر نیز رابطه‌ای ندارد. فرج زاده دهکردی و حیدری (۱۳۹۴) در پژوهشی به بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حساب‌رسانی پیرامون تداوم فعالیت پرداختند. برای سنجش توانایی مدیریت در این تحقیق از مدل دو مرحله‌ای تحلیل پوششی دمی‌چیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان داد که با افزایش میزان توانایی مدیران، حق الزحمه حساب‌رسانی و احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت، در گزارش حساب‌رسانی واحد تجاری کاهش می‌یابد. از آنجائی که شواهد تجربی چندانی در خصوص رابطه بین خصوصیات مدیریت و تصمیمات حساب‌رسان وجود ندارد، لذا نتایج این تحقیق مبنی بر تأثیر گذار بودن توانایی مدیریت بر تصمیمات حساب‌رسان اهمیت می‌یابد.

فرضیه پژوهش

در این پژوهش، با توجه به اهداف و مبانی نظری تحقیق، فرضیه زیر در نظر گرفته شده است؛
بیش اعتمادی مدیر بر اظهار نظر غیرمقبول حسابرس تاثیر معنی دار دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش بر مبنای هدف، کاربردی و از نظر روش گردآوری اطلاعات، توصیفی است و در حوزه تحقیقات حسابر سی قرار دارد. همچنین بر اساس چارچوب کلی جزء پژوهش‌های تجربی و از نوع پس رویدادی می‌باشد. در واقع این پژوهش، پژوهشی کمی است که از طریق رگرسیون لجستیک باینری با داده‌های ترکیبی به بررسی و آزمون فرضیه تحقیق می‌پردازد. جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۶ الی ۱۳۹۳ می‌باشد. روش نمونه‌گیری پژوهش، روش حذف سیستماتیک بوده است. بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. نحوه نمونه‌گیری از جامعه آماری پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

تکانه (۱). روش حذف سیستماتیک

مقادیر	متغیرهای اعمال شده در نمونه‌گیری
۳۴۶	تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس قبل از سال ۸۶
(۲۳)	تعداد شرکت‌هایی که پایان سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند نیست.
(۱۴)	شرکت‌هایی که در طول دوره تحقیق تغییر سال مالی داده‌اند.
(۶۵)	شرکت‌هایی که معاملات سهام آن‌ها به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت نگرفته و توقف عملیاتی بیش از یک ماه داشته‌اند.
(۱۲۷)	شرکت‌هایی که داده‌های آنها طی قلمرو زمانی تحقیق در دسترس نبوده است.
(۵۱)	شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک و لیزینگ.
۶۶	مجموع باقی مانده

با استفاده از روش حذف سیستماتیک، جامعه غربال شده و پس از آن، تعداد ۶۶ شرکت (به شرح نگاره شماره ۱) که متشکل از تعداد ۴۱۲ مشاهده (سال - شرکت) هستند، به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. در محاسبه مشاهدات نمونه، داده‌ها به صورت پنل نامتوازن می‌باشد.

متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

در این پژوهش، همانند پژوهش جیانگ و لی (۲۰۱۵) و به پیروی از مدل شرانند و زچمان (۲۰۱۱)، از مدل رگرسیون لجستیک زیر برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده می‌شود:

$$FGCO_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 Managerial\ OC_{i,t} + \beta_2 Size_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_5 Audit\ Type_{i,t} + \beta_6 Ownership_{i,t} + \beta_7 Sale\ Growth_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

متغیر وابسته $FGCO_{i,t}$: در این پژوهش نوع اظهارنظر حسابرس می‌باشد که یک متغیر دو وجهی صفر و یکی است. اگر حسابرس اظهارنظر غیر مقبول ارائه کرده باشد شامل (مشروط، مردود و عدم اظهارنظر)، این متغیر مقدار ۱ و در صورت ارائه اظهارنظر مقبول در گزارش حسابرس مقدار صفر به خود می‌گیرد.

متغیر مستقل $Managerial\ OC_{i,t}$: معیار بیش اعتمادی مدیر متغیر مستقل در این پژوهش است که بر اساس خطای مدل زیر اندازه‌گیری می‌شود.

$$\Delta Assets = a_0 + a_1 \Delta Sale + \varepsilon_0$$

$\Delta Assets$ تغییر در دارایی‌های سال جاری t نسبت به سال قبل.

$\Delta Sale$ تغییر فروش سال t نسبت به سال قبل می‌باشد که درآمد ناشی از فروش محصولات و ارائه خدمات از صورتهای مالی شرکت‌ها استخراج شده است.

ε_0 خطای مدل که نشان دهنده بیش اعتمادی مدیر می‌باشد.

برای همگن شدن داده‌ها در سطح همه شرکت‌ها، متغیرهای مدل بر جمع دارایی‌ها تقسیم شده است. این مدل توسط احمد و دوئلن (۲۰۱۳) برای اندازه‌گیری بیش اعتمادی مدیر ارائه شده است. مبانی نظری این مدل بر این پایه استوار است که رشد دارایی‌ها باید تابعی از رشد فروش باشد. آن بخش از رشد دارایی‌ها که تابعی از فروش نیست، ناشی از رفتار متهورانه و ریسک‌پذیری مدیر می‌باشد که در مقادیر خطای مدل قرار می‌گیرد.

متغیرهای کنترلی

در تحقیقات گذشته نشان داده شده است که اندازه شرکت، نسبت اهرمی، نوع حسابرس، درصد سهام متعلق به سهامدار عمده و رشد فروش، از جمله متغیرهای تاثیرگذار بر نوع اظهارنظر حسابرس میباشد (بنی مهد و زینالی ۱۳۹۱ و بنی مهد و نصیری پوردری ۱۳۹۵).

اندازه شرکت *Size_{it}*: از طریق محاسبه لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها محاسبه شده است.

نسبت اهرم مالی *LEV_{it}*: میزان استفاده از بدهی برای تأمین مالی دارایی‌ها را نشان می‌دهد. نسبت اهرم مالی از طریق جمع کل بدهی‌ها به جمع کل دارایی‌ها در پایان سال مالی حاصل می‌شود.

نوع حسابرس *Audit Type_{it}*: که یک متغیر دو وجهی است. اگر حسابرس شرکت مورد بررسی، سازمان حسابرسی باشد مقدار آن ۱ و در غیر اینصورت مقدار آن صفر می‌شود.

درصد سهام متعلق به سهامدار عمده *Ownership_{it}*: که عبارت است از درصد سهامی که در ترکیب سهامداران شرکت، به سهامدار عمده تعلق دارد.

رشد فروش *Sale Growth_{it}*: عبارت است از تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل.

E_{it}: باقی مانده‌های مدل رگرسیونی است.

لازم بذکر است تمامی متغیرهای پژوهش در پایان هر سال و در طی دوره هشت ساله پژوهش و بر اساس مدل رگرسیونی لجستیک باینری برآورد می‌شوند.

نتایج پژوهش

آمار توصیفی

این نوع آمار صرفاً به توصیف جامعه می‌پردازد و هدف از آن محاسبه پارامترهای جامعه است. در این پژوهش، ابتدا شاخص‌های توصیف داده‌ها، شامل شاخص‌های مرکزی (مانند میانگین و میانه)، شاخص‌های پراکندگی (مانند واریانس و انحراف معیار) برای تک تک متغیرهای پژوهش محاسبه خواهد شد. این شاخص‌ها یک نمای کلی برای هر یک از متغیرهای پژوهش ارائه می‌کنند.

آزمون رگرسیون لجستیک

رگرسیون لجستیک یکی از کاربردی‌ترین مدل‌های تعمیم یافته است که برای تحلیل رابطه یک یا چند متغیر توضیحی بر متغیر پاسخ اسمی به کار می‌رود. تحلیل لجستیک تکنیکی پر استفاده بوده و در آن احتمال یک پیامد دومقوله ای، به مجموعه ای از متغیرهای پیش بینی کننده بالقوه مرتبط می‌شوند. در این نوع رگرسیون متغیرهای مستقل می‌توانند هم در مقیاس کمی و هم در مقیاس اسمی باشند ولی متغیر وابسته به صورت مقیاس اسمی و دو سطحی است. این دو سطح معمولاً به عضویت و عدم عضویت در یک گروه اشاره دارد. رگرسیون لجستیک به جای حداقل کردن مجذور خطاها (که در رگرسیون معمولی انجام می‌گیرد) احتمالی را که یک واقعه رخ می‌دهد به حداکثر می‌رساند. برای تحلیل رگرسیون لجستیک و بررسی کارایی آن از آزمون‌های معنی‌داری ضرایب (آزمون والد)، نسبت درست‌نمایی مدل، ضریب تعیین نایجل کرک و کاسل و اسنل و آزمون هاسمر-لمشو استفاده می‌شود که در ادامه به تشریح هر یک از آن‌ها پرداخته می‌شود.

آزمون والد

برای آزمون معنی‌داری ضرایب رگرسیون لجستیک از آماره آزمون والد که دارای توزیع تقریباً نرمال بوده، استفاده می‌شود. این آزمون همان آزمون t در رگرسیون خطی است و نشان دهنده معنی‌داری هر یک از ضرایب مدل است. در صورتی که سطح اهمیت هر یک از ضرایب کمتر از ۵ درصد باشد، می‌توان نتیجه‌گیری کرد که هر یک از ضرایب در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است.

آزمون نسبت درست‌نمایی (آزمون معنی‌داری مدل)

این آزمون به عنوان آزمون معناداری مدل است و به عبارتی بیان می‌کند که آیا نتایج برازش مدل معنادار بوده یا نه. در واقع فرضیه صفر این آزمون، صفر بودن ضرایب تمامی متغیرها است و در صورتی که مقدار احتمال (P-Value) کمتر از ۵ درصد باشد، بیان می‌کند که مدل معنادار است. این آزمون همانند آزمون F در رگرسیون معمولی است.

ضریب تعیین کاکس و اسنل

این ضریب همان ضریب تعیین در رگرسیون معمولی بوده که نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این معیار شبیه به ضریب تعیین در رگرسیون معمولی است و مقادیر نزدیک به یک حاکی از معنی‌داری شدیدتر الگو خواهند بود.

ضریب تعیین نایجل کرک

ضریب تعیین بیانگر میزان واریانس مشترک بین دو متغیر بوده و نشان می‌دهد چند درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل تبیین می‌شود. این ضریب همانند ضریب تعیین در رگرسیون معمولی بوده و دامنه آن مابین ۱ و ۰ می‌باشد، بطوری که عدد یک نشان دهنده تبیین کامل متغیرهای مشاهده شده توسط مدل بوده و مقدار ۰ بیانگر این است که مدل هیچگونه متغیری را تبیین نمی‌کند.

آزمون هاسمر - لمشو (Goodness of fit)

این شاخص مقدار متغیر وابسته مشاهده شده را با متغیر وابسته پیش‌بینی شده بر اساس مدل مقایسه می‌کند و چنانچه این تفاوت معنادار نباشد، نیکویی برازش حاصل است. یک از شاخص‌های نیکویی برازش آماره هاسمر - لمشو می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ توسط هاسمر و لمشو ارائه گردیده است. بر اساس این آماره مشاهدات بر اساس میزان احتمال پیش‌بینی شده در چند گروه یکسان طبقه بندی می‌شود. در این آماره زمانی که مقدار احتمال (P-Value) بیشتر از ۵ درصد باشد فرضیه H_0 پذیرفته شده و بیانگر این است که تفاوت متغیر وابسته مشاهده شده با متغیر وابسته پیش‌بینی شده معنادار نبوده و نیکویی برازش حاصل شده است.

در نگاره زیر شاخص‌های مرکزی از جمله میانگین و میانه و شاخص‌های پراکنندگی از جمله انحراف معیار، برای متغیرهای مختلف محاسبه شده است. بزرگ بودن میانگین از میانه وجود نقاط بزرگ را در داده‌ها نشان می‌دهد، زیرا میانگین تحت تاثیر این مقادیر قرار می‌گیرد. در این موارد توزیع داده‌ها چوله به راست است و در غیر این صورت توزیع چوله به چپ است و در برخی متغیرها مقادیر میانگین و میانه نزدیک به هم است که در این موارد توزیع متغیرها

متقارن است. توزیع تمام متغیرها برای کل شرکت‌ها نسبتاً متقارن است، تنها متغیر جمع دارایی کمی چوله به راست است.

نگاره (۲). آمار توصیفی متغیرهای مختلف برای نمونه‌ها

متغیرها	تعداد	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
بیش اعتمادی	۴۱۲	-۰/۰۲۸	-۰/۰۷۶	۰/۲۵	۱/۷۵	-۰/۵۳
اندازه شرکت	۴۱۲	۱۳/۲۸	۱۳/۱۴	۱/۳۶	۱۳/۸۶	۱۰/۷۳
نسبت اهرمی	۴۱۱	۰/۶۲	۰/۶۱	۰/۳۲	۰/۹۲۳	۰/۰۰۸
درصد سهام متعلق به سهامدار عمده	۴۰۵	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۲۳	۰/۹۵	۰/۰۷
رشد فروش	۴۱۱	۰/۲۲	۰/۱۶	۰/۴۲	۵/۲۱	-۰/۹۹
جمع دارایی (میلیون ریال)	۴۱۲	۲۳۴۴۶۲۲	۵۰۷۲۹۳	۷۷۸۰۲۵۵	۷۳۷۰۵۸۹۱	۴۵۷۳۶
رشد دارایی	۴۱۲	۰/۲۰	۰/۱۳	۰/۶۳	۱۱/۹۰	-۰/۳۲
نسبت سود به دارایی	۴۱۲	۰/۱۲	۰/۱۰	۰/۱۲	۰/۶۷	-۰/۷۷

به طور کلی ۵۱ درصد اظهارنظرها غیرمقبول و ۴۹ درصد شامل اظهارنظرهای مقبول حسابرسی بوده است. میانگین بیش اعتمادی مدیر برابر با ۰/۰۲۸- و انحراف معیار آن برابر با ۰/۲۵ می‌باشد. درصد متعلق به سهامدار عمده برابر ۵۲٪ درصد است.

در نگاره زیر میزان ضریب تعیین کاکس - اسنل محاسبه شد که برابر با ۰/۱۸ است. گرچه این مقدار بالا نیست اما به دلیل معنادار بودن مدل مقدار آن قابل قبول و محل استناد است. مقدار ضریب تعیین نایجل کرک نیز محاسبه شده است که برابر با ۲۳ درصد است.

نگاره (۳). مقدار ضریب تعیین کاکس اسنل و نسبت درست‌نمایی برای مدل

نسبت درست‌نمایی	ضریب تعیین کاکس - اسنل	ضریب تعیین نایجل کرک
۴۹/۴۸۰	۰/۱۸	۰/۲۳

در نگاره زیر آزمون نکویی برازش (کفایت نمونه) با استفاده از آزمون‌ها سمر لم شو انجام شده است. فرض صفر و فرض مقابل به شرح زیر نوشته می‌شود:

$$\begin{cases} H_0: & \text{تعداد نمونه برای مدل کافی است} \\ H_1: & \text{تعداد نمونه برای مدل کافی نیست} \end{cases}$$

نگاره (۴). آزمون کفایت داده‌ها برای مدل اول

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای - دو
۰/۶۴	۸	۶/۰۲

مقدار احتمال برای آزمون‌ها سمرلم شو برابر با ۱۰/۶۴ است یعنی فرض صفر در سطح ۹۵ درصد اطمینان رد نمی‌شود که این مقدار کفایت داده‌ها یا برازندگی مدل را نشان می‌دهد.

نگاره (۵). مقدار کای - دو برای معناداری مدل

مقدار احتمال	درجه آزادی	مقدار کای - دو
۰/۰۰۰	۶	۷۷/۴۷

میزان کای - دو مدل برابر با ۷۷/۴۷ بدست آمده است. این مقدار در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد زیرا مقدار بدست آمده از مقدار بحرانی یعنی ۹/۴۹ بزرگتر است. بنابراین فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد رد می‌شود. یعنی بین متغیرهای تحقیق و اظهارنظر حسابرس رابطه معناداری وجود دارد.

آزمون فرضیه

آزمون فرضیه تحقیق بر اساس رگرسیون لاجستیک باینری انجام شده است. علت انتخاب این رگرسیون آن است که متغیر وابسته در این تحقیق، یک متغیر دو وجهی با مقدار یک و صفر است. مقدار یک برای اظهارنظر غیر مقبول و مقدار صفر برای اظهارنظر مقبول می‌باشد. نتایج آزمون فرضیه در ادامه، در نگاره شماره ۶ آورده شده است. با توجه به این نگاره مقدار احتمال آماره والد برای متغیر بیش اعتمادی برابر با صفر است، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش بیش اعتمادی احتمال اظهارنظر غیر مقبول حسابرس کاهش می‌یابد. با این تفاسیر فرضیه پژوهش مبتنی بر ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس پذیرفته می‌شود.

مقدار احتمال آماره والد برای اندازه شرکت برابر با صفر است، این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرس رابطه معنادار و مثبت دارد. یعنی با افزایش اندازه شرکت احتمال اظهارنظر غیر مقبول

حسابرس افزایش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای نسبت اهرمی برابر با $۰/۶۳$ است، این مقدار بیشتر $۰/۰۵$ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود. یعنی این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معناداری ندارد. مقدار احتمال آماره والد برای نوع موسسه برابر با صفر است، این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ است. پس فرض صفر یعنی بی‌تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و مثبت دارد. یعنی هنگامی که حسابرس، سازمان حسابرسی است، احتمال اظهارنظر غیرمقبول حسابرس افزایش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای درصد سهام متعلق به سهامدار عمده برابر با صفر است، این مقدار کمتر از $۰/۰۵$ است..

تکانه (۶). آزمون فرضیه

متغیرها	ضریب	انحراف معیار	آماره والد	درجه آزادی	مقدار احتمال	نتیجه	VIF
عرض از مبدأ	-۴/۷۳	۱/۴۱	۱۱/۲۱	۱	۰/۰۰۱	معنادار و منفی	
بیش اعتمادی	-۳/۵۵	۰/۶۵	۲۹/۵۶	۱	۰/۰۰۰	معنادار و منفی	۱/۱۸
اندازه شرکت	۰/۴۰	۰/۱۰	۱۵/۳۹	۱	۰/۰۰۰	معنادار و مثبت	۱/۱۴
نسبت اهرمی	-۰/۳۳	۰/۶۸	۰/۲۴	۱	۰/۶۲۷	بی‌معنی	۱/۰۸
نوع موسسه حسابرسی	۰/۸۷	۰/۲۷	۱۰/۳۱	۱	۰/۰۰۱	معنادار و مثبت	۱/۱۰
درصد سهام متعلق به سهامدار عمده	-۲/۱۵	۰/۴۸	۱۹/۸۹	۱	۰/۰۰۰	معنادار و منفی	۱/۰۲
رشد فروش	۰/۳۲	۰/۴۲	۰/۵۷	۱	۰/۴۵۲	بی‌معنی	۱/۱۵
آماره کای دو	۷۷/۴۷			۶	۰/۰۰۰		
ضریب تعیین کاکس اسنل	۰/۱۸						
ضریب تعیین نایجل کرک	۰/۲۳						
اثرات سال و صنعت لحاظ شده است							

پس فرض صفر یعنی بی تأثیر بودن این متغیر رد می‌شود. این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معنادار و منفی دارد. یعنی با افزایش درصد سهام متعلق به سهامدار عمده احتمال اظهارنظر غیرمقبول کاهش می‌یابد. مقدار احتمال آماره والد برای رشد فروش برابر با ۰/۴۵ است، این مقدار بیشتر ۱۰/۰۵ است. پس فرض صفر یعنی بی تأثیر بودن این متغیر رد نمی‌شود. یعنی این متغیر با اظهارنظر غیرمقبول حسابرس رابطه معناداری ندارد.

مقادیر VIF (عامل افزایش واریانس) شاخصی برای بررسی همخطی بین متغیرهای مستقل است در صورتی که مقدار آن بالاتر از ۱۰ باشد احتمال وجود همخطی بین متغیرهای مستقل وجود دارد. میزان این شاخص در بیشترین مقدار برابر با ۱/۱۸ (برای متغیر بیش اعتمادی) است. بنابراین همبستگی میان متغیرهای مستقل وجود ندارد.

مقایسه مقدار میانگین بیش اعتمادی برای اظهارنظر حسابرس

برای تحلیل بیشتر در مورد تائید معنی‌داری متغیر بیش اعتمادی در نگاره شماره ۳، آزمون اضافی مقایسه میانگین بیش اعتمادی در دو گروه از شرکت‌ها با اظهارنظر مقبول و غیر مقبول به شرح نگاره شماره ۷ ارائه شده است. یعنی در این آزمون مقدار میانگین بیش اعتمادی برای دو گروه شرکت‌های با اظهارنظر غیرمقبول و مقبول با هم مقایسه می‌گردد.

$$\begin{cases} H_0: \mu_1 = \mu_2 & \text{میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌های با اظهار نظر غیر مقبول و مقبول برابر می‌باشد.} \\ H_1: \mu_1 \neq \mu_2 & \text{میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌های با اظهار نظر غیر مقبول و مقبول برابر نمی‌باشد.} \end{cases}$$

تکراه (۷). آزمون دونمونه مستقل برای مقایسه میانگین بیش اعتمادی دو گروه از شرکت‌ها

نتیجه	سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار	انحراف معیار	میانگین	تعداد	اظهار نظر حسابرس	متغیرهای مستقل و کنترل
میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌ها با اظهار نظر غیر مقبول به صورت معناداری کوچکتر از سایر	۰/۰۰۰	۳۸۹	۵/۴۴	۰/۲۲	۰/۱۷	۲۰۱	مقبول	بیش اعتمادی
				۰/۱۸	-۰/۰۹۶	۲۱۱	غیر مقبول	

مقدار آماره آزمون برابر با ۵/۷۴ است. این مقدار در ناحیه رد فرض صفر قرار دارد، یعنی مقدار میانگین بیش اعتمادی برای شرکت‌ها با اظهارنظر غیر مقبول به صورت معناداری کوچکتر از میانگین شرکت‌ها با اظهارنظر مقبول است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

این پژوهش ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس را مورد مطالعه قرار می‌دهد. هدف از انجام این پژوهش توسعه مبانی نظری مرتبط با بیش اعتمادی مدیریت و کمک به تصمیم‌گیری‌های مرتبط با ارزیابی ریسک توسط حسابرسان و آگاه نمودن قانون‌گذاران در حوزه حسابرسی، از سطح بیش اعتمادی مدیر و رابطه آن با اظهارنظر حسابرس می‌باشد.

یکی از ویژگی‌های جالب مدیریتی، بیش اعتمادی است. روانشناسان به این نتیجه رسیده‌اند افرادی که بیش اعتمادی دارند، امکان موفقیت خود را بیش از حد ارزیابی می‌کنند، موفقیت خود را مدیون توانایی‌های خود می‌دانند و نقش شانس و عوامل خارجی را در این امر کمتر از حد ارزیابی می‌کنند. بیش اعتمادی ویژگی شخصیتی است که می‌تواند به صورت اریب رفتاری و داشتن اعتقادهای غیر واقعی (مثبت) در رابطه با هر یک از جنبه‌های پیشامد در وضعیت بی اعتمادی تعریف شود، در این صورت در برآوردها اغراق خواهد شد. در شرکت‌ها، بیش اعتمادی مدیرعامل به صورت مستعد بودن مدیرعامل برای بیش بینی بسیار مثبت نتایج یا تخمین بیش از حد احتمال وقوع نتایج، تعریف می‌شود. مدیران بیش اعتماد، به طور نظام‌مندی بازده آتی ناشی از پروژه‌های سرمایه‌گذاری را بیش از حد تخمین می‌زنند یا به بیانی، احتمال و اثر رویدادهای مطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را بیش از حد برآورد می‌کنند و احتمال و اثر رویدادهای نامطلوب بر جریان‌های نقدی شرکت را کمتر از حد تخمین می‌زنند. بنابراین انتظار می‌رود مدیرانی که بیش اعتمادی دارند، مخارج سرمایه‌ای بیشتری داشته باشند و سرمایه‌گذاری بیش از حدی در پروژه‌های سرمایه‌گذاری انجام دهند. تحقیقات گذشته نشان داده است هرچه سطح بیش اعتمادی مدیر بیشتر باشد احتمال صدور اظهارنظر غیر مقبول نیز افزایش می‌یابد.

در پژوهش حاضر، نتایج حاصل از اجرای رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که ارتباط معکوس و معناداری بین بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس وجود دارد. این

نتیجه با نتایج تحقیق جیانگ و لی (۲۰۱۵) مغایرت دارد. نتایج تحقیق آن‌ها نشان دهنده رابطه مثبت و معنی‌دار بین بیش اعتمادی مدیریت با احتمال صدور اظهارنظر حسابرسی غیر مقبول است. یعنی با افزایش بیش اعتمادی مدیران، اظهارنظر غیر مقبول حسابرس نیز افزایش می‌یابد. اما در تحقیق حاضر رابطه میان بیش اعتمادی مدیر با اظهارنظر غیر مقبول حسابرس، رابطه‌ای منفی و معنادار است. یعنی با افزایش بیش اعتمادی مدیر احتمال گزارش غیر مقبول حسابرس کاهش می‌یابد. این نتیجه بیانگر آن است که حسابرس و مدیریت در راستای منافع یکدیگر عمل می‌کنند و تضاد منافع میان آن‌ها وجود ندارد. به بیان دیگر حسابرس برای کسب رضایت مدیر، اظهارنظر مقبول صادر می‌کند. این مورد ناشی از تفاوت میان محیط اقتصادی ایران با سایر کشورها است. در بازار حسابرسی ایران، موسسات بزرگ حسابرسی خارجی (بین‌المللی) فعالیت ندارند. با این تفاسیر تنها فرضیه پژوهش مبتنی بر ارتباط میان بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرس پذیرفته شد.

نتایج پژوهش نشان داد که هر چه سطح بیش اعتمادی مدیر افزایش یابد، احتمال صدور گزارش غیر مقبول حسابرسی کاهش می‌یابد. این موضوع به این معنی است که بیش اعتمادی و ریسک‌پذیری مدیریت، رابطه‌ای منفی و معکوس با اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی دارد. از آنجایی که این رابطه از لحاظ تئوری باید رابطه‌ای مثبت و مستقیم با اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی داشته باشد، از این رو، بر اساس نتایج این تحقیق به جامعه حسابداران رسمی، سازمان حسابرسی و سازمان بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود تا دلایل رابطه منفی و معکوس بیش اعتمادی مدیر و اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی را مورد بررسی قرار دهند. همچنین بر کیفیت حسابرسی موسسات حسابرسی نظارت بیشتر و کارآمدتری داشته باشند و برای بهبود آن اقدامات لازم را به عمل آورند.

منابع

- بنی مهد، بهمن و سلاله نصیری پور دری. (۱۳۹۵). بیش اعتمادی مدیر و بیش نمایی سود. *مجله حسابداری مدیریت، مقاله پذیرفته شده و درنوبت چاپ*.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۰). بررسی عوامل تأثیرگذار بر اظهارنظر مقبول حسابرس. *فصلنامه بورس اوراق بهادار، شماره ۱۳، سال چهارم، ص ۵۹-۸۳*.

بولو، قاسم و مسعود حسنی القار. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر بیش اطمینانی مدیریت بر هموارسازی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله دانش حسابداری، سال ششم، ش ۲۱، صص ۳۱ تا ۵*.

حساس یگانه، یحیی و حسنی القار، مسعود. مرفوع، محمد. (۱۳۹۴). بیش اطمینانی مدیریت و حق الزحمه حسابرسی. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۸۱، صص ۳۶۳ تا ۳۸۴*.
دستگیر، مهدی و سپیده کاظمی نوری. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر آشفستگی مالی. *مجله بررسی های حسابداری، دوره ۱، شماره ۲، صص ۳۷-۵۱*.

رامشه، منیژه و مهناز ملانظری (۱۳۹۳)، بیش اطمینانی مدیریت و محافظه کاری حسابداری. *دانش حسابداری: بهار ۱۳۹۳، دوره ۵، شماره ۱۶، صفحه ۵۵ الی ۷۹*.

عرب صالحی، مهدی. امیری، هادی و سپیده کاظمی نوری. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اعتماد به نفس بیش از حد مدیران ارشد بر حساسیت سرمایه گذاری - جریان های نقدی. *نشریات مالی دانشگاه اصفهان، جلد ۶، شماره ۲، صفحات ۱۱۵-۱۲۸*.

علی نژاد ساروکلائی، مهدی و فاطمه پیرمرادی. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر بیش اعتمادی مدیریت بر کیفیت اقلام تعهدی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری استان گلستان، گرگان - یکم اسفند ماه ۱۳۹۲.

فرج زاده دهکردی، حسن و ناهید حیدری. (۱۳۹۵). بررسی رابطه توانایی مدیریت با حق الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت. *مجله پژوهش های تجربی حسابداری، سال ششم، شماره ۲۳، صص ۲۲۱-۲۳۹*.

فروغی، داریوش و زهرا نخبه فلاح. (۱۳۹۳). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر محافظه کاری شرطی و غیر شرطی. *مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال ششم، شماره اول، پیاپی ۱۹، صص ۲۷-۴۴*.
مشایخ، شهناز و سمیرا بهزادپور (۱۳۹۳)، تأثیر بیش اطمینانی مدیران بر سیاست تقسیم سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *مجله بررسی های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۱، شماره ۴، صص ۴۸۵-۵۰۴*.

Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Research, 51 (1): 1-30*.

Ali Nejad Sarokkalei, M. F. Pirmoradi, Abbas, S. (2013), Investigating the Impact of Management Trust on the Accuracy of Actuality among Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. Second National Conference on Accounting, Financial Management and Investment, https://www.civilica.com/Paper-CAFM02-CAFM02_436.html. (In Persian).

- Anderson, C. , S. Brion, D. M. Moore, J. A. Kennedy. (2012). A status-enhancement account of overconfidence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 103, 718-735 .
- Arabsalehi, Mehdi. Amiri, Hadi. (2014). the Effect of Top Executives' Overconfidence on the Investment-Cash Flow Sensitivity. *Journal of Financial Accounting Researches*, Volume 6, Issue 2, pp115-128. (In Persian).
- BaniMahd, B. (2012). Investigating factors influencing the auditor's opinion. *Quarterly Journal of the Stock Exchange*, Vol. 4, No. 13, pp 59-83 (in Persian).
- Banimahd. B; S, NasiriPour Dori. (2016). Managerial Overconfidence and Earnings Overstatement. *Journal of the Management accounting*, Vol. 9, No. 30: 55-65 (in Persian).
- Ben-David, I. , Graham, J. R. & Harvey, C. R. (2010). Managerial miscalibration, working paper, Duke University.
- Bolo & Hassani Elghar. (2014). Examining Managerial Overconfidence Effect on Earnings Smoothing in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, Issue 21, 5-31 (in Persian)..
- Chen,S. , Lai, S. , Liu, C. , McVay, S. (2014). Overconfident Managers and Internal Controls. Working paper, National Taiwan University and University of Washington.
- Chyz, J. , Gaertner, F. Kausar, A & Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2408236>.
- Dastgir, M; F Miraki. S Kazemi Noori. (2014). the Impact of Top Executives Overconfidence on Financial Distress. *Journal of Accounting Reviews*, Volume 1, Issue 2, pp 37-51 (in Persian).
- Duellman, S. , Hurwitz, H. & Sun, Y. (2015). Managerial Overconfidence and Audit Fees. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 11 (2): 148-165.
- Farajzadeh Dehkordi, H; Nahid Heidari. (2016). The Relation of Managerial Ability to Audit Fees and Going Concern Opinions. *Journal of Empirical Research in Accounting*, Volume 6, Issue 3, pp 221-239 (in Persian).
- Fargher, N & Zhang, J. (2014). Changes in the measurement of fair value: Implications for accounting earnings. *Accounting Forum*, vol. 38, no. 3, pp 184-199.
- Gayoung Ji. And J. (2015). Managerial Overconfidence and Going - Concern Modified Audit Opinion Decisions. *Journal of Applied Business Research*, Volume 31, 2123-2138 .

- Hambrick, D. & Mason, P. (1984). Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers. *Academy of Management Review*, 9 (2): 193-206.
- Hasas Yeganeh, Y, Hasani Alghar, M. Marfou, M. (2015). Managerial overconfidence and audit fees. *Journal of Accounting and Auditing Review, Article 6, Volume 22, Issue 3*, pp 363-384 (in Persian).
- Heaton, J. (2002). Managerial Optimism and Corporate Finance. *Financial Management*, 31 (2): 33– 45.
- Hillery, G. , & Hsu, C. (2011). Endogenous overconfidence in managerial forecasts. *Journal of Accounting and Economics*, 51 (3) , 300–313.
- Hsieh, T. , Bedard, J. C. & Johnstone, K. M. (2014). CEO Overconfidence and Earnings Management during Shifting Regulatory Regimes. *Journal of Business Finance & Accounting*, 41 (9-10): 1243-1268 .
- Lennox, C, S. Xi Wu, and Tianyu Zhang (2014) Does Mandatory Rotation of Audit Partners Improve Audit Quality? *The Accounting Review*, Vol. 89, No. 5, pp. 1775-1803.
- Malmendier, U. , G. Tate, and J. Yan. (2011). Overconfidence and early-life experiences: The effect of managerial traits on corporate financial policies. *The Journal of Finance*, 66, 1687-1733 .
- Malmendier, U. and G. Tate, (2005) , CEO overconfidence and corporate investment. *The Journal of Finance*, 60, 2661- 2700 .
- Mashayekh, S; Behzadpur, S. (2014). The effect of managers' overconfidence on dividend policy in the firms listed in Tehran stock market. *Journal of Accounting and Auditing Review, Volume 21, Issue 4* pp 485-504 (in Persian).
- Nokhbeh Fallah, Z. Foroghi, D. (2014). The Effect of Managerial Overconfidence on Conditional and Unconditional Conservatism. *Journal of Financial Accounting Researches, Article 4, Volume 6, Issue 1*, pp 27-44 (in Persian).
- Pompian, M. M. (2006). Behavioral Finance and Wealth Management. Translated by: Ahmad Badri, Kayhan Publishers
- Rameshe, M. Mollanazari. (2014). Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism. *Journal of Accounting Knowledge, Issue 16, Vol. 5, No. 16*, pp 55-79 (in Persian).
- Reynolds, K, and J, R. Francis. (2000). Does size matter? The influence of large clients on office-level auditor reporting decisions. *Journal of Accounting and Economics*, vol. 30, issue 3, pp 375-400.
- Schrand, C. , and S. Zechman. (2011). Executive overconfidence and the slippery slope to financial misreporting. *Journal of Accounting and Economics*, 53, 311-329.
- Skala, D. (2008). Overconfidence in Psychology and Finance an Interdisciplinary. *Literature Review. Bank i Kredyt*, (4): 33-50.

استراتژی های کسب و کار و رابطه آن با عملکرد مالی شرکت ها

محمد مرفوع*، رباب شاکری**

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۶/۰۷

چکیده

در این پژوهش، رابطه عوامل درونی شرکت (بلوغ و انعطاف پذیری مالی) با استراتژی کسب و کار شرکت و همچنین رابطه استراتژی کسب و کار شرکت با عملکرد مالی (ریسک و بازده) آن، مورد بررسی قرار گرفته است. در نهایت نقش زمینه صنعت (نوسانات بازار و رقابت در صنعت) بر ارتباط عوامل درونی شرکت با استراتژی کسب و کار شرکت، بررسی شده است. جهت ارزیابی نوع استراتژی انتخابی شرکت ها (تهاجمی یا تدافعی)، از سیستم امتیازدهی اینتر و لراکر (۱۹۹۷) استفاده شده است. به منظور تحلیل های آماری، از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده و دو متغیر کنترلی (اندازه شرکت و اهرم مالی) نیز در مدل ها مورد استفاده قرار گرفته شده است. قلمرو زمانی پژوهش، دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ بوده و نمونه پژوهش شامل ۱۶۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. نتایج بدست آمده حاکی از آن است که هر چه شرکت بالغ تر و انعطاف پذیری مالی بیشتری داشته باشد استراتژی کسب و کار آن تدافعی تر است. علاوه بر این هر چه استراتژی کسب و کار شرکت تهاجمی تر باشد، بازده دارایی آن بیشتر و ریسک ویژه آن کمتر است. همچنین نتایج پژوهش بیانگر آن است که نوسانات بالای بازار و رقابتی بودن صنعت، اثر تقویت کننده ای بر رابطه بین بلوغ شرکت و انعطاف پذیری مالی با استراتژی کسب و کار شرکت ندارند.

واژه های کلیدی: استراتژی کسب و کار، بلوغ شرکت، انعطاف پذیری مالی، ریسک ویژه شرکت، بازده دارایی ها.

طبقه بندی موضوعی: M41, L1

DOI: 10.22051/jera.2017.12670.1507

*استادیار حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (marfoua@gmail.com).

**دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، (shakeriexe@gmail.com).

مقدمه

امروزه با توجه به تغییرات مداوم محیطی، بقای سازمان‌ها به اشکال مختلفی تهدید می‌شود. سازمان‌ها برای ادامه حیات خود نیازمند گزینش استراتژی مناسب جهت حداکثرسازی بهره‌برداری از فرصت‌های محیطی با توجه به نقاط قوت و ضعف خود هستند. بدین ترتیب سازمان‌ها با انتخاب بهترین استراتژی گامی در جهت بهبود عملکرد خود برمی‌دارند. استراتژی‌های مختلف سازمان، در جهت واکنش مناسب نسبت به عوامل محیطی اتخاذ می‌شوند و تناسب آنها با میزان تغییرات محیطی موضوع حیاتی برای سازمان است (رضوانی، ۱۳۹۱)، به نحوی که موفقیت دائمی موسسه را تضمین و از پیشامدها و تهدیدات ناگهانی پیش‌گیری نماید (بت شکن، ۱۳۷۸). از نظر اغلب سرمایه‌گذاران، وضع مالی سازمان به عنوان تنها عامل یا معیار تعیین‌کننده وضع رقابتی آن محسوب می‌شود و اغلب، عوامل مالی موجب می‌شوند که استراتژی‌های کنونی و برنامه‌های اجرایی تغییر یابند (اعرابی و عابدی، ۱۳۸۹). بنابراین، جهت نیل به توسعه و تعالی کسب‌وکار، ضروری است که جهت‌گیری و استراتژی‌های منتخب سازمان نیز مد نظر قرار گیرند. اما هم‌اکنون، اطلاعات اندکی درباره عوامل تعیین‌کننده استراتژی‌های کسب‌وکار وجود دارد. گسترش مطالعات در این حوزه می‌تواند پایه، اساس و توجیه منطقی جهت تصمیم‌گیری استراتژیک برای مدیران فراهم آورد. استفاده کنندگان همواره برای تصمیم‌گیری و انجام تحلیل‌های خود به اطلاعات قابل اتکا نیازمندند و فقدان اطلاعات مناسب و مربوط، موجب اختلال در تصمیم‌گیری آنان می‌شود. اطلاعات در حوزه عملکرد مالی شرکت‌ها از نظر استفاده کنندگان از اهمیت بسزایی برخوردار است. تاکنون متغیرهای متعددی در رابطه با عملکرد مالی توسط محققین مورد مطالعه قرار گرفته است به گونه‌ای که سرمایه‌گذاران، مدیران و اعتباردهندگان، هر یک معیارهایی را برای سنجش عملکرد واحد تجاری مورد توجه قرار می‌دهند (ممتازیان و کاظم‌نژاد، ۱۳۹۵). اما در این بین، مطالعات بسیار محدودی به بررسی رابطه استراتژی کسب‌وکار با عملکرد مالی پرداخته‌اند. استفاده کنندگان می‌توانند با توجه به استراتژی انتخابی توسط سازمان، عملکرد مالی شرکت را مورد سنجش قرار داده و با بکارگیری اطلاعات حاصله، در کنار سایر اطلاعات مربوط به صورت‌های مالی، تصمیم بهینه‌تری را اتخاذ نمایند.

با توجه به آنچه بیان شد اطلاعات در حوزه استراتژی کسب و کار و درک مفاهیم عملکردی مربوط به آن هم‌اکنون بسیار محدود می‌باشد. لذا این پژوهش با بررسی محرک‌های ایجاد استراتژی کسب و کار برای مدیران و محققان پیشی گسترده‌تر و در امر انتخاب بهترین فرصت سرمایه گذاری، اطلاعاتی مفید در اختیار سرمایه گذاران و تحلیل‌گران قرار می‌دهد. این پژوهش به دنبال پاسخگویی به دو پرسش اصلی است: (۱) عوامل درونی شرکت، جهت تعیین نوع استراتژی کسب و کار، چگونه عمل می‌کنند؟ انتظار می‌رود این عوامل در صنایع به طور متفاوت عمل کنند، بنابراین نقش زمینه صنعت نیز در پرسش در نظر گرفته می‌شود. (۲) چگونه استراتژی کسب و کار بر عملکرد مالی شرکت اثر می‌گذارد؟

برای پرداختن به این پرسش‌ها، با توجه به نظریه قابلیت‌های پویا^۱ (تیس و همکارانش، ۱۹۹۷) عوامل درونی شرکت به عنوان تعیین‌کننده‌های استراتژی کسب و کار، شناسایی می‌شوند. طبق این نظریه دو عامل بر استراتژی کسب و کار اثر می‌گذارند که شامل چرخه عمر سازمانی (بلوغ یا رشد شرکت) و انعطاف‌پذیری شرکت می‌باشد (تیس و همکاران، ۱۹۹۷). همچنین این نظریه، امکان پیش‌بینی چگونگی تاثیر استراتژی کسب و کار بر دو بعد مهم عملکرد مالی (ریسک و بازده)، را فراهم می‌کند.

مبانی نظری پژوهش

در تعریف استراتژی تفاهم کلی و جامعی وجود ندارد و صاحب‌نظران مختلف این واژه را به گونه‌های گوناگونی به کار می‌برند. چندلر استراتژی را به این شرح تعریف می‌کند: "استراتژی تعیین اهداف اساسی و بلندمدت یک سازمان و گزینش اقدامات و تخصیص منابع لازم برای دستیابی به این اهداف است" (چندلر، ۱۹۶۲). پیرس و رایبسون استراتژی را چنین تعریف کرده‌اند: "استراتژی برنامه‌های مقیاس بزرگ و آینده‌نگر برای تعامل با محیط رقابتی به منظور بهینه کردن دستیابی به هدف‌های سازمان و به عبارتی برنامه بازی مؤسسه می‌باشد، که اگرچه همه نیازهای انسانی، مالی و مواد در آینده را به تفصیل بیان نمی‌کند ولی چارچوبی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد و آگاهی شرکت در باره نحوه رقابت در برابر کی، کی، کجا و برای چه را نشان می‌دهد" (پیرس و رایبسون؛ خلیلی شورینی، ۱۳۸۰). استراتژی در اصطلاح عام، برنامه و دورنمایی از اهداف آینده است که یک موجودیت در

جهت نیل به اهداف خود، آن استراتژی را تدوین و پیگیری می‌کند. اما در علم مدیریت، تدوین استراتژی همانا یکی از وظایف خطیر مدیریتی است که مبنای تصمیم‌گیری‌های حیاتی مدیران برای حفظ بقای سازمان و فعالیت آن می‌باشد.

استراتژی کسب‌وکار بر بهبود موقعیت رقابتی محصولات واحد کسب‌وکار (کالاها یا خدمات) در یک صنعت یا یک بخش بازار خاص تأکید می‌کند. استراتژی کسب‌وکار نشان می‌دهد که یک سازمان چگونه باید در یک صنعت خاص رقابت یا همکاری کند. باید توجه داشت که به لحاظ نزدیکی و شباهت سطح کل سازمان و سطح کسب‌وکار، ممکن است برخی از استراتژی‌های آن‌ها مشابه باشند. دو چارچوب رایج و حاکم برای استراتژی‌های کسب‌وکار (همبریک، ۲۰۰۳) عبارتند از:

- تایپولوژی مایلز و اسنو که بر نرخ تمایل به تغییر محصول-بازار تمرکز دارد.
- تایپولوژی پورتر که بر مشتریان و رقبا تمرکز دارد.

در این پژوهش از تایپولوژی مایلز و اسنو (۱۹۷۸) استفاده می‌شود. تمرکز بر این تایپولوژی مزایای بسیاری دارد که برخی از این مزایا عبارتند از: "جامعیت" (زهر و پیرس، ۱۹۹۰)، انعکاس چشم‌انداز بسیار گسترده‌تر و جامع‌تر (ونکاترمن، ۱۹۸۹) و ارائه کامل‌ترین تصویر از طبقه‌بندی سازمانی مرتبط با استراتژی‌های خاص (دنت، ۱۹۹۰).

تایپولوژی مایلز و اسنو: بر اساس یافته‌های مایلز و اسنو (۱۹۷۸) سازمان‌ها عمدتاً از یکی از چهار نوع استراتژی تطبیقی مهاجمان ۲ (اکتشاف‌کنندگان)، تحلیل‌گران ۳، منفعلان ۴) و واکنش‌گران) و مدافعان ۵ استفاده می‌کنند.

سازمان‌هایی که استراتژی تهاجمی (اکتشافی) را انتخاب می‌کنند، بسیار نوآورانه عمل می‌کنند و همواره به دنبال بازارهای جدید و فرصت‌های جدید رشد بیشتر هستند. چنین سازمان‌هایی به طور مداوم در پی توسعه محصولات و ایده‌های جدید و خلاقانه هستند و طیف گسترده‌ای از محصولات و بازارها را دارند. سازمان‌هایی که استراتژی تدافعی را انتخاب می‌کنند، تلاش می‌کنند تا جایگاهی مطمئن در حوزه‌های با ثبات خدمت یا کالا پیدا کنند و آن را حفظ نمایند. چنین سازمان‌هایی طیف نسبتاً محدودی از محصولات را در مقایسه با رقبا

عرضه می‌کنند و سعی می‌کنند تا با تأکید بر تولید کارآمد و رضایت مشتریان، برتری خود را حفظ کنند. این سازمان‌ها معمولاً در توسعه و طراحی محصولات جدید پیش قدم نمی‌شوند. سازمان‌هایی که استراتژی تحلیل‌گر را انتخاب می‌کنند، در مقایسه با استراتژی مهاجم، تغییرات کمتر و کندتری در محصول و بازار اعمال می‌کنند، اما در مقایسه با مدافع تعهد کمتری به ثبات و حفظ سهم بازار خود دارند. سازمان‌هایی که استراتژی منفعل را انتخاب می‌کنند، استراتژی رقابتی تعریف شده و مشخصی ندارند. این سازمان‌ها مثل رقبایشان از سیاست محصول-بازار ثابتی برخوردار نیستند و دوست ندارند تا همانند رقبایشان ریسک‌های طراحی و توسعه محصولات جدید یا بازار جدید را بپذیرند و زمانی که تحت فشارهای محیطی قرار می‌گیرند از خود واکنش و پاسخ نشان می‌دهند.

در این پژوهش از دو سرطیف استراتژی (تدافعی و تهاجمی) استفاده می‌شود و با استفاده از سیستم امتیازدهی ترکیبی (ایتنر و لرکر، ۱۹۹۷)، شرکت‌ها به دو گروه شرکت‌های تدافعی و تهاجمی تقسیم می‌شوند.

بر اساس مطالعات محققان حیطه مدیریت استراتژیک، عوامل اثرگذار بر استراتژی شرکت (اعرابی و همکاران، ۱۳۸۹) را می‌توان دو دسته کلی به صورت زیر تقسیم نمود: عوامل درونی و عوامل بیرونی. عوامل درونی، تا حدود زیادی در کنترل مدیریت سازمان می‌باشند. یعنی مدیریت سازمان می‌تواند از طریق تصمیم‌گیری‌های خود، آن‌ها را تغییر داده و کنترل کند. طبق نظریه قابلیت‌های پویا (تیس و همکارانش، ۱۹۹۷)، دو عامل درونی کلی (شامل: چرخه عمر سازمانی (بلوغ) و انعطاف‌پذیری شرکت) بر استراتژی کسب‌وکار اثر می‌گذارند. شرکت‌های جوان‌تر (بلوغ کمتر) اغلب سازگارترند و پیچیدگی کمتری دارند، اما تحت محدودیت‌های قابل توجه منبع عمل می‌کنند به گونه‌ای که آنها برای حضور در بازار، به دست آوردن مشروعیت از ذینفعان و تضمین جای پا در بازار مبارزه می‌کنند (جاریلو ۱۹۸۹). چنین شرکت‌هایی اغلب بدهی قابل توجهی را انباشته می‌کنند و با ارائه طیف نسبتاً محدودی از کالاها و خدمات، کاهش قیمت محصولات و کیفیت برتر از رقبای سعی می‌کنند تا مشتریان بیشتری را جذب و بهبودهایی را در آمار فروش و سود کوتاه‌مدت ایجاد و از پرداخت تعهدات بدهی اطمینان حاصل کنند. از سوی دیگر، شرکت‌های بالغ‌تر جریان پایای منابع را از طریق وضعیت پایدار بازار و مشروعیت تثبیت شده بدست آورده‌اند. این امر فرصتی را برای ایجاد

قابلیت‌های اضافی ضروری، جهت پشتیبانی از تلاش‌های نوآورانه فراهم می‌کند. با این حال، آنها با رکود سازمانی و تردیدهای نوآوری مبارزه می‌کنند (سیرمون و همکاران، ۲۰۱۱). بنابراین، شرکت‌های جوان‌تر (در معرض محدودیت‌های قابل توجه منابع و مشروعیت) و شرکت‌های بالغ (در پی مزیت و منافع پایدار و توانایی ادامه نوآوری) به انتخاب استراتژی کسب‌وکار متناسب روی می‌آورند. انعطاف‌پذیری مالی واحد تجاری را قادر می‌سازد تا از فرصت‌های غیرمنتظره سرمایه‌گذاری به خوبی بهره‌گیرد و در دورانی که جریان‌های نقدی حاصل از عملیات (به عنوان مثال به دلیل کاهش غیرمنتظره در تقاضا) در سطح پایین و احتمالاً منفی قرار دارد به حیات خود ادامه دهد. یک شرکت می‌تواند برای جایگزین‌سازی دارایی‌ها و منابع دیگر در حوزه‌های متنوع و مهم با توجه به شرایط ویژه از انعطاف‌پذیری استفاده کند (ووس و همکاران ۲۰۰۸). به این ترتیب انعطاف‌پذیری قابلیت مفید به منظور پاسخ به نوسانات بازار به شیوه‌ای سریع‌تر و موثرتر فراهم می‌کند و طیف گزینه‌ها را با توجه به استراتژی‌ها (استراتژی کسب‌وکار) و عملیات افزایش می‌دهد. بنابراین انعطاف‌پذیری، شرکت را به تغییر ساختار، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مخاطره‌آمیز، کشف فرصت‌ها و قابلیت‌های اضافی بازار (بدون ترس از موانع عملیات‌های کنونی، تهدید قابلیت‌های موجود یا ایجاد تنش‌های داخلی) قادر می‌سازد.

سازمان‌ها و کسب‌وکارها در محیط خارجی گسترده‌ای (شامل عواملی که بر عملکرد سازمان تاثیر دارند اما تحت کنترل نیستند) فعالیت می‌کنند. از جمله عوامل بیرونی (برخاسته از گروه‌ها یا ذینفعانی که به طور مستقیم با سازمان ارتباط دارند) که بر سازمان تاثیر می‌گذارند می‌توان به رقابت صنعت و نوسانات بازار اشاره نمود. رقابت صنعت به معنای انتخاب‌های بسیاری برای مشتریان که توسط تعداد زیادی از شرکت‌ها ارائه می‌شود، می‌باشد (کوهلی و جاورسکی، ۱۹۹۰). شرکت‌های جوان‌تر (کمتر بالغ) برای موقعیت بازار و مشروعیت مبارزه می‌کنند و پذیرش در صنایعی با رقابت بیشتر دشوارتر می‌باشد. بنابراین با توجه به فشارهای رقابتی به استراتژی کسب‌وکاری نیاز دارند تا جایگاهی مطمئن در حوزه‌های با ثبات خدمت یا کالا پیدا کرده و آن را حفظ نمایند. اما شرکت‌های بالغ در صنایع رقابتی بالا باید نوآوری‌های خود را برای دفع تهدیدات رقابتی حفظ کنند. شرکت‌های بالغ معمولاً به دلیل تصدیشان با تهدیدهای بیشتری مواجه هستند (چندی و تلیز ۲۰۰۰) و ناچار به ایجاد موانع

ورود قوی، همچون ظهور تهدیدات رقابتی در اطرافشان می‌باشند (هان و همکاران ۲۰۰۱). در صنایع کمتر رقابتی شرکت‌های کمتری وجود دارند که در مبارزه برای منابع کمیاب بازار با شند. این امر بدست آوردن جای پا که شرکت‌های کمتر بالغ به دنبال آن هستند را در بازار آسان‌تر می‌کند. بنابراین در شرایط رقابتی محدودیت‌ها و موانع برای شرکت‌های جوان و بالغ شدیدتر و در نتیجه انتخاب استراتژی مناسب جهت دفع این موانع و محدودیت‌ها ضروری‌تر به نظر می‌رسد. نوسانات بازار شامل مشتریانی می‌باشد که دارای اولویت‌ها و تقاضاهای پویا می‌باشند (جاورسکی و کوهلی، ۱۹۹۳)، چنین موقعیتی برنامه‌ریزی موثر و تضمین جریان پایدار منابع را دشوار می‌سازد. علاوه بر این، دستیابی به مشروعیت در محیط‌های پرنوسان دشوارتر است به طوری که مشتری (که نیاز دارد و تمایل به خرید دارد) ظاهر شده و سریعاً ناپدید می‌شود. در این صورت، مشتریان نسبت به پیشنهادهاتی که ممکن است به آن‌ها اعتماد نکنند یا معتبر ندانند ریسک‌گریز باشند (پلامبک ۲۰۱۲). از نظر استراتژی کسب‌وکار، شرکت‌های جوان‌تر تلاش می‌کند تا جایگاهی مطمئن در حوزه‌های با ثبات خدمت یا کالا پیدا کرده و آن را حفظ نماید. نوسانات بالای بازار محدودیت منابع، تعهدات مربوط به بدهی‌ها و نگرانی‌های مربوط به مشروعیت را که شرکت‌های جوان‌تر با آن مواجه می‌شوند، تشدید می‌کند (آگاروال و آدرچ ۲۰۰۱). از طرف دیگر تحت نوسانات بالای بازار شرکت‌های بالغ ممکن است با مشکلات نوآوری ناشی از رکود و فشار رقابتی مواجه شوند. در چنین موقعیت‌هایی تقاضاهای پویای مشتری به ارائه محصولات نوآورانه (هاورز و همکاران ۲۰۰۷)، فشار بیشتری به شرکت‌های بالغ وارد ساخته به گونه‌ای که آن‌ها را به گزینش استراتژی کسب‌وکار متناسب وامی‌دارد. بنابراین، در مواجهه با نوسانات بالای بازار، شرکت‌ها تمایل دارند تا جایی که لازم است جابجا شده و فعالیت کنند، به طوری که استراتژی کسب‌وکار انتخابی، آنها را به برآوردن بهتر نیازهای فعلی و سرمایه‌گذاری در شایستگی‌های موجود، قادر سازد. به این ترتیب انتظار می‌رود بلوغ و انعطاف‌پذیری شرکت، استراتژی کسب‌وکار را به طور متفاوت در زمینه‌های متعدد صنعت، تحت تاثیر قرار دهند (میزیک و جاکوبسن ۲۰۰۳؛ ووس و همکاران ۲۰۰۸).

بازار و تحولات آن مهم‌ترین چالش پیش روی سازمان‌ها به شمار می‌روند و دو عامل بسیار مهم (یعنی مشتریان و رقبا) در این محیط قرار می‌گیرند. مشتریان به دلیل تغییر مداوم سلیقه و

تقاضایشان و رقبا به دلیل تاثیرات غیر قابل انکار بر سهم شرکت از تقاضای بازار، عوامل چالش برانگیزی برای سازمان می‌باشند. اولین اقدام موثر در چنین بازاری، شناخت ویژگی‌های آن می‌باشد. بعد از شناخت و بررسی‌های لازم، نوبت به تجزیه و تحلیل نقاط ضعف و قوت سازمان خود، می‌رسد. که با این تحلیل‌ها می‌توان اهداف و استراتژی‌های مناسبی جهت بهبود کارکرد و اثربخشی عملیات سازمان، به کار برد. نظریه قابلیت‌های پویا (تیس و همکارانش، ۱۹۹۷)، انتظاراتی در خصوص چگونگی تاثیر استراتژی کسب‌وکار بر دو بعد مهم عملکرد مالی (ریسک و بازده)، را شکل می‌دهد، با توجه به این نظریه تاثیر استراتژی بر عملکرد مالی سازمان با توجه به رویکرد مدیریت مالی و از طریق دو معیار (ریسک و بازده) مورد بررسی قرار می‌گیرد. چرا که ریسک، پایداری مالی برنامه‌ریزی شده ناشی از فعالیت استراتژیک شرکت را شامل می‌شود (چاکراواری و گروال، ۲۰۱۱)، در حالیکه بازده، اندازه سودها را نشان می‌دهد (سرینواسن و هانسن، ۲۰۰۹). در نهایت این موارد با یکدیگر سلامت مالی کلی سازمان را نشان می‌دهند.

پیشینه پژوهش

تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام شرکت در بازه زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱، پرداختند. در این پژوهش شرکت‌ها از نظر استراتژی کسب‌وکار با استفاده از سیستم امتیازدهی اینتر و همکاران (۱۹۹۷) به دو دسته شرکت‌های تهاجمی و تدافعی تقسیم شدند و کیفیت سود با استفاده از دو شاخص محافظه‌کاری حسابداری و مدیریت سود اندازه‌گیری شده است. آن‌ها جهت اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری از شاخص محافظه‌کاری گیولی و هاین (۲۰۰۰)، و برای اندازه‌گیری مدیریت سود از مقیاس مجموع اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل تعدیل شده جونز استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که میزان مدیریت سود در شرکت‌های تدافعی نسبت به شرکت‌های تهاجمی (پیشگام) بیشتر است. همچنین، محیط اقتصادی بر رابطه بین راهبردهای تجاری شرکت و کیفیت سود آن موثر می‌باشد. علاوه بر این نتایج این پژوهش رابطه معناداری بین سطح محافظه‌کاری و بازده سهام با نوع استراتژی شرکت‌ها را نشان نمی‌داد. در نهایت نتایج حاکی از آن بود که محیط اقتصادی بر رابطه بین استراتژی‌های تجاری شرکت و بازده سهام آن، موثر نمی‌باشد.

ایزدی (۱۳۹۲) به بررسی تاثیر رقابت بازار محصول و استراتژی‌های کسب‌وکار بر رابطه بین اهرم مالی و عملکرد مالی پرداخته است. در این پژوهش جهت سنجش عملکرد مالی شرکت‌ها از دو شاخص نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری دارایی‌ها و ارزش افزوده اقتصادی استفاده گردید. جهت دسته‌بندی شرکت‌ها به دو دسته‌ی استراتژی رهبری هزینه و استراتژی تمایز از روش خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی استفاده شد. نتایج نشان داد که اهرم مالی بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تاثیر منفی داشته است. به گونه‌ای که تاثیر اهرم مالی بر عملکرد مالی (نسبت ارزش بازار شرکت به ارزش دفتری دارایی‌ها) برای شرکت‌های با استراتژی رهبری هزینه منفی‌تر از شرکت‌های با استراتژی تمایز محصول می‌باشد. در نهایت نتایج این پژوهش نشان دهنده عدم تاثیر نوع استراتژی کسب‌وکار بر رابطه بین اهرم مالی و ارزش افزوده اقتصادی شرکت‌ها می‌باشد.

زارعی‌متین، یزدانی و بیرایی (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی رابطه بین گرایش استراتژیک شرکت با عملکرد سازمانی با استفاده از رویکرد کارت امتیازی متوازن، پرداختند. در این پژوهش برای استراتژی کسب‌وکار مفهوم رقابتی در نظر گرفته شده است و از رویکرد تطبیقی و نکاترمن (۱۹۸۹) استفاده شده است. آن‌ها در این پژوهش به این نکته دست یافتند که استراتژی کسب‌وکار نقش تعیین‌کننده‌ای در عملکرد سازمانی دارد و ابعاد پیش‌فعالی، آینده‌نگری، تحلیلی و تدافعی رابطه مثبت و معناداری با عملکرد سازمانی دارند.

ابینوزی (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی اثر سیستم‌های کنترل مدیریت و استراتژی‌های کسب‌وکار بر عملکرد سازمانی کسب‌وکار متعلق به اقلیت‌ها، پرداخته است. او در این پژوهش به این نتیجه رسید که رابطه مثبت و معنی‌داری بین سیستم کنترل مدیریت (مالی و غیرمالی) و عملکرد سازمانی وجود دارد. همچنین بین استراتژی تمایز و عملکرد سازمانی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد ولی استراتژی رهبری هزینه رابطه معنی‌داری با عملکرد سازمانی ندارد.

بنتلی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر استراتژی کسب‌وکار بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها، پرداختند و به این نتیجه رسیدند که استراتژی کسب‌وکار بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها اثر گذار است و شرکت‌های دارای استراتژی آینده‌نگر در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی موفق‌تر عمل می‌کنند.

هاجر (۲۰۱۵)، در پژوهشی به بررسی اثر استراتژی کسب‌وکار بر نوآوری و عملکرد شرکت پرداخته است. نوع استراتژی در این پژوهش با توجه به تایپولوژی مایلز و اسنو (۱۹۷۸)، عبارتند از: تهاجمی، تحلیل‌گر و تدافعی. هاجر به این نتیجه رسید شرکت‌هایی که استراتژی کسب‌وکار تهاجمی دارند از نوآوری و عملکرد مالی بیشتری برخوردارند. همچنین شرکت‌هایی که سطوح بالاتری از نوآوری را دارند از عملکرد مالی بالاتری برخوردار می‌باشند.

جوزفسون (۲۰۱۴) در پژوهشی به بررسی پیامدهای مالی استراتژی‌های کسب‌وکار پرداخته است. او در این پژوهش با توجه به نظریه قابلیت‌های پویا، چگونگی تاثیر عوامل درونی شرکت و عوامل مربوط به صنعت بر استراتژی کسب‌وکار (بهره‌برداری-غالب در مقابل اکتشاف-غالب) را مورد بررسی قرار داده است. علاوه بر این، در این پژوهش تاثیر استراتژی کسب‌وکار را بر دست‌آوردهای مالی شرکت یعنی ریسک و بازده نیز بررسی شده است. نتایج جوزفسون در این پژوهش حاکی از آن می‌باشد که بلوغ و انعطاف‌پذیری شرکت عوامل تعیین‌کننده اصلی استراتژی کسب‌وکار می‌باشند و آشفته‌گی بازار و رقابت صنعت این تاثیرات را تعدیل می‌کنند. علاوه بر این، استراتژی کسب‌وکار تاثیر معناداری بر ریسک و بازده شرکت دارند.

یانی (۲۰۱۴)، در پژوهشی به بررسی تاثیر سبک رهبری و استراتژی کسب‌وکار بر عملکرد سازمانی شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدی پرداخته است. در این پژوهش جهت تعیین نوع استراتژی شرکت‌ها، تایپولوژی پورتر (۱۹۸۵) بکار گرفته شده و جهت تعیین سبک رهبری شرکت‌ها از سبک رهبری تحول‌آفرین و سبک رهبری تبادلی (تراکنشی) استفاده شده است. نتایج این بررسی نشان‌دهنده آن است که سبک رهبری تحول‌آفرین اثر مثبت و معناداری بر عملکرد سازمانی دارد ولی سبک رهبری تبادلی رابطه معناداری با عملکرد سازمانی ندارد. همچنین استراتژی رهبری هزینه‌تاثیر مثبت و معناداری بر عملکرد سازمانی شرکت‌ها دارد ولی استراتژی تمرکز و تمایز رابطه معناداری با عملکرد سازمانی ندارند. نتایج به طور کلی نشان داد که شرکت‌های کوچک و متوسط با بکارگیری سبک رهبری تحول‌آفرین و استراتژی رهبری هزینه، عملکرد سازمانی بالاتری را برای کسب‌وکار خود بوجود می‌آورند.

جرمایس (۲۰۰۸) در پژوهشی به بررسی اثرات شدت رقابت و استراتژی کسب و کار بر رابطه بین اهرم مالی و عملکرد شرکت‌ها پرداخته است. این مطالعه این فرضیه را که هزینه بدهی در شرکت‌های با استراتژی تمایز محصول از شرکت‌های با استراتژی رهبری هزینه، بالاتر است، را تایید می‌کند. علاوه بر این بین اهرم مالی و عملکرد ارتباط منفی وجود دارد و این ارتباط وقتی استراتژی انتخاب شده شرکت، استراتژی تمایز محصول به جای استراتژی رهبری هزینه باشد منفی‌تر خواهد بود.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: بین بلوغ شرکت و استراتژی کسب و کار شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین انعطاف‌پذیری مالی شرکت و استراتژی کسب و کار شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین استراتژی کسب و کار شرکت و ریسک شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین استراتژی کسب و کار شرکت و بازدهی شرکت رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه‌های زیر در خصوص تاثیرات صنعت (آشفتگی بازار و رقابت صنعت) بر رابطه عوامل درونی شرکت (بلوغ و انعطاف‌پذیری مالی) با استراتژی کسب و کار مطرح و مورد آزمون قرار می‌گیرند.

فرضیه پنجم: هر چه نوسانات بازار بیشتر باشد، رابطه‌ی بین بلوغ شرکت و استراتژی کسب و کار، قوی‌تر است.

فرضیه ششم: هر چه صنعت رقابتی‌تر باشد، رابطه‌ی بین بلوغ شرکت و استراتژی کسب و کار، قوی‌تر است.

فرضیه هفتم: هر چه صنعت رقابتی‌تر باشد، رابطه‌ی بین انعطاف‌پذیری و استراتژی کسب و کار ضعیف‌تر است.

فرضیه هشتم: هر چه نوسانات بازار بیشتر باشد، رابطه‌ی بین انعطاف‌پذیری و استراتژی کسب‌وکار قوی‌تر است.

روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف یک پژوهش کاربردی و از لحاظ موضوعی یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی محسوب می‌شود. برای بررسی وجود رابطه همبستگی بین متغیرها از تحلیل رگرسیون به طریق داده‌های ترکیبی پانل و آزمون‌های F لیمر و هاسمن استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش برای این که نمونه آماری یک نماینده مناسب از جامعه آماری موردنظر باشد، از شرکت‌هایی انتخاب شده اند که:

۱. جزء هلدینگ، سرمایه‌گذاری و واسطه‌گری مالی، بیمه، لیزینگ و صنعت بانکداری نباشند؛

۲. در طول دوره پژوهش سال مالی‌شان تغییر نکرده باشند؛

۳. در طول دوره پژوهش فعالیت مستمر داشته باشند؛

۴. داده‌های مورد نظر آنها در دسترس باشد؛

۵. شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها پایان اسفند هر سال باشد؛

۶. قبل از سال ۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند؛

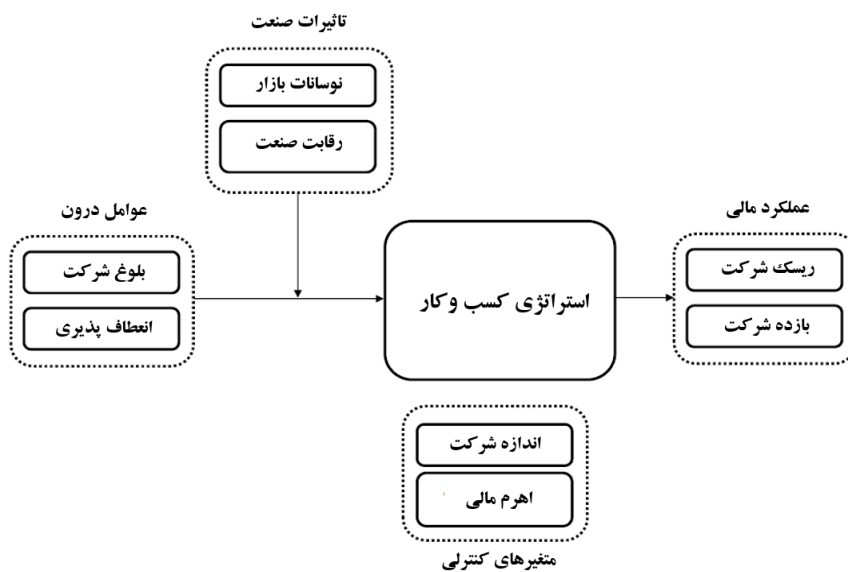
با در نظر گرفتن معیارهای فوق، ۱۶۸ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند بنابراین مشاهدات پژوهش طی بازه زمانی ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۳ به ۸۴۰ سال-شرکت می‌رسد.

به منظور جمع‌آوری اطلاعات پیرامون ادبیات موضوعی و پیشینه پژوهش از روش کتابخانه‌ای و جهت دستیابی به داده‌های واقعی مورد نیاز پژوهش، اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار، با توجه به تعریف متغیرهای پژوهش، از منابع مختلفی از جمله داده‌های مندرج در صورت‌های مالی، ره‌آوردنویسن، سایت اطلاع‌رسانی شرکت بورس و سازمان بورس استفاده شده است. داده‌ها در

نرم افزار اکسل طبقه بندی و مرتب شده و سپس تجزیه تحلیل آن‌ها بوسیله نرم افزار eviews و spss انجام شده است.

مدل‌های پژوهش و متغیرهای آن

مدل مفهومی پژوهش به صورت شماتیک در شکل ۱ قابل مشاهده می‌باشد:



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

مدل‌های رگرسیون و اجزای آن‌ها، جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر می‌باشند:

مدل ۱: آزمون فرضیه اول و دوم

$$SM_{it} = \beta_0 + \beta_1 CM_{it} + \beta_2 F_{it} + \beta_3 FS_{it} + \beta_4 FL_{it} + \varepsilon$$

مدل ۲: آزمون فرضیه سوم

$$R_{it} = \beta_0 + \beta_1 SM_{it} + \beta_2 FS_{it} + \beta_3 FL_{it} + \varepsilon$$

مدل ۳: آزمون فرضیه چهارم

$$ROA_{it} = \beta_0 + \beta_1 SM_{it} + \beta_2 FS_{it} + \beta_3 FL_{it} + \varepsilon$$

مدل ۴: آزمون فرضیه‌های ۵ الی ۸

$$SM_{it} = \beta_0 + \beta_1 CM_{it} + \beta_4 F_{it} + \beta_2 FM_{it} + \beta_3 IC_{it} + \beta_5 CM_{it} \cdot FM_{it} + \beta_6 F_{it} \cdot FM_{it} + \beta_7 CM_{it} \cdot IC_{it} + \beta_8 F_{it} \cdot IC_{it} + \beta_9 FS_{it} + \beta_{10} FL_{it} + \varepsilon$$

که در مدل‌های فوق:

$SM_{i,t}$: استراتژی شرکت i در سال t

$CM_{i,t}$: بلوغ شرکت i در سال t

$F_{i,t}$: انعطاف‌پذیری شرکت i در سال t

$ROA_{i,t}$: بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

$R_{i,t}$: ریسک ویژه شرکت i در سال t

$FM_{i,t}$: نوسانات بازار برای شرکت i در سال t

$IC_{i,t}$: رقابت صنعت برای شرکت i در سال t

$FS_{i,t}$: اندازه شرکت i در سال t

$FL_{i,t}$: اهرم مالی شرکت i در سال t

تعریف / معادله					متغیر
سیستم امتیازدهی ترکیبی اینتر و لکر					استراتژی کسب و کار
دارایی‌های ثابت	ارزش بازار شرکت	تعداد کارمندان	هزینه تبلیغات	نرخ رشد فروش	
کل دارایی	ارزش دفتری	فروش	کل فروش		
۱	۵	۵	۵	۵	
۲	۴	۴	۴	۴	
۳	۳	۳	۳	۳	
۴	۲	۲	۲	۲	
۵	۱	۱	۱	۱	
<p>داده‌های نگاره به حالت نزولی مرتب می‌شوند. امتیاز هر شرکت بین ۵ تا ۲۵ خواهد بود که: ۵ تا ۱۵ استراتژی تدافعی و ۱۵ تا ۲۵ استراتژی تهاجمی می‌باشد) اینتر و لکر، ۱۹۹۷ و تنانی و محب‌خواه، ۱۳۹۳).</p>					
سال‌های بین عرضه عمومی اولیه در بورس تا سال مورد بررسی					سن شرکت (بلوغ)
<p>جریان نقد آزاد هر سهم $\text{قیمت جاری هر سهم} = \frac{\text{جریان نقد آزاد هر سهم}}{\text{انعطاف پذیری (بازدهی جریان نقد آزاد)}}$ که در آن جریان نقد آزاد هر سهم از رابطه زیر بدست می‌آید:</p> <p>جریان نقد آزاد $\text{جریان نقد آزاد هر سهم} = \frac{\text{جریان نقد آزاد}}{\text{تعداد سهام منتشره}}$ قیمت جاری سهم: قیمت سهم در پایان سال مالی و جریان نقد آزاد نیز بدین صورت محاسبه می‌شود:</p> <p>$+ (\text{نرخ مالیات} - 1) \text{ سودقبل از بهره و مالیات} = \text{جریان نقد آزاد}$ $- \text{تغییرات خالص سرمایه در گردش} - \text{استهلاک دارایی ثابت و نامشهود}$ مخارج سرمایه ای</p>					انعطاف پذیری مالی
<p>شعری آناقیز و قربانی (۱۳۹۴) در پژوهشی به منظور اندازه‌گیری انعطاف‌پذیری مالی، از بازده جریان نقدی آزاد استفاده کردند. جریان نقدی آزاد، وجوه نقدی است، که بعد از پوشش دادن نیازهای سرمایه‌گذاری و سرمایه در گردش و با فرض نبود بدهی، در دسترس شرکت قرار می‌گیرد. نسبت بازده جریان نقدی آزاد (FCFY) نشان‌دهنده قدرت پرداخت بدهی‌ها، نقدشوندگی، بقا یا دوام شرکت می‌باشد و از این رو معیار مناسبی برای اندازه‌گیری انعطاف‌پذیری مالی است.</p>					
انحراف معیار فروش تقسیم بر متوسط فروش صنعت در چهار سال گذشته					نوسانات بازار
<p>یک منهای جمع توان دوم سهم بازار برای هر شرکت (سهم بازار از طریق فروش هر شرکت نسبت به کل فروش در صنعت محاسبه می‌شود)</p>					رقابت صنعت

تعریف / معادله	متغیر
<p>ریسک سیستماتیک - ریسک کل = ریسک غیر سیستماتیک که در آن ریسک کل از رابطه زیر بدست می‌آید:</p> $\delta = \sqrt{\frac{1}{n-1} \sum_{i=0}^n (r_i - E(r_i))^2}$ <p>و ریسک سیستماتیک نیز بدین صورت محاسبه می‌شود:</p> $\beta = \frac{Cov(\text{بازدهی بازار} \times \text{بازدهی سهم})}{Var(\text{بازدهی بازار})}$ <p>π، دوره r_i، بازده واقعی در دوره i β (بتا)، شاخص ریسک سیستماتیک</p>	<p>ریسک ویژه شرکت (ریسک غیر سیستماتیک)</p>
سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها	(ROA) بازده دارایی‌ها
تعریف / معادله	متغیرهای کنترل
لگاریتم میزان فروش شرکت	اندازه شرکت
نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها.	اهرم مالی
<p>متغیرهای کنترلی با توجه به اهمیت تاثیرگذاری آنها بر عملکرد مالی، در مدل‌های تحقیق لحاظ شده‌اند. با توجه به مطالعات مربوط به استراتژی، متغیرهای کنترلی که بیشتر به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر عملکرد شرکت استفاده می‌شوند، عبارتند از: اندازه شرکت و اهرم مالی. به عنوان مثال تنانی و محب‌خواه (۱۳۹۳) در تحقیقی جهت بررسی رابطه استراتژی کسب‌وکار با کیفیت سود و بازده سهام شرکت، از اهرم مالی و اندازه شرکت به عنوان متغیر کنترلی استفاده کرده‌اند. همچنین ابرین (۲۰۰۳) در تحقیقی به این نتیجه رسید که اهرم مالی بر عملکرد شرکت اثرگذار است. نورالحق (۲۰۱۳) نیز برای بررسی رابطه استراتژی کسب و کار با کیفیت سود از اهرم مالی و اندازه شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی استفاده نموده است.</p>	

یافته‌های پژوهش

در این قسمت داده‌های مربوط به ۱۶۸ شرکت نمونه، طی سال‌های ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۳ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نگاره ۱ آماره‌های توصیفی این داده‌ها نشان داده است.

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های چاو و ها سمن که در نگاره ۲ نشان داده شده است، سطح معنی‌داری آماره F لیمر برای تمامی مدل‌ها کوچکتر از ۵ درصد بوده و می‌بایست از روش داده‌های تابلویی استفاده شود. سطح معنی‌داری آماره کای اسکوئر نیز برای تمامی مدل‌های پژوهش کوچکتر از ۵ درصد است بنابراین رویکرد مورد استفاده در برآورد مدل‌ها روش اثرات ثابت می‌باشد.

تکانه (۱). خلاصه آمار توصیفی

متغیر تحقیق	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
استراتژی کسب و کار	۱۴/۹۱۵	۱۵/۰۰۰	۲۴/۰۰۰	۵/۰۰۰	۳/۱۴۲
بلوغ شرکت	۱۵/۷۵۶	۱۵/۰۰۰	۴۷/۰۰۰	۱/۰۰۰	۸/۷۸۴
انعطاف پذیری مالی	۰/۱۷۷	۰/۱۵۰	۵/۲۵۳	۴/۵۲۳-	۰/۴۴۸
رقابت صنعت	۰/۷۱۰	۰/۷۳۷	۰/۹۳۹	۰/۰۰۰	۰/۲۹۹
نوسانات بازار	۰/۰۲۵	۰/۰۱۲	۱/۷۴۸	۰/۰۰۰	۰/۱۲۲
ریسک ویژه شرکت	۰/۶۰۳-	۰/۵۴۷-	۳/۴۲۳	۶/۱۱۰-	۰/۸۳۵
بازده دارایی‌ها	۰/۱۲۷	۰/۱۰۹	۰/۶۲۷	۰/۲۵۵-	۰/۱۳۰
اندازه شرکت	۵/۹۴۳	۵/۸۷۷	۸/۲۲۴	۴/۲۵۸	۰/۶۴۳
اهرم مالی	۰/۶۰۴	۰/۶۱۸	۱/۵۶۶	۰/۰۹۰	۰/۲۰۲

تکانه (۲). نتایج آزمون چاو و آزمون هاسمن

مدل	آماره چاو (F لیمر)	سطح معنی داری	نتیجه آزمون	آماره هاسمن (کای اسکوتر)	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
۱	۶/۷۹۰	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی	۵۳/۱۱۹	۰/۰۰۰	اثرات ثابت
۲	۳/۴۷۸	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی	۲۱/۱۹۷	۰/۰۰۰۱	اثرات ثابت
۳	۱۷/۷۸۵	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی	۱۷/۲۶۵	۰/۰۰۰۶	اثرات ثابت
۴	۱۷/۷۲۴	۰/۰۰۰	داده‌های تابلویی	۹۰/۴۱۷	۰/۰۰۰	اثرات ثابت

آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش با توجه به پانلی بودن داده‌ها، برای برقراری همسانی واریانس از روش White cross-section استفاده می‌شود و برای ارزیابی خود همبستگی سریالی بین اجزا اخلاص از آزمون دوربین واتسون، برای آزمون استقلال متغیرهای توضیحی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. جهت آزمون معناداری الگوهای رگرسیون از توزیع فیشر و برای معناداری ضرایب متغیرها از توزیع تی استیودنت استفاده می‌شود. در نهایت با توجه به تعداد بالای مشاهدات (۸۴۰ سال- شرکت) و قضیه حد مرکزی، انحراف از فرض نرمال بودن جملات پسماند معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است.

در نگاره ۳ نتایج تخمین مدل اول ارائه شده است. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F معنی دار بودن کلی مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز حاکی از آن است که

۸۰/۵ درصد از تغییرات استراتژی کسب‌وکار شرکت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تأیید می‌کند. علاوه بر این از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون جمله اخلاص با متغیرهای توضیحی معادله برآورد شده، بسیار کوچک است، بنابراین خطاها و متغیرهای توضیحی از یکدیگر استقلال دارند. در نهایت با توجه به نگاره فوق و ضرایب مربوطه، فرضیه اول و دوم تأیید می‌شوند.

نگاره (۳). نتایج تخمین مدل اول

متغیر وابسته: استراتژی کسب‌وکار					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی P
ضریب ثابت	۴/۹۰۴-	۴/۷۱۹	۱/۰۳۹-	۰/۲۹۹	-
بلوغ شرکت	۰/۲۷۱-	۰/۰۸۴	۳/۲۴۹-	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸-
انعطاف پذیری مالی	۰/۲۰۱-	۰/۰۹۳	۲/۱۵۴-	۰/۰۳۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	۳/۸۱۴	۰/۹۷۷	۳/۹۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸-
اهرم مالی	۲/۴۱۹	۰/۵۰۱	۴/۸۲۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳-
آماره F	۲۱/۲۷۳		ضریب تعیین		۰/۸۴۵
سطح معنی داری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۸۰۵	
		مقدار دوربین واتسون		۲/۱۷۱	

در نگاره ۴ نتایج تخمین مدل دوم ارائه شده است. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F معنی دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز حاکی از آن است که ۴۰/۸ درصد از تغییرات ریسک ویژه شرکت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تأیید می‌کند. علاوه بر این از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون جمله اخلاص با متغیرهای توضیحی معادله برآورد شده، بسیار کوچک است، بنابراین خطاها و متغیرهای توضیحی از یکدیگر استقلال دارند. همچنین با توجه به نگاره فوق فرضیه سوم پذیرفته می‌شود.

نگاره (۴). نتایج تخمین مدل دوم

متغیر وابسته: ریسک ویژه شرکت					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی p
ضریب ثابت	۴/۱۵۶	۰/۴۸۸	۸/۵۰۷	۰/۰۰۰	-
استراتژی شرکت	-۰/۰۳۶	۰/۰۱۱	۳/۱۷۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	-۰/۷۸۳	۰/۱۲۰	۶/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸-
اهرم مالی	۰/۷۰۸	۰/۳۰۱	۲/۳۵۳	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳-
آماره F	۴/۳۹۶	ضریب تعیین			۰/۵۲۸
سطح معنی داری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۴۰۸
		مقدار دوربین واتسون			۲/۴۷۷

در نگاره ۵ نتایج تخمین مدل سوم ارائه شده است. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F معنی دار بودن کلی مدل تایید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز حاکی از آن است که ۹۰ درصد از تغییرات بازده دارایی‌های شرکت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تایید می‌کند. علاوه بر این از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون جمله اخلاص با متغیرهای توضیحی معادله برآورد شده، بسیار کوچک است، بنابراین خطاها و متغیرهای توضیحی از یکدیگر استقلال دارند. همچنین با توجه به ضرایب فرضیه چهارم پذیرفته می‌شود.

نگاره (۵). نتایج تخمین مدل سوم

متغیر وابسته: بازده دارایی‌ها					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	سطح معنی داری	ضریب همبستگی p
ضریب ثابت	-۰/۲۶۶	۰/۱۴۶	۱/۸۲۱-	۰/۰۶۹	-
استراتژی شرکت	۰/۰۰۸	۰/۰۰۱	۱۰/۵۷۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
اندازه شرکت	۰/۰۸۹	۰/۰۲۷	۳/۲۷۸	۰/۰۰۱	۰/۰۰۸-
اهرم مالی	-۰/۴۰۸	۰/۰۱۵	۲۶/۳۵۱-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳-
آماره F	۴۵/۲۱۱	ضریب تعیین			۰/۹۲۰
سطح معنی داری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۹۰۰
		مقدار دوربین واتسون			۱/۹۷۸

در فرضیه‌های ۵ الی ۸ پژوهش تأثیر تعدیلی متغیرهای بخش صنعت (نوسانات بازار و رقابت صنعت) بر رابطه عوامل درون شرکت (بلوغ و انعطاف پذیری شرکت) با استراتژی

کسب‌وکار شرکت مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای آزمون این فرضیه‌ها از مدل شماره چهار بهره گرفته می‌شود. در نگاره ۶ نتایج تخمین مدل چهارم ارائه شده است. با توجه به مقدار سطح معناداری آماره F معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود. ضریب تعیین تعدیل شده مدل نیز حاکی از آن است که ۸۱/۶ درصد از تغییرات استراتژی کسب‌وکار شرکت توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می‌شود. همچنین مقدار آماره دوربین واتسون، استقلال باقیمانده‌های مدل را تأیید می‌کند. علاوه بر این از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون جمله اخلاص با متغیرهای توضیحی معادله برآورد شده، بسیار کوچک است، بنابراین خطاها و متغیرهای توضیحی از یکدیگر استقلال دارند. اما از آنجایی که متغیرهای بلوغ و انعطاف‌پذیری مالی معنادار نیستند، فرضیه‌های ۵ الی ۸ پذیرفته نمی‌شوند.

نگاره (۶): نتایج تخمین مدل چهارم

متغیر وابسته: استراتژی کسب‌وکار					
متغیر	ضرایب	خطای استاندارد	آماره T	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی p
ضریب ثابت	۲/۷۷۳	۳/۶۴۲	۰/۷۶۱	۰/۴۴۷	-
بلوغ شرکت	۰/۰۸۸-	۰/۱۰۰	۰/۸۷۷-	۰/۳۸۱	۰/۰۰۸-
انعطاف‌پذیری مالی	۰/۴۴۴	۰/۷۸۴	۰/۵۶۷	۰/۵۷۱	۰/۰۰۰
نوسانات بازار	۱/۳۵۱	۱/۶۴۰	۰/۸۲۴	۰/۴۱۰	۰/۰۱۰
رقابت صنعت	- ۱۱/۴۱۹	۱/۸۱۰	۶/۳۱۰-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
اثر متقابل بلوغ و نوسانات بازار	۰/۴۷۳-	۰/۱۵۷	۳/۰۰۶-	۰/۰۰۳	-
اثر متقابل انعطاف‌پذیری و نوسانات بازار	- ۱۵/۱۹۸	۴/۳۱۰	۳/۵۲۶-	۰/۰۰۱	-
اثر متقابل بلوغ و رقابت صنعت	۰/۲۵۷-	۰/۱۰۹	۲/۳۵۳-	۰/۰۱۹	-
اثر متقابل انعطاف‌پذیری و رقابت صنعت	۰/۲۳۷-	۰/۹۹۵	۰/۲۳۹-	۰/۸۱۲	-
اندازه شرکت	۳/۹۵۹	۰/۷۳۱	۵/۴۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۸-
اهرم مالی	۲/۲۶۱	۰/۴۳۴	۵/۲۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳-
آماره F	۲۲/۰۲۱		ضریب تعیین		۰/۸۵۵
سطح معنی‌داری F	۰/۰۰۰	ضریب تعیین تعدیل شده			۰/۸۱۶
		مقدار دوربین واتسون			۲/۱۵۲

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه اول نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌داری میان بلوغ شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت وجود دارد و این ارتباط حاکی از آن است که با افزایش بلوغ شرکت، استراتژی کسب‌وکار شرکت تدافعی‌تر می‌شود. یافته‌های پژوهش در مورد این فرضیه با نتایج مطالعات جوزفسون (۲۰۱۴) مبنی بر وجود رابطه مطابقت دارد، اما جهت رابطه عکس پژوهش یاد شده است.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه دوم نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌داری میان انعطاف پذیری مالی و استراتژی کسب‌وکار شرکت وجود دارد و این ارتباط حاکی از آن است که با افزایش انعطاف پذیری مالی، استراتژی کسب‌وکار شرکت تدافعی‌تر می‌شود. یافته‌های پژوهش در مورد این فرضیه با نتایج مطالعات جوزفسون (۲۰۱۴) مبنی بر وجود رابطه مطابقت دارد، اما جهت رابطه عکس پژوهش یاد شده است.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه سوم نشان می‌دهد که رابطه منفی و معنی‌داری میان استراتژی کسب‌وکار شرکت و ریسک ویژه شرکت، وجود دارد و این ارتباط حاکی از آن است که با تهاجمی‌تر شدن استراتژی کسب‌وکار شرکت، ریسک ویژه شرکت کمتر می‌شود. یافته‌های پژوهش در مورد این فرضیه با نتایج مطالعات جوزفسون (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

نتایج پژوهش در رابطه با فرضیه چهارم نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معنی‌داری میان استراتژی کسب‌وکار شرکت و بازده دارایی‌های شرکت، وجود دارد و این ارتباط حاکی از آن است که با تهاجمی‌تر شدن استراتژی کسب‌وکار شرکت، بازده دارایی‌های شرکت بیشتر می‌شود. یافته‌های پژوهش در مورد این فرضیه با نتایج مطالعات جوزفسون (۲۰۱۴) مطابقت دارد.

نتایج تحقیق در رابطه با فرضیه سوم و چهارم با نتایج مطالعات هاجر (۲۰۱۵) مبنی بر این که شرکت‌های با استراتژی کسب‌وکار تهاجمی‌تر، عملکرد مالی بهتری دارند، مطابقت دارد.

در فرضیه پنجم وجود اثر تعدیلی متغیر نوسانات بازار بر رابطه میان بلوغ شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت، تایید نشده است. به عبارت دیگر نوسانات بازار اثر تعدیلی تقویت‌کننده‌ای بر رابطه بین بلوغ شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت ندارد.

در فرضیه ششم وجود اثر تعدیلی متغیر رقابت صنعت بر رابطه میان بلوغ شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت، تایید نشده است. به عبارت دیگر رقابت صنعت اثر تعدیلی تقویت‌کننده‌ای بر رابطه بین بلوغ شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت ندارد.

در فرضیه هفتم وجود اثر تعدیلی متغیر رقابت صنعت بر رابطه میان انعطاف‌پذیری مالی شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت، تایید نشده است. به عبارت دیگر رقابت صنعت اثر تعدیلی تضعیف‌کننده‌ای بر رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت ندارد.

در فرضیه هشتم وجود اثر تعدیلی متغیر نوسانات بازار بر رابطه میان انعطاف‌پذیری مالی شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت، تایید نشده است. به عبارت دیگر نوسانات بازار اثر تعدیلی تقویت‌کننده‌ای بر رابطه بین انعطاف‌پذیری مالی شرکت و استراتژی کسب‌وکار شرکت ندارد. یافته‌های پژوهش در مورد فرضیه‌های پنجم تا هشتم با نتایج پژوهش جوزفسون (۲۰۱۴) مطابقت ندارد.

بطور کلی نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بلوغ شرکت و انعطاف‌پذیری مالی تاثیر بسزایی در انتخاب استراتژی توسط شرکت‌ها دارند، همچنین استراتژی انتخابی شرکت‌ها بر عملکرد مالی آنها اثرگذار است، لذا به سرمایه‌گذاران، بانک‌ها، دولت، حساب‌رسان، مدیران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات مالی پیشنهاد می‌شود که جهت ارزیابی نوع استراتژی انتخابی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری نسبت به خرید یا فروش سهام شرکت‌ها، اعطای وام و بررسی فعالیت‌های آنها، از بلوغ شرکت و انعطاف‌پذیری مالی و جهت ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌ها از نوع استراتژی انتخابی آنها در کنار سایر معیارها استفاده نمایند.

از محدودیت‌های پژوهش نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- هزینه‌های پژوهش و توسعه عامل تعیین‌کننده‌ای در تشخیص استراتژی انتخابی شرکت می‌باشد که به دلیل عدم افشای اطلاعات مربوط به هزینه‌های پژوهش و توسعه در ایران، از دیگر داده‌های صورت‌های مالی در تعیین استراتژی انتخابی شرکت‌ها (روش امتیاز دهی ایتر و لرکر) استفاده شده است.

- با توجه به بالا بودن نرخ تورم و نوسانات شدیدی که این نرخ در کشور ما دارد، عامل تورم به عنوان یک متغیر کلان اقتصادی می‌تواند نتایج پژوهش حاضر را تحت تغییر قرار دهد.
- جهت غنی‌سازی مطالعات در حوزه استراتژی‌های کسب و کار پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:
 - متغیرهای دیگری وجود دارد که می‌توان از آن‌ها به عنوان شاخص‌های احتمالی ارزیابی استراتژی منتخب شرکت‌ها کمک گرفت. از جمله این متغیرها می‌توان به نوع صنعت و تعداد شرکت‌های فعال در آن صنعت، روش ارزشیابی موجودی کالا، روش استهلاک و ... اشاره نمود.
 - استفاده از نسبت‌های مبتنی بر صورت جریان وجوه نقد نیز می‌تواند اطلاعات سودمندی در زمینه استراتژی کسب و کار منتخب شرکت‌ها، در اختیار گذارد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود محققین آتی در این زمینه به بررسی و تحقیق بپردازند.
 - رابطه بین تورم و استراتژی کسب و کار انتخابی شرکت‌ها

پی‌نوشت

- ۱ تیس و همکاران (۱۹۹۷) قابلیت‌های پویا را تلاش مدیران سازمان برای تغییر، یکپارچه‌سازی و بازآفرینی مهارت‌ها، منابع و شایستگی‌های درونی و بیرونی سازمان می‌دانند که برای تعامل با محیط‌های در حال تغییر مورد نیاز است.
- | | | | |
|---|-------------|---|-----------|
| ۲ | prospectors | ۳ | analyzers |
| ۴ | Reactors | ۵ | defenders |

منابع

- اعرابی، محمد؛ آقازاده، هاشم؛ نظامی‌وندچگینی، هوشنگ. (۱۳۸۹). دستنامه برنامه‌ریزی استراتژیک (متون آموزشی ۲). چاپ چهارم. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- اعرابی، سیدمحمد. عابدی، رحیم. (۱۳۸۹). رابطه هماهنگی استراتژی سطح کسب و کار و استراتژی مالی با عملکرد سازمان. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت صنعتی. شماره ۱۹، صص ۲۳۹-۲۷۷.
- ایزدی، فاطمه. (۱۳۹۲). تحلیل تاثیر رقابت بازار محصول و استراتژی‌های کسب و کار بر رابطه بین اهرم مالی و عملکرد مالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اداری و اقتصاد-دانشگاه اصفهان.

- بت‌شکن، محمدهاشم؛ عارفی، اصغر. (۱۳۷۸). انتخاب استراتژی در شرکت‌های سرمایه‌گذاری. مجله حسابداری. شماره ۱۳۵. صص ۷۵ - ۷۹.
- پیرس و رابینسون. (۱۳۸۰). *برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک*. ترجمه سهراب خلیلی شورینی. چاپ اول. تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- تنانی، محسن و محب‌خواه، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب‌وکار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. پژوهش‌های تجربی حسابداری. شماره ۱۳. صص ۱۰۵ - ۱۲۷.
- رضوانی، حمیدرضا و سهام‌مقدم، مازیار. (۱۳۹۱). تناظر استراتژی کسب‌وکار با عدم اطمینان محیطی (مورد مطالعه: شرکت‌های پگاه فارس و شام شام). فصلنامه علمی- پژوهشی کاوش‌های مدیریت بازرگانی. بهار و تابستان (۱۳۹۱). شماره ۷. صص ۸۸ - ۱۰۴.
- زارعی‌متین، حسن؛ یزدانی، حمیدرضا و بیرایبی، هانیه‌سادات. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین گرایش استراتژیک شرکت با عملکرد سازمانی با استفاده از رویکرد کارت امتیازی متوازن. نشریه مدیریت بازرگانی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران. شماره ۶. صص ۹۷ - ۱۱۲.
- شعری آناقیز، صابر و قربانی، ناهید. (۱۳۹۴). رابطه انعطاف‌پذیری مالی با عملکرد شرکتهای سرمایه‌گذاری در ایران از منظر بازار. تحقیق‌های تجربی حسابداری، بهار ۱۳۹۴، شماره ۱۵، صص ۱۶۵ - ۱۸۰.

مرکز بهره‌وری ژاپن، مدیریت استراتژیک (کاربردی)، ترجمه داود محب‌علی و حسین رحمان سرشت، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. (۱۳۸۲).

- A'arabi, S. M. , Abedi, R. (2010). Relationship between business and financial strategies alignment and organizational performance. *Industrial Management Studies*, 8 (19) , 239-277 (in Persian).
- A'arabi, S. M. , Aghazadeh, H. and Nezamivand-Chegini, H. (2010). *Strategic Planning Document*. Tehran: Iran Cultural Studies. (4) (In Persian).
- Agarwal, Rajshree and David B. Audretsch (2001). Does Entry Size Matter? The Impact of the Life Cycle and Technology on Firm Survival. *Journal of Industrial Economics*, 49 (1) , 21-43.
- Bentley, K. A. , Omer, T. C. and Twedt, B. J. (2016). Does Business Strategy Impact a Firm's Information Environment? Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2162240>.
- BotShekan, M. H. and Arefi, A. (1999). Choosing a strategy for investment companies. *Accountant magazine*. 135, 75-79 (in Persian).
- Chakravarty, Anindita and Rajdeep Grewal (2011). The Stock Market in the Driver's Seat! Implications for R&D and Marketing. *Management Science*, 57 (9) , 1594-1609.

- Chandler, A. D. (1962). "*Strategy and structure*", Massachusetts: The M. I. T. Press.
- Chandy, Rajesh K. and Gerard J. Tellis (2000). The Incumbent's Curse? Incumbency, Size, and Radical Product Innovation. *Journal of Marketing*, 64 (3), 1-17.
- Dent, J. F. (1990). Strategy, organization and control: Some possibilities for accounting research. *Accounting, Organizations and Society*, 15, 3-25.
- Hajar, I. (2015). The Effect of Business Strategy on Innovation and Firm Performance in the Small Industrial Sector. *The International Journal of Engineering and Science (IJES)*, 4 (2), 1-9
- Hambrick, D. (2003). On the Staying Power of Miles and Snow's Defenders, Analyzers, and Prospectors. *Academy of Management Executive*, 17 (4), 115-118.
- Han, Jin K. , Namwoon Kim, and Hong-Bumm Kim (2001). Entry Barriers: A Dull-, One-, or Two-Edged Sword for Incumbents? Unraveling the Paradox from a Contingency Perspective. *Journal of Marketing*, 65 (1), 1-14.
- Hauser, John, Gerard J. Tellis, and Abbie Griffin (2007). Research on Innovation: A Review and Agenda for Marketing Science. *Marketing Science*, 25 (6), 687-717.
- Ittner, C. , and Larcker, D. (1997). Product Development Cycle Time and Organizational Performance. *Journal of Marketing Research*, 34 (1), 13-23.
- Izadi, F. (2013). Analyzing the influence of product market competition and business strategies on relationship between financial leverage and financial performance. Master's thesis. Faculty of Administrative and Economics, University of Isfahan (in Persian).
- Japan Productivity Center, "*Strategic Management*", (translated by Mohib-Ali, D. and Rahman-Seresht, H. , Tehran: Allameh Tabataba'i University Publications, 2003 (in Persian).
- Jarillo, J. C. (1989). Entrepreneurship and Growth: The Strategic Use of External Resources. *Journal of Business Venturing*, 4 (2), 133-47 .
- Jaworskii, Bernard J. and Ajay K. Kohli (1993). Market Orientation: Antecedents and Consequences. *Journal of Marketing*, 57 (3), 53-70.
- Jermias, j. (2008). The relative influence of competitive intensity and business strategy on the relationship between financial leverage and performance. *The british accounting review* 40, 71-86.
- Josephson, B. W. (2014). Strategic Marketing Ambidexterity: Antecedents and Financial Consequences. A dissertation submitted in partial fulfillment of the requirement for the degree of Doctor of Philosophy, Washington State University, and Carson College of Business .

- Kohli, Ajay K. and Bernard J. Jaworski (1990). Market Orientation: The Construct, Research Propositions, and Managerial Implications. *Journal of Marketing*, 54 (2), 1-18.
- Miles, R. E. and Snow, C. C. (1978). *Organizational strategy, structure, and process*. New York: McGraw-Hill Book Co.
- Mizik, Natalie. And Robert Jacobson (2003). Trading Off Between Value Creation and Value Appropriation: The Financial Implications of Shifts in Strategic Emphasis. *Journal of Marketing*, 67 (1), 63-76.
- Momtazian, A. R. , kazemnejad, M. (2016). Managerial Abilities and Performance Measures. *Empirical Research in Accounting*, 5 (4) , 65-88. doi: 10. 22051/jera. 2016. 2297 .
- Nurul Houqe, M. , Kerr, M. and Monem, M. (2013). Business Strategy and Earnings Quality. Electronic copy available at: <http://ssrn.com/abstract=2198626>.
- O'Brien, J. P. (2003). The Financial Leverage Implications of Pursuing a Strategy of Innovation. *Strategic Management Journal*, 24, 415-431.
- Obinozie, R. O. (2016). Effects of Management Control Systems and Strategy on Performance of Minority Owned Businesses. Available at: <http://scholarworks.waldenu.edu/dissertations/2007>.
- Pearce and Robinson. (2001). *Strategic planning and management*. (Translation by Khalili-Shourinia S.). First Edition. Tehran: yadvareketab Publications (in Persian).
- Plambeck, Nils (2012). The Development of New Products: The Role of Firm Context and Managerial Cognition. *Journal of Business Venturing*, 27 (6) , 607-21.
- Rezvani, H. , Saham-khadam, M. (2012). Business strategy correspondence with Environmental Uncertainty. *Journal Management System*, 4 (7) , 88-104 (in Persian).
- Sheri Anaghiz, S. , Ghorbauni, N. (2015). The Relation between Financial Flexibility and Performance of Iranian Investment Firms from the Market Point of View. *Empirical Research in Accounting*, 4 (3) , 165-180. doi: 10. 22051/jera. 2015. 1999 (in Persian).
- Sirmon, David G. , Michael A. Hitt, R. Duane Ireland, and Brett Anitra Gilbert (2011). Resource Orchestration to Create Advantage: Breadth, Depth, and Life Cycle Effects. *Journal of Management*, 37 (5) , 1390-412.
- Srinivasan, Shuba and Dominique M. Hanssens (2009) , Marketing and Firm Value: Metrics, Methods, Findings, and Future Directions. *Journal of Marketing Research*, 46 (3) , 293-312.
- Tanani, M. , Mohebkah, M. (2015). The Relation of Business Strategy with Earnings Quality and Stock Return in Firms listed in TSE. *Empirical Research in Accounting*, 4 (1) , 105-127. doi: 10. 22051/jera. 2015. 1886 (in Persian).

- Teece, David J. , Gary Pisano, and Amy Shuen (1997). Dynamic Capabilities and Strategic Management. *Strategic Management Journal*, 18 (7) , 509-33.
- Venkatraman, N. (1989). Strategic orientation of business enterprises: The construct, dimensionality, and measurement. *Management Science*, 35 (8) , 942-962.
- Voss, Glenn B. deepak Sirdeshmukh, and Zannie Giraud Voss (2008). The Effects of Slack Resources and Environmental Threat on Product Exploration and Exploitation. *Academy of Management Journal*, 51 (1) , 147-164.
- Yanney, J. P. (2014). Business Strategy and Leadership Style: Impact on Organizational Performance in the Manufacturing Sector of Ghana. Available at: http://file.scirp.org/pdf/AJIBM_2014122310364057.pdf
- Zahra, S. A. , & Pearce, J. A. (1990). Research evidence on the Miles-Snow typology. *Journal of Management*, 16 (4) , 751-768.
- Zareie Matin, H. , Jam porazmey, M. , yazdani, H. , Biriaei, H. (2011). A Survey of the relationship between strategic orientations of enterprise with organizational performance by using balanced scorecard framework. *Iranian Business Management*, 2 (6) , 97-112 (in Persian).

بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد مدل معادلات ساختاری

رضاجامعی*، حجت رمین**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۰

چکیده

در این پژوهش، اثر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی با رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری مورد مطالعه قرار گرفته است. برای این منظور، اطلاعات مورد نیاز برای یک دوره نه ساله بر اساس صورت‌های مالی حسابرسی شده طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۳ جمع‌آوری شده است. به منظور سنجش هزینه‌های نمایندگی (متغیر پنهان) به عنوان متغیر مستقل، از متغیرهای مشاهده‌پذیر (نسبت به کارگیری دارایی‌ها، نسبت هزینه‌های اختیاری، اندازه شرکت، نسبت Q تویین و نسبت جریان وجوه نقد آزاد) استفاده شده است. شکاف مالیاتی به عنوان متغیر وابسته با استفاده از تفاوت مالیات قطعی و مالیات ابرازی محاسبه شده و اثر متغیرهای سودآوری و نسبت اهرمی نیز بر آن کنترل شده است. پس از اطمینان یافتن از برازش قابل قبول الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نتایج حاکی از آن است که هزینه‌های نمایندگی اثر منفی بر شکاف مالیاتی دارد هر چند که شدت آن از نظر آماری معنادار نیست. همچنین بین متغیرهای کنترلی (نسبت سودآوری و اهرم مالی) و شکاف مالیاتی رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: هزینه‌های نمایندگی، شکاف مالیاتی، اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدل معادلات ساختاری.

طبقه‌بندی موضوعی: H26

DOI: 10.22051/jera.2018.12782.1515

*دانشیار حسابداری و حسابدار رسمی، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران، (نویسنده مسئول)، (r.jamei@uok.ac.ir).

**کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران، (hojjatraman@gmail.com).

مقدمه

مالیات مخارجی است که بر کلیه واحدهای انتفاعی که به نوعی درآمدزایی می‌کنند، از جانب دولت تحمیل می‌شود. چنانچه شرکت‌ها به عنوان واحدهایی تلقی شوند که در راستای کسب سود و انتفاع، فعالیت می‌کنند، می‌توان انتظار داشت که به دنبال راه‌کارهایی (شامل راه‌کارهای قانونی با عنوان اجتناب مالیاتی^۱ و غیرقانونی با عنوان فرار مالیاتی^۲) برای کاهش مالیات پرداختی خود باشند. به طور کلی، راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی، را می‌توان از دو دیدگاه مورد بررسی قرار داد. دیدگاه نخست به این موضوع اشاره دارد که مدیران به منظور کاهش تعهدات مالی و صرفه‌جویی وجوه نقد، به دنبال کاهش مالیات پرداختی هستند. از این‌رو، از دیدگاه سرمایه‌گذاران این موضوع افزایش دهنده ارزش شرکت بوده و مدیران باید برای استفاده از این راه‌کارها تشویق شوند و پاداش بگیرند (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). دیدگاه دوم به نظریه نمایندگی^۳ مربوط می‌باشد. بر اساس نظریه نمایندگی، راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی، همیشه موجب افزایش ثروت سهامداران نمی‌شود. بر این اساس، اجتناب از پرداخت مالیات، اغلب در انحراف منافع به سوی خود مدیران نقش دارد، دامنه این موضوع در اشکال دستکاری و سرقت سود شرکت تا پاداش غیرمعارف مدیران، متغیر است (وانگ، ۲۰۱۰).

طبق قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۶۶ و اصلاحیه سال ۱۳۸۰، اخذ مالیات در ایران فرآیندی است که با ابراز مالیات توسط مؤدی، از طریق اظهارنامه مالیاتی آغاز می‌شود و پس از طی مراحل تعیین شده، با وصول مالیات خاتمه می‌یابد. بخش عمده‌ای از مالیات‌های وصولی دولت از محل مالیات عملکرد اشخاص حقوقی تأمین می‌شود. در این راستا، دولت به عنوان یکی از ذی‌نفعان کلیدی شرکت‌ها، برای تشخیص میزان مالیات، بر اظهارنامه‌های مالیاتی که توسط مؤدیان مالیاتی تنظیم و تسلیم می‌گردد، تکیه می‌کند. به‌رغم تکیه دولت بر اظهارنامه‌های مؤدیان، مالیات ابرازی با مالیات قطعی در بیش‌تر موارد یکسان نمی‌باشد که اصطلاحاً به آن «شکاف مالیاتی»^۴ گفته می‌شود (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

از این‌رو، هدف این پژوهش، بررسی تجربی این موضوع است که آیا تضاد منافع بین گروه مدیریت و دیگر گروه‌های ذی‌نفع بر شکاف مالیاتی اثرگذار است یا خیر. در واقع این پژوهش

به دنبال آزمون دیدگاه دوّم (مربوط به نظریه نمایندگی) و این که آیا هزینه‌های نمایندگی می‌تواند افزایش شکاف مالیاتی را به همراه داشته باشد یا خیر؟

مبانی نظری پژوهش

هزینه‌های نمایندگی^۵

نظریه نمایندگی، رفتار طرف‌های مرتبط با شرکت را پیش‌بینی نموده و آن را توضیح می‌دهد. نظریه نمایندگی، شرکت را به صورت شبکه‌ای از روابط نمایندگی در نظر گرفته و در جستجوی درک رفتار سازمانی، از طریق بررسی این موضوع است که چگونه طرف‌های درگیر در روابط نمایندگی، می‌کوشند مطلوبیت خود را حداکثر کنند. در این بین، یکی از مهم‌ترین روابط نمایندگی، رابطه بین گروه مدیریت و سهامداران شرکت است. در واقع، مدیران توسط سهامداران شرکت استخدام می‌شوند تا فعالیت‌های شرکت را اداره کنند و به این ترتیب یک رابطه نمایندگی ایجاد می‌شود. لکن نکته اینجاست که امکان دارد اهداف مدیران و مالکان به شکل کامل، مطابق هم و همسو نباشد، به این صورت که سهامدار به دنبال رسیدن به بالاترین مرحله ارزش سرمایه‌گذاری است و مدیر نیز در وهله اول به دنبال افزایش ثروت خود خواهد بود (مهرانی و همکاران، ۱۳۹۳). به همین خاطر، رابطه نمایندگی به مشکلات و مسائل نمایندگی^۶ منتهی می‌شود که بر اساس نظریه نمایندگی، دارای هزینه است. در نتیجه مالکان باید مخارجی را متحمل شوند تا منافع کارگزاران را با منافع خویش همسو نمایند. از آن جا که چنین مخارجی به واسطه شکل‌گیری رابطه نمایندگی پدید می‌آید، هزینه‌های نمایندگی نامیده می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴).

شکاف مالیاتی

شکاف مالیاتی عبارت است از تفاوت بین مالیات وصول شده و آنچه طبق قانون باید وصول شود. شکاف مالیاتی از دو بخش عمده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی تشکیل شده است. فرار مالیاتی زمانی رخ می‌دهد که مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود، خودداری می‌کند، دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند که وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع مالیاتی قرار می‌دهد. در مقابل، اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود و مؤدی دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی

اقدامات خویش ندارد (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). پدیده فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی به عنوان تهدیدی جدی برای تداوم زندگی اجتماعی و تحقق رفاه اجتماعی باشد. از این رو، شناخت عوامل بروز و تشدید این دو مقوله و ارائه راه کارها و پیشنهادهای علمی - کاربردی به ویژه در رابطه با اجتناب مالیاتی که از مجرای قانونی شکل می‌گیرد و کشف آن به مراتب دشوارتر از فرار مالیاتی است، امری اجتناب ناپذیر است (خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۴).

هزینه‌های نمایندگی و منابع شکاف مالیاتی

همان‌گونه در بخش قبلی عنوان گردید، شکاف مالیاتی ناشی از دو منبع اجتناب مالیاتی و فرار مالیاتی می‌باشد. در ادامه، رابطه هزینه‌های نمایندگی با هر یک از این منابع عنوان گردیده است.

الف- هزینه‌های نمایندگی و اجتناب مالیاتی:

به دلیل وجود تضاد منافع بین گروه مدیریت و دیگر گروه‌های ذی‌نفع، اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند در فعالیت‌های شرکت ابهام ایجاد نماید و زمینه‌ای را برای انحراف منافع مدیران مهیا کند. به عنوان مثال، از آن جا که بسیاری از طرح‌های پاداش مدیران مبتنی بر معیارهای عملکرد از جمله سود است، می‌توان انتظار داشت که مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آن‌ها، انگیزه‌های زیادی برای اجتناب مالیات داشته باشند. راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات اثر سوء بر محیط اطلاعاتی شرکت‌ها دارد. این مسئله محدود شدن سطح افشا اطلاعات را به همراه خواهد داشت که در نهایت سطح عدم تقارن اطلاعاتی بین گروه مدیریت و سرمایه‌گذاران افزایش پیدا می‌نماید (فروغی و محمدی، ۱۳۹۲؛ پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳). به طور کلی، بر اساس نظریه فرصت‌طلبی مدیریت می‌توان عنوان داشت که مدیران فرصت طلب به بهانه اجتناب از پرداخت مالیات، منابع را در جهت منافع شخصی هدایت یا برداشت نمایند (رضایی و جعفری نیارکی، ۱۳۹۴). این مسئله موجب می‌گردد منافع اجتناب از پرداخت مالیات کم‌تر از هزینه‌های آن گردد و در نهایت این سهامداران خواهند بود که این هزینه‌ها را متحمل می‌شوند.

ب- هزینه‌های نمایندگی و فرار مالیاتی:

کیم و همکاران (۲۰۱۰) دریافتند که فرار مالیاتی آثار منفی بر محیط اطلاعاتی و گزارشگری مالی دارد. این موضوع به مدیران این امکان را می‌دهد تا در راستای دستیابی به منافع شخصی خود، معیارهای عملکردی شرکت را دستکاری نمایند. بوشمن و اسمیت (۲۰۰۱) نیز عنوان داشتند که ابهام ناشی از اقدامات فرار مالیاتی می‌تواند تضاد منافع بین سهامداران و گروه مدیریت را تشدید نماید (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

پیشنه پژوهش

پیشینه پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش به شرح ذیل ارائه گردیده است :

صفری (۱۳۸۵)، در پژوهشی به شناسایی علل شکاف مالیاتی پرداخت. ابهام در مفاد قانون و دستورالعمل‌های اجرایی و نحوه برخورد با آن‌ها و نیز آگاهی مؤدیان از مفاد قانون مالیات‌ها از دلایل ایجاد اختلاف و ایجاد شکاف بین مالیات ابرازی و قطعی می‌باشد.

شمس‌زاده و ذکوری (۱۳۸۷)، در پژوهشی به شناسایی علل شکاف مالیاتی پرداختند. بین سود مشمول مالیات ابرازی و تعیینی تفاوت معناداری وجود دارد و مؤثرترین عامل در حالت مردودی دفاتر کتمان درآمد یا فعالیت‌های واحد تجاری و نیز تأخیر پلمپ دفاتر قانونی بوده است. همچنین، در حالت قبولی دفاتر، عدم ارائه یا عدم وجود مستندات در اثبات هزینه‌ها از عوامل مؤثر بر تفاوت مالیات ابرازی و تعیینی بوده است و نیز این که مغایرت بین استانداردهای حسابداری و قوانین مالیاتی در حالت قبولی دفاتر باعث ایجاد تفاوت معنادار بین سود ابرازی و قطعی نمی‌گردد.

مدرس و زارعیان‌برجی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به اثر شکاف مالیاتی بر ارزش شرکت و بازده سهام پرداختند. بین تفاوت مالیات ابرازی و تعیینی با ارزش بازار سهام و بازده سهام رابطه معناداری وجود ندارد. علت این امر اختلاف بین سود ابرازی توسط مؤدیان و درآمد مشمول مالیات محاسبه شده توسط سازمان امور مالیاتی تشریح گردید.

طالب‌نیا و برزگری (۱۳۹۲)، در پژوهشی به شناسایی علل شکاف مالیاتی پرداختند. تفاوت بین مالیات ابرازی و مالیات تعیینی ناشی از بخش محتوای صورت‌های مالی (کتمان فعالیت‌ها،

درآمدها، هزینه سازی) و بخش شکلی (پلمپ دفاتر قانونی، عدم ثبت عملیات در دفاتر رسمی در مهلت قانونی مقرر) می‌باشد.

مظاهری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به اثر دوره تصدی مدیریت بر ارزش شرکت، هزینه های نمایندگی و ریسک اطلاعاتی پرداختند. در این تحقیق دوره تصدی به عنوان معیاری برای سنجش میزان افق تصمیم گیری مدیرعامل در نظر گرفته شده است. با در نظر گرفتن دوره تصدی مدیرعامل بعنوان متغیر مستقل، و استفاده از رگرسیون حداقل مربعات دو مرحله، آزمونهای تجربی نشان می‌دهد که دوره تصدی بلند مدت مدیرعامل با ریسک اطلاعاتی و ارزش شرکت در ارتباط می‌باشد همچنین میان دوره تصدی مدیرعامل و هزینه های نمایندگی رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

دیدار و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی به عوامل مؤثر بر شکاف مالیاتی پرداختند. رابطه متغیرهای استقلال هیئت مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرس، تغییر حسابرس و اهرم مالی با شکاف مالیاتی منفی است و متغیرهای حسابرسی داخلی، مالکیت نهادی، دوگانگی نقش مدیرعامل و اندازه شرکت رابطه مثبتی با شکاف مالیاتی دارند.

رحمانی و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهشی به عوامل مؤثر بر شکاف مالیاتی پرداختند. افزایش راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات، تفاوت مالیات ابرازی و مالیات تعیینی را افزایش می‌دهد.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴)، در پژوهشی به اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر منافع سهامداران پرداختند. فعالان بازار سرمایه ایران، نسبت به راه کارهای کاهش میزان مالیات پرداختی دیدگاه مثبتی دارند و آن را نه ابزاری برای اقدامات فرصت طلبانه، بلکه تلاشی برای کاهش انتقال ثروت از سهامداران به دولت، تلقی می‌نمایند.

قادری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به عوامل مؤثر بر شکاف مالیاتی پرداختند. بالا بودن کیفیت افشا منجر به کاهش سطح شکاف مالیاتی می‌گردد و این که افزایش رقم تعدیلات سنواتی، افزایش سطح شکاف مالیاتی را به همراه خواهد داشت.

دسایی و همکاران (۲۰۰۶)، در پژوهشی به تبعات سیاست‌های مالیاتی متهورانه پرداختند. تراکنش‌های پیچیده مالیاتی که سود را از دولت پنهان می‌دارد، مانع از این امر می‌گردد که

سرمایه‌گذاران مصرف منابع توسط گروه مدیریت را به‌طور مناسب کنترل کند. در واقع راهبردهای کاهش مالیات پرداختی، می‌تواند مدیران فرصت‌طلبی را به وجود بیاورد که به صورت بالقوه به دنبال فرصتی برای دستکاری درآمدها هستند.

دسایبی و دارماپالا (۲۰۰۹)، در پژوهشی به اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر منافع سهامداران پرداختند. اثر اجتناب از پرداخت مالیات بر ارزش شرکت تفاوت معنی‌داری با صفر ندارد. ولی در شرکت‌های با ساختار حاکمیت قوی، اجتناب از پرداخت مالیات اثر مثبتی بر ارزش شرکت خواهد داشت که در این حالت با توجه به وجود ساز و کارهای کنترلی و نظارتی، تلاش‌های فرصت‌طلبانه مدیریت در استفاده از فعالیت‌های اجتناب مالیات به نفع خود، محدود خواهد شد (کاهش هزینه‌های نمایندگی را به دنبال دارد).

وانگ (۲۰۰۹)، در پژوهشی به شناسایی علل اجتناب از مالیات پرداخت از آنجایی که اجتناب از پرداخت مالیات، انتقال ثروت از شرکت به دولت را کاهش می‌دهد، از نظر سهامداران یک فعالیت ارزش‌آفرین می‌باشد. هم‌چنین نتایج نشان داد در شرکت‌هایی که مسائل نمایندگی کم‌تری وجود دارد، سطح اجتناب از پرداخت مالیات شرکت بالاتر است. به این معنی که مدیران راه کارهای کاهش میزان مالیات پرداختی را صرفاً در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران انجام می‌دهند.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در هیچ پژوهشی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا با توجه به مطالب پیش‌گفته و نبود شواهد تجربی در خصوص تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی، ضرورت انجام این پژوهش احساس می‌شود. از این‌رو، انتظار می‌رود اول این که نتایج پژوهش بتواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های پیشین در ارتباط با حوزه مالیاتی گردد. دوم، پژوهش حاضر بتواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون‌گذاران حوزه

مالیاتی و بازار سرمایه قرار دهد و سوم آن که بتواند موجب خلق ایده‌های نوین برای انجام پژوهش‌های آتی در حوزه مالیاتی گردد.

فرضیه پژوهش

با توجه به مطالب مطرح شده در بخش مبانی نظری و پیشینه پژوهش و همچنین پاسخ‌گویی به سؤال مطرح شده در بخش مقدمه، فرضیه اصلی پژوهش به شرح ذیل مطرح گردیده است:

فرضیه پژوهش: بین هزینه‌های نمایندگی و شکاف مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

جامعه آماری و نمونه پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، شامل تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به غیر از مؤسسات مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، هلدینگ و بانک‌ها به دلیل متفاوت بودن افشای مالی و ساختارهای اصول راهبری آن‌ها) است. در این پژوهش، اثر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی در بورس اوراق بهادار تهران مورد مطالعه قرار گرفته است. برای این منظور، اطلاعات مورد نیاز برای یک دوره نه ساله بر اساس صورت‌های مالی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳ جمع‌آوری شده است. برای انتخاب نمونه آماری از روش حذف هدفمند استفاده شده است. در این روش، شرکت‌هایی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب می‌شوند که دارای شرایط زیر باشند:

- ۱- طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشند.
- ۲- پایان سالی مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
- ۳- طی این سال‌ها تغییر فعالیت نداده باشند.
- ۴- طی این سال‌ها تغییر سال مالی نداده باشند.
- ۵- اطلاعات مورد نیاز آن‌ها در دسترس باشد.
- ۶- توقف معاملاتی بیش از شش ماه در مورد سهام شرکت اتفاق نیفتاده باشد.

روش‌شناسی پژوهش

با در نظر گرفتن محدودیت‌های پیش‌گفته، (۵۹۴ سال- شرکت) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب گردید. روش کلی پژوهش از جهت هدف کاربردی و از جنبه طرح پژوهش، پس‌رویدادی است. اطلاعات مربوط به مبانی نظری و ادبیات پژوهش از میان مقالات موجود

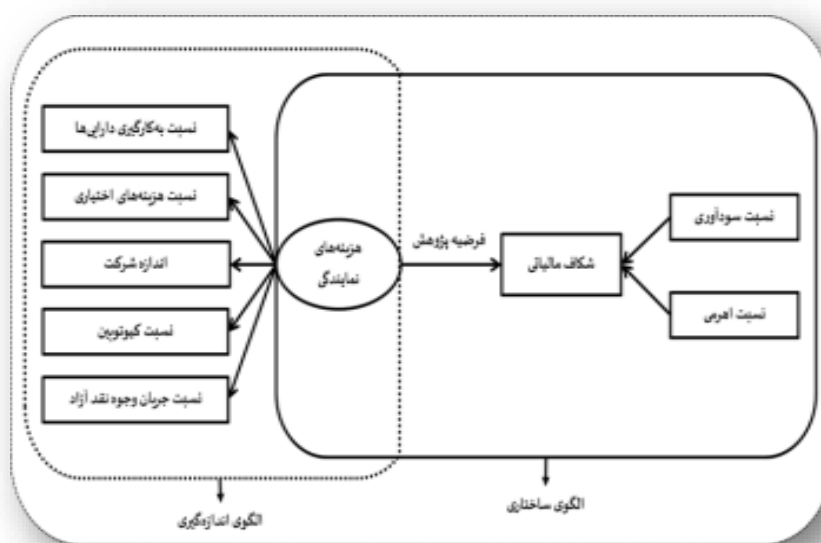
در این زمینه و اطلاعات مربوط به متغیرهای پژوهش از نرم‌افزار ره‌آورد نوین و صورت‌های مالی حسابرسی شده جمع‌آوری شده است.

مرتب کردن و طبقه‌بندی اولیه داده‌ها به وسیله نرم‌افزار اکسل (نسخه ۲۰۱۳) و SPSS (نسخه ۲۰) و تجزیه و تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار AMOS (نسخه ۱۶) انجام شده است. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از رویکرد مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. برای این منظور، یک فرایند دو مرحله‌ای طی می‌شود. ابتدا باید از برازش قابل قبول الگوی اندازه‌گیری ۸ (هزینه‌های نمایندگی) اطمینان حاصل شود و سپس برازش الگوی ساختاری ۹ (اثر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی) مورد بررسی قرار گیرد. در تجزیه و تحلیل مدل معادلات ساختاری، الگوی معادله ساختاری ترکیبی از الگوهای اندازه‌گیری (الگوهای عاملی تأییدی) و الگوی معادله ساختاری (الگوهای مسیر) است. تمایز بین الگوهای اندازه‌گیری و ساختاری در گام‌های بعدی فرایند مدل معادلات ساختاری نقش مهمی را ایفا می‌نماید. در واقع، چنانچه الگوی اندازه‌گیری، برازش مناسبی از اندازه‌گیری متغیر پنهان ۱۰ را نشان دهد، برازش الگوی ساختاری با اطمینان بیش‌تری صورت خواهد گرفت. به همین دلیل، در مدل معادلات ساختاری، آزمون الگوی اندازه‌گیری مقدم بر آزمون الگوی ساختاری است. برای رد یا عدم رد فرضیه‌های پژوهش نیز آزمون معنی‌داری هر یک از ضرایب مسیر استاندارد شده الگوی ساختاری (آزمون تی-استیودنت) استفاده شده است. چنانچه احتمال آماره تی-استیودنت کم‌تر از ۵ درصد باشد، فرضیه پژوهش (در سطح اطمینان ۹۵ درصد) رد نمی‌شود.

الگوی مفهومی و متغیرهای پژوهش

در ادبیات مالی شرکتی و حسابداری، هزینه‌های نمایندگی جزء هزینه‌هایی به شمار می‌رود که برای مطالعه جنبه‌های متفاوت آن (اثر گذار بر/ اثر پذیر از)، به صورت مستقیم برای پژوهش‌گر قابل مشاهده و اندازه‌گیری نیست. از این‌رو، هزینه‌های نمایندگی می‌تواند به عنوان یک متغیر پنهان تعریف شود. بنابراین، پژوهش‌گر باید متغیر پنهان را بر حسب نوع رفتاری که بیان‌گر آن متغیر می‌باشد، تعریف نماید. به عبارت دیگر، با استفاده از یک سری متغیرهای مشاهده‌پذیر، می‌توان یک متغیر پنهان را اندازه‌گیری کرد. بنابراین، به منظور مطالعه اثر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی، باید از رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری بهره گرفت. در الگوی مفهومی پژوهش به منظور اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی (متغیر پنهان) به

عنوان متغیر مستقل، از سنجش‌های مشاهده‌پذیر اندازه شرکت، نسبت به کارگیری دارایی‌ها، نسبت هزینه‌های اختیاری، نسبت جریان وجوه نقد آزاد و نسبت کیوتوبین استفاده شده است. هم‌چنین، شکاف مالیاتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده و متغیرهای نسبت سودآوری و نسبت اهرمی نیز به عنوان متغیرهای کنترلی وارد الگوی پژوهش شده‌اند. بر این اساس، چارچوب الگوی مفهومی پژوهش در نمودار (۱) بر اساس رویکرد مدل معادلات ساختاری ترسیم شده است.



نمودار (۱). الگوی مفهومی پژوهش

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

درصد شکاف مالیاتی

در این پژوهش، شکاف مالیاتی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. این متغیر از اختلاف بین مالیات ابرازی (اظهارشده) و مالیات تعیینی (تشخیصی، قطعی و یا نظرات نهایی

شورای عالی مالیاتی) اطلاعات مندرج در نگاره مالیات بر درآمد یادداشت‌های توضیحی صورت‌های مالی اساسی، بدست می‌آید. اولویت در انتخاب مالیات تعیینی، مالیات قطعی می‌باشد و در صورتی که مالیات هنوز قطعی نشده باشد از مالیات تشخیصی استفاده شده است (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳).

متغیرهای مشاهده پذیر

الف- نسبت به کارگیری دارایی‌ها

نسبت به کارگیری دارایی‌ها چگونگی بهره‌وری و استفاده از دارایی‌های شرکت توسط مدیران برای ایجاد فروش و سود بیش‌تر را اندازه‌گیری می‌کند. این نسبت به عنوان معیار معکوسی برای هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود. به این معنی که هر چه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی پایین‌تر خواهد بود (هنری، ۲۰۱۰؛ مک‌نایت و ویر، ۲۰۰۹).

ب- نسبت هزینه‌های اختیاری

نسبت هزینه‌های اختیاری می‌تواند معیاری از افراط‌گرایی مدیریت در انجام هزینه‌های اختیاری باشد. نسبت هزینه‌های اختیاری، چگونگی کنترل هزینه‌های عملیاتی توسط مدیران را اندازه‌گیری می‌کند و به عنوان معیار مستقیم هزینه‌های نمایندگی به کار می‌رود. یعنی هر چه این نسبت بالاتر باشد، هزینه‌های نمایندگی نیز بیشتر است (هنری، ۲۰۱۰؛ آنگ و همکاران، ۲۰۰۰).

ج- اندازه شرکت

در شرکت‌های سهامی بزرگ که سهام آن در اختیار افراد متعددی است، به علت تضاد منافع بالقوه بین مالکان و مدیران، اهداف مدیریت سازمان از اهداف سهامداران جدا است. لذا سهامداران نظارت ناچیزی بر مدیریت شرکت‌ها دارند. در این صورت زمینه‌ای فراهم می‌آید تا مدیران راساً به نحوی عمل نمایند که از نظر ایشان بهترین است. هم‌چنین شرکت‌های بزرگ نسبت به شرکت‌های کوچک در مقیاس بزرگ‌تری مشغول به فعالیت هستند و این خود انگیزه و فرصت‌هایی را برای شانه خالی کردن مدیران از وظایف محوله به آن‌ها را فراهم می‌کند (دی، ۲۰۰۸).

بنابراین هر چه اندازه شرکت وسیع‌تر باشد، سهامداران با هزینه‌های نمایندگی بیشتری مواجه خواهند بود؛ سهامدار در ملاحظه اقدامات و عملیات مدیر، ناتوان است (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

د- نسبت کیوتوین

این نسبت عموماً به عنوان معیاری از عملکرد مدیریت به کار می‌رود. اعتقاد بر این است که عملکرد ضعیف مدیریت، احتمالاً باعث اتخاذ تصمیم‌هایی می‌شود که هزینه‌های نمایندگی را افزایش خواهد داد. از این رو نسبت کیوتوین پایین‌تر، بیان‌گر عملکرد ضعیف مدیران است و می‌تواند نشان دهنده وجود مشکلات نمایندگی باشد یعنی بین هزینه‌های نمایندگی و نسبت کیوتوین رابطه منفی و معناداری وجود دارد به دیگر عبارت نسبت کیوتوین از شاخص‌های معتبر در تعیین حداقل و یا حداکثر نمودن مطلوبیت هزینه‌های نمایندگی تلقی می‌شود (هنری، ۲۰۱۰). هم‌چنین با استفاده از آماره کیوتوین، تنوع تصمیمات مدیریت (هزینه نمایندگی سهامداران شرکت) که بیان‌گر عملکرد مدیریت است، قابل سنجش و ارزیابی است (ولف، ۲۰۰۳).

ه- جریان وجوه نقد آزاد

به عقیده جنسن (۱۹۸۶) میزان بیش از حد جریان‌های نقدی آزاد، نارسایی‌های داخلی و اتلاف منابع سازمانی را دنبال دارد. وی در تئوری جریان‌های نقدی آزاد بیان می‌دارد که مدیران به جای توزیع جریان‌های نقد آزاد بین مالکان، تمایل به سرمایه‌گذاری مجدد آن در شرکت دارند؛ زیرا پرداخت وجه به سهامداران موجب کاهش منابع تحت کنترل مدیریت و در نتیجه کاهش قدرت وی می‌شود. هم‌چنین مدیران تمایل به رشد شرکت بیش از اندازه بهینه آن دارند؛ زیرا رشد شرکت با افزایش پاداش مدیریت و منابع تحت کنترل آنان خواهد شد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین جریان وجوه نقد آزاد موجب می‌گردد که مدیریت از این وجوه جهت منافع شخصی خود استفاده کرده و موجب تضعیف عملکرد شرکت شود (هیونگ‌ها، ۲۰۱۱).

متغیرهای کنترلی

الف- نسبت سودآوری

سود از جمله اطلاعات با اهمیت در تصمیمات اقتصادی به شمار می‌رود. سود به عنوان ابزار سنجش اثربخشی عملکرد مدیریت و نیز وسیله پیش‌بینی و ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها، همواره مورد استفاده سرمایه‌گذاران، تحلیل‌گران مالی و دیگر گروه‌های ذی‌نفع بوده است. با توجه به این که مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها و به تبع آن ایجاد شکاف مالیاتی باشد. هم‌چنین، از آن‌جا که طرح‌های پاداش گروه مدیریت و دیگر گردانندگان واحد تجاری مبتنی بر معیارهای عملکرد مدیریت همچون سودآوری و جریان‌های نقدی است، می‌توان انتظار داشت مدیران در راستای تحقق پاداش‌های در نظر گرفته شده از جانب سهامداران برای آنان، انگیزه زیادی برای کاهش مالیاتی پرداختی داشته باشند، زیرا کاهش مالیات پرداختی در نهایت منجر به افزایش سود خالص و کاهش جریان‌های نقدی خروجی ناشی از مالیات می‌گردد (پورحیدری و شفیعی‌همت‌آباد، ۱۳۹۲).

ب- نسبت اهرمی

مدیران شرکت‌هایی که اهرم مالی بالایی دارند، برای رعایت شروط قراردادهای تأمین مالی و نشان دادن عملکرد مطلوب شرکت، به دستکاری سود می‌پردازند، زیرا مدیران این قبیل شرکت‌ها برای راضی نگه داشتن اعتباردهندگان باید سوددهی مناسبی داشته باشند. بنابراین، مدیران این شرکت‌ها تمایل کم‌تری به کاهش سود شرکت‌های خود برای پرداخت مالیات کم‌تر دارند (پورحیدری و شفیعی‌همت‌آباد، ۱۳۹۲). مؤدی (مدیران) از طریق گزارش درآمد مشمول مالیات ابرازی با افزایش نسبت بدهی، انگیزه بیشتری برای اعمال شکاف مالیاتی دارند (وانگ، ۲۰۱۰) بنابراین نسبت اهرمی تواند به عنوان عاملی بیرونی بر روی شکاف مالیاتی تاثیرگذار تلقی می‌شود. فلذا ضروری است آثار این متغیر بر رابطه متغیر مستقل و وابسته خنثی شود.

نگاره (۱). نحوه محاسبه متغیرهای پژوهش

متغیر		نحوه محاسبه
متغیر وابسته	درصد شکاف مالیاتی	مالیات ابرازی / (مالیات ابرازی - مالیات قطعی)
متغیر مستقل (هزینه‌های نمایندگی)	نسبت به کارگیری دارایی‌ها	جمع دارایی‌ها / جمع فروش
	نسبت هزینه‌های اختیاری (هنری، ۲۰۱۰)	جمع فروش / جمع هزینه‌های فروش، عمومی و اداری
	اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌ها
	نسبت کیوتوبین (هنری، ۲۰۱۰)	جمع دارایی‌ها / (جمع بدهی‌های بلندمدت + ارزش بازار شرکت)
	نسبت جریان وجوه نقد آزاد	جمع دارایی‌ها / (سود تقسیمی - جریان وجوه نقد عملیاتی)
متغیر کنترلی	نسبت سودآوری	جمع دارایی‌ها / سود خالص
	نسبت اهرمی	جمع دارایی‌ها / جمع بدهی‌ها

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در نگاره (۲) ارائه گردیده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار میانگین به ترتیب متعلق به متغیرهای شکاف مالیاتی (۵۶/۷۶۳۶) و نسبت جریان وجوه نقد آزاد (۰/۰۳۶۳) می‌باشد. بیش‌ترین و کم‌ترین مقدار انحراف معیار نیز متعلق به متغیرهای شکاف مالیاتی (۱۱۲/۰۴۷۷) و نسبت هزینه‌های اختیاری (۰/۰۴۳۲) است. به دیگر عبارت انحراف شکاف مالیاتی (۱۱۲/۰۴۷۷) واحد از میانگین شکاف مالیاتی شرکت‌های مورد مطالعه (۵۶/۷۶۳۶) بدلیل ساختار حاکم بر تشخیص و وصول مالیات بر درآمد کشور می‌باشد.

نگاره (۲). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار
نسبت به کارگیری دارایی‌ها	ASSET-UT	۰/۷۹۴۰	۰/۷۴۱۷	۰/۴۰۲۵
نسبت هزینه‌های اختیاری	DIS-EX	۰/۰۶۴۷	۰/۰۵۵۲	۰/۰۴۳۲
اندازه شرکت	SIZE	۵/۹۱۱۲	۵/۸۸۷۵	۰/۶۱۷۲
نسبت کیوتوبین	TQ	۰/۸۸۶۲	۰/۷۲۱۱	۰/۵۹۷۳
نسبت جریان وجوه نقد آزاد	FCF	۰/۰۳۶۳	۰/۰۲۸۹	۰/۱۵۲۱
نسبت سودآوری	ROA	۰/۱۳۹۵	۰/۱۲۰۰	۰/۱۱۲۴
نسبت اهرمی	LEV	۰/۵۹۴۴	۰/۶۰۶۰	۰/۱۶۲۸
درصد شکاف مالیاتی	TG	۵۶/۷۶۳۶	۱۵/۰۸۶۰	۱۱۲/۰۴۷۷

بررسی شدت همبستگی بین متغیرهای پژوهش

در نگاره (۳) ضرایب همبستگی بین کلیه متغیرهای پژوهش ارائه شده است. همان گونه که مشاهده می‌شود هیچ گونه همبستگی شدیدی بین متغیرهای پژوهش وجود ندارد. از این رو تحلیل‌های آماری و تفسیر نتایج به دست آمده با اطمینان بیش تری صورت می‌پذیرد.

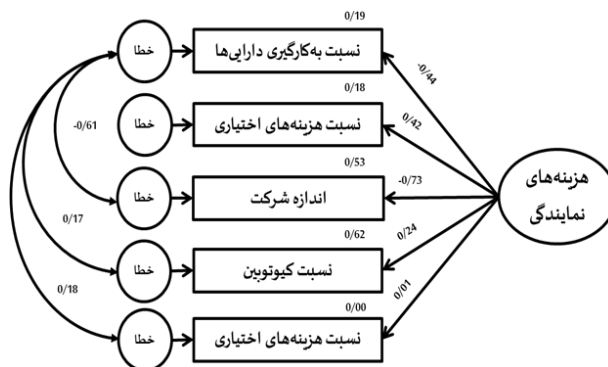
نگاره (۳). ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

FCF	TQ	SIZE	DIS-EX	ASSET-UT	TG	LEV	ROA	
							۱	ROA
						۱	-۰/۵۵	LEV
					۱	۰/۱۲	-۰/۱۵	TG
				۱	-۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۱۳	ASSET-UT
			۱	-۰/۱۹	۰/۰۴	-۰/۰۲	-۰/۰۸	DIS-EX
		۱	-۰/۳۱	-۰/۰۴	-۰/۰۴	۰/۱۴	۰	SIZE
	۱	-۰/۱۹	۰/۱۲	۰/۰۳	-۰/۰۸	-۰/۴۳	-۰/۶۳	TQ
۱	-۰/۰۱	۰/۰۴	-۰/۰۲	۰/۱۵	۰	۰/۰۷	-۰/۰۶	FCF

اعتبارسنجی^{۱۱} الگوی اندازه‌گیری پژوهش

پس از تعیین الگوی مفهومی پژوهش و گردآوری داده‌ها، مهم‌ترین مرحله الگوسازی معادلات ساختاری، اعتبارسنجی الگوی اندازه‌گیری است. در این مرحله، پژوهش‌گر به دنبال

جواب این پرسش است که آیا الگوی مفهومی، داده‌های پژوهش را نمایندگی می‌کند؟ اعتبار یک الگو با استفاده از معیارهای نیکویی برازش^{۱۲} مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، در این مرحله از تجزیه و تحلیل‌های آماری انتظار بر این است که برازش داده‌ها به الگوی مفهومی پژوهش بر اساس معیارهای علمی، قابل قبول باشد. نمودار (۲) الگوی اندازه‌گیری اصلاح شده هزینه‌های نمایندگی را به همراه بارکنش‌های مربوط به این الگو را ارائه می‌نماید:



نمودار (۲). الگوی اندازه‌گیری اصلاح شده هزینه‌های نمایندگی به همراه بارکنش‌ها

با توجه به آماره‌های ستون معنی‌داری نگاره (۴)، مقادیر مربوط به سطح معنی‌داری برای تمام متغیرهای مشاهده‌پذیر کم‌تر از ۵ درصد می‌باشد. معنادار بودن برآوردهای الگو بدین معنا است که این روابط توسط الگو تأیید می‌شوند و بایستی در الگوی پژوهش باقی بمانند.

نگاره (۴). مقادیر برآورد شده الگوی اندازه‌گیری اصلاح شده هزینه‌های نمایندگی

معنی‌داری	ضریب رگرسیون استاندارد ^{۱۳}	متغیرهای الگوی اندازه‌گیری
۰/۰۲۴	-۰/۴۴۰	هزینه نمایندگی --- < نسبت به کارگیری دارایی‌ها
۰/۰۲۲	۰/۴۲۷	هزینه نمایندگی --- < نسبت هزینه‌های اختیاری
۰/۰۰۳	-۰/۷۳۱	هزینه نمایندگی --- < اندازه شرکت
۰/۰۲۳	۰/۲۴۹	هزینه نمایندگی --- < نسبت کیوتوپین
-	۰/۰۱۵	هزینه نمایندگی --- < نسبت جریان وجوه نقد آزاد

هم‌چنین، در نگاره (۵) مقادیر مربوط به شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری اصلاح شده ارائه شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار احتمال آماره کای-مربع به عنوان معیار اصلی سنجش نیکویی برازش برای الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی

(۰/۳۹۳) بیش‌تر از ۵ درصد است. هنگامی که سطح پوشش آماره کای-مربع بزرگ‌تر از ۵ درصد باشد، می‌توان ادعا کرد که الگوی مفروض، دارای نیکویی برازش قابل قبول است. هم‌چنین، سایر معیارهای نیکویی برازش ارائه شده در نگاره (۶) بیان می‌دارند که الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی از اعتبار کافی جهت انجام آزمون فرضیه پژوهش برخوردار می‌باشد.

نگاره (۵). مقادیر شاخص‌های نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی

معیارهای نیکویی برازش	نام شاخص	الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی	سطح برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	کای-مربع	۰/۳۹۳	بزرگ‌تر از ۵ درصد
	شاخص نیکویی برازش	۰/۹۹۸	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۸۶	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار نشده	۱/۰۰۸	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش هنجار شده	۰/۹۷۹	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش تطبیقی	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش افزایشی	۱/۰۰۲	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برازش مقتصد	شاخص برازش نسبی	۰/۸۹۴	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	۰/۱۹۶	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
	ریشه میانگین مربعات خطاهای برآورد	۰/۰۰۰	کوچک‌تر از ۱۰ درصد
سایر شاخص‌ها	کای-مربع هنجار شده به درجه آزادی	۰/۹۳۴	کوچک‌تر از ۳
	شاخص هلتر (۰/۰۵)	۱۲۶۷	بزرگ‌تر از ۲۰۰

هم‌چنین، به منظور بررسی بیش‌تر برازش الگوی اندازه‌گیری هزینه‌های نمایندگی، در نگاره (۶) مقادیر مربوط به ماتریس کواریانس خطای باقی‌مانده استاندارد شده ارائه شده است. این کواریانس استاندارد شده دارای توزیع Z است، چنانچه مقادیر خطای باقی‌مانده در بازه ۱/۹۶- و ۱/۹۶+ باشند، می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل در حد قابل قبول می‌باشد. از آن‌جا که

مقادیر به‌دست آمده در بازه مطلوب قرار دارند، می‌توان ادعا کرد که ماتریس کواریانس ضمنی و ماتریس کواریانس نمونه از نظر آماری، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

نگاره (۶). مقادیر کواریانس باقی‌مانده استاندارد شده

متغیرهای الگوی اندازه‌گیری	ASSET-UT	DIS-EX	SIZE	TQ	FCF
ASSET-UT	۰/۰۲۲				
DIS-EX	-۰/۰۹۵	۰/۰۴۳			
SIZE	۰/۳۲۱	-۰/۱۰۶	۰/۱۲۷		
TQ	-۰/۰۵۷	-۰/۰۴۰	-۰/۰۸۵	۰/۰۱۵	
FCF	-۰/۱۲۹	-۰/۱۴۷	۱/۳۲۱	-۰/۲۴۹	-۰/۰۱۹

اعتبارسنجی الگوی ساختاری پژوهش

در مرحله ارزیابی الگوی ساختاری و به‌هنگام بررسی روابط بین متغیرهای پنهان و مشاهده‌پذیر، بارکنش‌های عامل الگوی اندازه‌گیری دوباره تخمین زده می‌شود. به این صورت که بارکنش‌های عامل و خطای اندازه‌گیری در الگوی اندازه‌گیری و ساختاری، آزاد در نظر گرفته شده و تخمین زده می‌شوند. مزیت این روش این است که می‌توان از نیکویی برازش الگوی اندازه‌گیری به عنوان مبنایی برای مقایسه استفاده نمود و نیکویی برازش الگوی ساختاری را با آن محک زد. اما باید این موضوع را مدنظر قرار داد که مقادیر معیارهای نیکویی برازش برای الگوی اندازه‌گیری با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و نیز الگوی ساختاری در اکثر موارد با یکدیگر تفاوت دارند. با این وجود، تفاوت زیاد و آشکار بین معیارهای برازش در الگوی اندازه‌گیری و ساختاری نشانه وجود مشکل در الگوی مفهومی پژوهش بوده و لازم است با بررسی داده‌های الگوی اندازه‌گیری و ساختاری، علت آن شناسایی و رفع گردد. در الگوی ساختاری، فرضیه‌های پژوهش (روابط رگرسیونی و یا همبستگی بین متغیرها) مورد آزمون قرار می‌گیرد. شاخص‌های برازش الگوی ساختاری مربوط به آزمون فرضیه پژوهش که در نگاره (۷) ارائه گردیده است، مبین برازش قابل قبول الگوی ساختاری است.

نگاره (۷). مقادیر شاخص‌های نیکویی برآزش الگوی ساختاری

معیارهای نیکویی برآزش	نام شاخص	الگوی ساختاری	سطح برآزش قابل قبول
شاخص‌های برآزش مطلق	کای - مربع	۰/۷۰۶	بزرگ‌تر از ۵ درصد
	شاخص نیکویی برآزش	۰/۹۹۷	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص نیکویی برآزش اصلاح شده	۰/۹۸۵	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برآزش تطبیقی	شاخص برآزش هنجار نشده	۱/۰۱۸	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برآزش هنجار شده	۰/۹۹۲	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برآزش تطبیقی	۱/۰۰۰	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برآزش افزایشی	۱/۰۰۴	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
شاخص‌های برآزش مقتصد	شاخص برآزش نسبی	۰/۹۹۶	بزرگ‌تر از ۹۵ درصد
	شاخص برآزش مقتصد هنجار شده	۰/۲۴۸	بزرگ‌تر از ۵۰ درصد
	ریشه میانگین مربعات خطاهای برآورد	۰/۰۰۰	کوچک‌تر از ۱۰ درصد
سایر شاخص‌ها	کای - مربع هنجار شده به درجه آزادی	۰/۶۶۱	کوچک‌تر از ۳
	شاخص هلتر (۰/۰۵)	۱۲۰۲	بزرگ‌تر از ۲۰۰

پس از حصول اطمینان از نیکویی برآزش الگوی ساختاری و عدم وجود تفاوت قابل توجه بین معیارهای نیکویی برآزش در الگوی اندازه‌گیری و ساختاری پژوهش، نوبت به بررسی فرضیه پژوهش (تفسیر ضرایب برآوردی بین متغیرهای پنهان و متغیر مشاهده‌پذیر) می‌رسد. نتایج آزمون فرضیه پژوهش که در نگاره (۸) ارائه گردیده است حاکی از آن است که هزینه‌های نمایندگی اثر منفی (۰/۰۸۳-) بر شکاف مالیاتی دارد هر چند که شدت آن از نظر آماری معنی‌دار نیست (مقدار آماره تی - استیودنت ۰/۴۷۸ بیش‌تر از ۰/۰۵ است). از این‌رو، فرضیه پژوهش رد می‌شود.

نگاره (۸). نتایج مربوط به آزمون فرضیه پژوهش

فرضیه پژوهش	مسیر	ضریب مسیر*	نسبت بحرانی	معنی‌داری
فرضیه پژوهش	هزینه‌های نمایندگی <--->	۰/۰۸۳-	۰/۷۱۰-	۰/۴۷۸
متغیرهای کنترلی	سودآوری <--->	۰/۱۱۱-	۱/۸۰۵-	۰/۰۷۱
	نسبت اهرمی <--->	۰/۰۷۷	۱/۱۸۹	۰/۲۳۴

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

همان‌طور که در ادبیات پژوهش بیان گردید، پیامدهای راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی بر منافع سهامداران، دو پهلو است. گروهی از مطالعات، به تأثیر نامساعد این راه‌کارها بر منافع سهامداران اشاره داشته که مبنای چنین استدلالی به نظریه نمایندگی (تفکیک مالکیت از مدیریت) اشاره دارد. بر اساس این نظریه، فعالان بازار سرمایه به دلیل ماهیت پیچیده و غیرشفاف راه‌کارهای اجتناب از پرداخت مالیات، نسبت به این فعالیت‌ها بدبین بوده و آن را ابزاری برای رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیریت تلقی می‌کنند. گروهی دیگر از مطالعات نیز به رابطه مثبت بین راه‌کارهای کاهش مالیات و منافع حاصل از آن برای سهامداران یا به عبارتی نظریه ارزش آفرینی، اشاره دارند. در این نظریه، اعتقاد بر این است که راه‌کارهای کاهش اجتناب از پرداخت مالیات، انتقال ثروت از سهامداران به دولت را کاهش می‌دهد.

در این پژوهش دیدگاه اول یا به عبارتی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر شکاف مالیاتی (تفاوت بین مالیات تعیینی و مالیات ابرازی) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که تعارضات نمایندگی که بر خواسته از مسئله جدایی مالکیت از مدیریت است، اثر معنی‌داری بر شکاف مالیاتی ندارد. در واقع این یافته پژوهش به این مسئله اشاره دارد که علی‌رغم متفاوت بودن توابع مطلوبیت گروه مدیریت و دیگر گروه‌های ذی‌نفع (سهامداران، سرمایه‌گذاران و...)، این مسئله تأثیر معنی‌داری بر شکاف مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ندارد. نتایج آزمون این پژوهش با نتایج پژوهش انجام شده توسط دیدار و همکاران (۱۳۹۳) در ایران سازگار است. دیدار و همکاران به این نتیجه رسید که رابطه متغیرهای استقلال هیئت مدیره، مالکیت دولتی، نوع اظهارنظر حسابرسان، تغییر حسابرسان و اهرم مالی با شکاف مالیاتی منفی است.

نتیجه آزمون مورد نظر این پژوهش با پژوهش انجام شده وانگ (۲۰۰۹) که به این نتیجه رسیدند که مدیران راه‌کارهای کاهش میزان مالیات پرداختی را صرفاً در راستای حداکثر کردن منافع سهامداران انجام می‌دهند، مطابقت دارد. اما نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش دسایی و دارماپالا (۲۰۰۹) سازگار نمی‌باشد، از این رو، در پژوهش حاضر، شواهدی دال بر تأیید نظریه نمایندگی و ارتباط آن با راه‌کارهای کاهش مالیات پرداختی به گونه‌ای که افزایش سطح شکاف مالیاتی (تفاوت بین مالیات تعیینی و ابرازی) را به دنبال داشته باشد، یافت نگردید.

در توجیه نتایج پژوهش، می‌توان عنوان داشت گروه مدیریت شرکت‌ها به منظور پنهان سازی عملکرد نامناسب خود، سعی در بهتر جلوه دادن عملکرد واحد اقتصادی تحت امر خود را داشته‌اند و در این مسیر ممکن با مدیریت سود، سودهای بیش‌تری را گزارش نموده باشند که این امر می‌تواند سطح شکاف مالیاتی را تقلیل دهد. بنابراین به سهامداران پیشنهاد می‌شود تا با استقرار ساز و کارهای نظارتی و کنترلی کیفیت گزارش‌گری مالی به ویژه کیفیت ارقام مربوط به سود شرکت را بیش‌تر مورد توجه قرار دهند. هم‌چنین، به منظور قابل‌اتکاتر شدن نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود در پژوهشی جداگانه نظریه ارزش آفرینی در ارتباط با شکاف مالیاتی مورد آزمون قرار گیرد.

پی‌نوشت

- | | |
|--------------------|---------------------------------------|
| ۱ Tax Avoidance | ۷ Structural Equation |
| ۲ Tax Evasion | ۸ Measurement Model Modeling Approach |
| ۳ Agency Theory | ۹ Structural Model |
| ۴ Tax Gap | ۱۰ Latent Variables |
| ۵ Agency Costs | ۱۱ Model Cross Validation |
| ۶ Agency Conflicts | ۱۲ Goodness of Fit Indices |

منابع

- پورحیدری، امید و امیر سروستانی. (۱۳۹۱). بررسی تاثیر ویژگیهای شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۶۲، صص ۶۱-۷۸.
- پورحیدری، امید و حمیده شفیعی همت‌آباد. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر تغییر نرخ مالیاتی شرکت‌ها بر مدیریت سود: مورد مطالعه اصلاحیه قانون مالیات‌های سال ۱۳۸۰. دو فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۵-۴۴.
- پورحیدری، امید، فدوی، محمدحسن و میثم امینی‌نیا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر شفافیت گزارشگری مالی شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۵۲، صص ۸۵-۶۹.

حیدری، مهدی. دیدار، حمزه و بهمن قادری. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هزینه‌های نمایندگی بر معیارهای ارزیابی عملکرد: رویکرد الگوسازی معادلات ساختاری. فصلنامه حسابداری مالی، سال هفتم، شماره ۲۷، صص ۱۰۱-۷۷.

خواجوی، شکرالله و محمد کیامهر. (۱۳۹۴). بررسی رابطه کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۶، صص ۸۷-۱۰۸.

دیدار، حمزه. منصورفر، غلامرضا و مهدی کفعمی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره بیست و یکم، شماره ۴، صص ۴۰۹-۴۳۰.

رحمانی، علی. ملانظری، مهناز و زهرا اربابی‌بهار. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تفاوت بین مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، سال ۲۵، صص ۸۹-۷۱. رضایی، فرزین و روح‌اله جعفری‌نیارکی. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با تقلب در حسابداری شرکت‌ها. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۶، صص ۱۳۴-۱۰۹.

شمس زاده، باقر و وجیه الله ذکوری. (۱۳۸۷). شناسایی علل اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و سود مشمول مالیات قطعی اشخاص حقوقی. فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۲، صص ۱۰۷-۱۳۵. صفری، احمد. (۱۳۸۵). بررسی دلایل اختلاف بین سود ابرازی مؤدبان مالیاتی و سود تشخیصی مأموران مالیاتی اشخاص حقوقی غیردولتی در اداره امور مالیاتی شرکت‌ها. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز.

طالب‌نیا، قدرت‌اله و محمدرضا برزگری. (۱۳۹۲). شناسایی و بررسی علل اختلاف بین مالیات بر سود ابراز شده و مالیات بر سود قطعی شده اشخاص حقوقی غیردولتی. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۸، صص ۵۵-۳۱.

فروغی، داریوش و شکوفه محمدی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و سطح نگهداشت وجه نقد شرکت‌های پذیرفته شده در بوری اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهشنامه مالیات، شماره ۲۰، صص ۱۲۲-۱۰۱.

قادری، بهمن. کفعمی، مهدی و سمانه برزگری صدقیانی. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر کیفیت افشا و تعدیلات سنواتی بر شکاف مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. چهارمین کنفرانس ملی مدیریت، اقتصاد و حسابداری، ۲۳ اردیبهشت ماه، دانشگاه تبریز.

مدرس، احمد و حمید زارعیان‌برجی. (۱۳۹۲). بررسی محتوای اطلاعات تفاوت بین مالیات ابرازی و قطعی و ارتباط آن با کیفیت سود شرکت‌ها. فصلنامه حسابداری مدیریت، سال ششم، شماره ۱۷، صص ۲۸-۱۵.

مشایخی، بیتا و صبری علی‌پناه. (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۴۹-۶۴.

مظاهری، علی، مرادزاده، مهدی و زهرا دیانتهی دیلمی. (۱۳۹۲). اثر دوره تصدی مدیریت بر ارزش شرکت، هزینه‌های نمایندگی و ریسک اطلاعاتی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال سوم، شماره ۱، صص ۳۹-۲۱.

مهرانی، ساسان. غلامرضا، کرمی و کامران تاجیک. (۱۳۹۳). تئوری حسابداری. جلد اول، انتشارات نگاه دانش: تهران.

- Ahmad, S. (2006). Examining the reasons for the difference between the profits of the tax bearer and the taxable profit of tax officers of non-governmental legal entities in the corporate tax administration. Islamic Azad University, Tehran Branch. (In Persian)
- Ang, J. , Cole, R. and Lin, J. (2000). Agency Costs and Ownership Structure. *The Journal of Finance*, 55 (1) , 81-106.
- Bushman, R. , & Smith, A (2001). Financial Accounting Information and Corporate Governance, *Journal of Accounting and Economics*, 32.
- Desai, H. C. , Hogan, and Wilkens. (2006). The Reputational Penalty for Aggressive Accounting: Earnings Restatement and Management Turnover, *The Accounting Review* .
- Desai, M. A. and Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value, *Review of Economics and Statistics*, 91 (3) , 537-546.
- Dey. A. (2008). Corporate Governance and Agency Conflicts, *Journal of Accounting Research*, 46 (5) , 1143-1181.
- Didar, H, Mansourfar, G; kafami, M (2014). Investigating the Effect of Corporate Governance Mechanisms on Tax Distortion in Companies Acquired in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing*. 21 (4). (In Persian)
- Foroughi, D; Mohammadi, S. (2013). Investigating the relationship between tax evasion and value and the level of cash holdings of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Tax*. 18, 101-122. (In Persian)
- Ghaderi, B; kafami, M; Barzegari Sedghayani, S. (2016). Investigating the Effect of Disclosure Quality and Adjustments on the Tax gap of Companies listed in Tehran Stock Exchange. Fourth National Conference on Management, Economics and Accounting. University of Tabriz. (In Persian)
- Henry, D. (2010). Agency Costs, Ownership Structure and Corporate Governance Compliance: A Private Contracting Perspective, *Pacific-Basin Finance Journal*, 18, 24-46.
- Heydari, M; Didar, H ; Ghaderi, B. (2015). Investigating the Effect of Representation Costs on Performance Measurement Criteria: Structural

- Equation Modeling Approach. *Journal of Financial Accounting*, 7 (27). (In Persian)
- Hyung-Ha, J. (2011). Agency Costs of Free Cash Flow and Conditional Conservatism, Ph. D. Dissertation, Oklahoma State University.
- Khajavi, Sh; Kayamehr, M. (2015). Investigating the relationship between audit quality and tax avoidance in companies admitted to the Tehran Stock Exchange. *Journal of tax research*, 26. (In Persian)
- Mashishki, B; Ali Panah, S. (2015). The impact of corporate governance on the relationship between tax avoidance and value of the company. *Journal of financial accounting and auditing research*. volume 7, Number 25, Page 49-64. (In Persian)
- Mazaheri, A; Moradzadeh, M; Dianati, Z. (2013). The effect of Chief Executive Officer tenure on firms value, agency costs and information risk, *Journal Empirical Research in Accounting* , 3 (1) , 21-39. (In Persian)
- McKnight, P. J and Weir, C. (2009). Agency Costs, Corporate Governance Mechanisms and Ownership Structure in Large UK Publicly Quoted Companies: A Panel Data Analysis, *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 49, 139-158.
- Mehrani, S; Karami, Gh R; Tajik, K. (2014). Accounting Theory. first volume. Publishing Look of Knowledge: Tehran. (In Persian)
- Modares, A; Zarean Barji, H. (2013). Investigation the Information Content The difference between the express and definitive taxes and its relation to the quality of corporate profits. *Journal of Management Accounting*, 6 (17) , 15-28 (In Persian)
- Pour heydari, O; Fadavi, M H ; Amini Nia, M. (2014). Impact of tax avoidance on the transparency of financial reporting companies listed in Tehran Stock Exchange, *Journal of Economic Research*, 14 (52) , 69-85. (In Persian)
- Pour heydari, O; Shafiehematabad, H. (2013). Investigating the Impact of Corporate Tax Rate Changes on Profit Management: Case Study of the Tax Law Amendment 2001. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 2, 25-44. (In Persian)
- Pour heydari, O; Sarvestani, A. (2012). Investigating the Impact of the Company's Characteristics, Type of Industry, and Institutional Ownership on the Discrepancy and Exempt Taxation of Companies Accepted in Tehran Stock Exchange. *Journal of tax research*, 62, 61-78. (In Persian)
- Rahmani, A; Molanazeri, M; Arbabi Bahar, Z (2015). Investigate the relationship between the diagnosis of taxes and tax evasion by avoiding tax payments. *Journal of tax research*, 25. (In Persian)

- Rezaei, F; Ja'fari Nayarki, R. (2015). Investigate the relationship between tax avoidance and Fraud in Corporate Accounting. *Journal of tax*, 26,109-134. (In Persian)
- Shamszadeh, B ; Zakoori, V. (2008). Identification of the causes of the difference between the taxable profits and the taxable profits of legal persons. *journal of taxation*,2,107-135. (In Persian)
- Taliban Nia, Gh; Barzegari, M R (2013). Identification and investigation of the causes of the difference between the tax on profits expressed and the tax on the profits of non-legal persons, *Journal of tax*, 18, 31-55. (In Persian)
- Wang, G. Y. (2010). The Impacts of Free Cash Flows and Agency Costs on Firm Performance, *Journal of Service Science and Management*, 3, 408-418.
- Wang, X. (2010). Corporate Tax Avoidance, Corporate Transparency and Firm Value, Working Paper, Department of Accounting MsCombs School of Business, University of Texas at Austin.
- Wolfe, J. (2003). The Tobin's as a Company Performance Indicator, *Journal of Development in Business Simulation and Experimental Learning*, 30, 155-160.

شفافیت افشا در خصوص فعالیت در ارزش گذاری حساب‌های ذخیره‌ای و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی

زهرا امیرحسینی*، امید هادیان پور**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۹/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۸/۲۰

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی شفافیت افشا در خصوص فعالیت در ارزش گذاری حساب‌های ذخیره‌ای و مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی بوده است. این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی و از جمله تحقیقات پس‌رویدادی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ تشکیل می‌دهند که تعداد ۱۲۵ شرکت به روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک در طول دوره تحقیق به عنوان نمونه آماری انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. داده‌های تحقیق از صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج گردیده و با استفاده از مدل‌های رگرسیونی به روش داده‌های ترکیبی با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ۷ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که افشای شفاف حساب‌های تعهدی تاثیر معکوس و معناداری بر روی تحریف ارقام تعهدی اختیاری شرکت دارد. همچنین نتایج نشان داد که اندازه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌هایی که حساب‌های ذخیره‌ای را در صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه و یا گزارش هیئت مدیره به مجمع ارائه می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که این اطلاعات را افشا نمی‌نمایند؛ تفاوت معناداری ندارند.

واژه‌های کلیدی: شفافیت افشا، مدیریت سود، حساب‌های ذخیره‌ای.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12948.1524

* دانشیار گروه مدیریت واحد شهرقدس دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)،
(z.amirhosseini@qodsiau.ac.ir)

** دانش آموخته گروه حسابداری واحد الکترونیک دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (omidhadianpour@yahoo.com)

مقدمه

امروزه اطلاعات یک وسیله و ابزار راهبردی مهم در تصمیم‌گیری محسوب می‌شود و بدون شك کیفیت تصمیمات نیز بستگی به صحت، دقت و به‌هنگام بودن اطلاعاتی دارد که در زمان تصمیم‌گیری در اختیار افراد قرار می‌گیرد. در بازارهای مالی، این اطلاعات می‌تواند به صورت نشانه‌ها، علائم، اخبار و پیش‌بینی‌های مختلف از داخل یا خارج شرکت انعکاس یابد و در دسترس استفاده‌کنندگان از اطلاعات قرار گیرد و باعث ایجاد واکنش‌هایی در آن‌ها شود (کاسل و همکاران، ۲۰۱۵). از این نظر، کیفیت گزارشگری مالی از جمله موضوعاتی است که در سال‌های اخیر بخش وسیعی از تحقیقات در مدیریت مالی و حسابداری را به خود اختصاص داده‌است. (کوئیلان و همکاران، ۲۰۱۴). کمتر کسی می‌تواند اهمیت شفافیت گزارشگری مالی را نادیده‌بگیرد، زیرا سهامداران و اعتباردهندگان تصمیمات با اهمیت سرمایه‌گذاری خود را بر اساس اطلاعات مالی شرکت‌ها می‌گیرند. آنها خواستار اطلاعات بیش‌تر و شفاف‌تری درباره عملکرد شرکت هستند. افشای کامل همراه با شفافیت گزارشگری مالی می‌تواند شرایط مطمئنی را ایجاد کرده و اعتماد سرمایه‌گذاران را ارتقا دهد. شفافیت تاثیر مثبتی بر عملکرد شرکت‌ها دارد و می‌تواند از منافع سهامداران حفاظت کند. شفافیت جذابیت زیادی برای سهامداران دارد (برگر و همکاران، ۲۰۰۶).

هم‌چنین سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان، مدیران، کارکنان، تحلیل‌گران، دولت و دیگر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از سود به عنوان مبنایی جهت اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعطای وام، سیاست پرداخت سود، ارزیابی شرکت‌ها، محاسبه مالیات و سایر تصمیمات مربوط به شرکت استفاده می‌کنند. سود حسابداری بر مبنای رویکرد تعهدی محاسبه می‌گردد. زمانی که نتایج فعالیت‌های عملیاتی واقعی از نتایج مورد انتظار فاصله می‌گیرد، انگیزه مدیریت سود افزایش می‌یابد. هر چه فعالیت‌های عملیاتی واقعی از انتظارات استفاده‌کنندگان انحراف بیشتری داشته‌باشد، انگیزه بیشتری برای بیش‌نمایی کارآیی گزارش‌شده وجود خواهد داشت (لی و همکاران، ۲۰۰۶). اما باید در نظر داشت که برآوردهای حسابداری که در اقلام تعهدی منعکس می‌شوند به وسیله مدیران تهیه می‌شود و کیفیت آن می‌تواند تحت تاثیر انگیزه‌های منفعت‌جویانه و فرصت‌طلبانه قرار گیرد. انگیزه‌ها و فرصت‌های مدیران در جهت مدیریت سود ناشی از انعطاف‌پذیری رویه‌های اختیاری حسابداری است. به عبارت دیگر، این انعطاف‌پذیری به مدیران امکان می‌دهد که رویه‌های

حسابداری را در جهت رسیدن به آستانه‌های سود، انتخاب کنند. در شرکت‌هایی که به طور مستمر در حال گزارش کردن سود هستند این مطلب که تا چه حدی از این سود واقعی است و تا چه حدی از آن مدیریت شده است مورد علاقه سرمایه‌گذاران و حساب‌برسان است (زانگ، ۲۰۱۲). کاسل و همکاران (۲۰۱۵)، استدلال نمودند شرکت‌هایی که اطلاعات بیشتری را درباره حسابهای تعهدی و چگونگی اعمال و ارزیابی آنها، افشا می‌کنند؛ توانایی کمتری برای به کارگیری اقلام تعهدی دارند. زیرا که اطلاعات افشاشده، باعث ایجاد انتظاراتی در استفاده‌کنندگان شده و تغییر این انتظارات برای شرکت، هزینه‌هایی را به دنبال خواهد داشت و از این نظر، مدیران این قبیل شرکت‌ها، آزادی عمل کم‌تری در مدیریت سود دارند. علاوه بر این مطابق با مبانی نظری گذشته، مدیریت سود و افشا هر دو در اختیار مدیریت است و معمولاً مدیریت برای مدیریت سود اقدام به عدم شفافیت می‌نماید و هر سالی که مدیران افشای بیشتری داشته باشند، انتظار می‌رود مدیریت سود هم کمتر باشد، اما هدف اصلی ما این است که بدانیم نحوه این تاثیرگذاری چگونه و به چه میزان است؟ و اینکه چه معیارهایی از افشا بر روی مدیریت سود اثرگذارند و این تاثیر به چه میزان است مطلبی نیست که بدیهی باشد و باید آن را آزمود. چرا که در تمام تحقیقات، بحث افشا از یک روش مشخص سنجیده نشده و تحقیق به تحقیق این مطلب متفاوت است. حالا با توجه به شاخص‌های متفاوت در سنجش افشا این مسئله مطرح می‌شود که آیا افشای حسابهای ذخیره‌ای تاثیر روی مدیریت سود دارد یا خیر؟ و اگر تاثیر داره این تاثیر به چه میزان هست.

از این رو در تحقیق حاضر، نقش کیفیت افشای اطلاعات در خصوص فعالیت در ارزش‌گذاری حساب‌های ذخیره‌ای، در مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی بررسی می‌شود. بر این اساس، مساله اصلی تحقیق این گونه مطرح می‌گردد که آیا افشای شفاف حسابهای تعهدی منجر به مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی می‌گردد. و آیا اندازه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌هایی که حساب‌های ذخیره‌ای را در صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه و گزارش هیئت مدیره به مجمع افشا می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که این اطلاعات را افشا نمی‌کنند؛ متفاوت است.

مروری بر پیشینه پژوهش

کانسونی و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی به بررسی رابطه بین نوسانات افشا و اطلاعات مالی و مدیریت سود در شرکت های برزیلی در بازه زمانی ۲۰۰۵-۲۰۱۱ پرداختند. به منظور اندازه گیری نوسانات افشا از مدل کونسونی و کولاتو (۲۰۱۶) و برای اندازه گیری مدیریت سود از مدل دچو ۱۹۹۵ استفاده نمودند. نتایج رگرسیون پانل دیتا محققین نشان داد که بین نوسانات افشا و مدیریت سود رابطه معناداری وجود دارد.

کاسل و همکاران (۲۰۱۵) در تحقیقی به بررسی نقش شفافیت افشا در مورد فعالیت های ارزیابی حساب های ذخیره ای و مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی پرداخته اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مدیریت سود در شرکت های دارای شفافیت افشا به طور معناداری کم تر از سایر شرکت ها بوده است، مدیریت سود در شرکت هایی که افشای شفافی در گزارش های مالی داشته اند به طور قابل ملاحظه ای کم تر از شرکت هایی بوده که در یادداشت های همراه اقدام به افشای حساب های ذخیره ای نموده اند. کیاتی کولواتانا (۲۰۱۴) در تحقیقی به بررسی تاثیر مسئولیت های مدیران در گزارش های مالی بر روی مدیریت سود شرکت ها پرداخته اند. نتایج حاکی از آن است که افشای مسئولیت های مدیریتی در گزارش های مالی شرکت ها با سطح مدیریت سود شرکت در ارتباط معکوس بوده است و نیز سطح مدیریت سود در شرکت هایی که اقدام به افشای مسئولیت های مدیریتی نسبت به گزارش های مالی کرده اند، پایین تر از سایر شرکت ها بوده است. بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان رویه های اختیاری حسابداری و توان پیش بینی اقلام تعهدی با توجه به جریان های نقدی آتی، از یک نمونه از صورت های مالی تجدید ارائه شده شرکت ها برای طبقه بندی شرکت ها مبتنی بر انگیزه های فرصت طلبانه مدیران در تغییر اقلام تعهدی اختیاری استفاده کردند. آنها نشان دادند که مدیریت سود مبتنی بر انگیزه های فرصت طلبانه مدیران، سود گزارش شده اولیه و اجزای تشکیل دهنده اقلام تعهدی در مقایسه با ارقام تجدید ارائه شده، توانایی پیش بینی کمتری جهت برآورد جریان های نقدی آتی دارند.

بشیری منش و همکاران (۱۳۹۵) کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و کاهش هزینه سرمایه به عنوان پیامدهای افزایش سطح افشای اختیاری اطلاعات در نمونه ای از ۱۴۶ شرکت در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ را مورد بررسی قرار دادند. یافته های پژوهش نشان داد افشای

اختیاری به عنوان یکی از مکانیزم‌های شفافیت اطلاعاتی منجر به کاهش اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام و افزایش گردش سهام می‌گردد و همچنین افشای اختیاری یکی از عوامل کاهش سطح هزینه سرمایه شرکت می‌باشد. علاوه بر این نشان دادند که افشای اختیاری با بهبود شفافیت اطلاعاتی شرکت ریسک اطلاعاتی شرکت را کاهش و سطح بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران و در نتیجه هزینه سرمایه را کاهش می‌دهد. مشایخی و نصیری (۱۳۹۵) رابطه میان شفافیت گزارش‌شگری مالی و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری را در نمونه‌ای از ۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که شفافیت گزارش‌شگری مالی تاثیر مثبت و معناداری بر مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری دارد و این نتیجه می‌تواند مدیران و تهیه‌کنندگان اطلاعات حسابداری را که علاقمند به جذب سرمایه بیشتر با هزینه کمتر هستند به افزایش شفافیت گزارش‌شگری ترغیب نموده و از این طریق به حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش شفافیت گزارش‌شگری ترغیب نموده و از این طریق به حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران و افزایش تعداد سرمایه‌گذاران خرد در بازار کمک کند و نهایتاً رشد و رونق اقتصادی برای جامعه را به همراه آورد حقیقت و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به بررسی رابطه شفافیت اطلاعات و نقدشوندگی سهام که با استفاده از معیار شکاف قیمتی بین خرید و فروش سهام اندازه‌گیری گردید در بورس اوراق بهادار در بازه زمانی ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۰ پرداختند و به رابطه مثبت میان شفافیت اطلاعات و نقدشوندگی دست یافته علاوه بر این نتایج بیانگر این است که بین معیار شفافیت و بازده مورد انتظار سهام رابطه معناداری وجود ندارد. استا (۱۳۹۰) تحقیقی با هدف بررسی ساختار مالکیت شرکت بر شیوه مدیریت سود در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۸۷ انجام داد. نتایج بیانگر این است که رابطه منفی معناداری بین مالکیت نهادی و مالکیت مدیریتی با مدیریت سود وجود دارد، اما بین مالکیت شرکتی و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نوروش و همکاران (۱۳۸۵) کیفیت اقلام تعهدی و سود با تاکید بر نقش خطای برآورد اقلام تعهدی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میان تغییرات سرمایه‌در گردش غیرنقدی و جریان‌های نقدی رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد، همچنین اندازه شرکت، میزان فروش، چرخه عملیاتی و نوسان در اجزای اقلام تعهدی تغییرات سرمایه در گردش را می‌توان به عنوان ابزاری برای ارزیابی کیفیت سود به کار برد و معیار مورد استفاده در ارزیابی کیفیت اقلام تعهدی که باقیمانده‌های حاصل از

رگرسیون میان تغییرات در سرمایه در گردش و جریان‌های نقدی هستند؛ رابطه مثبت معنی‌داری با پایداری سود دارد. مشایخی و همکاران (۱۳۸۴) نقش اقلام اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که مدیریت سود اعمال شده‌است و مدیران این شرکت‌ها به‌هنگام کاهش وجه‌نقد حاصل از عملیات که بیانگر عملکرد ضعیف واحد تجاری بوده‌است به‌منظور جبران این موضوع اقدام به افزایش سود از طریق افزایش اقلام تعهدی اختیاری کرده‌است.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول: اندازه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌هایی که افشای شفاف در خصوص فعالیت‌های حساب‌های تعهدی ارائه می‌دهند؛ کم‌تر می‌باشد.

فرضیه دوم: اندازه مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی در شرکت‌هایی که حساب‌های ذخیره‌ای را ارائه می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که این اطلاعات را افشا نمی‌کنند؛ کمتر می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، از دسته پژوهش‌های کاربردی در حوزه تئوری اثباتی به شمار می‌رود و از نظر ماهیت و روش، پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی مبتنی بر تحلیل رگرسیونی است که برای کشف همبستگی بین متغیرها، به روش پس‌رویدادی و نیز از روش تحلیل داده‌های ترکیبی و ادغام استفاده شده‌است و انجام این پژوهش در چارچوب استدلال‌ات قیاسی - استقرایی می‌باشد بدین معنا که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از راه مطالعات کتابخانه‌ای، مقالات و سایت‌ها در قالب قیاسی و داده‌های مورد نیاز از لوح فشرده شرکت تدبیر پرداز، نرم‌افزار ره‌آوردنوبین و نیز، گزارش‌های انتشار یافته سازمان بورس و اوراق بهادار در قالب استقرایی جمع‌آوری شده‌است. تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزار ایویوز و در سطح معناداری ۹۵ درصد انجام گرفت. جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های مورد نیاز و نیز از شبکه جهانی اطلاعات استفاده گردید. به عبارتی مطالعات کتابخانه‌ای صورت پذیرفت. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها و

اطلاعات برای تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها از صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از طریق نرم افزار ره آورد نوین، سایت رسمی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و سایت کدال استفاده خواهد شد.

جامعه، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر را کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهند که طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در بورس فعالیت داشته‌اند و جهت تعیین حجم نمونه مناسب از این جامعه، از روش حذف سیستماتیک و اعمال محدودیت‌های نمونه‌گیری زیر استفاده خواهد شد:

- ۱) پایان سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.
 - ۲) شرکت‌ها در طول سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ در بورس حضور مستمر داشته باشند.
 - ۳) شرکت‌ها در دوره مورد مطالعه تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - ۴) اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.
 - ۵) شرکت در طول دوره تحقیق، توقف عمده معاملاتی (توقف بیش از ۳ ماه در هر سال) نداشته باشد.
 - ۶) شرکت، جزء شرکت‌های بیمه، بانک‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نباشد.
- نهایتاً با توجه به شرایط مذکور تعداد ۱۲۵ شرکت به عنوان نمونه‌ی آماری پژوهش انتخاب گردید.

مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول تحقیق، از تخمین مدل‌های رگرسیونی برگرفته از تحقیق کاسل و همکاران (۲۰۱۵) استفاده گردید. ابتدا رابطه (۱) به‌طور کلی رابطه میان تحریف در حساب‌های تعهدی را با شفافیت افشا مورد آزمون قرار می‌دهد و سپس در رابطه (۲) به بررسی رابطه میان مدیریت سود مبتنی بر تحریف انواع حساب‌های تعهدی (ذخیره حساب‌های دریافتی، ذخیره موجودی کالا، ذخیره درآمدهای مشمول مالیات) با شفافیت افشا می‌پردازد.

$$\begin{aligned} \text{DISC ACC}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Transparent_ALL}_{it} + \alpha_2 \text{Size}_{it} + \alpha_3 \text{CFO}_{it} + \alpha_4 \text{ROA}_{it} \\ & + \alpha_5 \text{LOSS}_{it} + \alpha_6 \text{Issue}_{it} + \alpha_7 \text{Growth}_{it} + \alpha_8 \text{Ind_Growth}_{it} \\ & + \alpha_9 \text{Leverage}_{it} + \alpha_{10} \text{Age}_{it} + \alpha_{11} \text{Analyst_Coverage}_{it} \\ & + \alpha_{12} \text{Inst_Holdings}_{it} + \alpha_{13} \text{Big}_{it} + \alpha_{14} \text{Specialist}_{it} \\ & + \alpha_{15} \text{Tenure}_{it} + \alpha_{16} \text{ICMW}_{it} + \alpha_{17} \text{HERF}_{it} + \alpha_{18} \text{Lit}_{it} \\ & + \alpha_{19} \text{IMR}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

رابطه (۱)

$$\begin{aligned} \text{DISC ALL}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 \text{Transparent_Ind}_{it} + \beta_2 \text{Size}_{it} + \beta_3 \text{CFO}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} \\ & + \beta_5 \text{LOSS}_{it} + \beta_6 \text{Issue}_{it} + \beta_7 \text{Growth}_{it} + \beta_8 \text{Ind_Growth}_{it} \\ & + \beta_9 \text{Leverage}_{it} + \beta_{10} \text{Age}_{it} + \beta_{11} \text{Analyst_Coverage}_{it} \\ & + \beta_{12} \text{Inst_Holdings}_{it} + \beta_{13} \text{Big}_{it} + \beta_{14} \text{Specialist}_{it} \\ & + \beta_{15} \text{Tenure}_{it} + \beta_{16} \text{ICMW}_{it} + \beta_{17} \text{HERF}_{it} + \beta_{18} \text{Lit}_{it} \\ & + \beta_{19} \text{IMR}_{it} + \beta_{20} \text{All_Scaled}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

رابطه (۲)

متغیر وابسته

DISC ACC_{it} : معیار کلی تحریف در حساب‌های تعهدی است که از طریق ارقام تعهدی اختیاری شرکت و با استفاده از قدر مطلق پسماندهای مدل تعدیل شده جونز به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$\begin{aligned} \text{TA}_{it} = & \beta_0 + \beta_1 (\Delta \text{REV}_{it} - \Delta \text{REC}_{it}) + \beta_2 \text{PPE}_{it} + \beta_3 \text{CFO}_{it} + \beta_4 \text{NEG_CFO}_{it} \\ & + \beta_5 (\text{NEG_CFO}_{it} \times \text{CFO}_{it}) + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

که در آن TA_{it} ارقام تعهدی کل که از تفاوت بین جریان نقد عملیاتی با سود عملیاتی به دست می‌آید. ΔREV_{it} تغییر در درآمد فروش نسبت به دوره قبل، ΔREC_{it} تغییر در حساب‌های دریافتی نسبت به دوره قبل، PPE_{it} جمع ارزش دفتری اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، CFO_{it} جریان نقد عملیاتی و NEG_CFO_{it} یک متغیر مجازی است که چنانچه، جریان نقد عملیاتی شرکت در سال مورد نظر، منفی باشد؛ برابر با ۱ و در غیر این صورت، صفر می‌باشد.

DISC ALL_{it} : شاخص سنجش تحریف در حساب‌های ذخیره‌ای است که از سه معیار میزان تحریف در ذخیره حساب‌های دریافتی (DISC AR_{it})، میزان تحریف در ذخیره موجودی کالا (DISC INV_{it}) و میزان تحریف در ذخیره درآمدهای مشمول مالیات (DISC DTA_{it}) محاسبه می‌شود. نحوه محاسبه هر یک از معیارهای مذکور به شرح ذیل بوده است.

کاسل و همکاران (۲۰۱۵)، استدلال نمودند که چنانچه مدیر در صدد تحریف یک حساب تعهدی باشد؛ مانده آن حساب از مانده موردانتظار بیشتر خواهد بود. از این جهت، تفاوت بین مانده دفتری حساب با مانده موردانتظار را به عنوان میزان تحریف در حساب دریافتی تلقی نمودند. مطابق با نظر آنان، تحریف در حساب‌های دریافتی از طریق معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$DISC AR_{it} = \frac{AR_{it} - \left(AR_{it-1} \left(\frac{GROSSAR_{it}}{GROSSAR_{it-1}} \right) \left(\frac{DSO_{it}}{DSO_{it-1}} \right) \right)}{Total Assets_{it}}$$

به طوری که AR_{it} برابر با ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول، $GROSSAR_{it}$ برابر با مانده حساب‌های دریافتی، DSO_{it} برابر با مانده حساب‌های دریافتی تقسیم بر فروش روزانه و $Total Assets_{it}$ برابر با کل دارایی‌های شرکت است. در صورتی که مقدار $DISC AR_{it}$ برای شرکت بزرگتر از میانه آن برای کل شرکت‌ها باشد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

- تحریف در ذخیره موجودی کالای شرکت مطابق با تحقیق کاسل و همکاران (۲۰۱۵)، از معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$DISC INV_{it} = \frac{INV_{it} - \left(INV_{it-1} \left(\frac{GROSSINV_{it}}{GROSSINV_{it-1}} \right) \left(\frac{DIO_{it}}{DIO_{it-1}} \right) \right)}{Total Assets_{it}}$$

به طوری که INV_{it} برابر با ذخیره موجودی کالا، $GROSSINV_{it}$ برابر با خالص موجودی کالا و DIO_{it} برابر با خالص موجودی کالا تقسیم بر فروش روزانه شرکت است. در صورتی که مقدار $DISC INV_{it}$ برای شرکت بزرگتر از میانه آن برای کل شرکت‌ها باشد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

- تحریف در ذخیره درآمدهای مشمول مالیات شرکت نیز مطابق با تحقیق کاسل و همکاران (۲۰۱۵)، از معادله زیر محاسبه می‌شود:

$$DISC DTA_{it} = \frac{DTA_{it} - \left(DTA_{it-1} \left(\frac{GROSSDTA_{it}}{GROSSDTA_{it-1}} \right) \right)}{Total Assets_{it}}$$

به طوری که DTA_{it} برابر با ذخیره درآمدهای مشمول مالیات و $GROSSDTA_{it}$ برابر با خالص درآمدهای مشمول مالیات شرکت است. در صورتی که مقدار $DISC DTA_{it}$ برای شرکت بزرگتر از میانه آن برای کل شرکت‌ها باشد، مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد.

متغیرهای مستقل

$Transparent_Ind_{it}$: افشای جزئی حساب‌های ذخیره‌ای است و یک متغیر مجازی است که چنانچه شرکت در خصوص حداقل یکی از حساب‌های ذخیره‌ای مورد مطالعه در مدل (حساب‌های دریافتی، موجودی کالا، درآمدهای مشمول مالیات) افشای شفافی در هر یک از گزارش‌های صورت مالی و یادداشت‌های همراه و یا گزارش هیات مدیره به مجموع عمومی صاحبان سهام داشته باشد؛ برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد. (کاسل و همکاران، ۲۰۱۵)

$Transparent_ALL_{it}$: افشای کامل حساب‌های ذخیره‌ای و یک متغیر مجازی است که چنانچه شرکت در خصوص هر یک از ارزش‌گذاری حساب‌های ذخیره‌ای شرکت افشای شفافی داشته باشد؛ برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد. (کاسل و همکاران ۲۰۱۵) معیارهای مورد نظر برای افشای شفاف، شامل موارد زیر است:

- افشای ذخایر مطالبات مشکوک‌الوصول و نحوه برآورد آنها؛
- افشای ذخایر مالیاتی و نحوه برآورد آنها؛
- افشای تجدید ارزیابی دارایی‌ها و نحوه برآورد آنها؛
- افشای تجدید ارزیابی موجودی کالا و نحوه برآورد آنها.

متغیرهای کنترلی

در تحقیق حاضر متغیرهایی کنترلی بکار گرفته در مدل در زیر آمده است که همگی برگرفته از پژوهش کاسل و همکاران ۲۰۱۵ می‌باشد.

$Size_{it}$: اندازه شرکت i در سال t که از طریق لگاریتم طبیعی دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

CFO_{it} : نسبت جریان نقدی به کل دارایی‌های شرکت i در سال t است.

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t ، با نسبت سود خالص به کل دارایی‌های شرکت.

$LOSS_{it}$: متغیر مجازی زیان شرکت i در سال t است و چنانچه شرکت در سال مورد نظر زیان‌ده باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد.

$Issue_{it}$: متغیر مجازی است و چنانچه شرکت در سال مورد نظر اقدام به انتشار بدهی یا حقوق صاحبان سهام کرده باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد.

$Growth_{it}$: نرخ رشد فروش شرکت i در سال t است که از تفاضل فروش شرکت طی دو سال متوالی نسبت به فروش سال قبل محاسبه می‌شود.

Ind_Growth_{it} : رشد فروش صنعت و برابر با جمع فروش صنعت در سال جاری تقسیم بر جمع فروش صنعت در سال گذشته است.

$Leverage_{it}$: اهرم مالی شرکت i در سال t و برابر با نسبت بدهی‌ها به دارایی‌های شرکت.

Age_{it} : عمر شرکت i در سال t ، با تعداد سال‌هایی که وارد بورس اوراق بهادار شده است.

$Analyst_Coverage_{it}$: متغیر مجازی است که چنانچه حداقل یک تحلیل‌گر مالی با شرکت همکاری داشته باشد؛ برابر با ۱ و در غیر این صورت، برابر با صفر می‌باشد. به منظور سنجش تحلیل‌گر مالی به تخصص اعضای هیات مدیره استناد گردیده است. در صورتی که در ساختار هیات مدیره حداقل یکی از اعضا دارای تخصص در حوزه مالی بوده باشد، پوشش تحلیل‌گر وجود داشته است و عدد ۱ به آن اختصاص داده می‌شود.

$Inst_Holdings_{it}$: درصد مالکیت مالکان نهادی شرکت i در سال t است که از نسبت سهام در اختیار مالکان نهادی به کل سهام شرکت محاسبه می‌شود.

Big_{it} : متغیر مجازی کیفیت حسابرس است و چنانچه حساب‌های شرکت در سال مورد نظر توسط سازمان حسابرسی رسیدگی شده باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می‌باشد.

$Specialist_{it}$: یک متغیر مجازی است که چنانچه حسابرس شرکت، در صنعت مربوطه تخصص داشته باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می باشد. تخصص در صنعت برای یک موسسه حسابرسی، زمانی است که حداقل ۳۰ درصد درآمد کلیه حسابرسان فعال در صنعت مربوطه، متعلق به آن موسسه حسابرسی باشد.

$Tenure_{it}$: دوره تصدی حسابرس فعلی و برابر با تعداد سال های همکاری حسابرس با شرکت.

$ICMW_{it}$: متغیر مجازی ضعف کنترل داخلی است که چنانچه در گزارش حسابرسی شرکت، حداقل یک بند در خصوص ضعف در کنترل های داخلی وجود داشته باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می باشد.

$HERF_{it}$: سهم بازار شرکت i در سال t که در طریق شاخص هرفیندال به دست می آید و عبارت است از فروش شرکت تقسیم بر جمع فروش صنعت.

Lit_{it} : متغیر مجازی است که چنانچه شرکت بر مبنای نوع محصول و بازار آنها، در یک صنعت دارای ریسک بالا فعالیت داشته باشد، برابر با ۱ و در غیر این صورت برابر با صفر می باشد. (اگر ریسک شرکت بالاتر از میانه ریسک آن صنعت باشد به عنوان شرکت با ریسک بالا شناسایی می شود و در صورتی که پایین تر از ریسک میانه باشد به عنوان شرکت با ریسک پایین شناسایی می شود).

IMR_{it} : شاخص معکوس میلز که به منظور کنترل اثر عوامل نامشهود موثر بر افشا و مدیریت سود وارد مدل می گردد؛ از طریق باقیمانده های مدل رگرسیونی پروبیت زیر اندازه گیری می شود.

$$\begin{aligned} Pr[Transparent_ALL_{it}] &= \alpha_0 + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 CFO_{it} + \alpha_4 ROA_{it} + \alpha_5 LOSS_{it} \\ &+ \alpha_6 Issue_{it} + \alpha_7 Growth_{it} + \alpha_8 Ind_Growth_{it} + \alpha_9 Leverage_{it} \\ &+ \alpha_{10} Age_{it} + \alpha_{11} Analyst_Coverage_{it} + \alpha_{12} Inst_Holdings_{it} \\ &+ \alpha_{13} Big_{it} + \alpha_{14} Specialist_{it} + \alpha_{15} Tenure_{it} + \alpha_{16} ICMW_{it} \\ &+ \alpha_{17} HERF_{it} + \alpha_{18} Lit_{it} + \alpha_{19} R\&D_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned}$$

به طوری که در این مدل، $R\&D_{it}$ برابر با هزینه های تحقیق و توسعه و تبلیغات شرکت است.

All_Scaled_{it} : برابر با نسبت تحریف در هر یک از حساب‌های دریافتی، موجودی کالا و سطح اقلام تعهدی اختیاری به کل دارایی‌های شرکت است.

قابل ذکر است که به منظور آزمون فرضیه دوم تحقیق، مدل‌های (۱) و (۲) فقط برای شرکت‌هایی برآزش داده می‌شوند که معیار شفافیت افشای متناظر با تحریف حسابهای تعهدی آن، برابر با ۱ باشند. به عبارت دیگر برای آزمون این فرضیه، مدل‌های مذکور تنها در حالتی که $Transparent_Ind_{it}=1$ و $Transparent_ALL_{it}=1$ هستند برآزش داده می‌شود و از این‌رو دو متغیر مذکور از میان متغیرهای مستقل مدل حذف می‌گردند و به جای آن‌ها از متغیر $Schedule_II_{it}$ استفاده می‌شود که متغیر مجازی است و چنانچه شرکت در سال مورد نظر هر یک از شاخص‌های حسابهای ذخیره‌ای مورد نظر را ارائه کنند، برابر با ۱ و در صورتی که اشاره‌ای به این شاخص‌ها در هیچ یک از صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه و گزارش‌های هیات مدیره به مجمع نشده باشد، برابر با صفر خواهد بود. بنابراین مدل‌های مورد برآزش برای آزمون فرضیه دوم تحقیق به شرح ذیل‌اند:

$$\begin{aligned} DISC\ ACC_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 Schedule_II_{it} + \alpha_2 Size_{it} + \alpha_3 CFO_{it} + \alpha_4 ROA_{it} \\ & + \alpha_5 LOSS_{it} + \alpha_6 Issue_{it} + \alpha_7 Growth_{it} + \alpha_8 Ind_Growth_{it} \\ & + \alpha_9 Leverage_{it} + \alpha_{10} Age_{it} + \alpha_{11} Analyst_Coverage_{it} \\ & + \alpha_{12} Inst_Holdings_{it} + \alpha_{13} Big_{it} + \alpha_{14} Specialist_{it} \\ & + \alpha_{15} Tenure_{it} + \alpha_{16} ICMW_{it} + \alpha_{17} HERF_{it} + \alpha_{18} Lit_{it} + \epsilon_{it} \end{aligned}$$

رابطه (۳)

$$\begin{aligned} DISC\ ALL_{it} = & \beta_0 + \beta_1 Schedule_II_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 CFO_{it} + \beta_4 ROA_{it} \\ & + \beta_5 LOSS_{it} + \beta_6 Issue_{it} + \beta_7 Growth_{it} + \beta_8 Ind_Growth_{it} \\ & + \beta_9 Leverage_{it} + \beta_{10} Age_{it} + \beta_{11} Analyst_Coverage_{it} \\ & + \beta_{12} Inst_Holdings_{it} + \beta_{13} Big_{it} + \beta_{14} Specialist_{it} \\ & + \beta_{15} Tenure_{it} + \beta_{16} ICMW_{it} + \beta_{17} HERF_{it} + \beta_{18} Lit_{it} \\ & + \beta_{19} All_Scaled_{it} + \epsilon_{it} \end{aligned}$$

رابطه (۴)

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این بخش، شاخص‌های مرکزی هم‌چون میانگین و شاخص پراکندگی انحراف معیار برای هریک از متغیرهای تحقیق ارائه می‌گردد. خلاصه وضعیت آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل در نگاره‌ی (۱) ارائه شده است.

نگاره‌ی (۱). آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف
تحریف در حساب‌های ذخیره‌ای	۰/۵	۰/۶۶۷	۱	۰	۰/۳۰۸
افشای کامل حسابهای ذخیره‌ای	۰/۵۰۶	۱	۱	۰	۰/۵
افشای جزئی حسابهای ذخیره‌ای	۰/۵۰۴	۱	۱	۰	۰/۵
تحریف در اقلام تعهدی اختیاری	۰/۱۷۷	۰/۲۳۰	۲/۱۰۷	-۲/۰۳۳	۰/۱۱۵
اندازه شرکت	۱۴/۹۱۴	۱۵/۱۴۶	۱۵/۷۴۵	۱۲/۷۰۳	۰/۷۲۵
نسبت جریان وجوه نقد	۰/۰۸۲	۰/۰۴۶	۱/۰۵۷	-۰/۰۰۷	۰/۱۱۵
بازده دارایی	۰/۲۸۳	۰/۱۶۱	۰/۴۱۳	-۰/۰۷۹	۰/۰۵۲
زیان‌دهی	۰/۲۵۰	۰	۱	۰	۰/۴۳۳
انتشار بدهی	۰/۵۱۵	۱	۱	۰	۰/۵
رشد فروش	۰/۰۸۵	۰/۰۱	۱/۵۳۱	-۰/۶۱	۰/۴۴۳
رشد فروش صنعت	۱/۵۸	۱/۵۵	۲/۳۱۹	۰/۸۵۸	۰/۴۱
اهرم مالی	۰/۷۷	۰/۴۶	۰/۶۸۱	۰/۰۰۵	۰/۰۹۷
عمر شرکت	۱۱/۵۵۲	۱۲	۱۷	۶	۲/۷۶
تحلیل‌گر مالی	۰/۴۹۸	۰	۱	۰	۰/۵
مالکان نهادی	۰/۵۱	۰/۵۱	۰/۶۶	۰/۳۵۳	۰/۰۸۷
کیفیت حسابرسی	۰/۵۲۶	۱	۱	۰	۰/۵
تخصص حسابرسی	۰/۵۰۴	۱	۱	۰	۰/۵
دوره تصدی حسابرسی	۷/۴۴۸	۷	۱۳	۲	۲/۷۳۷
ضعف کنترل داخلی	۰/۵۲۶	۱	۱	۰	۰/۵
سهم بازار شرکت	۰/۰۵۷	۰/۰۵۷	۰/۰۹۷	۰/۰۱۳	۰/۰۲۵
ریسک‌پذیری صنعت	۰/۴۴	۰	۱	۰	۰/۴۹۷
نسبت معکوس میلز	-۰/۰۱۶	۰/۲۰۱	۰/۷۶۷	-۰/۰۱۶	۰/۴۸۷
نسبت تحریف به دارایی	۰/۱۵۹	۰/۱۵۶	۰/۳۷۵	-۰/۳۲	۰/۱۲

باتوجه به شاخص‌های ارائه شده نگاره ۱ مشاهده می‌شود که میانگین شاخص تحریف در اقلام تعهدی اختیاری شرکت بسیار کوچک و برابر با $11-e-0.77$ بدست آمده است. مطابق با یافته‌های این نگاره به‌طور متوسط ۵۰ درصد از شرکت‌ها دارای تحریف در حساب‌های

ذخیره‌ای بوده‌اند. قابل ذکر است که تحریف در حساب‌های ذخیره‌ای از سه معیار میزان تحریف در ذخیره حساب‌های دریافتی، میزان تحریف در ذخیره موجودی کالا و میزان تحریف در ذخیره درآمدهای مشمول مالیات محاسبه شده‌است. شرکت‌هایی که دارای مقادیر تحریف بیش‌تر از میانه سایر شرکت‌ها باشند، شرکت‌های دارای تحریف (امتیاز ۱) و سایر شرکت‌ها به عنوان شرکت‌های فاقد تحریف (امتیاز صفر) شناسایی می‌شوند. هم‌چنین به‌طور متوسط ۵۰/۶ درصد از مشاهدات دارای افشای کامل حساب‌های ذخیره‌ای بوده‌اند در حالی که افشای جزئی حساب‌های ذخیره‌ای به‌طور متوسط در ۵۰/۴ درصد مشاهدات وجود داشته‌است. اندازه شرکت‌ها به‌طور متوسط برابر با ۱۴/۹۱۴ و نسبت جریان وجوه نقد آنها برابر با ۰/۰۸۲ بدست آمده‌است. متوسط بازده دارایی شرکت‌ها برابر با ۰/۲۸۳ بوده و به‌طور متوسط ۲۵ درصد مشاهدات نشان از زیان‌دهی شرکت‌ها داشته‌اند. به‌طور میانگین ۵۱/۵ درصد از مشاهدات نشان از انتشار بدهی و حقوق صاحبان سهام در شرکت‌ها داشته‌اند. متوسط رشد شرکت‌ها برابر با ۰/۰۸۵ و متوسط رشد فروش صنعت برابر با ۰/۵۸ بدست آمده‌است. هم‌چنین نتایج نشان داده که اهرم مالی شرکت‌ها به‌طور میانگین برابر با ۰/۷۷ و متوسط عمر شرکت‌ها برابر با ۱۱/۵۵ سال بوده‌است. هم‌چنین به‌طور میانگین ۴۹/۸ درصد مشاهدات نشان از وجود تحلیل‌گر مالی در شرکت‌ها داشته‌اند. نسبت مالکیت سهامداران نهادی به‌طور میانگین برابر با ۰/۵۱ از کل سهام منتشر شده شرکت بوده‌است. به‌طور میانگین ۵۲/۶ درصد از شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند و ۵۰/۴ درصد مشاهدات نیز نشان از تخصص حسابرسی در صنعت داشته‌اند. هم‌چنین متوسط دوره تصدی حسابرسان برابر با ۷/۴۴۸ سال بوده‌است. به‌طور میانگین ۵۲/۶ درصد از مشاهدات نشان از ضعف کنترل داخلی شرکت‌ها داشته‌اند. سهم بازار شرکت‌ها به‌طور متوسط برابر با ۰/۰۵۷ بوده و ۴۴ درصد از شرکت‌ها در صنایع پرریسک فعالیت داشته‌اند. متوسط نسبت معکوس میلز برای شرکت‌ها برابر با ۰/۰۰۱۶- و میانگین نسبت تحریف حساب‌های ذخیره‌ای به دارایی شرکت‌ها نیز برابر با ۰/۰۰۰۱۵۹ بدست آمده‌است.

آزمون نرمالیتی و مانایی متغیرها

با وجود تعداد زیاد داده‌ها (بیش از ۳۰ نمونه) طبق قضیه حد مرکزی می‌توان نرمال بودن متغیرها را پذیرفت، ولی با این وجود برای اطمینان بیشتر به منظور بررسی نرمال بودن توزیع تجربی متغیرهای تحقیق از آزمون جارک-برا استفاده شده‌است. هم‌چنین به منظور بررسی مانایی متغیرهای تحقیق از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته استفاده شده‌است. نتایج این آزمون در نگاره‌ی (۲) ارائه شده‌است.

نگاره‌ی (۲). آزمون نرمالیتی و مانایی متغیرها

مانایی		نرمالیتی		متغیر
معناداری	آماره ADF	معناداری	آماره JB	
۰/۰۰۰۰	۴۵۲/۰۴۷	۰/۵۱۲۹۰۸	۳/۴۴۲۳۹۶	تحریف در اقلام تعهدی اختیاری
۰/۰۰۰۰	۴۳۸/۱۴۸	۰/۵۵۳۵۶۶۰	۱/۸۷۰۸۲۸	تحریف در حسابهای ذخیره‌ای
۰/۰۲۵۸	۲۳۲/۰۰۹	۰/۶۹۸۰۳۱	۱/۰۴۱۶۶۷	افشای کامل حسابهای ذخیره‌ای
۰/۰۱۳۷	۲۴۸/۳۰۱	۰/۶۹۸۰۳۱	۱/۰۴۱۶۶۷	افشای جزئی حسابهای ذخیره‌ای
۰/۰۰۰۰	۴۲۳/۷۴۰	۰/۰۹۵۶۳۵	۹/۵۳۶۶۴۵	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۰	۴۵۲/۲۱۷	۰/۲۲۰۳۶۴	۷/۹۲۷۰۸۶	نسبت جریان وجوه نقد
۰/۰۰۰۰	۴۵۲/۲۳۵	۰/۳۱۰۶۵۳	۴/۹۵۴۳۵۴	بازده دارایی
۰/۰۱۵۷	۲۱۲/۰۶۹	۰/۵۸۰۳۵۶	۱/۵۰۸۵۹۶	زیان دهی
۰/۰۱۶۸	۲۱۳/۱۹۲	۰/۶۸۷۶۱۲	۱/۰۴۷۶۷۰	انتشار بدهی
۰/۰۰۰۰	۵۴۷/۵۵۷	۰/۱۳۰۵۶۳	۸/۹۶۲۳۸۸	رشد فروش
۰/۰۰۰۰	۴۰۶/۳۷۵	۰/۵۶۱۳۰۲	۳/۱۹۲۴۷۴	رشد فروش صنعت
۰/۰۰۰۰	۴۵۲/۹۸۶	۰/۴۸۹۶۸۲	۴/۰۱۰۴۸۶	اهرم مالی
-	-	۰/۶۱۰۳۷۸	۱/۵۹۱۳۲۱	عمر شرکت
۰/۰۱۱۹	۲۲۸/۲۷۱	۰/۶۹۸۰۳۱	۱/۰۴۱۶۶۷	تحلیل‌گر مالی
۰/۰۰۰۰	۴۵۵/۳۱۳	۰/۴۹۶۵۳۱	۳/۲۴۹۴۱۹	مالکان نهادی
۰/۰۱۲۴	۲۵۴/۲۸۳	۰/۶۸۰۳۶۵	۱/۰۴۱۶۹۹	کیفیت حسابرسی
۰/۰۳۵۱	۲۲۷/۸۴۲	۰/۶۹۸۰۳۱	۱/۰۴۱۶۶۷	تخصص حسابرس
۰/۰۴۸۶	۲۳۷/۱۷۴	۰/۵۸۷۰۲۳	۱/۶۳۸۲۳۸	دوره تصدی حسابرس
۰/۰۳۵۲	۲۱۰/۲۴۵	۰/۰۶۸۹۶۳	۱۰/۴۱۶۹۹	ضعف کنترل داخلی
۰/۰۰۰۰	۴۴۲/۰۸۲	۰/۳۹۲۱۵۳	۴/۱۵۲۷۵۳	سهم بازار شرکت
۰/۰۳۳۲	۱۹۳/۳۴۶	۰/۰۶۱۰۳۵	۱۰/۴۲۵۵۶	ریسک‌پذیری صنعت
۰/۰۰۰۰	۵۱۵/۲۶۴	۰/۱۰۳۶۶۸	۸/۳۹۵۷۹۶	نسبت معکوس میلز
۰/۰۰۰۰	۴۵۵/۹۱۸	۰/۴۱۰۲۳۲	۳/۷۸۱۴۷۱	نسبت تحریف به دارایی

همان‌طور که نتایج نگاره (۲) نشان می‌دهد، سطوح معناداری تمامی آزمون‌های مذکور از خطای نوع اول ۰/۰۵ کوچکتر هستند و در نتیجه فرضیه صفر آماری آزمون مبنی بر وجود ریشه واحد رد شده و می‌توان پذیرفت که سری‌های مورد مطالعه در این سطح خطا مانا هستند.

و بنابراین، رفتار مقادیر متغیرها، در طول زمان دستخوش تغییرات رونددار نخواهد شد. هم‌چنین سطوح معناداری آزمون جارک‌برا در جهت تایید نرمال بودن توزیع تجربی داده‌ها نیز بزرگ‌تر از خطای ۰/۰۵ بدست آمده و نشان از نرمال بودن توزیع تجربی داده‌های تحقیق دارد.

برازش مدل رگرسیونی و آزمون فرضیه‌های پژوهش

در گام اول پژوهش، از آماره آزمون اف‌لیمر برای تشخیص داده‌های تلفیقی از پانل استفاده می‌شود. در صورت انتخاب داده‌های پانل، گام بعدی تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یکی از دو روش اثرات ثابت یا تصادفی است. برای این کار، معمولاً آزمون هاسمن به کار گرفته می‌شود. نتایج به دست آمده از آزمون اف‌لیمر (چاو) در نگاره‌های ۳ تا ۶ نشان دهنده سطح معناداری بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد و بیانگر استفاده از روش داده‌های تلفیقی برای تمامی مدل‌های پژوهش حاضر است. ابتدا به بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و افشای شفاف حساب‌های تعهدی می‌پردازیم بدین منظور رابطه مدل رگرسیونی (۱) از روش داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار می‌گیرد. نتایج در نگاره‌ی ۳ آورده شده‌است.

نگاره‌ی (۳). آزمون مدیریت سود مبتنی بر اقلام تعهدی و افشای شفاف حساب‌های تعهدی

متغیر مستقل	ضریب	آماره t	سطح معناداری	VIF
افشای کامل حسابهای ذخیره‌ای	-۹۱۰/۶۶۱۷	-۱/۹۶۴۳۴۸	۰/۰۴۹۶	۱/۰۱۶۵۵۸
اندازه شرکت	۱۹۷/۳۹۰۴	۳/۲۴۶۵۳۷	۰/۰۰۱۲	۳/۳۲۵۵۶۷
نسبت جریان وجوه نقد	۴۳۷/۱۸۶۹	۱/۴۸۴۳۳۸	۰/۱۳۷۸	۲/۱۵۶۴۲۶
بازده دارایی	-۲۷۲۶/۷۳۱	-۴/۳۱۱۵۱۹	۰/۰۰۰۰	۱/۹۸۰۵۶۸
زیان‌دهی	-۲۳۵/۷۴۲۴	-۳/۸۰۳۵۹۶	۰/۰۰۰۱	۱/۳۶۸۹۸۳
انتشار بدهی	-۱۶۳/۳۳۱۵	-۲/۵۲۶۷۷۴	۰/۰۱۱۶	۱/۰۴۹۴۱۱
رشد فروش	۵/۶۴۲۹۳۲	۰/۱۰۱۰۹۸	۰/۹۱۹۵	۱/۰۳۴۹۹۴
رشد فروش صنعت	-۲۸۰/۲۶۲۹	-۳/۰۸۶۰۸۰	۰/۰۰۲۱	۱/۰۴۶۷۲۲
اهرم مالی	۱۵۴۹/۵۴۴	۳/۸۸۱۴۹۲	۰/۰۰۰۱	۲/۸۷۸۹۴۱
عمر شرکت	۵/۴۵۸۰۱۲	۰/۶۱۰۹۰۱	۰/۵۴۱۳	۱/۱۲۹۲۰۸
تحلیل‌گر مالی	۱۷۶/۵۲۴۶	۳/۸۳۷۶۰۶	۰/۰۰۰۱	۱/۰۱۶۰۳۷
مالکان نهادی	۵۶۵/۳۸۸۹	۲/۰۹۱۷۴۲	۰/۰۳۶۶	۱/۰۴۵۲۴۳
کیفیت حسابرسی	-۳۶/۶۰۱۹۵	-۰/۷۹۲۳۷۹	۰/۴۲۸۲	۱/۰۱۹۸۰۰
تخصص حسابرسی	-۳/۰۸۷۶۳۰	-۰/۰۶۶۲۹۰	۰/۹۴۷۲	۱/۰۳۷۶۸۲
دوره تصدی حسابرسی	-۲/۴۶۲۲۳۲	-۰/۲۷۷۶۸۷	۰/۷۸۱۳	۱/۱۲۹۴۷۱
ضعف کنترل داخلی	۶۹/۲۵۶۱۱	۱/۴۹۵۸۳۰	۰/۱۳۴۸	۱/۰۲۴۳۰۵

متغیر مستقل	ضریب	آماره t	سطح معناداری	VIF
سهم بازار شرکت	-۳۷۰۱/۲۲۲	-۲/۸۴۰۶۳۵	۰/۰۰۴۵	۱/۰۴۲۶۷۹
نسبت معکوس میلز	۹۱۴/۳۴۸۲	۱/۹۶۲۸۴۶	۰/۰۴۹۸	۱/۰۱۶۹۷۳
ریسک پذیری صنعت	-۰/۰۸۲۳۳	-۳/۴۵۴۳۴۹	۰/۰۰۰۶	۲/۰۳۵۶۸
عدد ثابت	-۲۲۰۲/۸۶۲	-۲/۳۵۳۱۴۹	۰/۰۱۸۷	-
نتایج آزمون تحلیل واریانس:				
نتایج آزمون برونش پاگان (همسانی واریانس خطا):		آماره = ۴/۳۴۴۶۹۰ = معناداری = ۰/۰۰۰		
نتایج آزمون جارک-برا (نرمال بودن خطا):		آماره = ۰/۸۵۳۹۴۶ = معناداری = ۰/۷۵۴۹		
نتایج آزمون چاو:		آماره = ۲/۰۵۵۴۲۹ = معناداری = ۰/۳۵۷۸		
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۳۲۳۵۲۵		آماره = ۰/۸۶۵۲۸۴ = معناداری = ۰/۸۳۴۶		
آماره دورین واتسون (استقلال خطا) = ۲/۰۱۶۴۲۱				

با توجه به نتایج آزمون معناداری اثر افشای شفاف حساب‌های تعهدی و مقایسه سطح معناداری بدست آمده از آزمون تی-استودنت در جهت تعیین معناداری اثر این متغیر بر روی مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری ($p=0/0496$) با مقدار خطای ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که افشای شفاف حساب‌های تعهدی تاثیر معناداری بر روی تحریف ارقام تعهدی اختیاری شرکت داشته‌است. با توجه به ضریب تاثیر این متغیر در مدل تحقیق (۹۱۰/۶۶۱۷-) که در جهت معکوس بدست آمده می‌توان ادعا نمود که افشای شفاف حساب‌های تعهدی منجر به کاهش تحریف ارقام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها می‌گردد و از این رو اندازه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌هایی که افشای شفاف در خصوص فعالیت‌های حساب‌های تعهدی ارائه می‌دهند؛ کم‌تر می‌باشد. هم‌چنین رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی و افشای جزئی حساب‌های تعهدی در مدل رگرسیونی رابطه (۲) مورد آزمون قرار گرفت و نتایج در نگاره‌ی (۴) آورده شده‌است. با توجه به نتایج آزمون معناداری اثر افشای جزئی حساب‌های تعهدی و مقایسه سطح معناداری بدست آمده از آزمون تی-استیودنت در جهت تعیین معناداری اثر این متغیر بر روی مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی با مقدار خطای ۰۵.۰ مشاهده می‌شود که این معیار دارای تاثیر معکوس و معناداری بر روی تحریف در ذخیره موجودی کالای شرکت بوده‌است ($p=0/0004$). با توجه به ضریب تاثیر این متغیر در مدل تحقیق (۰/۰۰۴۲۲۱-) که در جهت معکوس بدست آمده می‌توان ادعا نمود که افشای هر یک از حساب‌های تعهدی شرکت (افشای جزئی) منجر به کاهش تحریف در ذخیره موجودی کالای شرکت می‌گردد و از این رو اندازه مدیریت سود

مبتنی بر تحریف ذخیره موجودی کالا در شرکت هایی که اطلاعات مربوط به هر یک از حساب‌های تعهدی را ارائه می‌دهند؛ کم‌تر است. لذا فرضیه اول تحقیق مورد تایید است. نتیجه بدست آمده از این فرضیه با نتیجه پژوهش‌های کانشونی و همکاران (۲۰۱۷)، کاسل و همکاران (۲۰۱۵) و بادرچر و همکاران (۲۰۱۱) همسو می‌باشد.

نگاره‌ی (۴): آزمون مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی و افشای جزئی حسابهای تعهدی

VIF	DISC_DTA		DISC_INV		DISC_AR		مدل
	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	متغیر مستقل
۳/۹۷۶۸۴	۰/۴۴۲۴	۲/۶۷E-۰۵	۰/۰۰۰۴	-	۰/۳۲۱۸	۹/۸۱E-۰۵	افشای جزئی حسابهای ذخیره‌های
۳/۴۴۷۹۱	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۱۷۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۸۸۲	اندازه شرکت
۱/۱۲۵۷۱	۰/۱۲۴۲	-	۰/۰۲۷۶	-	۰/۴۴۰۲	۰/۰۰۴۰۳۲	نسبت جریان وجوه نقد
۷/۰۷۸۲۶	۰/۰۰۰۷	-	۰/۰۰۵۲	-	۰/۷۸۹۸	۰/۰۰۰۸۶۱	بازده دارایی
۶/۵۰۴۴۱	۰/۰۰۰۵	-	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۶	۰/۰۰۰۴۵۸	زیان‌دهی
۷/۴۰۲۰۸	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۸۵	-	۰/۰۰۰۸۹	۰/۰۰۰۳۲۹	انتشار بدهی
۵/۷۳۶۹۵	۰/۰۰۳۶۱	-۹/۵۹E-۰۵	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵۵۲	رشد فروش
۲/۴۲۰۹۷	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۱۱	-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۵۶۶	رشد فروش صنعت
۱/۲۹۳۲۴	۰/۰۰۲۸	-	۰/۰۰۰۰	۰/۳۵۹۶۴۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۴۶۱۳	اهرم مالی
۲/۹۸۲۹۷	۰/۰۰۰۰	۲/۹۳E-۰۵	۰/۰۰۰۱	۰/۰۰۰۸۸۰	۰/۰۰۰۱	۷/۴۵E-۰۵	عمر شرکت
۷/۲۲۰۶۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱۸۶	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰۳	۰/۰۰۰۳۹۶	تحلیل‌گر مالی
۳/۶۹۹۵۵	۰/۰۰۰۰	-	۰/۴۴۵۰	۰/۰۰۴۸۸۶	۰/۰۰۶۰	۰/۰۰۱۴۶۴	مالکان نهادی
۶/۷۸۳۷۶	۰/۰۰۰۰	-	۰/۳۴۱۸	۰/۰۰۱۴۱۲	۰/۰۴۰۳	۰/۰۰۰۲۵۳	کیفیت حسابرسی
۶/۳۱۹۸۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۱۹۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۷۸۷۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۷۲۳	تخصص حسابرس
۸/۵۵۲۱۵	۰/۰۰۰۰	-۳/۷۷E-۰۵	۰/۱۳۶۲	-	۰/۰۵۴۴	-۳/۹۱E-۰۵	دوره تصدی حسابرس
۶/۱۱۵۳۷	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۰۹۳	ضعف کنترل داخلی
۳/۳۸۹۳۸	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۹۷۳	۰/۰۰۰۰	۰/۱۴۰۱۶۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۱۰۵۹	سهم بازار شرکت
۵/۳۷۹۶۶	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۹۴۱۰	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۶۴۲	نسبت معکوس میلز
۴/۱۸۴۷۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲۱۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۸۸۸۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۸۹۹	ریسک‌پذیری صنعت

VIF	DISC_DTA		DISC_INV		DISC_AR		مدل
	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	متغیر مستقل
۴/۱۷۱۶۸	۰/۸۶۳۲	۰/۱۹۱۰۲۴	۰/۵۳۳۷	۲۳/۶۸۸۸۹	۰/۰۰۰۶	-	نسبت تحریف به دارایی
-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۸۱۴۵	۰/۰۰۰۰	-	۰/۰۰۰۰	-	عدد ثابت
	۰/۰۰۰۰		۰/۰۰۰۰	۰/۱۹۲۵۱۷	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۳۳۲۳	تحلیل واریانس:
	۰/۶۵۱۹		۰/۲۹۸۶		۰/۱۱۳۲		بروش پاکان:
	۰/۴۱۹۲		۰/۶۳۲۶		۰/۳۰۹۴		چارک-بر:
	۰/۳۹۴۶		۰/۶۵۱۹		۰/۷۹۱۶		چاو:
	۰/۸۹۱۳		۰/۴۹۳۹		۰/۵۶۸۹		ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۱۵۵		۲/۰۱۷		۱/۹۸۸		آماره دوربین واتسون

برای بررسی رابطه بین مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی و نحوه افشای حساب های تعهدی رابطه (۳) را مورد آزمون قرار می دهیم. نتایج در نگاره ۵ آورده شده است. با توجه به نتایج این نگاره و آزمون معناداری اثر نحوه افشای حساب های تعهدی و مقایسه سطح معناداری بدست آمده از آزمون تی-استیودنت در جهت تعیین معناداری اثر این متغیر بر روی مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی اختیاری ($p\text{-value} = ۰/۸۳۳۷$) با مقدار خطای ۰/۰۵ می توان نتیجه گرفت که نحوه افشای حساب های تعهدی تاثیر معناداری بر روی تحریف اقلام تعهدی اختیاری شرکت نداشته است. به عبارت دیگر، اندازه مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی در شرکت هایی که حساب های ذخیره های را افشا می کنند، نسبت به شرکت هایی که این اطلاعات را ارائه نمی دهند، تفاوت معناداری نداشته است.

نگاره ۵. آزمون مدیریت سود مثبتی بر اقلام تعهدی اختیاری و نحوه افشای حسابهای

تعهدی

VIF	سطح معناداری	آماره t	ضریب	متغیر مستقل
۱/۵۳۴۳۱۶	۰/۸۳۳۷	-۰/۲۰۹۹۶۵	-۱۰/۹۸۶۶۷	SCEDULE_II
۳/۳۲۷۶۶۶	۰/۰۰۶۱	۲/۷۴۳۰۸۴	۱۵۷/۴۰۴۸	اندازه شرکت
۲/۱۵۶۴۶۷	۰/۲۲۰۴	۱/۲۲۵۸۲۰	۳۵۷/۲۰۷۱	نسبت جریان وجوه نقد
۱/۹۸۱۰۶۵	۰/۰۰۰۱	-۳/۹۹۱۶۹۱	-۲۴۶۵/۷۶۲	بازده دارایی
۱/۳۶۸۹۸۳	۰/۰۰۰۰	-۴/۰۶۶۴۵۵	-۲۵۰/۵۱۴۷	زیان دهی
۱/۰۴۹۴۱۱	۰/۰۹۹۵	-۱/۶۴۷۹۵۴	-۷۶/۹۷۲۵۱	انتشار بدهی
۱/۰۳۵۵۱۰	۰/۳۷۷۲	۰/۸۸۳۱۵۸	۴۶/۲۷۸۱۵	رشد فروش
۱/۰۴۷۴۳۹	۰/۰۱۳۵	-۲/۴۷۳۳۵۵	-۱۴۰/۸۲۴۲	رشد فروش صنعت

متغیر مستقل	ضریب	آماره t	سطح معناداری	VIF
اهرم مالی	۱۵۱۵/۵۶۴	۳/۷۹۷۸۳۴	۰/۰۰۰۱	۲/۸۷۹۲۳۲
عمر شرکت	۸/۶۰۷۵۹۱	۰/۹۸۰۴۴۴	۰/۳۲۷۰	۱/۱۲۹۲۳۳
تحلیل‌گر مالی	۱۶۹/۷۵۲۵	۳/۶۹۵۲۱۱	۰/۰۰۰۲	۱/۰۱۶۶۴۴
مالکان نهادی	۶۱۷/۲۲۰۴	۲/۲۹۰۱۹۳	۰/۰۲۲۱	۱/۰۴۵۲۵۹
کیفیت حسابداری	-۲۶/۲۲۵۴۵	-۰/۵۶۹۰۳۹	۰/۵۶۹۴	۱/۰۱۹۸۴۵
تخصص حسابرس	-۱۰/۵۷۰۷۳	-۰/۲۲۷۶۸۹	۰/۸۱۹۹	۱/۰۳۷۷۲۵
دوره تصدی حسابرس	-۴/۲۱۷۷۵۵	-۰/۴۷۶۳۰۷	۰/۶۳۳۹	۱/۱۲۹۶۴۴
ضعف کنترل داخلی	۷۶/۵۹۸۹۲	۱/۶۵۸۳۸۲	۰/۰۹۷۴	۱/۰۲۴۳۴۹
سهم بازار شرکت	-۱۹۲۹/۲۳۶	-۲/۰۳۱۴۱۷	۰/۰۴۲۳	۱/۰۴۵۳۶۶
ریسک پذیری صنعت	۱/۹۳۰۷۳۴	۰/۹۴۲۶۱۰	۰/۳۴۶۰	۱/۵۱۴۹۶۵
عدد ثابت	-۲۵۱۶/۰۸۳	-۲/۷۱۵۵۶۹	۰/۰۰۶۷	-
نتایج آزمون تحلیل واریانس:		آماره = ۴/۱۷۸۳۲۹		معناداری = ۰/۰۰۰
نتایج آزمون بروش پاگان:		آماره = ۰/۹۵۱۸۶۲		معناداری = ۰/۵۱۷۸
نتایج آزمون جارک-برا:		آماره = ۳/۴۷۹۰۷۱		معناداری = ۰/۱۷۵۶
نتایج آزمون چاو:		آماره = ۰/۸۷۰۵۰۵		معناداری = ۰/۸۲۴۲
ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۲۲۲۳۸۱				
آماره دوربین واتسون = ۲/۰۲۱۳۳۵				

در ادامه به منظور بررسی رابطه بین مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی و افشای جزئی حساب‌های تعهدی مدل رگرسیونی رابطه (۴) را به تفکیک برای هر یک از معیارهای تحریف در ذخیره موجودی کالا، تحریف در ذخیره حساب‌های دریافتی و تحریف در درآمدهای مشمول مالیات برآزش داده شده و نتایج در نگاره‌ی ۶ آمده است.

نگاره‌ی (۶). آزمون مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حسابهای تعهدی و نحوه افشای حسابهای

تعهدی

VIF	DISC_DTA		DISC_INV		DISC_AR		مدل
	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	معناداری	ضریب	متغیر مستقل
۲/۹۶۰۵۶	۰/۰۰۴۳	-۰/۰۰۰۱۰۲	۰/۸۶۱۳	-۰/۰۰۰۲۱۸	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۳۸۱	SCEDULE_II
۳/۲۱۳۴۳	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۵۲۵	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۰۸۵۳	۰/۰۰۰۴	۰/۰۰۰۶۵۲	اندازه شرکت
۱/۱۱۹۶۱	۰/۰۰۵۲۲	-۰/۰۰۳۶۷۴	۰/۰۰۵۶	-۰/۱۸۵۱۲۱	۰/۱۷۲۸	-۰/۰۰۷۶۲۳	نسبت جریان وجوه نقد
۶/۳۹۳۵۸	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۵۸۴۳	۰/۰۰۰۰	-۰/۲۱۲۴۰۲	۰/۰۲۹۵	-۰/۰۰۷۱۸۳	بازده دارایی
۶/۰۷۹۷۱	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲۱۲	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۸۴۱۴	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۶۷۳	زیان دهی
۸/۰۱۰۱۶	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲۲۵	۰/۰۰۱۵	-۰/۰۰۵۳۲۷	۰/۰۰۲۳	-۰/۰۰۰۴۲۹	انتشار بدهی
۵/۵۰۶۲۰	۰/۴۰۱۷	-۳/۸۸E-۰۵	۰/۰۰۱۲	-۰/۰۰۵۳۱۹	۰/۰۲۴۶	-۰/۰۰۰۳۰۸	رشد فروش
۲/۴۲۶۷۲	۰/۰۴۰۶	-۵/۸۳E-۰۵	۰/۵۰۴۵	-۰/۰۰۰۶۷۰	۰/۰۰۱۱	-۰/۰۰۰۲۷۵	رشد فروش صنعت
۱/۲۹۲۶۸	۰/۰۰۵۴	-۰/۰۰۲۳۸۱	۰/۰۰۰۰	۰/۳۵۶۳۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۲۴۹۶۷	اهرم مالی
۲/۸۵۶۵۳	۰/۰۰۰۰	۲/۸۴E-۰۵	۰/۰۲۵۸	۰/۰۰۰۵۳۶	۰/۰۰۰۶	۶/۹۷E-۰۵	عمر شرکت
۶/۸۲۸۰۱	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲۴۱	۰/۰۱۸۹	-۰/۰۰۳۱۶۲	۰/۱۴۵۰	-۰/۰۰۰۱۶۴	تحلیل گز مالی
۳/۵۶۹۲۵	۰/۰۰۰۳	-۰/۰۰۰۶۹۰	۰/۰۴۵۲	۰/۰۱۳۴۰۵	۰/۳۲۲۴	-۰/۰۰۰۵۵۴	مالکان نهادی
۵/۷۷۵۹۷	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲۳۱	۰/۷۵۵۲	۰/۰۰۰۴۹۲	۰/۱۶۳۵	۰/۰۰۰۱۸۴	کیفیت حسابرسی
۶/۲۳۱۴۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۲۱۹	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۹۱۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۰۸۴۶	تخصیص حسابرس
۸/۲۶۸۲۵	۰/۰۰۰۰	-۴/۹۲E-۰۵	۰/۰۰۱۶	-۰/۰۰۰۸۰۸	۰/۰۰۰۱	-۸/۵۶E-۰۵	دوره تصدی حسابرس
۶/۲۲۸۸۸	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲۹۹	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۱۳۲۷۶	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۱۰۷۹	ضعف کنترل داخلی
۳/۳۳۷۵۴	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۱۸۷۹	۰/۰۰۰۰	۰/۱۴۱۱۲۲	۰/۰۰۰۰	۰/۰۱۰۶۵۶	سهم بازار شرکت
۸/۴۲۲۸۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۲۶۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۹۱۰۰	۰/۰۰۰۰	-۰/۰۰۰۷۲۲	ریسک پذیری صنعت
۴/۱۷۰۷۴	۰/۸۱۴۵	۰/۲۶۹۰۱۴	۰/۳۶۹۶	۳۶/۳۲۵۸۹	۰/۰۰۲۰	-۱۰/۵۰۳۶۱	نسبت تحریف به دارایی
-	۰/۰۰۰۰	۰/۰۰۸۹۴۳	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۳۶۵۹۳	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۱۰۱۹۰	عدد ثابت
	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		تحلیل واریانس:
	۰/۰۶۰۳		۰/۰۶۴۲		۰/۱۱۹۵		پروش پآگان:
	۰/۶۲۷۰		۰/۱۲۵۹		۰/۶۹۴۸		جارک-بر:
	۰/۱۵۳۶		۰/۲۴۶۵		۰/۲۵۳۶		چاو:
	۰/۸۸۳۷۱۰		۰/۴۲۷۶۲۰		۰/۵۰۳۸۶۷		ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۱۶۰۶۴۵		۲/۰۴۳۴۳۹		۲/۰۲۴۵۶۷		آماره دوربین واتسون

با توجه به نتایج آزمون معناداری اثر نحوه افشای حساب‌های تعهدی و مقایسه سطح معناداری بدست آمده از آزمون تی-استودنت در جهت تعیین معناداری اثر این متغیر بر روی مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی با مقدار خطای ۰/۰۵ مشاهده می‌شود که نحوه افشای حساب‌های تعهدی دارای تاثیر معکوس و معناداری بر روی تحریف ذخیره حساب‌های دریافتی و تحریف درآمدهای مشمول مالیات شرکت بوده است. با توجه به

ضریب تاثیر این متغیر بر روی تحریف ذخیره حساب‌های دریافتی (۰/۰۰۳۸۱-) که در جهت معکوس بدست آمده می‌توان ادعا نمود که اندازه مدیریت سود مثبتی بر ذخیره حساب‌های دریافتی در شرکت‌هایی که حسابهای ذخیره‌ای را افشا می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که این اطلاعات را افشا نمی‌کنند؛ کم‌تر بوده‌است. هم‌چنین ضریب تاثیر این متغیر بر روی تحریف درآمدهای مشمول مالیات (۰/۰۰۱۰۲-) نیز در جهت معکوس بدست آمده که موید نتیجه پیش گفته‌است. لذا فرضیه دوم تحقیق با استناد به نتایج این مدل در سطح خطای ۰/۰۵ مورد تایید قرار گرفته‌است. در بررسی معنی‌دار بودن تمامی مدل‌های رگرسیونی، با توجه به اینکه مقدار احتمال معنی‌داری آزمون تحلیل واریانس (F فیشر) از ۰/۰۵ کوچک‌تر است، با اطمینان ۹۵ درصد معنی‌دار بودن تمامی مدل‌های پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. نتایج برآورد آماره دوربین‌واتسون در جهت تایید استقلال اجزای خطا نشان می‌دهد در تمامی مدل‌های پژوهش فرض استقلال اجزای خطا را نمی‌توان رد کرد. نتایج آزمون جارک‌برا در جهت تایید نرمال بودن توزیع تجربی اجزای خطا نیز با سطح معناداری بیشتر از ۰/۰۵ در تمامی مدل‌های پژوهش نشان از نرمال بودن اجزای خطای مدل‌ها دارد. آزمون بروش‌یاگان نیز به منظور تایید همسانی واریانس اجزای خطای مدل‌های پژوهش انجام شده‌است که سطح معناداری این آزمون برای تمامی مدل‌ها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بدست آمده که موید همسانی واریانس اجزای خطای مدل است. مقادیر شاخص VIF در جهت سنجش عدم هم‌خطی میان متغیرهای مستقل پژوهش کوچک‌تر از مقدار بحرانی ۱۰ بدست آمده‌اند که نشان از عدم وجود هم‌خطی شدید میان متغیرهای مستقل تحقیق دارد. علاوه‌براین میزان ضریب تعیین تعدیل شده تمامی مدل‌ها گویای میزان تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیر مستقل می‌باشد. نتیجه بدست آمده با نتیجه پژوهش‌های کاسل و همکاران (۲۰۱۵) و کیاتی کولواتانا (۲۰۱۴) همسو می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان‌داد افشای شفاف حساب‌های تعهدی تاثیر معناداری بر روی تحریف اقلام تعهدی اختیاری شرکت داشته‌است و از آنجا که ضریب تاثیر این متغیر در مدل تحقیق در جهت معکوس بدست آمد می‌توان ادعا نمود که افشای شفاف حساب‌های تعهدی منجر به کاهش تحریف اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌ها می‌گردد. هم‌چنین نتایج آزمون معناداری اثر افشای جزئی حساب‌های تعهدی در ذخیره موجودی کالا و مقایسه سطح معناداری بدست آمده

از آزمون در جهت تعیین معناداری اثر این متغیر بر روی مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی نشان داد که افشای جزئی حساب‌های تعهدی در ذخیره موجودی کالا تاثیر معناداری بر روی تحریف حساب‌های تعهدی شرکت داشته‌است و با توجه به ضریب تاثیر این متغیر در مدل تحقیق که در جهت معکوس بدست آمد می‌توان ادعا نمود که افشای هر یک از حساب‌های تعهدی شرکت (افشای جزئی) منجر به کاهش تحریف در ذخیره حساب‌های تعهدی می‌گردد و از این رو اندازه مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی در شرکت‌هایی که اطلاعات مربوط به هر یک از حساب‌های تعهدی را ارائه می‌دهند؛ کم‌تر است. لذا فرضیه اول تحقیق مورد تایید قرار گرفت. مطابق با یافته‌های این فرضیه، افزایش شفافیت اطلاعات شرکت‌ها در ذخیره حساب‌های تعهدی منجر به کاهش معیار مدیریت سود از منظر هر دو شاخص ارقام تعهدی اختیاری و سایر حساب‌های تعهدی می‌گردد. نتایج تحقیقات پیشین از جمله کاسل و همکاران (۲۰۱۵) و کیاتی و کولواتانا (۲۰۱۴) نیز حاکی از آن است که کیفیت افشا و سطح شفافیت افشای شرکت‌ها دارای اثرات معناداری بر روی انگیزه‌های دستکاری سود و معیارهای مدیریت سود در شرکت‌ها است. همچنین نتایج نشان داد که نحوه افشای حساب‌های تعهدی تاثیر معناداری بر روی تحریف ارقام تعهدی اختیاری شرکت نداشته‌است. اندازه مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی در شرکت‌هایی که حساب‌های ذخیره‌ای را در صورت‌های مالی و یادداشت‌های همراه و یا گزارش هیئت مدیره ارائه می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که این اطلاعات را، افشا نمی‌نمایند؛ تفاوت معناداری نداشته‌است. اما نتایج آزمون معناداری اثر نحوه افشای حساب‌های تعهدی بر روی مدیریت سود مبتنی بر ذخیره حساب‌های تعهدی نشان از معناداری تاثیر نحوه افشای حساب‌های تعهدی بر روی تحریف ذخیره حساب‌های تعهدی شرکت داشته‌است و با توجه به ضریب تاثیر این متغیر در مدل تحقیق که در جهت معکوس بدست آمد می‌توان ادعا نمود که اندازه مدیریت سود مبتنی بر حساب‌های تعهدی در شرکت‌هایی که حساب‌های ذخیره‌ای را ارائه می‌کنند، نسبت به شرکت‌هایی که اطلاعات، افشا نمی‌نمایند؛ کم‌تر بوده‌است. لذا فرضیه دوم تحقیق مورد تایید قرار گرفته‌است. مطابق با یافته‌های این فرضیه، شفافیت افشا در ذخیره حساب‌های تعهدی ارتباط معناداری با ارقام تعهدی اختیاری نشان نداده‌است اما نقش آن در کاهش تحریف ذخیره حساب‌های تعهدی و مدیریت سود مبتنی بر این ارقام معنادار بدست آمده‌است. با استناد به یافته‌های تحقیق و با توجه به تاثیر معنادار افشای ذخیره حساب‌های

تعهدی در کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی (ارقام تعهدی اختیاری و سایر ارقام) پیشنهاد می‌شود جهت سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها، سطح افشای ذخایر تعهدی شرکت مورد توجه سرمایه‌گذاران و در نتیجه هزینه‌های کمتر سرمایه همراه خواهد بود. مبتنی بر عدم تاثیر معنادار نحوه افشای ذخیره حساب‌های تعهدی (افشای شفاف و افشای جزئی) در کاهش مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری و از طرفی تاثیر معنادار آن بر تحریف سایر ارقام تعهدی به سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران مالی پیشنهاد می‌شود، مدیریت سود مبتنی بر ارقام تعهدی اختیاری را به عنوان تنها مرجع تشخیص مدیریت سود در شرکت قرار نداده و ابزارهای دیگر سنجش تحریف حساب‌های تعهدی را نیز لحاظ نمایند. هم‌چنین جبر سازمان بورس بر کیفیت افشای ارقام تعهدی شرکت‌ها نیز می‌تواند به افزایش اطمینان در بازار سرمایه و کاهش مدیریت سود در شرکت‌ها کمک نماید. با توجه به پژوهش صورت گرفته به محققان پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی مدل نظری تحقیق حاضر را به تفکیک صنعت مورد بررسی قرار داده و نقش ساختار صنعت در رابطه بین متغیرهای تحقیق مورد ارزیابی قرار گیرد، هم‌چنین پیشنهاد می‌شود نقش شاخص‌های حاکمیتی در بکارگیری انواع ابزارهای مدیریت سود در مدل نظری تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

- استاسهراب. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ساختار مالکیت و مدیریت سود. پژوهش‌های حسابداری مالی. دوره ۳. شماره ۲. صص ۱۰۶-۹۳.
- بشیرمنش، نازنین. رحمانی، علی و موسوی، میرحسین. (۱۳۹۵). پیامدهای افشای اختیاری: رویکرد معادلات ساختاری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵. شماره ۴. صص ۱۸۶-۱۶۱.
- حقیقت، حمید؛ نعمتی کشتلی، رضا و علوی، مصطفی. (۱۳۹۳). شفافیت اطلاعات و نقدشوندگی سهام. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۳، شماره ۴، صص ۸۵-۹۸.
- مشایخ، شهناز و سادات نصیری، سپیده. (۱۳۹۵). بررسی تاثیر شفافیت گزارشگری مالی بر مربوط بودن ارزش سود حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۵۴-۱۲۷.
- مشایخی، بیتا. مهرانی، ساسان. مهرانی، کاوه و کرمی، غلامرضا. (۱۳۸۴). نقش ارقام تعهدی اختیاری در مدیریت سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۷۴-۶۱.

نوروش، ایرج؛ مهرانی، کاوه و عارف منش، زهره. (۱۳۸۵). ویژگی شرکت‌های هموارساز، فصلنامه بصیرت، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۳۲-۵۵.

- Alavi, M. ; Nemati koshteli R. & Haghghat, H. (2014). Information Transparency and Stock Liquidity. *Journal of Empirical Research in Accounting, Vol. 3, No. 4*, PP. 85-98. (in Persian)
- Badertscher. B. A, Collins. D. W, Lys. T. Z. (2011). Discretionary accounting choices and the predictive ability of accruals with respect to future cash flows. *Journal of Accounting and Economics*, Doi: 10. 1016
- Bashirimanesh, N. ; Rahmani, A. & Mosavi, M. (2016). Consequences of Voluntary Disclosure: Structural Equation Modeling Approach. *Journal of Empirical Research in Accounting, Vol. 5, No. 4*, PP. 161-186. (in Persian)
- Berger, P. G. , Chen, H. & Li, F. (2006). Firm specific information and the cost of equity capital. *Journal EFA, Zurich Meetings. psu. edu*, pp1-36.
- Cassell, C. A. , Myers, L. A. Seidel T. A. (2015). Disclosure transparency about activity in valuation allowance and reserve accounts and accruals-based earnings management. *Accounting, Organizations and Society, Vol 46*, PP 23-38.
- Consoni, S. , Colauto, R. D. & Sampaio Franco de Lima, G. A. (2017). Voluntary disclosure and earnings management: evidence from the Brazilian capital market. *Revista Contabilidade & Finanças, vol. 28, no. 74*.
- Cutillas Gomariz, M. F. , Sanchez Ballesta, J. P. (2014). Financial reporting quality, debt maturity and investment efficienc. *Journal of Banking and finance, Vol 40*, Pp. 494-506
- Kiattikulwattana P. (2014). Earnings management and voluntary disclosure of management's responsibility for the financial reports. *Asian Review of Accounting, Vol. 22, Iss: 3*, pp. 233 - 256
- Lee, C. J. , L. Y. Li and H. Yue. (2006). Performance, growth and earnings management. *Review of Accounting Studies, Vol 11*. Pp. 305-334.
- Mashayekh, B. ; Mehrani, S. ; Mehrani. K. & Karami. Gh. (2006). Discretionary Accruals on Earning Management in Tehran Stock Exchange. *Journal of the Accounting and Auditing Review, Vol. 12, No. 4*, PP. 61-74. (in Persian)
- Mashayekh, Sh. & Sadat Nasiry, S. (2016). the impact of financial reporting Transparency on value relevance of accounting information: evidence of Tehran Security Exchange. *Journal of Empirical Research in Accounting, Vol. 5, No. 3*, PP. 127-154. (in Persian)
- Noravesh, I. ; Mehrani, K. & Arefmanesh, Z. (2006). Smothers company Specification. *Basirat Journal, Vol. 14, No. 38*, PP. 32-55 (in Persian)

- Osta, S. (2011). Investigating the relationship between Ownership Structure and Earning Management. *Financial Accounting Research*, Vol. 3, NO. 2, PP. 93-106. (in Persian)
- Zang, A. (2012). Evidence on the trade-off between real activities manipulation and accrual-based earnings management. *The Accounting Review*, Vol. 87, no. 2, PP. 675–703.

Disclosure Transparency related to Activity in Valuation of Reserve Accounts and Accruals-Based Earnings Management

Zahra Amirhosseini¹, Omid Hadianpoor²

Received : 2016/12/05

Approved: 2017/11/11

Abstract

This study is aimed to evaluate disclosure transparency related to activity in valuation of reserve accounts and accruals-based earnings management. This study is a descriptive-correlation, applied and post-event research. The statistical population of the research consists of all companies listed in Tehran stock exchange during the period from 2009 to 2014. The sample consists of 125 companies selected through systematic sampling. Research data is extracted from financial statements of companies and analyzed by regression models in panel data method using Eviews 7 software. Findings show that transparent disclosure of accrual accounts has a significant indirect effect on the accrual-based earnings management. Also the findings indicate that the level of accrual-based earnings management is not different between the firms providing reserve accounts in financial statements, explanatory notes or the Board's report to the general assembly and the firms not doing so.

Keywords: Disclosure Transparency, Earnings Management, Valuation Reserve Accounts.

Jel clacification: M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12948.1524

¹ Associate prof. Shahr-e-Qods Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran, Correspondence Author, (z.amirhosseini@qodsiau.ac.ir)

² Msc. of Accounting Electronic Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran, (omidhadianpoor@yahoo.com)

Agency Costs and Tax Gap

Reza Jamei¹, Hojjat raman²

Received : 2016/11/22

Approved: 2018/04/30

Abstract

This research investigates the effect of agency costs on tax gap with structural equation modeling approach. To do this, the information has been collected from audited financial statements of firms listed in Tehran stock exchange for a seven-year period from 2006 to 2014. In order to measure agency costs (latent variable) as the independent variable, observable variables have been used like: asset utilization ratio, discretionary expenses, company size, tobins q ratio and free cash flow ratio. Tax gap as dependent variable is calculated using the different of determined tax and declared tax. Profitability and financial leverage ratio are the control variables. After ensuring that measurement patterns and structure of research are acceptable, the results show that agency costs have a negative effect on tax gap, although its intensity is not statistically significant. Also, there is no significant relationship between the control variables (profitability and financial leverage) and the tax gap.

Keywords: Agency costs, Tax gap, Tax avoidance, Tax Evasion, Structural equation modeling.

Jel clacification: H26.

DOI: 10.22051/jera.2018.12782.1515

¹ Associate Prof of Accounting and Official accountant, University of Kurdistan (UOK) & ICPA, Kurdistan, Iran, (r.jamei@uok.ac.ir)

² M.Sc. of Accounting, University of Kurdistan (UOK) , Kurdistan, (Iranhojjatraman@gmail.com)

Business Strategies and Corporate Financial Performance

Mohammad Marfou¹, Robab Shakeri²

Received : 2017/01/16

Approved: 2017/08/29

Abstract

This study investigates the relation between a company's internal factors (maturity and financial flexibility) and its business strategy and the relation between business strategy and financial performance (risk and return). Finally, the impact of industry (market volatility and competition in the industry) on the relation between internal factors and the company's business strategy has been investigated. To assess the type of companies' applied strategy (aggressive or defensive), the Ittner and Larcker) 1997) scoring system is used. For statistical analysis, multivariate regression model with two control variables (firm size and financial leverage) is used. The sample consists of 168 companies listed in Tehran Stock Exchange for the period from 2011 to 2015. The results show that the more mature and financially flexible a company is, the more defensive business strategy it has. In addition, the more aggressive business strategy of a company, the more asset returns and the less specific risk. The results also show that higher market volatility and industry competitiveness do not have any amplifying effect on the relation of the maturity and financial flexibility of a company to its business strategy.

Keywords: Business Strategy, Firm Maturity, Financial Flexibility, Company's specific Risk, Return On Assets (ROA).

Jel clacification: M41,L1

DOI: 10. 22051/jera. 2017. 12670. 1507

¹ Assistant professor of Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran, (marfoua@gmail.com)

² Msc student of Accounting, Allameh Tabatabaee University, Tehran, Iran, (shakeriexe@gmail.Com)

Managerial Overconfidence and Unqualified Audit Opinion

Maryam Semyari¹, Bahman Banimahd²

Received : 2016/10/19

Approved: 2017/10/07

Abstract

Overconfidence is one of the most important personal characteristics of managers. Theoretically, Manager's riskiness is directly related to this characteristic. The Possibility of unqualified opinion increases, if the auditor recognizes this personality trait of the managers and overestimates financial reporting risk due to Managerial Overconfidence. This study is aimed to determine the relationship between Managerial Overconfidence and Unqualified Audit Opinion in firms listed in Tehran Stock Exchange. This research uses the library research to collect theoretical basics and data and applies correlation method to test the hypothesis. The statistical population includes all listed companies in Tehran Stock Exchange and the sample consists of 66 companies during the period from 2007 to 2014. The logistic regression method is used to test the hypotheses of the research. The results show that Managerial Overconfidence has significant and negative relationship with Unqualified Audit Opinion. That means any increase of Managerial Overconfidence decreases the possibility of Unqualified Audit Opinion.

Keywords: Managerial Overconfidence, Unqualified Audit Opinion, Financial Reporting, Logistic Regression.

Jel clacification: M42

DOI: 10.22051/jera.2017.12244.1477

¹ Master Student of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch (maryamsemyari1988@yahoo.com)

² Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University, Karaj Branch (Dr.banimahd@gmail.com)

The Application of Client's Computer Accounting Information System Capabilities in the Implementation of Analytical Procedures by Auditors

Mahdi Moradi¹, Mohammad Ali Bagherpour Velashani²,
Abdollah Azad³, Mostafa Ghannad⁴

Received : 2016/10/16

Approved: 2017/06/16

Abstract

“Analytical procedures” means the analysis of significant ratios and trends including the tracking the financial and non-financial fluctuations and relations that are inconsistent with other relevant information or deviate from predicted amounts. Auditors are required to use analytical procedures at least in the planning and the overall review stages. The aim of this study is to evaluate the use of client's computer accounting information system capabilities in the implementation of analytical procedures by auditors. Some information necessary for implementation of analytical procedures are obtained from the client's computer accounting system. In addition, because of the more capacity of income statement accounts for implementation of analytical procedures, the system capabilities will be more used in audit of income statement items than balance sheet items. For the study, a questionnaire is sent to Iranian CPAs and eventually 92 responses are received. The results indicate the use of the client computer accounting information system capabilities in the implementation of analytical procedures. Also, analytical procedures are more used for income statement items than the balance sheet items. In addition, there is no significant difference between men and women in the use of computer accounting information system capabilities in implementation of Analytical procedures. But, those with less work experience, higher education than a bachelor's degree, and more familiarity with computer information system, use the higher level of accounting information system capabilities in implementation of analytical procedures.

Keywords: Auditing Standards, Analytical Procedures, Computer Accounting Information Systems.

Jel clacification: H42, L86, C88

DOI: 10.22051/jera.2017.12185.1471

¹ Professor of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
(Mhd_Moradi@um.ac.ir)

² Associate Professor of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran
(BagherPour@um.ac.ir)

³ Ph. D Student of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.
(Abdollah@Yahoo.Com)

⁴ Phd. Student of Accounting, Ferdowsi University of Mashhad, Tehran, Iran
(Ghannad@Stu.um.ac.Ir)

Who is in Favor of "True and Fair View" ("Properly Drawn Up" in Iran) Vagueness?

Yahya Hassas Yeganeh¹, Marzieh Tohidinejad²

Received : 2016/10/14

Approved: 2017/12/11

Abstract

British vague and without definition concept the "True and Fair View", by crossing national boundaries has been transformed to an international concept in financial reporting area. By translating this concept from English to Persian, it has entered to Iran in new words of "Properly Drawn Up". In spite of changes in the words because of long geographical and cultural journey, the vagueness of this concept is fixed and alive. The question of this research is that who is in favor of this vagueness? With the use of content Analysis methodology, this study tries to answer this question. Although the majority of findings show the benefits of this vagueness for accountants, auditors and accounting standard setters, it should be confessed that only by reinforcing professional ethics of financial statements providers, this vagueness will benefit to all parties involved in financial reporting process.

Keywords: Vagueness, Properly Drawn Up, True and Fair View (TFV), financial reporting.

Jel clacification: M42

Convergence of Earnings Quality Measurement Models

Mahdi Kazemi Olum,¹ Mostafa Abdi,² Mohsen Khotanlu,³
Mozhde Jafari⁴

Received : 2016/10/12

Approved: 2017/11/11

Abstract

Given the increasing importance of the concept "earnings quality", various models and criteria for its evaluation have been presented. The literature review of the subject of research has shown that, firstly, various definitions have been proposed for the concept "earnings quality", and secondly, different earnings quality models have the different describing and explaining power. In other words, the question that has led to this research is whether there is a convergence among the various criteria of earnings quality. In fact, this study examines whether the lack of unity in the earnings quality definitions is also evident in its measurement models or not. In order to answer this question, the earnings quality based on the five models of Dechow and Dichev (2002), the McNichols model (2002), the Ball and Shivakumar model (2006), the Kasznik model (1999) and the McNichols and Stubben model (2008) for 155 The company listed in Tehran Stock Exchange during the years 2009 to 2015 is estimated. Then, the convergence of these variables is analyzed using correlation test. The results of the research hypothesis test show that there is no perfect convergence among the different criteria of earnings quality.

Keywords: Accruals, Earnings Quality, Financial Reporting Quality, Convergence.

Jel clacification: M40, M41

DOI: 10.22051/jera.2017.12125.1465

¹ Ph.D. Student of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (mkolum1361@gmail.com)

² Ph.D. Student of Accounting, Faculty of Management and Accounting, Islamic Azad University, Qazvin, Iran. (abdi_accounting@yahoo.com)

³ Instructor, Faculty of Economic and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamadan, Iran. (mkhotanlu@basu.ac.ir)

⁴ MSc, of Accounting, (jafari.mozhdeh@yahoo.com)

Discretionary Disclosure of Corporate Governance and Financial Performance

Pari Chalaki¹, Farzad Ghayour², Kaveh Bagheri³

Received : 2016/09/23

Approved: 2018/07/18

Abstract

In recent years, a lot of researches have been done in the field of corporate governance and its features, but the impact of discretionary disclosure of information in the form of financial and non-financial reports on the financial performance of companies, is a new subject. So, the aim of this study is to investigate the relationship between discretionary disclosures of corporate governance and the financial performance of companies listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2008 to 2013. In order to analyze the research data, multivariate regression model and Eviews software are used. The research uses discretionary disclosure of corporate governance score as the independent variable and considers total returns on asset (ROA) and Tobin's Q ratios as criteria for evaluating financial performance. In order to test the hypotheses, multivariate regression model is used based on the data of 108 firms. The results demonstrate that there is a significant positive relationship between the discretionary disclosure of corporate governance and the total returns on asset (ROA) as well as Tobin's Q ratio as financial performance evaluation criteria.

Keywords: Corporate Governance, Voluntary Disclosure of corporate governance, Financial Performance.

JEL Classification: M40, M41

DOI: 10.22051/jera.2018.11873.1447

¹ Assistant Professor of accounting, Urmia University, (p.chalaki@urmia.ac.ir)

² Assistant Professor of accounting, Urmia University, (f.ghayour@urmia.ac.ir)

³ MSc. of accounting, Urmia University, (k.bagheri24@yahoo.Com)

Real Earnings Management Reversal and Long-Term Operating Performance

Elnaz Tajvidi¹, Hosein Ameri²

Received : 2016/09/17

Approved: 2018/04/21

Abstract

This research is aimed to answer the fundamental question whether there is a significant relationship between return of discretionary reduction of general, sale, and administrative expenditures and reduction of the future performance. The question is presented as two hypotheses. Earnings management is measured using the benchmark for reducing of general, sale and administrative expenditures. The Statistical population of the research includes all firms listed in Tehran Stock Exchange. The sample consists of 114 listed firms during the period from 2011 to 2016. Panel data analysis method, multivariate linear regression and Eviews9 software are used to test hypotheses and estimate coefficients. The results indicate that there is no significant relation between the return of discretionary reduction of general, sale and administrative expenses, and the reduction of future performance. But there is a significant relationship between the return of discretionary reduction in sales, general and administrative expenses, and the company limitation in earnings management of accruals.

Keywords: Real Earnings Management, Real Earnings Management Reversal, accruals restrictions, General, Sale and Administrative Expenses.

Jel classification: G10,G11

DOI: 10.22051/jera.2017.11782.1435

¹ Assistant Professor of Accounting, School of management accounting and Shahid Beheshti University of Tehran, Tehran, (Irelnaztaj@gmail.com)

² Phd student of Accounting, Mazandaran University, Mazandaran, Iran, (hosein.ameri67@yahoo.com)

Financial Reporting Quality and Sustainability Information Disclosure

Mohamad Kashanipour,¹ Gholamreza Jandaghi,² Mohamad Rahmani³

Received : 2016/08/08

Approved: 2017/06/24

Abstract

Since some firms may use sustainability reports as a means of legitimacy to their performance and cover their deficiencies related to the quality of financial reporting through this information, this study is aimed to investigate the relationship between the quality of financial reporting and sustainability information disclosure in order to identify the firms having truly social responsibility. This study is a descriptive-analytical and applied research. This study uses multivariate regression model and ordinary least squares method for pattern fitting and the panel data as the data type. Also, Eviews9 is used for the model estimation. The sample consists of 92 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period 2010 to 2014. The results show a positive and significant relation of earnings management, conservatism and accrual quality to sustainability information disclosure, but, no significant relation between sustainability information disclosure and mandatory disclosure index. According to the results, firms doing earnings management use the sustainability information disclosure as an alternative to poor reporting quality. The more conservative firms and those with higher accruals quality, use sustainability information to complement the quality of their reporting. But we cannot comment on the firms' purpose of sustainability information disclosure, according to mandatory disclosure index.

Keywords: Financial Reporting Quality, Sustainability Information, Corporate Social Responsibility.

Jel clacification: M41, G32

DOI: 10.22051/jera.2017.11186.1388

¹ Associate professor of accounting, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran, corresponding author, (kashanipour@ut.ac.ir)

² Professor of Public Management, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran, (jandaghi@ut.ac.ir)

³ Phd. Student of accounting, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran, (mohamdrahmani1371@yahoo.com)

Table of content

Financial Reporting Quality and Sustainability Information Disclosure.....	1
Mohamad Kashanipour, Gholamreza Jandaghi, Mohamad Rahmani	
Real Earnings Management Reversal and Long-Term Operating Performance.....	23
Elnaz Tajvidi , Hosein Ameri	
Discretionary Disclosure of Corporate Governance and Financial Performance.....	39
Pari Chalaki, Farzad Ghayour, Kaveh Bagheri	
Convergence of Earnings Quality Measurement Models.....	61
Mahdi Kazemi Olum, Mostafa Abdi, Mohsen Khotanlu, Mozhde Jafari	
Who is in Favor of "True and Fair View" ("Properly Drawn Up" in Iran) Vagueness?.....	83
Yahya Hassas Yeganeh, Marzieh Tohidinejad	
The Application of Client's Computer Accounting Information System Capabilities in the Implementation of Analytical Procedures by Auditors.....	111
Mahdi Moradi, Mohammad Ali Bagherpour Velashani, Abdollah Azad, Mostafa Ghannad	
Managerial Overconfidence and Unqualified Audit Opinion.....	135
Maryam Semyari , Bahman Banimahd	
Business Strategies and Corporate Financial Performance.....	157
Mohammad Marfou, Robab Shakeri	
Agency Costs and Tax Gap.....	185
Reza Jamei, Hojjat raman	
Disclosure Transparency related to Activity in Valuation of Reserve Accounts and Accruals-Based Earnings Management.....	211
Zahra Amirhosseini, Omid Hadianpoor	

Licence Holder: Alzahra University

Director: Hoseini, Seyed Ali (Assist. Prof. Alzahra University)

Editor in chief: Rahmani, Ali (Prof. Alzahra University)

Scientific and Literally Editor: Amir Mohamadi

English Editor: Ebrahimi, Elaheh

Lay out editor: Esfandi, Khadijeh

Journal Expert: Amirikhah, Mahnaz

Print and Binding: Ramtin Publishing

Editorial Board

Ahmadpour, Ahmad, Proffessor of Mazandaran University

Pourheidari, Omid, Proffessor of Baahonar University

Hejazi, Rezvan, Proffessor of Alzahra University

Khalifesoltani, Seyed Ahmad, Associate Proffessor of Alzahra University

Rahmani, Ali, Proffessor of Alzahra University

Sajadi, Hosein, Proffessor of Shahid Beheshti University

Soleimani Amiri, Gholamreza, Associate Proffessor of Alzahra University

Mashayekh, Shahnaz, Associate Proffessor Alzahra University

Mashayekhi, Bita, Associate Proffessor Tehran University

Mehrani, Sasan, Associate Proffessor of Tehran University

Address: Alzahra University, Vanak, Tehran-Iran. P. O Box 1993891176

Tel & Fax: (+9821) 88212578

Website: <http://journals.alzahra.ac.ir/jera>

Email: jera@alzahra.ac.ir

In the Name of God



Alzahra university

Quarterly Journal of

Empirical Research in Accounting

Autumn 2018, Vol 8, Number 29